

مجموعه

تست اقتصاد کلان

با پاسخ‌های تشریحی

دکتر محسن نظری - دکتر محسن رفیعی

✓ بر اساس کتابهای استاندارد درسی اقتصاد کلان

✓ همراه با سوالات آزمونهای ورودی کارشناسی ارشد مدیریت و اقتصاد

✓ همراه با کنکورهای آزمایشی

✓ با توضیح نکات مهم درسی

برای دانشجویان و داوطلبان آزمونهای ورودی کارشناسی ارشد رشته‌های

علوم اقتصادی، مدیریت، حسابداری و زمینه‌های وابسته

مجموعه تست

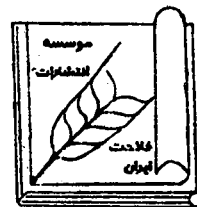
اقتصاد کلان

با پاسخ‌های تشریحی

مؤلفان:

دکتر محسن نظری دکتر محسن رنانی

استاد یار دانشگاه



نام کتاب: مجموعه تست اقتصاد کلان

نویسندگان: دکتر محسن رنانی - دکتر محسن نظری

ناشر: انتشارات نلاحه ایران - اصفهان صندوق پستی ۸۱۴۶۵/۱۴۷۵

نوبت / تاریخ چاپ: چهارم / ۱۳۷۸

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: موسسه چاپ الهادی - قم

قیمت: / ۱۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

غلطنامه

لطفاً پیش از مطالعه، نادرستی‌های زیر را اصلاح کنید:

صفحه	سطر	نادرست	درست
۳۵	پاسخ سوال ۴۶	۴۶ - الف	۴۶ - د
۳۵	پاسخ سوال ۱۵۲	۱۵۲ - الف	۱۵۲ - ج
۴۰	۱۴	$۶۵+۲۰+۱۰+۱۰+۵=۱۱۰$	$۸۰+۲۰+۱۰+۱۰+۵=۱۲۵$
۴۶	۲۶	۱۵۲ - الف	۱۵۲ - ج
۷۱	۳	درآمد ملی اشتغال	درآمد ملی اشتغال کامل
۷۱	۱۴	شکاف انبساطی	شکاف تورمی
۱۴۷	۲۴	کاهش یاد	کاهش یابد
۱۵۳	۶	$\frac{M^d}{P} = 0/2 - 16r$	$\frac{M^d}{P} = 0/2y - 16r$
۱۵۳	۱۰	$Y = 1040 - 10000r + M^s$	$Y = 1040 - 10000r$
۱۵۹	پاسخ سوال ۶۳	۶۳ - الف	۶۳ - د
۱۶۴	۸	۶۳ - الف	۶۳ - د
۲۶۷	پاسخ سوال ۳۹	۳۹ - (۳)	۳۹ - (۴)

فهرست

۷	پیشگفتار
۹	۱ - گردش فعالیت‌های اقتصادی
۴۹	۲ - مدل‌های تعیین درآمد ملی
۹۱	۳ - نظریه‌های مصرف و سرمایه‌گذاری
۱۱۳	۴ - پول: تعاریف، عرضه، تقاضا، تعادل، نظریات و سیاست‌گذاری
۱۳۹	۵ - تعادل همزمان بازارهای کالا و پول
۱۶۹	۶ - تورم، بیکاری، اقتصاد طرف عرضه
۱۸۵	۷ - اقتصاد بین‌الملل
۲۰۵	کنکور آزمایشی ۱
۲۱۲	کنکور آزمایشی ۲
۲۲۰	کنکور آزمایشی ۳
۲۲۸	کنکور آزمایشی ۴
	سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت، سال تحصیلی ۷۱ - ۱۳۷۰
۲۳۵	
	سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت، سال تحصیلی ۷۲ - ۱۳۷۱
۲۳۸	
	سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت، سال تحصیلی ۷۳ - ۱۳۷۲
۲۴۱	

- سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت،
 ۲۴۵ سال تحصیلی ۱۳۷۳-۷۴
- سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد،
 ۲۴۹ سال تحصیلی ۱۳۶۹-۷۰
- سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد،
 ۲۵۴ سال تحصیلی ۱۳۷۰-۷۱
- سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد،
 ۲۶۱ سال تحصیلی ۱۳۷۱-۷۲
- سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد،
 ۲۶۸ سال تحصیلی ۱۳۷۲-۷۳
- سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد،
 ۲۷۶ سال تحصیلی ۱۳۷۳-۷۴
- سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد،
 ۲۸۲ سال تحصیلی ۱۳۷۴-۷۵
- ۲۹۱ منابع

پیشگفتار

مجموعه‌ای که پیش روی دارید، حاصل علاقه‌مندی مشترک ما به مباحث اقتصاد کلان است و در طول چند سال اخیر، ضمن تدریس اقتصاد کلان در دانشگاه‌های تهران و اصفهان و نیز طی برگزاری کلاسهای آمادگی برای آزمونهای کارشناسی ارشد، گرد آمده است. با این حال، موضوعات و مطالبی که در این کتاب گنجانده شده‌اند تنها محدود به یک یا دو کتاب درسی خاص، نمی‌شود. کوشیده‌ایم تا حد ممکن به مطالبی که در منابع فارسی اقتصاد کلان وجود دارد، اشاره و از آنها سؤال طرح شود. از این نیز فراتر رفته‌ایم و برخی مباحث پایه‌ای مهم را که در منابع انگلیسی مورد استفاده در دوره‌های کارشناسی ارشد اقتصاد مطرح شده است، نیز مورد توجه قرار داده‌ایم و در این مجموعه گنجانده‌ایم. منابع اصلی مورد استفاده ما در برگزاری کلاسها و دوره‌های یاد شده، و در طراحی این مجموعه، در پایان کتاب آمده‌اند.

در باره برابرنهادهای فارسی واژگان تخصصی اقتصاد، کوشیده‌ایم آنچه را که پذیرفته و فراگیر بوده است، به کار ببریم. در مواردی که یک مفهوم، دارای چندین واژه جافتاده و پذیرفته بوده است — مثل صفت‌های "برنامه‌ریزی شده"، "خواسته شده" و "مطلوب" برای "سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده" — از همه آنها استفاده کرده‌ایم. در مواردی نیز که برابرنهادهای غیر رایجی را نسبت به واژه رایج، صحیح‌تر و بامعنی‌تر یافته‌ایم، آن را در پراگماتیزم یا در پاورقی آورده‌ایم.

نکته دیگر، در باره تفاوت واژگان "واقعی" و "حقیقی" است. هر جا سخن از متغیر یا مقدار غیراسمی (real) بوده است، برای آن، صفت "حقیقی" آورده‌ایم — همچون درآمد ملی حقیقی در برابر درآمد ملی اسمی — و هر جا سخن از مقدار یا متغیر تحقق‌یافته و بالفعل (actual) بوده است، برای آن، صفت "واقعی" آورده‌ایم — همچون سرمایه‌گذاری واقعی در برابر سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده، یا تورم واقعی در برابر تورم انتظاری. این شیوه را در سؤالات آزمونهای ورودی کارشناسی ارشد که در آخر کتاب آورده‌ایم، نیز به کار برده‌ایم.

در باره شیوه نوشتاری واژگان، اصل جدانویسی را - که نه تنها به گیرایی و روان خوانی نوشته کمک می‌کند، بلکه توانایی‌های زبان پارسی را نیز آشکار می‌سازد - به کار گرفته‌ایم؛ مگر در مواردی که جدانویسی از گیرایی یا روان خوانی واژه می‌کاسته است، یا مواردی که واژه در حالت سرهم خویش، مفهوم مستقلی یافته است.

ویژگی مهم این مجموعه آن است که در خلوت کتابخانه‌ای تألیف نشده است، بلکه درگیر و دار بحث و جدلهای کلاسی چهره بسته است و به همین دلیل، پرسش‌ها و نکات فراوانی هست که اگر نکته‌سنجی‌های دانشجویان، آنها را نمایان نمی‌ساخت، اکنون در این مجموعه گنجانده نشده بود. به همین ترتیب، ابهامات و اشتباهات فراوانی در تست‌ها وجود داشته است که به مدد دقت و ریزبینی دانش‌جویان، زدوده شده است.

از این گذشته، عزیزان دیگری نیز به طور خاص در پیرایش، ویرایش و آرایش این کتاب، ما را یاری کرده، وامدار و سپاسگزار خویش ساخته‌اند. نخست، آقای دکتر تیمور رحمانی که بر ما منت نهاده و با مطالعه کامل دستنوشته کتاب، ابهامات و دشواریهای بسیاری را پیراسته‌اند؛ سپس آقای مهندس جواد کبیری، آقای سعید ونکی و سرکار خانم مهتاب صابری نمین که ویرایش و نسخه‌خوانی کتاب را بر دوش گرفته و با دقتی درخور تحسین به انجام رسانده‌اند؛ و سرانجام آقای مهندس حسن علی‌خاصی، که صفحه‌آرایی گیرای کتاب و سرکار خانم اعظم افشاری، که تایپ دقیق کتاب، به همت آنان انجام یافته است.

با این همه، هرکاستی و ناراستی که هست، از ماست و وامدار بزرگوارانی هستیم که گوش‌زدمان کنند. سرانجام لازم می‌دانیم از مدیر محترم و دیگر دست‌اندرکاران مؤسسه انتشارات فلاحات ایران که راه را برای انتشار این کتاب، هموار ساختند، سپاسگزاری کنیم.

بی‌گمان، هر کوشش فکری بارور، مستلزم محیطی سرشار از آرامش و اطمینان است. بخت برخوردار داشته‌ایم و از چنین محیطی بهره برده‌ایم. پس، بایسته است همسرانمان را که بی‌یاریها و صبوریهای آنان این کتاب چهره نمی‌بست، صمیمانه سپاس گوئیم.

محسن رنانی - محسن نظری

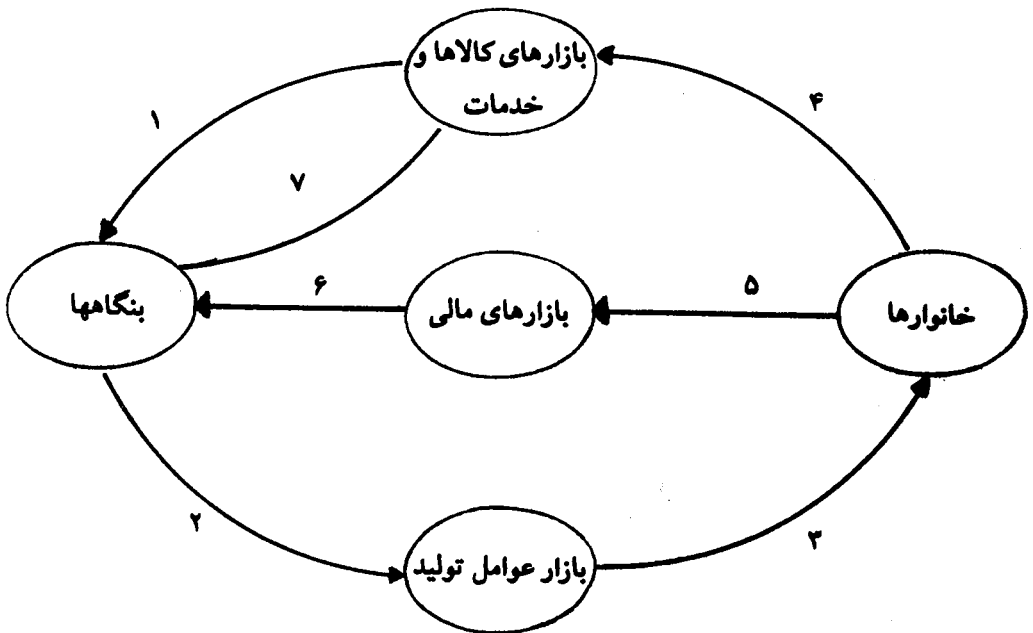
دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

آبان ماه ۱۳۷۴

گردش فعالیت‌های اقتصادی (حسابداری درآمد ملی)

- ۱- کدام یک از اهداف زیر، جزء اهداف سیاست‌های اقتصاد کلان نمی‌باشد؟
 الف) رشد تولید
 ب) افزایش اشتغال
 ج) افزایش تولید پیکان
 د) تعادل تراز پرداخت‌ها

○ شکل زیر، جریان پولی گردش فعالیت‌های اقتصادی یک جامعه را نشان می‌دهد. با توجه به شکل، به ۴ سؤال مربوط به آن پاسخ دهید: (اعداد بیانگر شماره جریانها می‌باشد، نه مقدار ارزش پولی موجود هر جریان).



۲- کدام یک از رابطه‌های زیر بین جریانها برقرار نمی‌باشد؟

- الف) $۱=۲=۳$ ب) $۳=۴+۵$ ج) $۲=۴+۵$ د) $۶=۵+۳$

۳- برای این که اقتصاد نشان داده شده در شکل، در تعادل باشد، کدام یک از رابطه‌های زیر باید وجود داشته باشد؟

الف) $5 = 7$ ب) $3 = 4 + 7$ ج) $2 = 5 + 6$ د) الف و ب

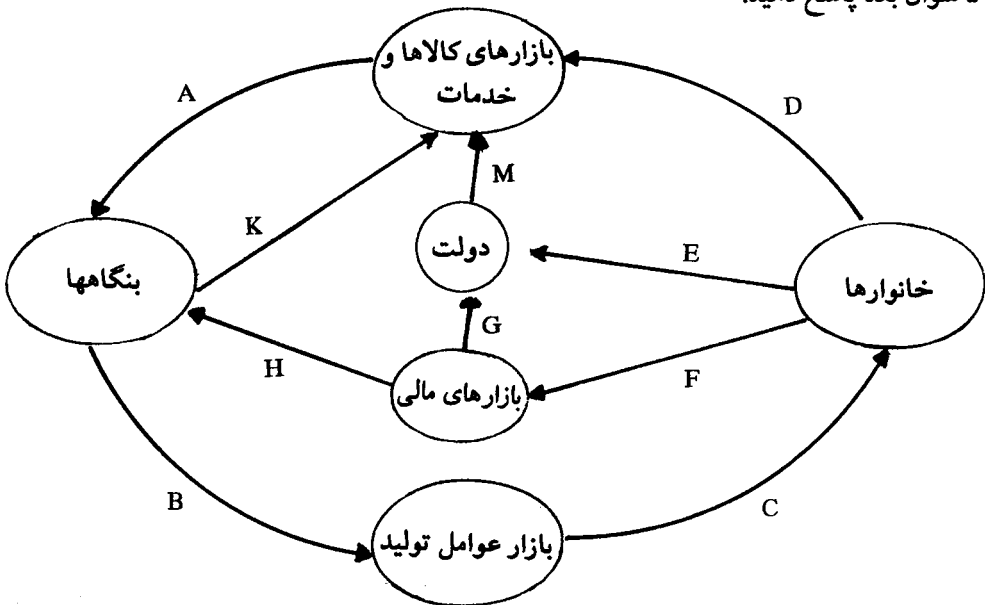
۴- کدام جریان، بیانگر "تزیق" به اقتصاد مذکور است؟

الف) ۷ ب) ۵ ج) ۳ د) ۲

۵- در اقتصاد یاد شده، با کدام یک از شرایط زیر، سرمایه‌گذاری در موجودی انبار مثبت می‌باشد؟

الف) $4 > 5$ ب) $5 > 7$ ج) $3 > 5$ د) $7 > 6$

○ نمودار زیر جریان پولی گردش فعالیت‌های اقتصادی یک جامعه را نشان می‌دهد. با توجه به نمودار، به ۵ سؤال بعد پاسخ دهید:



۶- ارزش موجود در جریان C، چه نامیده می‌شود؟

الف) تولید ملی ب) درآمد ملی ج) مخارج کل د) مصرف دولت

۷- اگر ارزش موجود در جریان G، مثبت باشد، می‌تواند به این معنی باشد که:

الف) دولت قرض گرفته است. ب) دولت مازاد بودجه دارد.
 ج) دولت کسری بودجه دارد. د) الف و ج

۸- برای این که اقتصاد فوق در تعادل باشد، کدام یک از رابطه‌های زیر باید برقرار باشد؟

الف) $E = F$ ب) $D + F + E = C$
 ج) $K + M = E + F$ د) $A = B$

۹- در نمودار فوق، کدام یک از رابطه‌های زیر حتماً برقرار می‌باشد؟

الف) $C = F + E + D$ ب) $A = D + M + K$
 ج) $F = G$ د) $E = M$

۱۰ - جریان E، بیانگر چیست؟

- (الف) مالیات پرداختی خانوارها به دولت
 (ب) خالص مالیات پرداختی خانوارها به دولت
 (ج) پس‌انداز خانوارها
 (د) سرمایه‌گذاری خانوارها

۱۱ - شرط تعادل در مدل دویبخشی (خانوارها و بنگاهها)، کدام یک از عبارات زیر می‌باشد؟

- (الف) $Y=C+I$
 (ب) $Y=C+S$
 (ج) $I=S$
 (د) الف و ج صحیح است.

۱۲ - در مدل سه بخشی تعیین درآمد ملی (خانوارها، بنگاهها و دولت)، مقدار نشت، برابر است با:

- (الف) $S+T$
 (ب) $S+G$
 (ج) $T+G$
 (د) الف و ب

۱۳ - در مدل چهاربخشی تعیین درآمد ملی، تزریق، کدام یک از عبارات زیر می‌باشد؟

- (الف) $S+T+G$
 (ب) $I+G+X$
 (ج) $I+G+M$
 (د) $I+S+M$

۱۴ - تفاوت تولید ناخالص ملی به قیمت بازار، با تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل، کدام یک از عبارات زیر می‌باشد؟

- (الف) استهلاک
 (ب) درآمد عوامل تولید از خارج
 (ج) خالص مالیاتهای غیر مستقیم
 (د) مالیاتهای غیر مستقیم

۱۵ - کدام یک از عوامل زیر در تولید ملی در نظر گرفته می‌شود؟

- (الف) ارزش فروش ماشین دست دوم
 (ب) ارزش خرید سهام از بازار سهام
 (ج) ارزش خانه مسکونی ساخته شده در سال جاری
 (د) هیچ‌کدام

۱۶ - تفاوت تولید ملی با مخارج کل برنامه‌ریزی شده برابر است با:

- (الف) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده در انبار
 (ب) استهلاک
 (ج) درآمد عوامل تولید از خارج
 (د) الف و ب

۱۷ - اگر در سطح درآمد جاری، تزریق، بیش‌تر از نشت باشد،

- (الف) درآمد ملی در تعادل است
 (ب) درآمد ملی افزایش می‌یابد
 (ج) درآمد ملی کاهش می‌یابد
 (د) درآمد ملی ممکن است کاهش یابد

۱۸ - NI (درآمد ملی) شامل کدام یک از موارد زیر نمی‌شود؟

- (الف) بهره
 (ب) سود
 (ج) اجاره
 (د) استهلاک

۱۹ - کدام یک از موارد زیر در GNP محاسبه می‌شوند؟

الف تعمیر اتومبیل شخصی به وسیله صاحب آن

ب) خدمات زنان خانه دار در منزل

ج) خدمات انجام شده در بیمارستان

د) انواع سبزی تولید شده در باغچه منزل به منظور مصرف شخصی

۲۰ - هنگامی که سرمایه‌گذاری ناخالص مثبت است، سرمایه‌گذاری خالص،

الف) منفی است

ب) صفر است

ج) مثبت است

د) ممکن است مثبت یا منفی باشد

۲۱ - بهره پرداخت شده بابت بدهی دولت،

الف) جزء NNP است ولی جزء NI نیست

ج) جزء NI نیست ولی جزء PI هست

ب) شبیه درآمدهای بهره‌ای دیگر است

د) جزء NI هست ولی جزء PI نیست

۲۲ - در محاسبه GNP، کدام یک از موارد زیر نباید مورد محاسبه قرار گیرد؟

الف) درآمدهای حاصل از اجاره

ج) سود تقسیم شده شرکت‌ها

ب) پرداخت‌های بهره‌ای

د) پرداخت‌های انتقالی دولت

۲۳ - کدام یک از موارد زیر، در NNP سال جاری باید مورد محاسبه قرار گیرد؟

الف) دریافت ۱۰۰۰ تومان کمک نقدی مستقیم

ب) جایگزین کردن یک دستگاه جدید، به جای دستگاهی که همین امسال مستهلک شده است

ج) خرید شیر توسط خانم خانه

د) خرید شیر توسط مغازه‌دار از دامدار

۲۴ - ارزش افزوده کل اقتصاد، برابر است با:

الف) کل سود

ب) مجموع دستمزدها، بهره‌ها، اجاره‌ها و سودها

ج) مجموع ارزش همه کالاها و خدمات نهایی

د) ب و ج صحیح است.

۲۵ - تولید خالص ملی حقیقی،

الف) تولید خالص ملی به قیمت جاری است که با شاخص قیمت‌ها تعدیل شده.

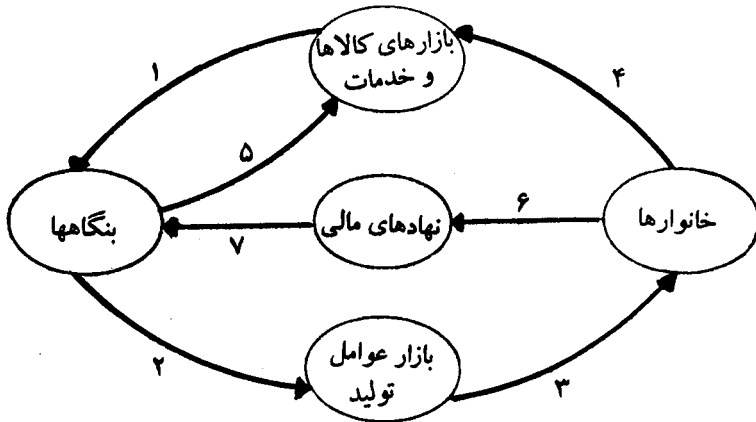
ب) تولید ناخالص ملی به اضافه استهلاك است.

ج) تولید خالص ملی است، که از روش ارزش افزوده تخمین زده شده.

د) تولید خالص ملی است، که از روش تولید تخمین زده شده.

۲۶ - فولاد مورد استفاده در اتومبیل‌ها،

- الف) یک کالای واسطه‌ای است.
 ب) در تولید خالص ملی، همراه با ارزش اتومبیل باید محاسبه شود.
 ج) برابر است با ارزش افزوده صنایع فولاد.
 د) همه موارد بالا صحیح است.
- با توجه به نمودار گردش فعالیت‌های اقتصادی به سه سؤال زیر پاسخ دهید:



- ۲۷ - اگر بخواهیم GNP را از روش مخارج محاسبه کنیم، مقدار جریان کدام فلش‌ها را باید اندازه‌گیری کنیم؟
 الف) ۵ و ۳ ب) ۴ و ۵ ج) ۲ و ۴ د) ۳ و ۶
- ۲۸ - اگر بخواهیم GNP را از روش درآمدی محاسبه کنیم، مقدار جریان کدام فلش‌ها را باید اندازه‌گیری کنیم؟
 الف) ۴ ب) ۵ ج) ۶ د) ۳
- ۲۹ - اگر بخواهیم GNP را از روش تولید محاسبه کنیم، مقدار جریان کدام فلش‌ها را باید اندازه‌گیری کنیم؟
 الف) ۱ ب) ۴ ج) ۵ د) ۶
- ۳۰ - کدام یک از رابطه‌های زیر، همیشه در اقتصاد برقرار نمی‌باشد؟
 الف) عرضه کل = مخارج کل
 ب) مخارج کل = تولید ملی
 ج) مخارج کل برنامه‌ریزی شده = تقاضای کل
 د) مخارج کل = تقاضای کل
- ۳۱ - اگر سرمایه‌گذاری ناخواسته در موجودی انبار، صفر باشد،
 الف) اقتصاد در تعادل است.
 ب) عرضه کل = تقاضای کل است.
 ج) مخارج برنامه‌ریزی نشده، صفر است.
 د) همه موارد بالا صحیح است.
- ۳۲ - اگر سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده در موجودی انبار، مثبت باشد، بنگاهها،

- الف) تولید را در دوره بعد کاهش می دهند. (ج) تولید را افزایش می دهند.
 ب) قیمت را کاهش می دهند. (د) الف و ب صحیح است.

۳۳- اگر تقاضای کل بیش تر از عرضه کل باشد،

- الف) سرمایه گذاری در موجودی انبار افزایش می یابد.
 ب) سرمایه گذاری در موجودی انبار منفی است.
 ج) تولید افزایش می یابد.
 د) ب و ج صحیح است.

۳۴- واژه "سرمایه گذاری خالص داخلی" اشاره دارد به:

- الف) تولید تجهیزات سرمایه ای، ساختمان و تغییرات در موجودی انبار در یک سال معین.
 ب) سرمایه گذاری کل، منهای مقدار کالاهای سرمایه ای که در تولید کالاهای یک سال مستهلک شده است.
 ج) سرمایه گذاری ناخالص داخلی، منهای خالص صادرات.
 د) مقدار ماشین آلات و تجهیزات استفاده شده در GNP یک سال معین.

○ اگر کالای A، نان باشد، فرض کنید تولید آن از سه مرحله عبور کرده است. در مرحله اول، گندم تولید شده، در مرحله دوم تبدیل به آرد شده و در مرحله سوم تبدیل به کالای نهایی نان شده است. هزینه هر مرحله به تفکیک در جدول زیر آمده است:

هزینه هر واحد (به ریال)					
مرحله	دستمزد	بهره	اجاره	سود	کالاهای واسطه ای
۱	۱۰	۶	۴	۵	۵
۲	۲۰	۵	۵	۱۰	۳۵
۳	۵	۱۰	۱۰	۲۰	۸۰

با توجه به اطلاعات داده شده به ۳ سؤال بعد پاسخ دهید:

۳۵- قیمت کالای A در مرحله اول برابر است با:

- الف) ۱۰ ریال ب) ۲۰ ریال ج) ۲۵ ریال د) ۳۰ ریال

۳۶- ارزش افزوده ایجاد شده در مرحله دوم برابر است با:

- الف) ۲۰ ریال ب) ۴۰ ریال ج) ۲۵ ریال د) ۳۰ ریال

۳۷- قیمت نان برابر است با:

- الف) ۱۲۵ ریال ب) ۵۰ ریال ج) ۴۵ ریال د) ۴۰ ریال

۳۸ - ارزش افزوده ایجاد شده در همه مراحل تولید یک کالا،

- (الف) برابر با قیمت کالا است.
 (ب) بیش تر از قیمت کالا است.
 (ج) کم تر از قیمت کالا است.
 (د) همه موارد فوق امکان پذیر است.

○ با توجه به اطلاعات زیر، به ۳ سؤال مربوطه پاسخ دهید:

"در اقتصادی ۱۱۰۰ کالای نهایی با قیمت متوسط هر واحد ۱ تومان تولید می‌شود. سایر اطلاعات به این صورت می‌باشد: سرمایه‌گذاری جایگزینی (استهلاک) ۴۰ تومان، مالیاتهای غیرمستقیم ۲۲ تومان، سرمایه‌گذاری ناخالص ۱۰۰ تومان، مصرف ۸۵۰ تومان، مخارج دولتی ۱۴۳ تومان، خالص صادرات ۷ تومان، و هزینه‌های عوامل تولید عبارتند از: دستمزدها ۷۵۰ تومان، بهره ۱۲۰ تومان، اجاره ۶۰ تومان، و سود ۱۰۸ تومان. همچنین، خالص درآمد عوامل تولید از خارج صفر است."

۳۹ - درآمد ملی برابر است با:

- (الف) ۱۱۰۰ (ب) ۱۰۳۸ (ج) ۱۰۶۰ (د) ۱۰۵۰

۴۰ - تولید ناخالص ملی به قیمت بازار برابر است با:

- (الف) ۱۱۰۰ (ب) ۱۰۳۸ (ج) ۱۰۶۰ (د) ۱۰۵۰

۴۱ - سرمایه‌گذاری خالص برابر است با:

- (الف) ۱۰۰ (ب) ۴۰ (ج) ۶۰ (د) ۲۰

۴۲ - هدیه‌ای که شما در ایام نوروز به اعضاء فامیل می‌پردازید، جزء GNP کدام سال محاسبه می‌گردد؟

- (الف) سال نو
 (ب) نیمی در سال نو و نیمی در سال قبل
 (ج) سال قبل
 (د) هدیه جزء GNP هیچ سالی محاسبه نمی‌گردد

۴۳ - در الگویی که دولت، سرمایه‌گذاری و بخش خارج در آن وجود دارد، GNP برابر است با:

- (الف) مجموع مصرف، سرمایه‌گذاری ناخالص، مخارج دولت برای کالاها و خدمات و خالص صادرات.
 (ب) مجموع مصرف، سرمایه‌گذاری خالص، مخارج دولت برای کالاها و خدمات و خالص صادرات.
 (ج) مجموع درآمد ملی و مالیاتهای غیر مستقیم.
 (د) مجموع دستمزد، اجاره، بهره، سود و استهلاک.

۴۴ - درآمدی که هر سال به دست عوامل تولید می‌رسد، به وسیله کدام یک از شاخص‌های زیر، اندازه‌گیری می‌شود؟

- (الف) DI (ب) PI (ج) GNP (د) NI

۴۵ - بهره پرداخت شده بابت بدهی‌های دولت، جزء کدام یک از اقلام زیر است؟

- (الف) GNP (ب) NNP (ج) PI (د) NI

۴۶- کدام یک از جملات زیر، در مورد حسابهای ملی صحیح است؟
 الف) تغییر در کیفیت کالاها و خدمات را نشان می‌دهند.

ب) شامل ارزش فراغت هم می‌شود.

ج) هزینه‌های آلودگی را نیز اندازه می‌گیرد.

د) هیچ‌کدام از موارد بالا صحیح نیست.

۴۷- اگر استهلاک سرمایه، بیش‌تر از سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی باشد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که:

الف) صادرات بیش‌تر از واردات است.

ب) اقتصاد در حال پیشرفت است.

ج) سرمایه‌گذاری خالص، منفی است.

د) GNP پولی در حال افزایش، ولی GNP حقیقی در حال کاهش است.

۴۸- در اقتصادی که ظرفیت تولیدی اش در حال گسترش است؛

الف) سرمایه‌گذاری ناخالص، بیش‌تر از استهلاک است.

ب) NNP بیش‌تر از GNP است.

ج) GNP اسمی در حال کاهش است.

د) صادرات بیش‌تر از واردات است.

۴۹- در حسابهای ملی، کدام یک از شاخص‌های زیر معمولاً (ولی نه همیشه) کم‌ترین مقدار را به خود اختصاص می‌دهد؟

الف) GNP ب) PI ج) NNP د) NI

۵۰- در محاسبه NNP، کدام یک از موارد زیر را به حساب نمی‌آوریم؟

الف) پرداخت‌هایی که بابت بهره بوده است.

ب) سود توزیع شده

ج) درآمدهای حاصل از اجاره.

د) استهلاک

۵۱- به دلیل وجود کدام یک از اقلام زیر، NNP بیش‌تر از درآمد ملی است؟

الف) مالیاتهای شخصی

ب) مالیاتهای غیر مستقیم

ج) پرداخت‌های غیرانتقالی

د) استهلاک

۵۲- آن قسمت از سود شرکت‌ها که وارد درآمد قابل تصرف می‌شود، عبارت است از:

الف) کل سود

ب) سود توزیع شده

ج) سود توزیع نشده

د) مجموع ذخایر سود سالهای قبل

۵۳- تفاوت درآمد قابل تصرف از درآمد شخصی برابر است با:

الف) پس‌انداز شخصی

ب) مخارج مصرفی خصوصی

ج) پرداخت‌های انتقالی

د) مالیات بر درآمد اشخاص

۵۴- کدام یک از موارد زیر جزء GNP سال جاری محسوب می‌شود؟

- الف) ارزش اتومبیل‌های تولید شده در سال جاری
 ب) ارزش اتومبیل تولید شده در سال قبل و فروخته شده در سال جاری
 ج) یک اتومبیل دست دوم فروخته شده در سال جاری
 د) همه موارد بالا در GNP سال جاری محاسبه می‌شوند.

۵۵- اگر T بیانگر مالیات‌ها و G بیانگر مخارج دولت باشد، T-G،

- الف) پس‌انداز یا عدم پس‌انداز دولت است.
 ب) کسری یا مازاد بودجه دولت است.
 ج) مخارج کل است.
 د) الف و ب صحیح است.

۵۶- در اقتصاد کلان، سرمایه‌گذاری،

- الف) خرید سهام و اوراق قرضه است.
 ب) خرید زمین و فروش آن است.
 ج) تفاوت بین درآمد و مخارج مردم است.
 د) تغییر در موجودی انبار، ساختمان و تجهیزات به منظور احداث یک واحد تولیدی است.

۵۷- تولید ناخالص ملی (GNP)،

- الف) ارزش همه کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک سال است.
 ب) جمع مصرف، سرمایه‌گذاری ناخالص، مخارج دولت و خالص صادرات است.
 ج) جمع مزد و حقوق، بهره، اجاره، سود، استهلاک و مالیات‌های غیرمستقیم است.
 د) همه موارد بالا صحیح است.

۵۸- درآمد ملی برابر است با:

- الف) GNP.
 ب) تولید خالص ملی.
 ج) GNP منهای استهلاک.
 د) تولید خالص ملی منهای خالص مالیات‌های غیرمستقیم.

۵۹- در کشوری، $(C+I+G+X-M)$ مساوی ۵۰۰ میلیارد ریال، مالیات‌های غیرمستقیم برابر با ۵۰

میلیارد ریال و استهلاک برابر با ۲۵ میلیارد ریال است. درآمد ملی برابر است با:

- الف) ۴۵۰ میلیارد ریال
 ب) ۴۲۵ میلیارد ریال
 ج) ۵۰۰ میلیارد ریال
 د) ۵۷۵ میلیارد ریال

۶۰- در کشوری، $(C+I+G+X-M)$ برابر است با ۵۰۰ میلیارد ریال، مالیات‌های غیرمستقیم برابر با

۵۰ و استهلاک ۲۵ میلیارد ریال است؛ بنابراین تولید خالص ملی به قیمت عوامل برابر است با:

- الف) ۵۰۰ میلیارد ریال
 ب) ۴۵۰ میلیارد ریال
 ج) ۴۲۵ میلیارد ریال
 د) ۴۰۰ میلیارد ریال

۶۱- در کشوری، $(C+I+G+X-M)$ برابر است با ۵۰۰ میلیارد ریال، مالیاتهای غیرمستقیم ۵۰ و استهلاك ۲۵ میلیارد ریال است، بنابراین تولید خالص ملی به قیمت بازار برابر است با:

الف) ۵۰۰ میلیارد ریال
 ب) ۴۷۵ میلیارد ریال
 ج) ۴۲۵ میلیارد ریال
 د) ۴۰۰ میلیارد ریال

۶۲- یکی از دلایلی که اقتصاددانان، NNP را به GNP ترجیح می دهند، این است که:
 الف) NNP ، شامل استهلاك هم می شود.
 ب) NNP ، بزرگ تر از GNP است.
 ج) NNP ، شامل استهلاك نمی شود.
 د) از NNP ، تورم حذف شده است.

۶۳- ارزش افزوده بخش کشاورزی برابر است با:
 الف) ارزش فروش تولیدات کشاورزی، منهای مزد پرداختی به نیروی کار در این بخش.
 ب) ارزش خرید مواد اولیه توسط بخش کشاورزی، بعلاوه سود بخش کشاورزی.
 ج) ارزش فروش تولیدات بخش کشاورزی، منهای ارزش خرید بخش کشاورزی از محصولات دیگر بخش ها.
 د) هیچ کدام از موارد بالا صحیح نیست.

۶۴- کدام یک از موارد زیر، جزء NNP می باشد ولی جزء درآمد شخصی نیست؟
 الف) استهلاك سرمایه
 ب) سود توزیع شده شرکت ها
 ج) سود توزیع نشده شرکت ها
 د) مالیات بر درآمد شخصی

۶۵- پولی که صرف خرید یک خانه جدید (نو) به عنوان خوابگاه کارکنان یک شرکت می شود، جزء کدام یک از اجزاء GNP محسوب می شود؟
 الف) مخارج مصرفی خصوصی
 ب) استهلاك سرمایه
 ج) سرمایه گذاری
 د) پس انداز شخصی

۶۶- فروش کل بنگاهها چندین برابر GNP است؛ به این دلیل که،
 الف) GNP به طور ناخالص، مقدار محصول سالانه را در نظر می گیرد.
 ب) GNP ، شامل مالیات نمی شود.
 ج) در GNP ، ارزش کالاهای واسطه ای را محاسبه نمی کنیم.
 د) فروش کل بنگاهها، اسمی (به قیمت های جاری) است ولی GNP ، معمولاً به ارزش حقیقی (قیمت های ثابت) است.

۶۷- سرمایه گذاری منفی، زمانی وجود دارد که،
 الف) بنگاهها، ماشین آلات و تجهیزات خود را به همدیگر بفروشند.
 ب) قیمت کالاهای سرمایه ای، سریع تر از قیمت کالاهای مصرفی افزایش یابد.
 ج) موجودی انبار بنگاهها در آخر سال، بیش تر از اول سال باشد.
 د) استهلاك، بیش تر از سرمایه گذاری ناخالص داخلی باشد.

- ۶۸ - دقیق‌ترین تعریف تولید ناخالص ملی، کدام یک از موارد زیر است؟
 الف) مجموع ارزش کالاها و خدمات تولید شده در یک کشور.
 ب) مجموع ارزش کالاها و خدمات فروخته شده در یک کشور.
 ج) مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده طی یک دوره معین (معمولاً یک سال) توسط افراد یک کشور.
 د) مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده طی یک سال در داخل یک کشور.
- ۶۹ - کدام یک از شاخص‌های ملی زیر، "جریان" (روانه) می‌باشند؟
 الف) درآمد ملی
 ب) حجم سرمایه
 ج) سرمایه‌گذاری ملی
 د) الف و ج
- ۷۰ - کدام یک از شاخص‌های ملی زیر، "موجودی" (ذخیره یا انباره) می‌باشد؟
 الف) مقدار اشتغال
 ب) درآمد ملی
 ج) تولید ملی
 د) سرمایه‌گذاری ملی
- ۷۱ - جمع ارزش افزوده یک کالا در تمامی مراحل تولید آن،
 الف) مساوی قیمت آن کالا است.
 ب) مساوی هزینه‌های آن کالا در همه مراحل است.
 ج) مساوی هزینه‌های متوسط است.
 د) مساوی سود حاصل از آن کالا است.
- ۷۲ - کدام یک از روابط زیر، صحیح است؟
 الف) خالص درآمد عوامل تولید از خارج + تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی
 ب) خالص درآمد عوامل تولید از خارج + تولید ناخالص ملی = تولید ناخالص داخلی
 ج) خالص درآمد عوامل تولید از خارج - تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی
 د) خالص درآمد عوامل تولید از خارج + تولید خالص ملی = تولید ناخالص ملی
- ۷۳ - تفاوت شاخص‌های ملی به قیمت بازار و به قیمت عوامل در کدام یک از موارد زیر می‌باشد؟
 الف) سوبسید
 ب) مالیات‌های غیر مستقیم
 ج) خالص مالیات‌های غیر مستقیم
 د) استهلاك
- ۷۴ - خرید یک خانه نو، جزء کدام یک از اجزای حساب‌های ملی ایران طبقه‌بندی می‌شود؟
 الف) استهلاك سرمایه
 ب) مخارج مصرفی خصوصی
 ج) سرمایه‌گذاری
 د) پس‌انداز شخصی
- ۷۵ - خالص صادرات منفی است، هنگامی که،
 الف) سرمایه‌گذاری خالص، منفی باشد.
 ب) صادرات، بیش‌تر از واردات باشد.
 ج) صادرات، بیش‌تر از پرداخت به خارجیان باشد.
 د) واردات، بیش‌تر از صادرات باشد.

۷۶- کدام یک از موارد زیر جزء تقاضای کل نمی‌باشد؟

- الف) X-M (ب) C (ج) G (د) S

۷۷- کدام یک از رابطه‌های زیر، همیشه برقرار است؟

- الف) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده = پس‌انداز
 ب) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده = پس‌انداز
 ج) سرمایه‌گذاری واقعی (برنامه‌ریزی شده بعلاوه برنامه‌ریزی نشده) = پس‌انداز
 د) همه موارد بالا

۷۸- کدام یک از شرایط زیر، شرط تعادل مدل دویخشی می‌باشد؟

- الف) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده = پس‌انداز (ج) سرمایه‌گذاری واقعی = پس‌انداز
 ب) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده = پس‌انداز (د) همه موارد بالا

۷۹- فرض کنید، بنگاهها در سال جاری موجودی مطلوب انبار خود را افزایش دهند؛ بنابراین،

- الف) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده، افزایش می‌یابد.
 ب) درآمد ملی، کاهش می‌یابد.
 ج) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده، افزایش می‌یابد.
 د) الف و ب صحیح است.

۸۰- کدام یک از موارد زیر از دیدگاه اقتصاد کلان، سرمایه‌گذاری محسوب نمی‌شود؟

- الف) ساختن مدرسه پرستاری.
 ب) ساختن یک بزرگراه.
 ج) خرید یک دستگاه پرس نو به وسیله شرکت الف.
 د) خرید صد سهم شرکت Z از فرد الف به وسیله فرد ب.

○ کشوری فرضی را در نظر بگیرید که گوشت، تنها کالای نهایی تولیدی‌اش می‌باشد و دامها از مراتع و

جو تغذیه می‌کنند. در یک سال، ارزش تولیدات جامعه به صورت زیر می‌باشد:

تولید گوشت ۱۰۰۰ میلیارد ریال

ارزش جو تولید شده ۲۰۰ میلیارد ریال

استهلاک تأسیسات دامپروری ۱۰ میلیارد ریال

اکنون با توجه به اطلاعات بالا، به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۸۱- تولید ناخالص ملی این کشور، برابر است با:

- الف) ۱۰۰۰ میلیارد ریال (ج) ۸۰۰ میلیارد ریال
 ب) ۱۲۰۰ میلیارد ریال (د) ۱۲۱۰ میلیارد ریال

۸۲- تولید خالص ملی این کشور، برابر است با:

- (الف) ۸۰۰ میلیارد ریال
 (ب) ۹۹۰ میلیارد ریال
 (ج) ۲۱۰ میلیارد ریال
 (د) ۱۹۰ میلیارد ریال

۸۳- در کدام یک از موارد زیر، GNP کاهش پیدا می‌کند؟

- (الف) وقتی شخصی، ماشین مورد استفاده خود را به همسایه‌اش بفروشد.
 (ب) وقتی دریافتی شخصی که قبلاً کار می‌کرده است، کاهش یابد.
 (ج) وقتی یک دندانپزشک تصمیم بگیرد از آشنایان خود نیز حق ویزیت دریافت کند.
 (د) همه موارد بالا.

۸۴- شاخص GNP، ممکن است تفاوت بین استانداردهای زندگی در کشورهای صنعتی و فقیر را بیش از حد نشان دهد، به علت این که:

- (الف) سرمایه‌گذاری بیش‌تری در کشورهای صنعتی صورت می‌گیرد.
 (ب) مقدار بیش‌تری کالاهای غیربازاری در کشورهای فقیر وجود دارد.
 (ج) استهلاک بیش‌تری در کشورهای صنعتی وجود دارد.
 (د) همه موارد بالا.

۸۵- فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی،

- (الف) دارای ارزشی هستند که به آسانی تخمین زده می‌شود.
 (ب) فعالیت‌هایی هستند که بازاری ندارند.
 (ج) در محاسبه GNP وارد نمی‌شوند.
 (د) چون غیراخلاقی است، پس ارزش اقتصادی ندارند.

۸۶- ارزش تولیدات ملی، همواره برابر است با درآمد ملی. به علت این که:

- (الف) پس‌انداز برابر است با سرمایه‌گذاری.
 (ب) مخارج دولت برابر با سرمایه‌گذاری است.
 (ج) دولت، درآمدهای مالیاتی جمع‌آوری شده را به طور خودکار خرج می‌کند.
 (د) سود، باعث می‌شود که آنها با همدیگر برابر باشند.

○ برای محاسبه شاخص‌های کلان اقتصادی، فعالیت‌های اقتصادی یک کشور فرضی به چهار بخش تقسیم شده است، با توجه به اطلاعات داده شده به ۴ سؤال بعد پاسخ دهید (ارقام به میلیارد ریال):

- ۲۰ ارزش افزوده بخش کشاورزی
 ۶۰ ارزش افزوده بخش نفت
 ۸۰ ارزش افزوده صنایع و معادن
 ۴۰ ارزش افزوده خدمات
 ۱۰ کارمزد احتسابی
 A تولید ناخالص داخلی

خالص درآمد عوامل تولید از خارج
تولید ناخالص ملی

۲۰

B

۸۷ - مقدار A برابر است با:

الف) ۱۹۰ (ب) ۲۱۰ (ج) ۲۰۰ (د) ۱۸۰

۸۸ - مقدار B برابر است با:

الف) ۱۹۰ (ب) ۲۱۰ (ج) ۱۷۰ (د) ۲۰۰

۸۹ - اگر خالص درآمد عوامل تولید از خارج، برابر با ۲۰- می‌شد، تولید ناخالص ملی برابر بود با:

الف) ۲۱۰ (ب) ۱۷۰ (ج) ۲۰۰ (د) ۱۹۰

۹۰ - اگر در محاسبه ارزش افزوده بخش‌های اقتصاد مذکور، قیمت کالاها را با فرض نبودن مالیات و سوبسید غیرمستقیم، در نظر بگیریم، تولید ناخالص ملی محاسبه شده،

الف) به قیمت بازار است. (ب) به قیمت عوامل است.
ج) بدون استهلاك است. (د) به قیمت بازار و عوامل با هم برابر است.

۹۱ - NNP برابر است با:

الف) NI به اضافه استهلاك (ب) GNP منهای مالیاتهای غیرمستقیم
ج) GNP تعدیل شده با شاخص قیمت‌ها (د) NI به اضافه خالص مالیاتهای غیرمستقیم

○ با توجه به اطلاعاتی که در باره حسابهای ملی یک کشور فرضی آمده است، به ۶ سؤال بعد پاسخ دهید (همه ارقام بر حسب میلیارد ریال است):

۴۰ مالیاتهای شخصی
۱۵ سهم بیمه‌های اجتماعی
۲۰ خالص مالیاتهای غیرمستقیم
۴۰ مالیات بر سود شرکت‌ها
۲۲ پرداخت‌های انتقالی
۲۴ صادرات
۳۵ سود توزیع نشده شرکت‌ها
۹۰ خرید کالاها و خدمات توسط دولت
۷۵ سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی
۲۲ واردات
۲۵۰ مخارج مصرفی خصوصی
۵۰ سرمایه‌گذاری خالص داخلی
۴ بهره پرداخت شده به وسیله مصرف‌کنندگان
۰ خالص درآمد عوامل تولید از خارج

۹۲ - GNP برابر است با:			
۴۱۷ (د)	۴۲۲ (ج)	۴۹۲ (ب)	۵۱۲ (الف)
۹۳ - NNP برابر است با:			
۴۰۲ (د)	۳۹۲ (ج)	۴۶۷ (ب)	۴۸۷ (الف)
۹۴ - NI برابر است با:			
۳۸۲ (د)	۴۴۷ (ج)	۳۷۲ (ب)	۴۶۷ (الف)
۹۵ - PI برابر است با:			
۳۰۴ (د)	۴۰۸ (ج)	۴۳۷ (ب)	۴۲۸ (الف)
۹۶ - DI برابر است با:			
۳۲۹ (د)	۲۶۴ (ج)	۴۰۲ (ب)	۲۳۶ (الف)
۹۷ - پس انداز شخصی، برابر است با:			
۱۰ (د)	۳۳ (ج)	۱۷ (ب)	۲۲ (الف)

○ به سؤالات ۹۸ الی ۱۰۲ بر مبنای اطلاعات جدول زیر که مربوط به حسابهای ملی یک کشور فرضی است پاسخ دهید (همه ارقام بر مبنای میلیارد ریال است):

۲۳	مالیاتیهای شخصی
۳۳	سرمایه‌گذاری خالص داخلی
۱۰	پس انداز شخصی
۶	خالص صادرات
۲۷۸	درآمد ملی
۲۰	صادرات
۵۶	سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی
۲۲۰	درآمد قابل تصرف
۵	بهره پرداخت شده به وسیله مصرف‌کنندگان
۳۲	خالص مالیاتیهای غیرمستقیم
۱۵	سود توزیع نشده شرکت‌ها
۴۵	درآمد حاصل از مالکیت

۹۸ - استهلاك سرمایه، برابر است با:

۲۳ (د)	۱۴ (ج)	۳۲ (ب)	۲۶ (الف)
--------	--------	--------	----------

۹۹- واردات، برابر است با:

الف) ۱۴ (ب) ۲۴ (ج) ۱۶ (د) ۲۶

۱۰۰- مخارج مصرفی خصوصی، برابر است با:

الف) ۱۸۳ (ب) ۲۰۵ (ج) ۲۲۵ (د) ۲۳۱

۱۰۱- مخارج دولت، بابت خرید کالاها و خدمات برابر است با:

الف) ۱۰۳ (ب) ۸۶ (ج) ۶۶ (د) ۷۱

۱۰۲- درآمد شخصی، برابر است با:

الف) ۲۴۳ (ب) ۲۷۴ (ج) ۲۵۳ (د) ۲۲۹

○ به ۵ سؤال بعد، بر پایه داده‌های مربوط به حسابهای ملی، جواب دهید (ارقام بر مبنای میلیارد می‌باشد):

۴۶	سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی
۹	صادرات
۱۹۰	درآمد قابل تصرف
۶	پس‌انداز شخصی
۴	بهره پرداخت شده به وسیله مصرف‌کنندگان
۸۴	خرید کالاها و خدمات توسط دولت
۵۲	استهلاک سرمایه
۱۳	سود توزیع شده
۱۲	واردات
۲۲	خالص مالیاتهای غیرمستقیم
۳۸	مالیاتهای شخصی
۲۳	سهم بیمه اجتماعی
۰	خالص درآمد عوامل تولید از خارج

۱۰۳- تولید ناخالص ملی برابر است با:

الف) ۳۱۳ (ب) ۳۰۰ (ج) ۳۰۷ (د) ۲۸۲

۱۰۴- تولید خالص ملی برابر است با:

الف) ۲۶۱ (ب) ۳۴۸ (ج) ۲۳۰ (د) ۲۵۵

۱۰۵- درآمد ملی برابر است با:

الف) ۲۴۱ (ب) ۳۴۶ (ج) ۲۰۸ (د) ۲۳۳

۱۰۶ - درآمد شخصی، برابر است با:

الف) ۲۲۸ (ب) ۱۴۹ (ج) ۲۰۲ (د) ۲۲۱

۱۰۷ - اقتصاد کشور فوق،

الف) در حال رشد است، به دلیل این که سرمایه‌گذاری خالص داخلی، مثبت است.

ب) در حال رکود است، زیرا درآمد شخصی، از درآمد قابل تصرف بیش تر است.

ج) در وضعیت کاهش تولید است، زیرا سرمایه‌گذاری خالص داخلی، منفی است.

د) در وضعیت تورمی است، زیرا درآمد قابل تصرف از درآمد شخصی بیش تر است.

○ در جدول زیر GNP به قیمت ثابت و جاری ارائه شده است:

سال	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
GNP ثابت	۴۵۰	۴۸۰	۵۰۰	۵۲۰	۵۴۰	۵۵۰	۶۰۰
GNP جاری	۴۲۰	۴۵۰	۵۰۰	۵۵۰	۶۰۰	۶۸۰	۷۰۰

با توجه به جدول بالا به ۷ سؤال زیر، پاسخ دهید:

۱۰۸ - سال پایه، چه سالی است؟

الف) ۱۳۵۹ (ب) ۱۳۶۰ (ج) ۱۳۶۱ (د) ۱۳۶۲

۱۰۹ - شاخص قیمت‌ها در سال ۱۳۶۳ برابر است با:

الف) ۱۰۵ (ب) ۱۱۱/۱ (ج) ۹۵/۱ (د) ۸۰/۲

۱۱۰ - تورم سال ۶۴ نسبت به سال پایه، برابر است با:

الف) ۲۴ درصد (ب) ۲۰ درصد (ج) ۶۰ درصد (د) ۱۸۰ درصد

۱۱۱ - تورم سال ۶۱ در مقایسه با سال ۶۰، برابر است با:

الف) ۵۰ درصد (ب) ۲/۲ درصد (ج) ۱۰/۶ درصد (د) ۶/۴ درصد

۱۱۲ - اقتصاد فوق در کدام یک از دوره‌های زیر، یک اقتصاد تورمی بوده است؟

الف) ۶۱-۱۳۵۹ (ج) ۶۵-۱۳۶۱

ب) ۶۳-۱۳۶۱ (د) در همه دوره‌ها

۱۱۳ - اگر سال پایه را سال ۱۳۶۰ تعیین کنیم، GNP به قیمت ثابت، در سال ۱۳۶۱ برابر است با:

الف) ۴۶۹ (ب) ۵۶۰ (ج) ۶۰۰ (د) ۳۰۰

۱۱۴ - اگر سال پایه را به سال ۱۳۶۳ تغییر دهیم، GNP به قیمت ثابت، در سال ۱۳۶۳ برابر است با:

الف) ۷۰۰ (ب) ۶۰۰ (ج) ۱۱۴۰ (د) ۱۴۰

○ اطلاعات مربوط به اقتصادی که سه کالای نهایی X، Y و Z را تولید می‌کند، در ۳ سال مختلف در جدول زیر ارائه شده است. با توجه به اطلاعات داده شده به ۶ سؤال بعد پاسخ دهید:

نوع کالا	مقدار تولید سال ۱۳۶۰	قیمت سال ۱۳۶۰	مقدار تولید سال ۱۳۷۰	قیمت سال ۱۳۷۰	مقدار تولید سال ۱۳۷۲	قیمت سال ۱۳۷۲
X	۱۰	۵	۲۰	۱۰	۳۰	۵
Y	۲۰	۱۰	۱۵	۵	۲۰	۲۰
Z	۱۵	۲۰	۱۰	۳۰	۱۵	۴۰

۱۱۵ - GNP به قیمت جاری در سال ۱۳۷۰ برابر است با:

الف) ۶۰۰ (ب) ۸۰ (ج) ۵۷۵ (د) ۳۵

۱۱۶ - اگر سال پایه، سال ۱۳۷۰ باشد، GNP به قیمت ثابت در سال ۱۳۶۰ برابر است با:

الف) ۴۵۰ (ب) ۶۵۰ (ج) ۵۵۰ (د) ۶۰۰

۱۱۷ - اگر سال پایه، سال ۱۳۷۲ باشد، GNP سال ۱۳۶۰ به قیمت ثابت برابر است با:

الف) ۱۰۵۰ (ب) ۶۵۰ (ج) ۵۵۰ (د) ۱۲۰۰

۱۱۸ - شاخص پاشه در سال ۱۳۷۲، را محاسبه کنید (اگر سال پایه سال ۱۳۷۰ باشد).

الف) ۱۳۵ (ب) ۷۳ (ج) ۱۸۰ (د) ۶۴

۱۱۹ - چه مقدار از افزایش GNP به قیمت جاری در سال ۱۳۷۲ نسبت به سال ۱۳۶۰ به دلیل

افزایش تولید است، نه افزایش قیمت‌ها؟ (سال پایه را سال ۱۳۶۰ در نظر بگیرید).

الف) ۱۰۰ (ب) ۶۰۰ (ج) ۵۰۰ (د) ۱۱۵۰

○ کشوری را در نظر بگیرید که تولید مردم آن فقط علوفه و گوشت، و مصرف آنها، تنها گوشت است.

جدول زیر نشان‌دهنده تولیدات و قیمت‌های این جامعه فرضی، در دو سال پی‌درپی می‌باشد:

سال اول	سال دوم	
۱۰۰۰ کیلو	۱۲۰۰ کیلو	تولید گوشت
۱۰۰ کیلو	۱۲۰ کیلو	تولید علوفه
۵۰۰ تومان	۶۰۰ تومان	قیمت گوشت
۴۰ تومان	۵۰ تومان	قیمت علوفه

با توجه به اطلاعات فوق به سه سؤال زیر پاسخ دهید:

۱۲۰ - تولید ناخالص حقیقی سال دوم، بر مبنای قیمت‌های سال اول، برابر است با:

الف) ۱۸۰۰۰۰ (ب) ۶۰۰۰۰۰ (ج) ۷۲۰۰۰۰ (د) ۵۰۰۰۰۰

۱۲۱ - شاخص قیمت گوشت در سال دوم نسبت به سال اول برابر است با:

الف) ۱۲۰ (ب) ۱۰۰ (ج) ۶۰۰ (د) ۱۱۰۰

۱۲۲ - نرخ تورم در سال دوم نسبت به سال اول برابر است با:

الف) ۶۰ درصد (ب) ۲۰ درصد (ج) ۱۰۰ درصد (د) ۵۰۰ درصد

۱۲۳ - در حسابهای ملی، کدام یک از کالاهای زیر، نهایی محسوب می‌شوند؟

الف) تلویزیونی که برای مصرف در خانه خریداری می‌شود.

ب) ماشینی که برای استفاده در کارخانه خریداری می‌شود.

ج) کالایی که برای صادرات خریداری می‌شود.

د) همه موارد بالا کالای نهایی محسوب می‌شود.

۱۲۴ - پولی که یک خانوار صرف خرید یخچال می‌کند، جزء،

الف) مخارج مصرفی است. (ج) مخارج سرمایه‌گذاری است.

ب) مخارج مصرفی بادوام است. (د) پس‌انداز است.

○ اطلاعات مربوط به اقتصاد کشوری فرضی در جدول زیر ارائه شده است. با توجه به اطلاعات داده شده به ۳ سؤال بعد پاسخ دهید (ارقام به میلیارد ریال):

۴۰	مخارج مصرفی خصوصی
۲۰	مخارج مصرفی دولتی
۳۰	سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص
۱۰	تغییر در موجودی انبار
۶۰	خالص صادرات کالاها و خدمات
-۵	خالص درآمد عوامل تولید از خارج
A	تولید ناخالص ملی به قیمت بازار
B	خالص مالیاتهای غیرمستقیم
۱۴۰	تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل

۱۲۵ - مقدار A برابر است با:

الف) ۱۵۰ (ب) ۱۵۵ (ج) ۱۶۰ (د) ۱۷۰

۱۲۶ - مقدار B برابر است با:

الف) ۵ (ب) ۱۰ (ج) ۱۵ (د) ۶

۱۲۷ - در اقتصاد فوق، تزریق از نشت،

- الف) بیش تر است. (ج) مساوی است.
 ب) کم تر است. (د) هیچ کدام از موارد بالا صحیح نیست.

○ بر مبنای اطلاعات حسابهای ملی زیر، به سه سؤال بعد پاسخ دهید:

۳۸۰	مخارج مصرفی
۱۰۵	مخارج دولت
۶۰	سرمایه گذاری خالص
۴۰	استهلاک
۶۰	پس انداز شخصی
۴۵۰	مزد و حقوق
۲۰	بهره
۳۰	اجاره
۲۵	سود شرکتها
۲۰	خالص مالیات غیرمستقیم
۹۰	درآمد شرکت الف
۰	خالص درآمد عوامل تولید از خارج

۱۲۸ - GNP برابر است با:

- الف) ۵۴۵ (ب) ۶۰۵ (ج) ۴۸۰ (د) ۵۸۵

۱۲۹ - درآمد قابل تصرف برابر است با:

- الف) ۳۵۰ (ب) ۴۸۵ (ج) ۴۰۰ (د) ۴۴۰

۱۳۰ - اگر در مثال بالا، سود شرکتها، شامل مالیات و سود توزیع نشده هم باشد، درآمد ملی برابر است با:

- الف) ۵۴۵ (ب) ۵۲۵ (ج) ۵۸۵ (د) ۵۶۵

۱۳۱ - کدام یک از کتابهای زیر، اثر جان مینارد کینز می باشد؟

- الف) ثروت ملل (ب) نظریه عمومی اشتغال، بهره، پول
 ج) ارزش و سرمایه (د) الف و ب

○ با توجه به اطلاعات زیر، به ۵ سؤال بعد پاسخ دهید (ارقام به میلیارد ریال):

- ۲۳۰ مالیاتهای مستقیم
 ۳۳۰ سرمایه گذاری خالص خصوصی

۱۷۰	پس‌انداز خصوصی
۶۰	خالص صادرات
۲۷۸۰	درآمد ملی
۲۰۰	صادرات
۵۶۰	سرمایه‌گذاری ناخالص خصوصی
۲۲۲۰	درآمد قابل تصرف
۳۲۰	خالص مالیات‌های غیرمستقیم
۱۵۰	سود توزیع نشده شرکت‌ها
۴۵۰	درآمد حاصل از اجاره (مالکیت)

۱۳۲ - استهلاک برابر است با:

الف) ۲۶۰	ب) ۳۲۰	ج) ۱۴۰	د) ۲۳۰
----------	--------	--------	--------

۱۳۳ - واردات برابر است با:

الف) ۱۴۰	ب) ۲۴۰	ج) ۱۶۰	د) ۳۰۰
----------	--------	--------	--------

۱۳۴ - مخارج مصرفی خصوصی برابر است با:

الف) ۱۸۳۰	ب) ۲۰۵۰	ج) ۲۲۵۰	د) ۲۳۱۰
-----------	---------	---------	---------

۱۳۵ - خریدهای دولت از کالاها و خدمات برابر است با:

الف) ۱۰۳۰	ب) ۸۶۰	ج) ۶۶۰	د) ۷۱۰
-----------	--------	--------	--------

۱۳۶ - درآمد شخصی، برابر است با:

الف) ۲۷۴۰	ب) ۲۵۳۰	ج) ۲۲۹۰	د) ۲۴۵۰
-----------	---------	---------	---------

۱۳۷ - تفاوت GNP از NNP، برابر است با:

- الف) مقدار مالیات پرداخت شده به دولت
 ب) پرداخت‌های بنگاه‌های تجاری
 ج) تفاوت بین سرمایه‌گذاری ناخالص و خالص
 د) پرداخت‌های انتقالی دولت

۱۳۸ - باکم کردن مالیات بر درآمد اشخاص از درآمد شخصی، به چه شاخصی می‌رسیم؟

الف) مخارج مصرفی خصوصی	ب) پس‌انداز
ج) درآمد ملی، منهای درآمد شخصی	د) درآمد قابل تصرف

۱۳۹ - تولید خالص ملی، کدام یک از موارد زیر را شامل نمی‌شود؟

الف) مالیات‌های غیرمستقیم	ج) استهلاک
---------------------------	------------

(ب) مالیات بر درآمد شرکت‌ها

(د) هیچ‌کدام از موارد بالا

۱۴۰ - یک انتقاد از GNP به عنوان شاخصی اقتصادی این است که:

(الف) بر حسب قیمت‌های ثابت بیان نمی‌شود.

(ب) ارزش خدمات را شامل نمی‌شود.

(ج) ارزش خدمات زنان خانه‌دار را در نظر نمی‌گیرد.

(د) شامل واردات و صادرات نمی‌شود.

۱۴۱ - فرض کنید آقای اسمیت با آسپز خود ازدواج کند؛ در نتیجه این ازدواج،

(الف) GNP کاهش می‌یابد.

(ج) GNP تغییری نمی‌کند.

(ب) GNP افزایش می‌یابد.

(د) تغییر GNP نامشخص است.

۱۴۲ - معمولاً GNP حقیقی کم‌تر از GNP اسمی رشد می‌کند، چرا که؛

(الف) صادرات کم‌تر از واردات است.

(ب) سطح عمومی قیمت‌ها، معمولاً کاهش می‌یابد.

(ج) پیشرفت فنی، منجر به تولید بیش‌تر می‌شود.

(د) سطح عمومی قیمت‌ها معمولاً در حال افزایش است.

۱۴۳ - فرض کنید در سال ۱۳۶۰، GNP اسمی ۱۰۰ میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۶۸ به ۲۶۰

میلیارد تومان افزایش یافته است. همچنین، شاخص عمومی قیمت‌ها در سال ۱۳۶۰ برابر با ۱۰۰

بوده که در سال ۱۳۶۸ به ۱۸۰ افزایش یافته است، در فاصله سالهای ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۸، GNP

حقیقی چند درصد افزایش داشته است؟

(الف) ۱۲ درصد (ب) ۳۷ درصد (ج) ۴۴ درصد (د) ۱۶۰ درصد

۱۴۴ - در سال ۱۳۷۲، GNP اسمی، ۶۲۳ میلیارد تومان و شاخص عمومی قیمت‌ها ۱۴۰ بود. برای

این که GNP سال ۱۳۷۲ را بتوان با GNP سال پایه مقایسه کرد، GNP اسمی سال ۱۳۷۲ باید،

(الف) به ۹۷۲ میلیارد تومان افزایش یابد.

(ب) به ۵۱۲ میلیارد تومان کاهش یابد.

(ج) به ۵۱۲ میلیارد تومان افزایش یابد.

(د) به ۴۴۵ میلیارد تومان کاهش یابد.

۱۴۵ - شاخص ضمنی تعدیل‌کننده GNP، کدام یک از عبارات زیر می‌باشد؟

$$(ج) \frac{GNP \text{ به قیمت ثابت}}{GNP \text{ به قیمت جاری}} \times 100$$

$$(الف) \frac{GNP \text{ به قیمت جاری}}{GNP \text{ به قیمت ثابت}} \times 100$$

(د) هیچ‌کدام از موارد بالا.

$$(ب) \frac{GNP \text{ به قیمت جاری}}{GNP \text{ به قیمت جاری}} \times 100$$

۱۴۶ - فرض کنید، GNP اسمی سال ۱۳۷۲ برابر با ۷۰ میلیارد ریال و GNP اسمی سال ۱۳۷۱ برابر با

۶۰ میلیارد ریال باشد. شاخص قیمت‌ها در سال ۱۳۷۲ برابر با ۳۰۰ و در سال ۱۳۷۱ برابر با ۲۰۰ بوده است. رشد اسمی و حقیقی اقتصاد به ترتیب برابر است با:

الف) ۱۶/۶ و ۲۲/۳ - درصد
 ج) ۱۶/۶ و ۳۰ - درصد
 ب) ۱۶/۶ - و ۲۲/۳ درصد
 د) ۲۳ و ۳۰ - درصد

۱۴۷ - اگر شاخص قیمت‌ها ۱۳۰ باشد، به این معنی است که؛

الف) قیمت‌ها به‌طور متوسط ۱۳۰ درصد بیش‌تر از سال پایه است.
 ب) قیمت‌ها به‌طور متوسط ۱۳/۰ / قیمت‌های سال پایه است.
 ج) قیمت‌ها به‌طور متوسط ۳۰ درصد بیش‌تر از سال پایه است.
 د) برای تعیین GNP حقیقی، باید GNP اسمی را افزایش داد.

۱۴۸ - فرض کنید، تولید ملی به قیمت جاری در سال پایه ۵۰۰ تومان باشد. اگر شاخص قیمت‌ها در ۸ سال بعد ۲ برابر شود و تولید حقیقی ۵۰ درصد رشد کند، در ۸ سال بعد، تولید ملی به قیمت جاری برابر است با:

الف) ۲۰۰۰ تومان (ب) ۱۵۰۰ تومان (ج) ۱۰۰۰ تومان (د) ۷۵۰ تومان

۱۴۹ - اگر سال پایه، سال ۱۳۷۰ باشد، شاخص‌های لاسپیرز و پاشه برای سال ۱۳۷۰،
 الف) برابر با ۱۰۰ است.
 ج) کم‌تر از ۱۰۰ است.
 ب) بیش‌تر از ۱۰۰ است.
 د) شاخص پاشه بیش‌تر از ۱۰۰ است.

۱۵۰ - اگر شاخص لاسپیرز، برای سال ۱۳۷۰ برابر با ۳۰۰ و برای سال ۱۳۶۹ برابر با ۲۰۰ باشد، تورم در سال ۱۳۷۰ برابر است با:

الف) ۵۰ درصد (ب) ۱۰۰ درصد (ج) ۲۰۰ درصد (د) ۳۰۰ درصد

۱۵۱ - در کدام یک از شرایط زیر، شاخص لاسپیرز و پاشه برابر می‌شوند؟
 الف) در سال پایه

ب) قیمت همه کالاها و خدمات در سال جاری و پایه برابر باشند.
 ج) مقدار مصرف همه کالاها و خدمات در سال پایه و جاری برابر باشند.
 د) موارد الف و ج صحیح است.

۱۵۲ - اگر قیمت‌های سال جاری برابر با قیمت‌های سال پایه باشند،

الف) شاخص لاسپیرز برای سال جاری برابر ۱۰۰ است.
 ب) شاخص پاشه برای سال جاری برابر ۱۰۰ است.
 ج) هر دو شاخص پاشه و لاسپیرز برای سال جاری برابر ۱۰۰ است.
 د) هر دو شاخص بزرگ‌تر از ۱۰۰ هستند و با هم برابر.

۱۵۳ - در روش محاسبه تولید ناخالص ملی از طریق ارزش افزوده، کارمزد احتسابی بانک‌ها،

- الف) کسر می‌شود. ج) فرض می‌شود صفر است.
 ب) اضافه می‌شود. د) جزء سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود.

۱۵۴ - در حسابداری ملی، وقتی درآمد ملی محاسبه می‌شود، به قیمت عوامل است. چون،
 الف) اشتباهات آماری در آن نیست.
 ب) استهلاك در آن نیست.
 ج) خالص مالیاتهای غیرمستقیم در آن نیست.
 د) سود در آن نیست.

۱۵۵ - در حسابداری ملی، یکی از اقلامی که در محاسبه GNP وارد می‌شود، "اشتباهات آماری" است که بیانگر،

- الف) اختلاف بین GNP برنامه‌ریزی شده و GNP واقعی است.
 ب) اختلاف بین محاسبه GNP از طریق ارزش افزوده و محاسبه GNP از طریق مخارج است.
 ج) اشتباه در پیش‌بینی GNP است.
 د) اشتباه در تخمین موجودی انبار است.

۱۵۶ - کدام یک از رابطه‌های زیر صحیح می‌باشد؟

- الف) تولید خالص ملی به قیمت عوامل = درآمد ملی
 ب) مخارج کل برنامه‌ریزی شده = عرضه کل
 ج) درآمد ملی = درآمد قابل تصرف
 د) تولید خالص ملی = تولید ناخالص ملی + درآمد عوامل تولید از خارج

۱۵۷ - کدام یک از اقلام زیر را باید به درآمد ملی افزود تا به درآمد شخصی برسیم؟

- الف) مالیات بر سود شرکت‌ها ج) پرداخت‌های انتقالی
 ب) سود توزیع نشده شرکت‌ها د) موارد الف و ب

۱۵۸ - سود و زیان حاصل از تغییر ارزش سرمایه (capital gain and losses)،

- الف) در GNP محاسبه می‌شود.
 ب) در GNP محاسبه نمی‌شود.
 ج) فقط سود در GNP محاسبه می‌شود.
 د) فقط زیان در GNP محاسبه می‌شود.

۱۵۹ - طبقه‌بندی اصلی مخارج نهایی، در حسابداری درآمد ملی، عبارت است از:

- الف) مخارج کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی
 ب) مصرف، سرمایه‌گذاری، مخارج دولتی و خالص صادرات
 ج) مخارج مواد اولیه، مخارج کالاهای نیم‌ساخته و مخارج کالاهای نهایی
 د) مخارج مزد، بهره و اجاره

۱۶۰ - پرداخت‌های انتقالی در تولید خالص ملی محاسبه نمی‌شود، چرا که؟

- (الف) آنها را دولت می‌پردازد.
 (ب) منبع تأمین آنها مالیات است.
 (ج) در ازاء تولید کالاها و خدمات نبوده است.
 (د) همه موارد بالا.

۱۶۱ - اگر یک کالای دست دوم، از خارج خریداری نماییم، در محاسبه GNP از روش مخارج، ارزش این کالا، باید در محاسبات،

- (الف) GNP وارد شود.
 (ب) GNP وارد نشود.
 (ج) سرمایه‌گذاری وارد شود.
 (د) کالای مصرفی وارد شود.

۱۶۲ - دوربین عکاسی در چه صورتی، یک کالای سرمایه‌ای تلقی می‌شود؟

- (الف) توسط خانوارها خریداری شود.
 (ب) توسط بنگاه عکاسی خریداری شود.
 (ج) در هر دو حالت الف و ب.
 (د) دوربین عکاسی، کالای مصرفی است.

۱۶۳ - اگر شخصاً اتومبیل خود را در منزل تعمیر نمایید، ارزش کدام یک از موارد زیر، در GNP به حساب می‌آید؟

- (الف) ارزش قطعات یدکی استفاده شده در تعمیر
 (ب) ارزش دستمزد خودتان
 (ج) دستمزد و ارزش قطعات یدکی
 (د) به GNP اضافه نمی‌شود.



پاسخنامه فصل ۱

ب-۱۲۵	ب-۹۴	ج-۶۳	د-۳۲	ج-۱
ج-۱۲۶	د-۹۵	ج-۶۴	د-۳۳	د-۲
ب-۱۲۷	ج-۹۶	ج-۶۵	ب-۳۴	د-۳
د-۱۲۸	د-۹۷	ج-۶۶	د-۳۵	الف-۴
د-۱۲۹	د-۹۸	د-۶۷	ب-۳۶	ب-۵
ب-۱۳۰	الف-۹۹	ج-۶۸	الف-۳۷	ب-۶
ب-۱۳۱	ب-۱۰۰	د-۶۹	الف-۳۸	د-۷
د-۱۳۲	ج-۱۰۱	الف-۷۰	ب-۳۹	ج-۸
الف-۱۳۳	الف-۱۰۲	الف-۷۱	الف-۴۰	الف-۹
ب-۱۳۴	ج-۱۰۳	الف-۷۲	ج-۴۱	ب-۱۰
ج-۱۳۵	د-۱۰۴	ج-۷۳	د-۴۲	د-۱۱
د-۱۳۶	د-۱۰۵	ج-۷۴	الف-۴۳	الف-۱۲
ج-۱۳۷	الف-۱۰۶	د-۷۵	ب-۴۴	ب-۱۳
د-۱۳۸	ج-۱۰۷	د-۷۶	ج-۴۵	ج-۱۴
ج-۱۳۹	ج-۱۰۸	ج-۷۷	الف-۴۶	ج-۱۵
ج-۱۴۰	ب-۱۰۹	الف-۷۸	ج-۴۷	الف-۱۶
الف-۱۴۱	الف-۱۱۰	الف-۷۹	الف-۴۸	ب-۱۷
د-۱۴۲	د-۱۱۱	د-۸۰	ب-۴۹	د-۱۸
ج-۱۴۳	د-۱۱۲	الف-۸۱	د-۵۰	ج-۱۹
د-۱۴۴	الف-۱۱۳	ب-۸۲	ج-۵۱	د-۲۰
الف-۱۴۵	ب-۱۱۴	ب-۸۳	ب-۵۲	ج-۲۱
الف-۱۴۶	ج-۱۱۵	ب-۸۴	ب-۵۳	د-۲۲
ج-۱۴۷	ب-۱۱۶	ج-۸۵	الف-۵۴	ج-۲۳
ب-۱۴۸	الف-۱۱۷	د-۸۶	د-۵۵	د-۲۴
الف-۱۴۹	الف-۱۱۸	الف-۸۷	د-۵۶	الف-۲۵
الف-۱۵۰	الف-۱۱۹	ب-۸۸	د-۵۷	الف-۲۶
د-۱۵۱	ب-۱۲۰	ب-۸۹	د-۵۸	ب-۲۷
الف-۱۵۲	الف-۱۲۱	د-۹۰	ب-۵۹	د-۲۸
الف-۱۵۳	ب-۱۲۲	د-۹۱	ج-۶۰	الف-۲۹
ج-۱۵۴	د-۱۲۳	د-۹۲	ب-۶۱	د-۳۰
ب-۱۵۵	ب-۱۲۴	ج-۹۳	ج-۶۲	د-۳۱

ب-۱۶۲
الف-۱۶۳

ج-۱۶۰
الف-۱۶۱

ب-۱۵۸
ب-۱۵۹

الف-۱۵۶
ج-۱۵۷

پاسخ‌های تشریحی فصل اول

گردش فعالیت‌های اقتصادی

۱- ج. علم اقتصاد به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود، اقتصاد خرد و اقتصاد کلان. اقتصاد خرد به بررسی فعالیت‌های اقتصادی مصرف‌کننده و تولیدکننده می‌پردازد، به عبارت دیگر، با فعالیت‌های انفرادی سروکار دارد. اقتصاد کلان به بررسی فعالیت‌های اقتصادی در سطح جامعه می‌پردازد. بررسی در مورد یک کالای خاص، بنگاه معین و یا مصرف‌کننده مشخص، مربوط به حوزه اقتصاد خرد می‌باشد، بررسی در باره تولید کل، سطح عمومی قیمت‌ها، اشتغال و تراز پرداخت‌ها در حوزه اقتصاد کلان است.

۲- د. جریان ۱ و ۲، تولید ملی؛ جریان ۳، درآمد ملی؛ جریان ۴، مخارج مصرفی خانوارها؛ جریان ۵، پس‌انداز ملی و جریان ۶ و ۷، مخارج سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد. در نمودار فوق به دلیل عدم وجود استهلاک و خالص مالیات‌های غیر مستقیم، جریان ۱، ۲ و ۳ همیشه مساوی است. از طرفی دیگر، درآمد ملی به مصرف و پس‌انداز تخصیص می‌یابد ($3 = 5 + 4$)، اگر اقتصاد در تعادل باشد، تولید ملی یا درآمد ملی مساوی است با سرمایه‌گذاری به اضافه پس‌انداز. بنابراین رابطه ارائه شده در گزینه (د) برقرار نمی‌باشد.

۳- د. شرط تعادل در مدل دوبخشی، برقراری رابطه پس‌انداز = سرمایه‌گذاری و یا عرضه کل = تقاضای کل می‌باشد. تقاضای کل در مدل دوبخشی (که فقط خانوارها و بنگاهها وجود دارند) برابر است با مخارج مصرفی خانوارها (C) و مخارج سرمایه‌گذاری بنگاهها (I).

۴- الف. تزریق، به جریانی گفته می‌شود که به جریان دایره‌وار اصلی وارد می‌شود. در مدل دوبخشی، سرمایه‌گذاری، تزریق است.

۵- ب. اگر عرضه کل، بزرگ‌تر از تقاضای کل باشد و یا نشت بزرگ‌تر از تزریق باشد، سرمایه‌گذاری در موجودی انبار، مثبت است. در مدل فوق، نشت، جریانی است که از جریان دایره‌وار اصلی خارج می‌شود، یعنی پس‌انداز.

۶- ب. درآمد ملی، مجموع درآمدهای خانوارها، طی یک دوره معین (معمولاً یک سال) از بابت فروش عوامل تولید خود به دست می‌آورند، که در جریان C نشان داده شده است.

۷- د. چون جهت فلش از بازار پولی و مالی به سمت دولت است، به این معنی است که دولت قرض گرفته است.

۸- ج. شرط تعادل در مدل سه‌بخشی، برقراری رابطه $I+G=S+T$ (نشت = تزریق) و یا $Y=C+I+G$ (تقاضای کل = عرضه کل) می‌باشد. در گزینه (ج)، رابطه نشت = تزریق، بیان شده است.

۹- الف. درآمد ملی، در مدل سه‌بخشی یا صرف مخارج مصرفی می‌شود، یا پس‌انداز می‌شود و یا به صورت مالیات به دولت پرداخت می‌شود. $(Y=C+S+T)$ این رابطه، همیشه (در حالت تعادل و غیر تعادل) برقرار است.

۱۰- ب. جهت فلش از خانوارها به سمت دولت است. خانوارها به دولت مالیات می‌پردازند و ممکن است سوبسید نیز دریافت کنند که تفاوت آن، خالص مالیات پرداختی خانوارها به دولت نام دارد.

۱۱- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۳ رجوع کنید.

۱۲- الف. نشت، جریانی است که از جریان اصلی اقتصاد خارج شود. با توجه به شکل سؤال ۶، S و T نشت

می باشند که جریان F ، پس انداز و جریان E ، مالیات می باشد.

۱۳- ب. در مدل چهار بخشی، G ، X و I ، چون به جریان اصلی فعالیت های اقتصادی وارد می شوند، تزریق نام دارند.

۱۴- ج. خالص مالیاتهای غیر مستقیم - تولید ناخالص ملی به قیمت بازار = تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل، نشان می دهد که چه مقدار از ارزش تولید ملی، متعلق به خانوارها می باشد. مالیاتهای غیر مستقیم، نصیب دولت می شود و به عوامل تولید نمی رسد.

سویسدهای غیر مستقیم - مالیاتهای غیر مستقیم = خالص مالیاتهای غیر مستقیم

۱۵- ج. تولید ملی ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده در سال جاری است. بنابراین، فقط تولیداتی در محاسبه وارد می شوند که در سال جاری تولید شده باشند. ارزش فروش ماشین دست دوم در محاسبه وارد نمی شود، زیرا متعلق به تولید سال جاری نمی باشد. خرید و فروش سهام، نیز از آن جا که فقط انتقال مالکیت است در محاسبات نمی آید.

۱۶- الف. مخارج کل، به مخارج کل برنامه ریزی شده و برنامه ریزی نشده تقسیم می شود. مخارج کل برنامه ریزی شده، مخارجی است که خانوارها، بنگاهها و دولت طبق برنامه قبلی انجام می دهند. در مدل سه بخشی، مخارج کل برنامه ریزی شده (که همان تقاضای کل می باشد)، برابر است با $C+I+G$. مخارج کل برنامه ریزی نشده به سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده در موجودی انبار گفته می شود. زیرا به دلیل عدم برابری عرضه کل و تقاضای کل، موجودی انبار اضافه و یا کم شده است. تولید ملی (عرضه کل) همیشه برابر با مخارج کل است. ولی فقط در تعادل است که عرضه کل، مساوی مخارج کل برنامه ریزی شده (تقاضای کل) می باشد. بنابراین، اقتصاد هنگامی در حالت تعادل است که مخارج کل برنامه ریزی نشده (تغییرات پیش بینی نشده در موجودی انبار) وجود نداشته باشد.

۱۷- ب. اگر $I > S$ باشد، تقاضای کل بیش تر از عرضه کل می شود، موجودی انبار کاهش، و قیمت ها افزایش می یابد، بنابراین بنگاهها شروع به تولید بیش تر می کنند.

۱۸- د.

خالص مالیاتهای غیر مستقیم - استهلاک - تولید ناخالص ملی = درآمد ملی

درآمد ملی، همان تولید خالص ملی به قیمت عوامل می باشد.

۱۹- ج. اصلی که در محاسبات حسابهای ملی وجود دارد، این است، فقط کالاها و خدماتی محاسبه می شوند که وارد بازار شده باشند، به عبارت دیگر، ارزش بازاری پیدا کرده باشند. فعالیت های بیان شده در گزینه های الف، ب و د چون از بازار عبور نمی کنند، در محاسبات نمی آیند. البته برای این اصل، چند استثناء نیز وجود دارد. به عنوان مثال، معاملات غیر قانونی، کالاهای دست دوم، فروش سهام ... از بازار عبور می کنند ولی در GNP محاسبه نمی شوند و یا کارمزد احتسابی و ارزش اجاره خانه های مسکونی تحت مالکیت شخصی، از بازار عبور نمی کنند ولی در GNP محاسبه می شوند.

۲۰- د

استهلاک - سرمایه گذاری ناخالص = سرمایه گذاری خالص

۲۱- ج. درآمد ملی (NI)، درآمد خانوارها می باشد که از فروش عوامل تولید طی همان سال به دست آمده است، ولی درآمد شخصی (PI)، درآمدی است که نصیب خانوارها می شود، حتی اگر متعلق به تولیدات و فروش

عوامل تولید همان سال نباشد. بهره پرداخت شده بابت بدهی دولت، چون متعلق به تولیدات همان سال نیست، در NI وار د نمی‌شود ولی در PI وارد می‌شود.

۲۲-د. GNP، ارزش کلیه کالاها و خدمات نهایی تولید شده طی یک سال است. پرداخت‌های انتقالی، مربوط به تولید نیست، بنابراین در GNP وارد نمی‌شود، ولی در درآمد شخصی وارد می‌شود.

۲۳-ج. گزینه (الف) صحیح نیست، زیرا پرداخت‌های انتقالی در تولید خالص ملی (NNP) وارد نمی‌شود. گزینه (ب) نیز غلط است، زیرا استهلاك در NNP وجود ندارد. گزینه (د) غلط است، زیرا کالاها و خدمات نهایی در NNP وارد می‌شود. خرید شیر توسط مغازه‌دار از دامدار، خرید کالای واسطه‌ای است.

۲۴-د. ارزش افزوده، ارزش کالاها و خدمات نهایی، منهای ارزش کالاها و خدمات واسطه‌ای به کار رفته در آن است. به عنوان مثال، اگر در تولید یک صندلی (که خانوارها مصرف می‌کنند)، چوب، چسب، رنگ، میخ و ... به کار رود و ارزش همه کالاهای واسطه‌ای به کار رفته در آن ۵۰ باشد و صندلی نیز به قیمت ۱۲۰ به فروش برسد، ارزش افزوده صندلی برابر با ۷۰ می‌شود که ارزش افزوده، شامل مزده بهره، سود، اجاره می‌باشد. همچنین ارزش افزوده کل کشور، برابر است با ارزش همه کالاها و خدمات نهایی تولید شده در کشور.

۲۵-الف. اگر هر متغیر اسمی (جاری) را بر شاخص قیمت‌ها تقسیم کنیم و در عدد ۱۰۰ ضرب نماییم، مقدار آن شاخص به ارزش حقیقی (ثابت) به دست می‌آید.

۲۶-الف. کالای واسطه‌ای، کالایی است که در تولید کالای نهایی، به کار می‌رود.

۲۷-ب. GNP را از سه روش محاسبه می‌کنند: ۱- روش ارزش افزوده: ارزش افزوده بخش‌های مختلف را با یکدیگر جمع می‌کنند که این روش به روش تولید نیز مشهور است. ۲- روش مخارج (هزینه): در این روش، هزینه‌هایی که طی یک دوره در کشور انجام می‌گیرد را محاسبه می‌کنند و از آن جا که مجموع مخارج، همیشه برابر با تولید است، تولید ناخالص ملی به دست می‌آید. مخارج کل برابر است با مجموع مخارج مصرفی خانوارها (C)، مخارج سرمایه‌گذاری (I)، مخارج دولتی (G)، خالص مخارج خارجیان (X-M) و تغییر در موجودی انبار ΔInv . ۳- روش درآمد: از آن جا که ارزش تولید کل به صورت درآمد، بین عوامل تولید توزیع می‌شود، بنابراین با برآورد درآمد عوامل تولید، می‌توان به ارزش تولید ملی دست یافت. در نمودار، ارزش جریان ۴، مخارج مصرفی خانوارها و ارزش جریان ۵، مخارج سرمایه‌گذاری بنگاهها را نشان می‌دهد.

۲۸-د. جریان ۳، ارزش درآمد حاصل از فروش عوامل تولید خانوارها به بنگاهها را نشان می‌دهد، بنابراین، بیانگر GNP است.

۲۹-الف. در روش تولید، ارزش کلیه کالاها و خدمات نهایی را برآورد می‌کنیم، جریان ۱، ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده، توسط بنگاهها را نشان می‌دهد.

۳۰-د. عرضه کل، همان تولید ملی می‌باشد. مخارج کل برابر است با مخارج کل برنامه‌ریزی شده و مخارج کل برنامه‌ریزی نشده. مخارج کل برنامه‌ریزی شده، مخارجی است که طبق برنامه قبلی انجام می‌گیرد، مثل مخارج مصرفی، مخارج سرمایه‌گذاری و ... مخارج کل برنامه‌ریزی شده، همان تقاضای کل است. مخارج کل برنامه‌ریزی نشده، مخارجی است که طبق برنامه قبلی انجام نمی‌گیرد، که همان تغییر ناخواسته در موجودی انبار بنگاهها می‌باشد. عرضه کل، همیشه برابر با مخارج کل است. اگر اقتصاد در تعادل باشد، مخارج کل برنامه‌ریزی شده (تقاضای کل) برابر با عرضه کل است.

۳۱-د. به توضیحات پاسخ سؤال ۳۰ رجوع کنید. به تغییر ناخواسته در موجودی انبار، سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده یا مخارج کل برنامه‌ریزی نشده نیز می‌گویند. اگر تغییر ناخواسته در موجودی انبار، صفر باشد، اقتصاد در تعادل قرار دارد.

۳۲-د. اگر سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده (ناخواسته) در موجودی انبار، مثبت باشد، به این معنی است که عرضه کل از تقاضای کل بیش‌تر بوده است (مقداری از کالای تولید شده به فروش نرفته و به موجودی انبار اضافه شده است)، بنابراین، بنگاهها به کاهش قیمت اقدام می‌کنند و دوره بعد، تولید را کاهش می‌دهند.

۳۳-د. چون تقاضای کل بیش‌تر از عرضه کل است، موجودی انبار، کاهش می‌یابد (سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده در موجودی انبار، منفی است) بنابراین، قیمت افزایش یافته و تولید در دوره بعد افزایش می‌یابد.

۳۴-ب. استهلاك - سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی = سرمایه‌گذاری خالص داخلی

۳۵-د. قیمت (ارزش کالا)، برابر است با ارزش کالاهای واسطه‌ای به اضافه ارزش افزوده (مزد، بهره، اجاره و سود)

$$5 + 5 + 4 + 6 + 10 = 30$$

۳۶-ب. $10 + 5 + 5 + 20 = 40$

۳۷-الف. قیمت نان (مرحله ۳) برابر است با ارزش کالاهای واسطه‌ای به کار رفته در آن، به اضافه ارزش افزوده.

$$65 + 20 + 10 + 10 + 5 = 110$$

۳۸-الف. ارزش افزوده ایجاد شده طی همه مراحل ساخت کالا، برابر است با قیمت آن کالا.

۳۹-ب. درآمد ملی = دستمزد + بهره + اجاره + سود

$$750 + 120 + 60 + 108 = 1038$$

۴۰-الف. تولید ناخالص ملی، برابر است با ارزش کالاها و خدمت نهایی تولید شده در یک کشور.

$$1100 \times 1 = 1100$$

۴۱-ج. $100 - 40 = 60$ - استهلاك - سرمایه‌گذاری ناخالص = سرمایه‌گذاری خالص

۴۲-د. از آن جا که هدیه نشان‌دهنده تولید نیست و فقط تغییر مالکیت را نشان می‌دهد، در محاسبات GNP وارد نمی‌شود. البته اگر کالای هدیه شده در همان سال تولید شده باشد، جزء تولید همان سال می‌آید، ولی وقتی هدیه می‌شود، برای جلوگیری از دوباره‌شماری، در GNP محاسبه نمی‌شود.

۴۳-الف. در محاسبه GNP از روش مخارج، باید همه مخارج انجام شده در کشور را طی یک دوره را محاسبه کنیم، که در الگوی چهار بخشی، برابر است با مخارج خانوارها، مخارج سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده و نشده)، مخارج دولتی و خالص مخارج خارجیان که همان خالص صادرات باشد.

$$GNP = C + I + G + X - M$$

۴۴-ب. درآمد شخصی (PI)، آن قسمت از GNP است که به دست عوامل تولید می‌رسد. اگر از GNP،

استهلاك را کم کنیم به تولید خالص ملی (NNP) می‌رسیم و اگر از NNP، خالص مالیاتهای غیرمستقیم را کم کنیم به درآمد ملی (NI یا Y) می‌رسیم. درآمد ملی، بیانگر آن مقدار از GNP است که به عوامل تولید تعلق دارد. البته همه درآمد ملی به دست صاحبان عوامل تولید نمی‌رسد، بلکه مقداری باید کم و اضافه شود. اگر از درآمد ملی، سود توزیع نشده شرکت‌ها، سهم بیمه اجتماعی و ... را کم کنیم و پرداخت‌های انتقالی را اضافه کنیم به درآمد شخصی (PI) می‌رسیم. درآمد شخصی، بیانگر درآمدی است که طی یک دوره به دست عوامل تولید می‌رسد. اگر از درآمد شخصی، مالیاتهای مستقیم را کم کنیم به درآمد قابل تصرف (DI) می‌رسیم. درآمد قابل تصرف، درآمدی است که صاحبان عوامل تولید یک کشور می‌توانند در آن تصرف

کنند، یعنی آن را مصرف و یا پس‌انداز نمایند.

۴۵- ج. چون به دست صاحبان عوامل تولید می‌رسد، ولی نشانگر تولید در کشور نمی‌باشد.

۴۶- د. در GNP، تغییر کیفیت کالاها و خدمات قابل نشان دادن نمی‌باشد، همچنین هزینه‌هایی که صرف پاکسازی محیط می‌شود، وارد می‌شود، اما هزینه آلودگی محیط زیست از GNP کم نمی‌شود. همچنین، ارزش اوقات فراغت نیز در محاسبات وارد نمی‌شود، زیرا ارزش بازاری پیدا نمی‌کند.

۴۷- ج. استهلاك - سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی = سرمایه‌گذاری خالص داخلی

۴۸- الف. اگر سرمایه‌گذاری خالص در اقتصاد، مثبت باشد، امکان افزایش تولید و افزایش ظرفیت تولیدی، ایجاد می‌شود.

۴۹- ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۴۴ رجوع شود.

۵۰- د. با کسر استهلاك از GNP به NNP می‌رسیم.

۵۱- ج. اگر خالص مالیاتهای غیرمستقیم را از NNP کم کنیم، به درآمد ملی می‌رسیم.

۵۲- ب. سود توزیع شده، چون به دست اشخاص می‌رسد، در درآمد قابل تصرف وجود دارد.

۵۳- ب. اگر از درآمد شخصی، مالیات بر درآمد (مالیات مستقیم) را کم کنیم، به درآمد قابل تصرف می‌رسیم.

۵۴- الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۹ رجوع کنید.

۵۵- د. T (مالیاتها)، درآمدهای دولت و G (مخارج دولت)، هزینه‌های می‌باشد. تفاوت آنها، بیانگر کسری یا مازاد بودجه و یا عدم پس‌انداز و پس‌انداز دولت می‌باشد. اگر $T > G$ باشد، دولت مازاد بودجه دارد و یا پس‌انداز دولت مثبت است.

۵۶- د. در اقتصاد کلان، به سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده که معمولاً باعث افزایش ظرفیت تولیدی (ایجاد ساختمان و تجهیزات) می‌شود و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده یا نامطلوب که همان تغییر ناخواسته در موجودی انبار باشد، سرمایه‌گذاری اطلاق می‌گردد. خرید زمین یا سهام از نظر شخصی، یک سرمایه‌گذاری است ولی از دید کلان فقط تغییر مالکیت است و به/از ظرفیت تولیدی جامعه، چیزی اضافه کم نشده است.

۵۷- د. گزینه‌های الف، ب و ج، محاسبه GNP از روش تولید، مخارج و درآمد می‌باشد.

۵۸- د.

۵۹- ب. $۴۲۵ = ۵۰۰ - ۲۵ - ۵۰ =$ درآمد ملی = تولید خالص ملی به قیمت عوامل

۶۰- ج. $۴۲۵ = ۵۰۰ - ۲۵ - ۵۰ =$ درآمد ملی = تولید خالص ملی به قیمت عوامل

۶۱- ب. $۴۷۵ = ۵۰۰ - ۲۵ =$ تولید خالص ملی به قیمت بازار

۶۲- ج. استهلاك - NNP = GNP

۶۳- ج. ارزش افزوده هر بخش، برابر است با ارزش همه کالاها و خدمات تولید شده در آن بخش، منهای ارزش کالاها و خدمات واسطه‌ای به کار رفته برای تولید در آن بخش.

۶۴- ج. از آن جا که سود توزیع نشده شرکت‌ها، به دست عوامل تولید نمی‌رسد، جزء درآمد شخصی به حساب نمی‌آید.

۶۵- ج. چون بنگاهها این مخارج را انجام می‌دهند، جزء سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید. هر چند در عمل، ارزش همه ساختمانهای تولید شده در کشور، سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید.

۶۶- ج. GNP، ارزش فروش کالاها و خدمات نهایی است، یعنی ارزش کالاها و خدمات واسطه‌ای به دلیل

جلوگیری از احتساب مضاعف در محاسبات وارد نمی‌شوند.

۶۷-د.

۶۸-ج. در تعریف تولید ناخالص ملی، باید ارزش کالاها و خدمات نهایی ذکر شود. همچنین چون تولید ناخالص ملی است، بنابراین ارزش کالاها و خدمات تولید شده توسط افراد تبعه یک کشور می‌باشد. اگر ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک کشور (توسط افرادی که در مرزهای جغرافیایی یک کشور فعالیت می‌کنند، چه تبعه کشور باشند و یا نباشند) را محاسبه کنیم، تولید ناخالص داخلی را محاسبه کرده‌ایم، به عبارت دیگر در تولید ناخالص ملی ملاک، ملیت می‌باشد، ولی در تولید ناخالص داخلی، ملاک، مرز جغرافیایی می‌باشد.

۶۹-د. متغیر جریان، به متغیری گفته می‌شود که بُعد زمانی دارد، به عبارت دیگر، طی یک دوره زمانی اندازه‌گیری می‌شود. متغیر ذخیره یا انباره به متغیری گفته می‌شود که در یک لحظه زمانی قابل محاسبه است، مثل حجم سرمایه کشور که در یک لحظه زمانی قابل محاسبه می‌باشد.

۷۰-الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۶۹ رجوع کنید.

۷۱-الف.

۷۲-الف.

۷۳-ج.

۷۴-ج. به طور کلی، هرگونه مخارج که صرف ساختن مسکن می‌شود، در حسابهای ملی ایران جزء سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید.

۷۵-د. واردات - صادرات = خالص صادرات؛ بنابراین، اگر واردات بیش‌تر از صادرات باشد، خالص صادرات، منفی است.

۷۶-د. تقاضای کل در مدل چهار بخشی برابر است با: مخارج مصرفی (C)، مخارج سرمایه‌گذاری (I)، مخارج دولت (G) و خالص صادرات (X-M).

۷۷-ج. اقتصاد در تعادل باشد یا نباشد، برابری ارائه شده در گزینه (ج) همیشه برقرار است. برابری بیان شده در گزینه (الف)، فقط در حالت تعادل برقرار می‌باشد.

۷۸-الف. شرط تعادل در مدل دو بخشی، برابری نشت و تزریق است، یعنی سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده و پس‌انداز، برابر باشند ($I=S$).

۷۹-الف. تغییر با برنامه قبلی در موجودی انبار، سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده به حساب می‌آید.

۸۰-د. به توضیحات پاسخ سؤال ۵۶ رجوع کنید.

۸۱-الف. تولید ناخالص ملی، ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده توسط افراد کشور است، بنابراین، فقط ارزش تولید گوشت را باید در نظر بگیریم.

۸۲-ب. $۱۰۰۰۰ - ۶۰ = ۹۹۰ =$ تولید خالص ملی

۸۳-ب.

۸۴-ب. از آن جا که ارزش کالاها و خدماتی که از بازار عبور نمی‌کنند (مثل ارزش خدمات زنان خانه‌دار و...) در GNP وارد نمی‌شود و در کشورهای فقیر، این گونه کالاها و خدمات زیادتر می‌باشد، بنابراین، احتمال بیش از حد نشان داده شدن تفاوت، بین کشورهای صنعتی و فقیر وجود دارد.

۸۵-ج. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۹ رجوع کنید.

۸۶-د. ارزش تولیدات یک جامعه، به صورت درآمد (مزد، اجاره، بهره و سود) بین عوامل تولید توزیع می‌شود، بنابراین اگر درآمد صاحبان عوامل تولید را محاسبه کنیم، همانند این است که ارزش خالص تولیدات را محاسبه کرده باشیم.

۸۷-الف. تولید ناخالص داخلی برابر است با ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی، منهای کارمزد احتسابی، بنابراین:

$$A = 20 + 60 + 80 + 40 - 10 = 190 = \text{تولید ناخالص داخلی}$$

ب. ۸۸

$$210 = 190 + 20 = \text{خالص درآمد عوامل تولید از خارج} + \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید ناخالص ملی}$$

$$190 - 20 = 170$$

ب. ۸۹

۹۰-د. تفاوت تولید ناخالص ملی به قیمت بازار و به قیمت عوامل، در خالص مالیاتهای غیرمستقیم است. اگر خالص مالیاتهای غیرمستقیم وجود نداشته باشد، این دو با یکدیگر برابرند.

۹۱-د. خالص مالیاتهای غیرمستقیم - (تولید خالص ملی) $NI = NNP$ (درآمد ملی)

۹۲-د. $GNP = (G) \text{مخارج دولت} + (C) \text{مخارج مصرفی خصوصی} =$

$$(X - M) \text{خالص صادرات} + (I) \text{سرمایه گذاری ناخالص} +$$

$$GNP = 250 + 90 + 75 + 24 - 22 = 417$$

$$NNP = GNP - \text{استهلاک}$$

ج. ۹۳

$$75 - 50 = 25 = \text{سرمایه گذاری خالص} - \text{سرمایه گذاری ناخالص} = \text{استهلاک}$$

$$NNP = 417 - 25 = 392$$

۹۴-ب. $392 - 20 = 372 = \text{خالص مالیاتهای غیرمستقیم} - NNP = NI$ (درآمد ملی)

۹۵-د. سهم بیمه اجتماعی - سود توزیع نشده شرکت‌ها - $PI = NI$ (درآمد شخصی)

پرداخت‌های انتقالی + مالیات بر سود شرکت‌ها -

$$PI = 372 - 35 - 15 - 40 + 22 = 304$$

۹۶-ج. $304 - 40 = 264 = DI = PI$ (درآمد قابل تصرف)

۹۷-د. بهره پرداخت شده توسط مصرف‌کنندگان + پس‌انداز + مصرف = DI

$$\Rightarrow 10 = 264 - 250 - 4 = \text{پس‌انداز}$$

۹۸-د. $56 - 33 = 23 = \text{سرمایه گذاری خالص} - \text{سرمایه گذاری ناخالص} = \text{استهلاک}$

۹۹-الف. $20 - 6 = 14 = \text{خالص صادرات} - \text{صادرات} = \text{واردات}$

۱۰۰-ب. مصرف + بهره پرداخت شده توسط مصرف‌کنندگان + پس‌انداز = درآمد قابل تصرف

$$220 = 10 + 5 + \text{مصرف} \Rightarrow \text{مصرف} = 205$$

۱۰۱-ج. مالیاتهای غیرمستقیم + استهلاک + درآمد ملی = GNP

$$GNP = 278 + 23 + 32 = 333$$

$$GNP = C + I + G + X - M = 333 = 205 + 56 + G + 6$$

$$\Rightarrow G = 66$$

۱۰۲-الف. $220 + 23 = 243 = \text{مالیاتهای شخصی} + \text{درآمد قابل تصرف} = PI$

۱۰۲-ج. $190 = C + 6 + 4 \Rightarrow C = 180 = \text{بهره پرداخت شده توسط مصرف‌کنندگان} + DI$

$$GNP=C+I+G+X-M=180+46+84+9-12=307$$

$$NNP=GNP-\text{استهلاک}=307-52=255 \quad \text{د. ۱۰۴}$$

$$NI=255-22=233 \quad \text{د. ۱۰۵}$$

$$PI=\text{مالیاتیهای شخصی (مستقیم)} + \text{درآمد قابل تصرف}=190+38=228 \quad \text{الف. ۱۰۶}$$

$$\text{ج. ۱۰۷}$$

۱۰۸- ج. سال پایه، سالی قراردادی است که در محاسبه شاخص قیمت‌ها تعیین می‌کنیم، و قیمت‌های سالهای دیگر را با سال پایه مقایسه می‌کنیم. شاخص قیمت‌ها در سال پایه، همیشه برابر با ۱۰۰ است. برای تبدیل متغیرها با ارزش جاری، به ارزش ثابت به این صورت عمل می‌کنیم:

$$GNP \text{ به قیمت ثابت} = \frac{GNP \text{ به قیمت جاری}}{\text{شاخص قیمت‌ها}} \times 100$$

از آن جا که شاخص قیمت‌ها در سال پایه، ۱۰۰ است، بنابراین در سال پایه ارزش متغیرها به قیمت ثابت و جاری برابر می‌شود.

$$\text{ب. ۱۰۹}$$

$$111/1 = \text{شاخص قیمت‌ها} \Rightarrow \frac{600}{\text{شاخص قیمت‌ها}} \times 100 = 540 = \frac{GNP \text{ جاری}}{\text{شاخص قیمت‌ها}} \times 100 \Rightarrow \text{GNP ثابت}$$

۱۱۰- الف. به رشد شاخص قیمت‌ها، تورم می‌گویند. بنابراین می‌باید، شاخص قیمت سال ۶۴ را به دست آورده و رشد آن را نسبت به شاخص قیمت سال پایه (۱۰۰) محاسبه کنیم.

$$24 = \frac{124-100}{100} \times 100 = \text{نرخ تورم سال ۶۴} \quad 124 = \frac{680}{550} \times 100 = \text{شاخص قیمت سال ۶۴}$$

۱۱۱- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۱۰ رجوع کنید.

۱۱۲- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۱۰ رجوع کنید.

۱۱۳- الف. اگر سال پایه، سال ۱۳۶۰ باشد، GNP ثابت سال ۱۳۶۰ برابر با GNP جاری سال ۱۳۶۰ می‌شود،

یعنی ۴۸۰ به ۴۵۰ تبدیل می‌شود، به عبارت دیگر، اگر GNP به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ را تقسیم بر

$$\frac{480}{450} = 1/0.66 = \text{نمایشیم، GNP به قیمت ثابت سال ۱۳۶۰ به دست می‌آید. بنابراین: } 469 = \frac{500}{1/0.66}$$

۱۱۴- ب. در سال پایه، GNP به قیمت جاری و ثابت برابر است. بنابراین، GNP به قیمت ثابت برابر با ۶۰۰ (GNP به قیمت جاری) می‌شود.

۱۱۵- ج. GNP به قیمت جاری برابر است با ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده.

$$GNP \text{ به قیمت جاری} = (20 \times 10) + (15 \times 5) + (10 \times 30) = 575$$

۱۱۶- ب. باید مقادیر تولید سال ۱۳۶۰ را در قیمت‌های سال ۱۳۷۰ ضرب کنیم.

$$GNP_{1370} \text{ به قیمت سال ۱۳۷۰} = (10 \times 10) + (20 \times 5) + (15 \times 30) = 650$$

۱۱۷- الف. باید مقادیر تولید سال ۶۰ را در قیمت‌های سال ۱۳۷۲ ضرب نماییم.

$$GNP_{60} \text{ به قیمت سال ۱۳۷۲} = (10 \times 5) + (20 \times 20) + (15 \times 40) = 1050$$

$$P_{1372} = \frac{\sum P_{1372} Q_{60}}{\sum P_{60} Q_{60}} \times 100 = \frac{(30 \times 5) + (20 \times 20) + (15 \times 40)}{(10 \times 30) + (5 \times 20) + (30 \times 15)} \times 100 = 135 \quad \text{الف. ۱۱۸}$$

۱۱۹- الف. باید GNP به قیمت ثابت را محاسبه کنیم، تفاوت GNP به قیمت ثابت به دلیل تفاوت در تولید است، زیرا اثر افزایش قیمت خشی شده است.

$$Q^{Y_2}_i = (30 \times 5) + (20 \times 10) + (15 \times 20) = 650$$

$$GNP_{Y_2} = \sum P^1_i Q^{Y_2}_i = (5 \times 10) + (10 \times 20) + (20 \times 15) = 550$$

$$GNP_{Y_2} - GNP_{Y_1} = 650 - 550 = 100$$

۱۲۰- ب. دقت کنید که در محاسبه GNP فقط کالاهای نهایی محاسبه می‌شوند.

$$GNP = 1200 \times 500 = 600000$$

$$\frac{600}{500} \times 100 = 120$$

۱۲۱- الف.

۱۲۲- ب. تورم، رشد شاخص قیمت‌های کالاهای نهایی مصرفی است. قیمت گوشت نسبت به سال اول ۲۰ درصد افزایش داشته است.

۱۲۳- د.

۱۲۴- ب. کالاهای مصرفی بادوام، کالاهایی هستند که عمر آنها، بیش‌تر از یک سال می‌باشد.

۱۲۵- ب. تولید ناخالص ملی به قیمت بازار، برابر است با مجموع مخارجی که در یک اقتصاد صورت می‌گیرد، به اضافه خالص درآمد عوامل تولید از خارج.

$$A = 40 + 20 + 30 + 10 + 60 - 5 = 155$$

۱۲۶- ج. تولید ناخالص ملی به قیمت بازار = خالص مالیاتهای غیر مستقیم

$$155 - 140 = 15 = \text{تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل}$$

۱۲۷- ب. چون تغییر در موجودی انبار، مثبت بوده است، تزریق از نشت کم‌تر است، به عبارت دیگر، عرضه کل بیش‌تر از تقاضای کل می‌باشد.

$$GNP = C + I + G = 380 + 100 + 105 = 585$$

$$DI = C + S = 380 + 60 = 440$$

۱۳۰- ب.

$$525 = 25 + 30 + 20 + 450 = \text{سود شرکت‌ها} + \text{اجاره} + \text{بهره} + \text{مزد و حقوق} = \text{درآمد ملی}$$

۱۳۱- ب.

$$230 = 560 - 330 = \text{سرمایه‌گذاری خالص} - \text{سرمایه‌گذاری ناخالص} = \text{استهلاک}$$

۱۳۲- الف.

$$140 = 200 - 60 = \text{خالص صادرات} - \text{صادرات} = \text{واردات}$$

$$DI = C + S = 2220 = C + 170 \Rightarrow C = 2050$$

۱۳۴- ب.

$$NNP = NI + \text{مالیاتهای غیر مستقیم} = 2780 + 320 = 3100$$

۱۳۵- ج.

$$NNP = C + I_n + G + X - M = 3100 = 2050 + 330 + G + 60 \Rightarrow G = 660$$

$$2450 = 2220 + 230 = \text{مالیاتهای مستقیم} + \text{درآمد قابل تصرف} = \text{درآمد شخصی}$$

۱۳۶- د.

۱۳۷- ج. تفاوت GNP و NNP برابر است با استهلاک. تفاوت سرمایه‌گذاری ناخالص و خالص هم برابر است با استهلاک.

۱۳۸- د.

۱۳۹- ج. استهلاک در تولید خالص ملی به حساب نمی‌آید.

۱۴۰- ج.

۱۴۱- الف. تا هنگامی که به عنوان آشپز خدمت می‌کند، ارزش خدمت او در GNP به حساب می‌آید، ولی وقتی به عنوان همسر خدمت می‌کند، ارزش خدمات او در GNP به حساب نمی‌آید.

۱۴۲- د. GNP حقیقی، عبارت است از GNP اسمی تقسیم بر شاخص قیمت‌ها ضربدر ۱۰۰. اگر شاخص قیمت‌ها (سطح عمومی قیمت‌ها) در حال افزایش باشد، GNP حقیقی کم‌تر از GNP اسمی، رشد می‌کند.

$$142 \text{ - ج. } GNP_{1318} = \frac{260}{180} \times 100 = 144$$

$$\Rightarrow \text{رشد GNP حقیقی} = \frac{144 - 100}{100} \times 100 = 44$$

$$144 \text{ - د. } GNP_{14} = \frac{723}{140} \times 100 = 516$$

۱۴۵- الف.

۱۴۶- الف. رشد اسمی اقتصاد، درصد افزایش GNP اسمی و رشد حقیقی اقتصاد، درصد افزایش GNP حقیقی می‌باشد.

۱۴۷- ج. شاخص سال پایه ۱۰۰ است، بنابراین، اگر شاخص قیمت ۱۳۰ باشد، به این معنی است که قیمت‌ها به طور متوسط در جامعه ۳۰ درصد بیش‌تر شده است.

۱۴۸- ب. قیمت دو برابر شده است و تولید نیز ۵۰ درصد افزایش یافته است. بنابراین تولید جاری، ۳ برابر شده است.

۱۴۹- الف. در سال پایه، همه شاخص‌ها برابر با ۱۰۰ است.

$$L_t = \frac{\sum P_t^i Q_t^i}{\sum P_i^0 Q_i^0} \times 100$$

P_t^i قیمت کالای i در سال t

P_i^0 قیمت کالای i در سال پایه

Q_t^i مقدار کالای i در سال t

Q_i^0 مقداری کالای i در سال پایه

در سال پایه، t ، همان سال پایه است، بنابراین شاخص لاسپیرز و پاشه برابر با ۱۰۰ می‌شوند. دقت کنید که تفاوت شاخص لاسپیرز و پاشه در ضرب قیمت (Q_i) است. در شاخص لاسپیرز، قیمت‌ها را در مقادیر سال پایه ضرب می‌کنیم ولی در شاخص پاشه، قیمت‌ها را در مقادیر سال جاری ضرب می‌نماییم.

$$150 \text{ - الف. } = \frac{200 - 200}{200} \times 100 = 0$$

۱۵۱- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۴۹ رجوع کنید.

۱۵۲- الف. در شاخص لاسپیرز، مقادیر، مربوط به سال پایه است، اگر قیمت‌ها نیز در سال جاری و پایه برابر باشد، آنگاه شاخص لاسپیرز برابر با ۱۰۰ می‌شود.

۱۵۳- الف. چون بانک‌ها از حسابهای جاری، کارمزدی دریافت نمی‌کنند، بنابراین، ارزش افزوده تولیدات صاحبان حساب جاری به اندازه این کارمزد، بیش‌تر محاسبه شده است که باید کسر کنیم.

۱۵۴- ج. در محاسبه سود، بهره، اجاره و دستمزد که از جمع آنها به درآمد ملی می‌رسیم، خالص مالیاتهای غیرمستقیم وجود ندارد.

۱۵۵- ب. وقتی GNP از روش ارزش افزوده محاسبه می‌شود، با وقتی که از روش مخارج محاسبه می‌شود، ارقام متفاوتی به دست می‌آید. این تفاوت را، «اشتباهات آماری» نام‌گذاری کرده‌اند.

۱۵۶- الف.

۱۵۷-ج.

۱۵۸-ب.

۱۵۹-ب.

۱۶۰-ج.

۱۶۱-الف. خرید و فروش کالاهای دست دوم در داخل کشور در محاسبات GNP وارد نمی‌شود ولی، اگر از خارج کالا وارد کنیم در محاسبات GNP دو نظر گرفته می‌شود.

۱۶۲-ب. اگر دوربین عکاسی را خانوارها خریداری نمایند، یک کالای مصرفی تلقی می‌شود، ولی اگر بنگاهها خریداری نمایند، یک کالای سرمایه‌ای به حساب می‌آید، زیرا در تولید سایر کالاها از آن استفاده می‌شود.

۱۶۳-الف. فقط ارزش لوازم یدکی به کار رفته در GNP به حساب می‌آید. زیرا با خرید لوازم یدکی برای سازنده آنها درآمدی ایجاد می‌کنیم که در محاسبات رسمی منظور می‌شود. اما چون به طور رسمی دستمزدی به خودمان نمی‌پردازیم، ارزش تعمیرکاری ما در GNP به حساب نمی‌آید.



مدلهای

تعیین درآمد ملی

- ۱ - تعادل از نظر کینزین ها موقعی اتفاق می افتد که،
 الف) مخارج کل برنامه ریزی شده برابر با درآمد ملی باشد.
 ب) تابع مخارج کل برنامه ریزی شده، خط ۴۵ درجه را قطع کند.
 ج) پس انداز و سرمایه گذاری برنامه ریزی شده در مدل دوبخشی برابر باشند.
 د) همه موارد بالا صحیح است.

○ به سه سؤال بعد، بر مبنای اطلاعات جدول زیر پاسخ دهید (ارقام به هزار ریال):

درآمد قابل تصرف	۲۰۰	۲۲۵	۲۵۰	۲۷۵	۳۰۰
مصرف	۲۰۵	۲۲۵	۲۴۵	۲۶۵	۲۸۵

- ۲ - میل نهایی به مصرف برابر است با:
 الف) ۰/۸ (ب) ۰/۲ (ج) ۱/۵ (د) ۰/۷۵
- ۳ - در سطح درآمد قابل تصرف ۲۰۰،
 الف) میل متوسط به مصرف ۰/۸ است.
 ب) میل متوسط به پس انداز ۰/۲ است.
 ج) پس انداز (۵-) است.
 د) میل نهایی به پس انداز $2\frac{1}{4}$ است.
- ۴ - اگر درآمد قابل تصرف ۳۲۵ باشد، انتظار می رود که مصرف برابر باشد با:
 الف) ۲۹۰ (ب) ۲۰ (ج) ۳۰۵ (د) ۳۱۵

۵ - MPC برابر است با:

- الف) نسبتی از درآمد قابل تصرف که مصرف می شود.
 ب) نسبتی از درآمد کل که مصرف می شود.
 ج) نسبتی از تغییرات درآمد قابل تصرف که مصرف می شود.
 د) نسبتی از تغییرات درآمد که مصرف نمی شود.

- ۶ - میل نهایی به پس انداز (MPS) عبارت است از:
 الف) افزایش در پس انداز ناشی از افزایش یک واحد درآمد
 ب) پس انداز تقسیم بر مصرف

(ج) کاهش در پس انداز ناشی از تورم
(د) افزایش در پس انداز، ناشی از افزایش یک واحد مصرف

○ اطلاعات زیر در مورد یک اقتصاد فرضی می باشد (ارقام به میلیارد ریال است):
سرمایه گذاری همواره مقدار ثابت $I=300$ است. وقتی درآمد ملی صفر است، مصرف ۱۰، وقتی درآمد ملی ۱۰۰ است، مصرف ۹۰، وقتی درآمد ملی ۲۰۰ است، مصرف ۱۷۰، و وقتی درآمد ملی ۳۰۰ است، مصرف ۲۵۰ می باشد.
با توجه به اطلاعات داده شده، به ۴ سؤال بعد پاسخ دهید:

۷ - میل نهایی به مصرف برابر است با:

- الف) ۰/۹ (ب) ۰/۳ (ج) ۰/۸ (د) ۰/۲

۸ - میل نهایی به پس انداز برابر است با:

- الف) ۰/۳ (ب) ۰/۲ (ج) ۰/۱ (د) با اطلاعات داده شده، قابل محاسبه نیست.

۹ - سطح تعادلی درآمد ملی برابر است با:

- الف) ۲۰۰ (ب) ۱۰۰ (ج) ۳۰۰ (د) با اطلاعات داده شده، نمی توان تعیین کرد.

۱۰ - اگر درآمد ملی برابر با ۳۰۰ باشد، تغییر در موجودی انبار ناخواسته (برنامه ریزی نشده) برابر است با:

- الف) ۳۰ (ب) ۲۰ (ج) ۱۰ (د) ۰

○ اطلاعات زیر در مورد یک اقتصاد در دسترس می باشد (ارقام به میلیارد ریال است):

$$C = 100 + 0.8Y$$

مخارج دولت و مالیاتها نیز وجود ندارد. با توجه به اطلاعات فوق به ۳ سؤال بعد پاسخ دهید:

۱۱ - در سطح درآمد ملی ۱۰۰، مصرف برابر است با:

- الف) ۸۰ (ب) ۱۸۰ (ج) ۱۰۰ (د) ۹۰

۱۲ - در چه سطحی از درآمد ملی، پس انداز برابر با صفر است؟

- الف) ۴۰۰ (ب) ۷۰۰ (ج) ۶۰۰ (د) ۵۰۰

۱۳ - اگر سرمایه گذاری برنامه ریزی شده ۲۰۰ باشد، سطح تعادلی درآمد ملی واقعی برابر است با:

- الف) ۱۵۰۰ (ب) ۱۰۰۰ (ج) ۱۲۰۰ (د) با اطلاعات داده شده نمی توان تعیین کرد.

۱۴- کتاب "تئوری عمومی اشتغال، بهره و پول"،

الف) در سال ۱۹۳۶ منتشر شد.

ب) به وسیله کینز نوشته شد.

ج) قانون سی (Say's Law) را مورد انتقاد قرار داده است.

د) همه موارد بالا صحیح است.

○ به چهار سؤال بعد بر اساس جدول زیر پاسخ دهید (ارقام به میلیارد ریال):

NNP=DI (تولید خالص ملی)	۳۲۰	۳۳۰	۳۴۰	۳۵۰	۳۶۰	۳۷۰	۳۸۰
C (مصرف)	۳۲۰	۳۲۷	۳۳۴	۳۴۱	۳۴۸	۳۵۵	۳۶۲

۱۵- MPC برابر است با:

الف) $\frac{7}{10}$ (الف) ب) $\frac{3}{10}$ (ب) ج) $\frac{2}{5}$ (ج) د) $\frac{3}{5}$ (د)

۱۶- ضریب تکاثر سرمایه گذاری، برابر است با:

الف) ۴ (الف) ب) ۷ (ب) ج) $3\frac{1}{3}$ (ج) د) ۳۰ (د)

۱۷- در تولید خالص ملی ۳۷۰ میلیارد ریال، APS برابر است با:

الف) ۴ درصد (الف) ب) ۷ درصد (ب) ج) ۱ درصد (ج) د) ۱۶ درصد (د)

۱۸- اگر سرمایه گذاری خالص، ۱۲ میلیارد ریال باشد، سطح تعادلی NNP برابر است با:

الف) ۳۴۰ (الف) ب) ۳۵۰ (ب) ج) ۳۶۰ (ج) د) ۳۷۰ (د)

○ بر اساس جدول زیر، به ۵ سؤال بعد پاسخ دهید:

درآمد ملی (میلیارد ریال)	۲۴۰	۲۵۰	۲۶۰	۲۷۰	۲۸۰	۲۹۰	۳۰۰	۳۱۰	۳۲۰
مصرف (میلیارد ریال)	۲۴۴	۲۵۰	۲۵۶	۲۶۲	۲۶۸	۲۷۴	۲۸۰	۲۸۶	۲۹۲

۱۹- MPS برابر است با:

الف) $\frac{7}{10}$ (الف) ج) $\frac{16}{10}$ (ج)

د) در سطوح درآمدی مختلف، تفاوت می‌کند.

ب) $\frac{4}{10}$ (ب)

۲۰- ضریب تکاثر برابر است با:

الف) $1\frac{2}{3}$ (الف) ب) ۲ (ب) ج) $2\frac{1}{4}$ (ج) د) ۴ (د)

۲۱- اگر سرمایه گذاری خالص، ۱۲ میلیارد ریال باشد، درآمد ملی در حالت تعادل برابر است با:

الف) ۲۵۰ (الف) ب) ۲۶۲ (ب) ج) ۲۷۲ (ج) د) ۲۸۰ (د)

۲۲- فرض کنید که در این اقتصاد، برنامه پس انداز تغییر کند، به طوری که در هر سطحی از درآمد، ۴

میلیارد ریال کم تر پس انداز شود، سطح تعادلی جدید درآمد ملی برابر است با:

الف) ۲۶۰ (ب) ۲۷۰ (ج) ۲۸۰ (د) ۲۹۰

۲۳- اگر سرمایه گذاری خالص، ۱۲ میلیارد ریال باشد و دولت ۳۰ میلیارد ریال مالیات از درآمد

اشخاص بگیرد و همه را خرج کند، سطح تعادلی درآمد ملی برابر است با:

الف) ۲۷۰ (ب) ۲۸۰ (ج) ۲۹۰ (د) ۳۱۰

۲۴- از نظر کلاسیک‌ها عامل اصلی تعیین‌کننده پس انداز؛

الف) نرخ بهره است. (ج) هر دو است.

ب) درآمد است. (د) هیچ کدام از موارد بالا صحیح نیست.

۲۵- از نظر کینز، عامل تعیین‌کننده مقدار پس انداز؛

الف) نرخ بهره است. (ج) هر دو عامل است.

ب) درآمد قابل تصرف است. (د) هیچ کدام از موارد بالا صحیح نیست.

○ جدول زیر، اطلاعات مربوط به یک اقتصاد دو بخشی می‌باشد، با توجه به جدول به دو سؤال بعد پاسخ دهید:

عرضه کل (درآمد ملی)	۴۸۰	۵۰۰	۵۲۰	۵۴۰	۵۶۰
مصرف	۴۵۰	۴۶۰	۴۷۰	۴۸۰	۴۹۰
سرمایه گذاری پیش‌بینی شده	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰

۲۶- درآمد ملی در حالت تعادل برابر است با:

الف) ۵۰۰ (ب) ۵۲۰ (ج) ۵۴۰ (د) ۵۶۰

۲۷- اگر سطح درآمد ملی، برابر با ۵۰۰ باشد، سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده برابر است با:

الف) ۱۰ (ب) -۱۰ (ج) ۲۰ (د) -۲۰

۲۸- فرض کنید که عرضه کل، ۵۴۰ واحد است، مصرف ۴۶۰ واحد و سرمایه گذاری پیش‌بینی شده ۷۰ واحد است، در این اقتصاد،

الف) پس انداز پیش‌بینی شده برابر با سرمایه گذاری پیش‌بینی شده است.

ب) سرمایه گذاری پیش‌بینی نشده در موجودی انبار وجود دارد.

ج) پس انداز پیش‌بینی نشده وجود دارد.

د) پس انداز پیش‌بینی نشده برابر است با جمع سرمایه گذاری پیش‌بینی شده و سرمایه گذاری پیش‌بینی نشده.

○ با توجه به جدول زیر به دو سؤال بعد پاسخ دهید: (ارقام به میلیارد ریال است.)

درآمد ملی	۴۰۰	۴۲۰	۴۴۰	۴۶۰	۴۸۰
مصرف	۳۷۸	۳۹۰	۴۰۲	۴۱۴	۴۲۶
سرمایه گذاری	۴۰	۴۲	۴۴	۴۶	۴۸

۲۹ - سطح درآمد ملی در وضعیت تعادل برابر است با:

- الف) ۴۰۰ (ب) ۴۲۰ (ج) ۴۴۰ (د) ۴۶۰

۳۰ - اگر در هر سطحی از درآمد، پس انداز ۲ میلیارد ریال افزایش یابد، درآمد ملی در حال تعادل،

الف) بیش تر از ۲ میلیارد ریال، کاهش می یابد.

ب) ۲ میلیارد ریال، کاهش می یابد.

ج) تغییری پیدا نمی کند.

د) بیش تر از ۲ میلیارد ریال، افزایش می یابد.

۳۱ - مجموع میل نهایی به مصرف و میل نهایی به پس انداز برابر با یک است؛ به علت،

الف) وجود قانون سی.

ب) وجود قانون انگل.

ج) این که درآمد قابل تصرف برابر است با جمع مصرف و پس انداز.

د) هیچ کدام از موارد بالا صحیح نیست.

۳۲ - اگر درآمد افزایش پیدا کند، منحنی مصرف،

ج) به سمت پایین، انتقال پیدا می کند.

الف) به سمت بالا انتقال پیدا می کند.

د) شیب آن بیش تر می شود.

ب) تغییری نمی کند.

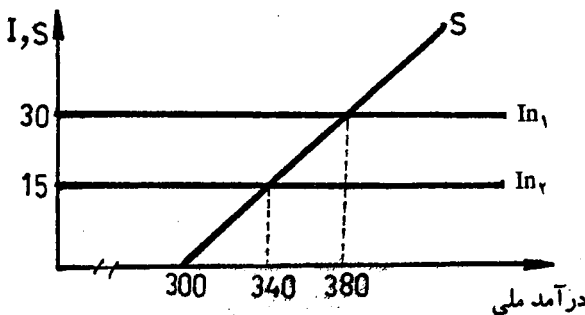
۳۳ - افزایش موجودی انبار ناخواسته (برنامه ریزی نشده)،

الف) در نهایت، منجر به افزایش تولید برنامه ریزی نشده می شود.

ب) نشانه ای است از این که مازاد عرضه وجود دارد.

ج) به این معنی است که سرمایه گذاری خواسته شده از پس انداز واقعی بیش تر است.

د) بیانگر تعادل کینزی است.



○ ۴ سؤال بعد، بر

مبنای شکل

روبرو (مدل

دوبخشی) طراحی

شده است.

۳۴- اگر سرمایه گذاری خالص، ۱۵ میلیارد ریال باشد، درآمد ملی در حال تعادل برابر است با:

- (الف) ۳۰ میلیارد ریال
 (ب) ۳۸۰ میلیارد ریال
 (ج) ۳۰۰ میلیارد ریال
 (د) ۳۴۰ میلیارد ریال

۳۵- ضریب تکاثر (ضریب افزایش) مخارج مستقل، برابر است با:

- (الف) ۲
 (ب) ۲/۶۶
 (ج) ۳
 (د) با اطلاعات داده شده نمی توان محاسبه کرد.

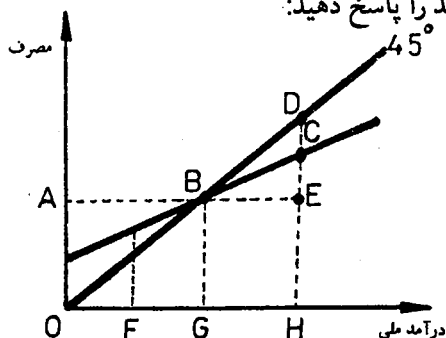
۳۶- MPC برابر است با:

- (الف) $\frac{5}{8}$
 (ب) $\frac{7}{8}$
 (ج) $\frac{4}{9}$
 (د) $\frac{1}{9}$

۳۷- اگر سرمایه گذاری به ۴۵ میلیارد ریال افزایش یابد، درآمد ملی در حال تعادل برابر است با:

- (الف) ۴۱۰ میلیارد ریال
 (ب) ۴۴۰ میلیارد ریال
 (ج) ۴۲۰ میلیارد ریال
 (د) ۴۳۵ میلیارد ریال

○ به شکل زیر توجه کنید و سپس شش سؤال را پاسخ دهید:



۳۸- در کدام نقطه، میل متوسط به مصرف، یک است؟

- (الف) C
 (ب) B
 (ج) D
 (د) O

۳۹- میل نهایی به مصرف، برابر است با:

- (الف) $\frac{BG}{OG}$
 (ب) $\frac{CH}{DC}$
 (ج) $\frac{CE}{BE}$
 (د) $\frac{CE}{FH}$

۴۰- در سطح درآمد ملی OH، مقدار پس انداز برابر است با:

- (الف) CE
 (ب) CD
 (ج) CH-EH
 (د) GH

۴۱- در چه سطحی از درآمد، مصرف با درآمد ملی برابر است؟

- (الف) OG
 (ب) OH
 (ج) OF
 (د) D

۴۲- در کدام سطح از درآمد، مقدار پس انداز، منفی است؟

- (الف) OH
 (ب) OG
 (ج) OF
 (د) در سطوح درآمد بیش تر از OG

۴۳ - میل نهایی به پس انداز برابر است با:

$$\frac{CD}{GH} \quad (د)$$

$$\frac{CE}{CH} \quad (ج)$$

$$\frac{GH}{CE} \quad (ب)$$

$$\frac{CE}{GH} \quad (الف)$$

۴۴ - در کدام یک از موارد زیر، تابع مصرف به سمت بالا انتقال می یابد؟

(الف) انتظار کمبود کالاهای اساسی در آینده.

(ب) کمبود کالاهای اساسی در دوره جاری.

(ج) انتظار کاهش شاخص قیمت کالاهای مصرفی در آینده.

(د) در هر سه مورد.

۴۵ - اگر تابع مصرف به سمت بالا انتقال پیدا کند،

(الف) تابع پس انداز هم به بالا انتقال پیدا می کند.

(ب) تابع پس انداز به پایین انتقال پیدا می کند.

(ج) تابع پس انداز ممکن است به پایین یا بالا انتقال پیدا کند.

(د) تابع پس انداز، تغییر نمی کند.

۴۶ - کدام یک از موارد زیر، باعث انتقال تابع مصرف نمی شود؟

(الف) انتظار این که عرضه کالاهای مصرفی با دوام کم می شود.

(ب) انتظار رکود در اقتصاد.

(ج) تغییر در درآمد مصرف کننده.

(د) افزایش شدید در موجودی نقد نگه داری شده به وسیله خانوارها.

۴۷ - خط ۴۵ درجه در نموداری که مصرف را به درآمد ارتباط می دهد، چه چیزی را نشان می دهد؟

(الف) مقداری که خانوارها قصد دارند در هر سطح درآمد، مصرف کنند.

(ب) مقداری که خانوارها قصد دارند در هر سطح درآمد، پس انداز کنند.

(ج) در همه نقاط روی این خط، مصرف و درآمد برابرند.

(د) در همه نقاط روی این خط، پس انداز با درآمد، برابر است.

۴۸ - اگر تابع مصرف، خطی و دارای شیب مثبت باشد، آنگاه:

(الف) ضریب تکاثر، یک است.

(ب) ضریب تکاثر به وسیله نسبت $\frac{C}{Y}$ اندازه گیری می شود.

(ج) MPC در همه سطوح درآمد، ثابت است.

(د) APC با افزایش درآمد، افزایش می یابد.

۴۹ - ارتباط بین MPS و MPC به صورت کدام یک از عبارات زیر می باشد؟

$$MPS/MPC=1 \quad (ج)$$

$$MPS-MPC=1 \quad (الف)$$

$$1-MPC=MPS \quad (د)$$

$$MPC-MPS=1 \quad (ب)$$

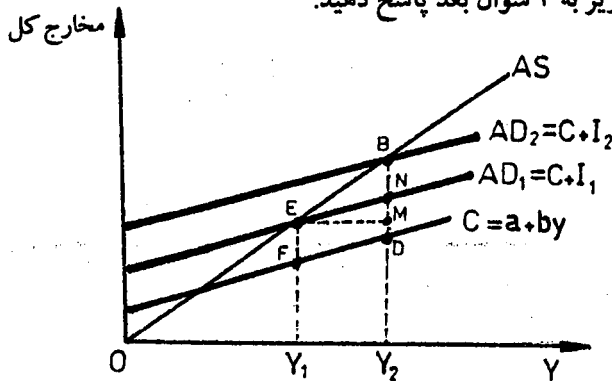
۵۰- اگر MPC فردی، $0/7$ باشد، بنابراین:

- (الف) فرد 70 درصد در آمد خود را برای کالاهای مصرفی، خرج می کند.
- (ب) پس انداز این شخص حتماً منفی است.
- (ج) $0/7$ افزایش در آمد را خرج می کند.
- (د) در نقطه سربه سر، فعالیت می کند.

۵۱- کدام یک از جملات زیر، صحیح نیست؟

- (الف) اگر در آمد قابل تصرف، 275 تومان و APC برابر با $0/8$ باشد، آنگاه پس انداز 55 تومان می باشد.
- (ب) اگر MPC در همه سطوح در آمد، مقدار ثابتی باشد، APC نیز در همه سطوح در آمد باید ثابت باشد.
- (ج) تئوری کلاسیک بحث می کند که افزایش در پس انداز، نرخ بهره را پایین می آورد و سرمایه گذاری افزایش می یابد.
- (د) اگر $MPC = 0/9$ باشد، MPS برابر با $0/1$ است.

○ با توجه به شکل زیر به ۴ سؤال بعد پاسخ دهید:



۵۲- اگر تابع تقاضای کل AD_1 باشد، پس انداز ملی در حال تعادل، برابر است با:

- (الف) EF
- (ب) ND
- (ج) BN
- (د) الف و ب

۵۳- در سطح تقاضای کل AD_2 ، درآمد ملی در حال تعادل برابر است با:

- (الف) OY_1
- (ب) OY_2
- (ج) BY_2
- (د) ب و ج

۵۴- ضریب تکاثر (ضریب افزایش) در شکل فوق برابر است با:

- (الف) $\frac{EM}{BN}$
- (ب) $\frac{BM}{BN}$
- (ج) $\frac{Y_1 Y_2}{BN}$
- (د) همه موارد

۵۵- مدل بالا، یک مدل

- (الف) دو بخشی است.
- (ب) سه بخشی است.
- (ج) چهار بخشی است.
- (د) نمی توان تعیین کرد.

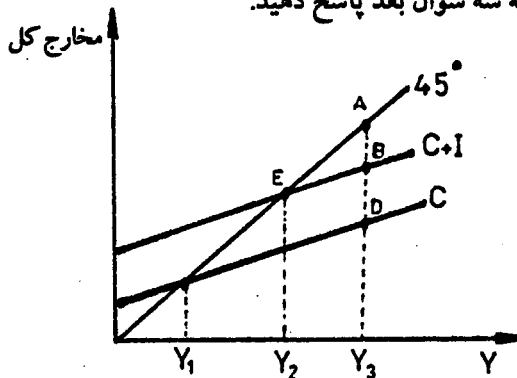
۵۶- در یک مدل سه بخشی برای تعیین درآمد ملی تعادلی لازم است؛

- الف) $G=T$ و $I=S$ باشد.
 ب) $I+G=T$ باشد.
 ج) $I+S=G+T$ باشد.
 د) $I+G=S+T$ باشد.

۵۷- اگر نرخ مالیات افزایش یابد، ضریب تکاثر مخارج دولت،
 الف) زیاد می شود.
 ب) کم می شود.
 ج) ممکن است کم شود.
 د) نتیجه، معلوم نیست.

۵۸- اگر میل نهایی به پس انداز کاهش یابد، ضریب تکاثر مخارج دولتی،
 الف) زیاد می شود.
 ب) کم می شود.
 ج) ممکن است کم شود.
 د) نتیجه، معلوم نیست.

○ با توجه به شکل زیر، به سه سؤال بعد پاسخ دهید:



۵۹- سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده به ازای درآمد ملی Y_3 برابر است با:

- الف) AB ب) AD ج) BD د) EB

۶۰- سرمایه گذاری واقعی به ازای درآمد ملی Y_3 برابر است با:

- الف) AB ب) AD ج) BD د) EB

۶۱- به ازای چه مقداری از درآمد ملی، سرمایه گذاری برنامه ریزی شده و واقعی برابرند؟

- الف) Y_1 ب) Y_2 ج) Y_3 د) در درآمد ملی صفر

۶۲- اگر تابع مصرف $C=85+0.9Y$ و مقدار سرمایه گذاری $I=55$ باشد، مقدار تعادلی درآمد ملی برابر است با:

- الف) ۸۵ ب) ۵۵ ج) ۱۴۰۰ د) ۱۵۰۰

۶۳- مقدار پس انداز تعادلی در سؤال قبلی برابر است با:

- الف) ۸۵ ب) ۵۵ ج) ۱۳۰۰ د) ۱۴۴۵

۶۴- مقدار مصرف تعادلی در همان سؤال برابر است با:

- الف) ۱۵۰۰ ب) ۱۶۰۰ ج) ۸۵ د) ۱۳۴۵

۶۵- ضریب تکاثر سرمایه گذاری در همان سؤال برابر است با:

الف) ۱۰ (ب) ۰/۹ (ج) ۹ (د) ۱۵

۶۶- اگر بنگاهها موجودی کالاهای واسطه‌ای و نیمه ساخته خود را افزایش دهند، سرمایه گذاری:

- الف) افزایش می‌یابد.
 ب) کاهش می‌یابد.
 ج) تغییری نمی‌کند.
 د) سرمایه گذاری برنامه‌ریزی شده، کاهش می‌یابد.

۶۷- نقاط روی منحنی مصرف که پایین خط ۴۵ درجه قرار می‌گیرد، دلالت می‌کند بر،

- الف) این که پس‌انداز، مثبت است.
 ب) این که مصرف‌کنندگان زیاد خرج می‌کنند.
 ج) این که مصرف‌کنندگان به اندازه درآمد، خرج می‌کنند.
 د) مقدار درآمدی که قرض گرفته می‌شود.

۶۸- تابع مصرف در مدل کینز، نشان می‌دهد که،

- الف) وقتی درآمد قابل تصرف حقیقی افزایش می‌یابد، مصرف حقیقی بالا می‌رود.
 ب) مصرف حقیقی کم‌تر از درآمد قابل تصرف حقیقی افزایش می‌یابد.
 ج) میل نهایی به مصرف، بین صفر و یک است.
 د) همه موارد بالا.

۶۹-..... شیب تابع مصرف نامیده می‌شود.

- الف) قانون سی (ب) میل نهایی به مصرف
 ج) نرخ نهایی مالیات (د) میل متوسط به مصرف

۷۰- در تابع مصرف کینز، همراه با افزایش درآمد قابل تصرف،

- الف) مقدار پس‌انداز، کاهش می‌یابد.
 ب) انتظار می‌رود که مقدار سرمایه گذاری، کاهش یابد.
 ج) MPS کم می‌شود.
 د) APC کم می‌شود.

۷۱- اگر $MPC=0/7$ باشد و مقدار سرمایه گذاری، ۳ میلیارد ریال افزایش یابد، NNP در حال تعادل،

- الف) ۶ میلیارد ریال، افزایش می‌یابد. (ب) ۴/۲۹ میلیارد ریال، افزایش می‌یابد.
 ج) ۴/۲۹ میلیارد ریال، کاهش می‌یابد. (د) ۱۰ میلیارد ریال، افزایش می‌یابد.

۷۲- با فرض ثبات بقیه عوامل، شیب تابع تقاضای کل (C+I+G) در نتیجه کدام یک از عوامل زیر،

افزایش می یابد؟

الف) افزایش در MPS

ب) افزایش در MPC

ج) کاهش در مقدار ضریب تکاثر (ضریب افزایش)

د) کاهش در مقدار شکاف تورمی

۷۳ - در چارچوب مدل کینز، اگر مصرف‌کنندگان تصمیم بگیرند که مقدار کم‌تری از درآمد خود را

پس‌انداز کنند، این تصمیم باعث می‌شود که،

الف) NNP تغییری نکند.

ب) NNP افزایش یابد.

ج) NNP بدلیل کاهش وجوه قابل دسترسی برای سرمایه‌گذاری، کاهش یابد.

د) NNP ابتدا افزایش، و سپس کاهش یابد.

۷۴ - اگر تابع مصرف با خط ۴۵ درجه منطبق شود،

الف) $APC = MPC = 0$ خواهد بود.ج) $APC = MPC = 1$ خواهد بود.ب) $APC = APS = 0$ خواهد بود.

د) ضریب تکاثر، برابر با صفر است.

۷۵ - ضریب تکاثر مخارج دولت، برابر است با:

الف) $\frac{1}{MPC}$ ب) $MPC - MPS$ ج) $\frac{MPC}{MPS}$

د) هیچ‌کدام

۷۶ - قدر مطلق ضریب تکاثر مالیات، از ضریب تکاثر مخارج دولت:

الف) بیش‌تر است. ب) کم‌تر است.

ج) ممکن است بیش‌تر باشد. د) مساوی است.

○ اطلاعات زیر را در نظر بگیرید و به ۳ سؤال بعد پاسخ دهید:

Y	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰
I	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
G	۴۰	۴۰	۴۰	۴۰
C	۱۵۰	۲۰۰	۲۵۰	۳۰۰

۷۷ - سطح تعادلی درآمد ملی برابر است با:

۴۰۰ (د)

۳۰۰ (ج)

۲۰۰ (ب)

۱۰۰ (الف)

۷۸ - ضریب تکاثر (ضریب افزایش) برابر است با:

۲ (د)

۳ (ج)

۴ (ب)

۵ (الف)

۷۹ - اگر سرمایه‌گذاری از ۱۰ به ۲۰ افزایش یابد، سطح تعادلی درآمد ملی برابر است با:

۳۲۰ (د)

۴۵۰ (ج)

۳۰۰ (ب)

۳۵۰ (الف)

○ روابط اقتصادی کشوری در مدل زیر بیان شده است:

$$Y_d = Y - T, \quad T = 10 + 0.2Y, \quad G = 50, \quad I = 100, \quad C = 20 + 0.75Y_d$$

با توجه به مدل، به ۶ سؤال زیر پاسخ دهید:

۸۰- کدام یک از متغیرها، برونزا می باشد؟

- الف) I ب) G ج) T د) الف و ب

۸۱- کدام یک از متغیرها، درونزا می باشند؟

- الف) C و G ب) T و G ج) Y_d و I و T د) C و T و Y_d

۸۲- کدام یک از روابط، رابطه رفتاری می باشد؟

- الف) رابطه مصرف ب) رابطه مالیات ج) رابطه سرمایه گذاری د) الف و ب

۸۳- کدام یک از روابط مدل فوق، رابطه تعریفی می باشد؟

- الف) رابطه مالیات ب) رابطه مصرف ج) $Y_d = Y - T$ د) همه موارد

۸۴- کدام یک از روابط، رابطه نهادی می باشد؟

- الف) رابطه مصرف ب) رابطه مالیات ج) رابطه مخارج دولت د) رابطه سرمایه گذاری

۸۵- کدام یک از روابط، رابطه فنی می باشد؟

- الف) رابطه مصرف ب) رابطه مالیات ج) رابطه سرمایه گذاری د) هیچ کدام از موارد

○ روابط کلان اقتصادی زیر را در نظر بگیرید و به ۳ سؤال بعد پاسخ دهید:

$$I = 100, \quad G = 50, \quad T = 10 + 0.1Y, \quad C = 40 + 0.8Y_d$$

Y_d = درآمد قابل تصرف، G = مخارج دولتی، T = تابع مالیاتی دولت، I = سرمایه گذاری، C = مصرف

۸۶- درآمد ملی در حالت تعادل برابر است با:

- الف) ۵۰۰ ب) ۱۹۰ ج) ۶۵۰ د) ۷۰۰

۸۷- بودجه دولت در مدل فوق،

- الف) کسری دارد. ب) مازاد دارد. ج) در تعادل است. د) نمی توان تعیین کرد.

۸۸- ضریب تکاثر جزء مستقل مالیات (مالیات ثابت) برابر است با:

- الف) -۵ ب) ۶ ج) $4/5$ د) $-2/85$

۸۹- ضریب تکاثر نرخ مالیات برابر است با:

$$\frac{-b}{1-b+bt} \quad (د)$$

$$\frac{-bY}{1-b+bt} \quad (ج)$$

$$\frac{-1}{1-b+bt} \quad (ب)$$

$$\frac{1}{1-b} \quad (الف)$$

۹۰ - شرط تعادل در مدل چهار بخشی درآمد ملی، کدام یک از عبارات زیر می باشد؟

$$I+G+X=S+T+M \quad (ج)$$

$$Y=C+I+G+X \quad (الف)$$

$$(د) \quad ب \quad و \quad ج$$

$$Y=C+I+G+X-M \quad (ب)$$

۹۱ - در مدل سه بخشی اگر $T=20$ ، $G=30$ و $I=50$ باشد، مقدار پس انداز ملی تعادلی برابر است با:
 (الف) ۵۰ (ب) ۴۰ (ج) ۶۰ (د) نمی توان تعیین کرد.

۹۲ - در مدل سه بخشی که مالیاتها تابعی از درآمد ملی می باشد $(T=T_0+tY)$ ، ضریب تکاثر مخارج دولت و سرمایه گذاری مستقل برابر است با:

$$\frac{1}{1-b-bt} \quad (د)$$

$$\frac{1}{1-b+bt} \quad (ج)$$

$$\frac{-1}{1-b} \quad (ب)$$

$$\frac{1}{1-b} \quad (الف)$$

۹۳ - ضریب تکاثر بودجه متوازن در سؤال قبل برابر است با:

$$(د) \quad ب \quad یا \quad ج$$

$$(ج) \quad کوچکتر \quad از \quad یک$$

$$(ب) \quad بزرگتر \quad از \quad یک$$

$$(الف) \quad یک$$

○ روابط کلان اقتصادی کشوری به صورت مدل زیر ارائه شده است:

$$I=50, \quad G=T=20, \quad C=100+0.75Y_d$$

با توجه به اطلاعات فوق به ۶ سؤال بعد پاسخ دهید:

۹۴ - مقدار درآمد ملی در حال تعادل، برابر است با:

$$(د) \quad 620$$

$$(ج) \quad 600$$

$$(ب) \quad 90$$

$$(الف) \quad 500$$

۹۵ - اگر هدف دولت این باشد که درآمد ملی ۶۰ واحد افزایش یابد و در ضمن، بودجه نیز متوازن باقی بماند، مخارج دولتی و مالیاتها چه مقدار باید زیاد شوند؟

$$(د) \quad 40$$

$$(ج) \quad 30$$

$$(ب) \quad 60$$

$$(الف) \quad 15$$

۹۶ - ضریب تکاثر (ضریب افزایش) سرمایه گذاری، برابر است با:

$$(د) \quad 0.25$$

$$(ج) \quad 0.75$$

$$(ب) \quad 5$$

$$(الف) \quad 4$$

۹۷ - اگر هدف دولت این باشد که از طریق افزایش سرمایه گذاری مقدار درآمد ملی را ۲۰۰ واحد افزایش دهد، مقدار سرمایه گذاری چه مقدار باید افزایش یابد؟

$$(د) \quad 200$$

$$(ج) \quad 50$$

$$(ب) \quad 40$$

$$(الف) \quad 100$$

۹۸ - اگر هدف دولت این باشد که مقدار مصرف، ۷۵ واحد افزایش یابد و این کار را از طریق افزایش مخارج دولتی بخواهد انجام دهد، مخارج دولتی چه مقدار باید افزایش یابد؟

$$(د) \quad 25$$

$$(ج) \quad 75$$

$$(ب) \quad 60$$

$$(الف) \quad 100$$

۹۹ - تابع پس انداز، کدام یک از توابع زیر می باشد؟

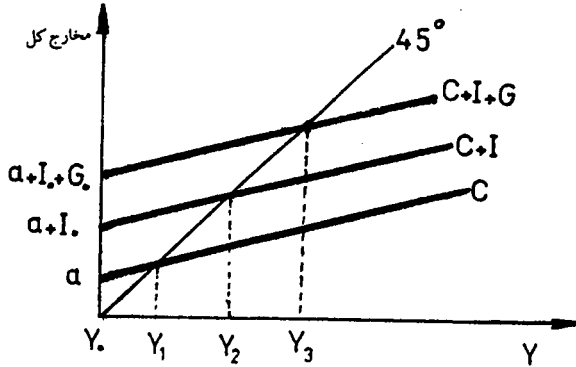
ج) $S = -100 + 0.75Y$

الف) $S = 100 - 0.75Y$

د) $S = -100 + 0.25Y_d$

ب) $S = -100 + 0.75Y_d$

○ با توجه به نمودار زیر که مربوط به اقتصاد یک کشور فرضی می باشد، به ۴ سؤال بعد پاسخ دهید:



۱۰۰ - در چه سطح درآمدی، پس انداز، برابر با صفر می باشد؟

- الف) Y_1 ب) Y_2 ج) Y_3 د) Y_0

۱۰۱ - در سطح درآمد ملی Y_0 مقدار پس انداز برابر است با:

- الف) a ب) $a+I_0$ ج) $-a$ د) $-a+I_0+G_0$

۱۰۲ - درآمد ملی تعادلی، برابر است با:

- الف) Y_1 ب) Y_2 ج) Y_3 د) Y_0

۱۰۳ - اگر اقتصاد، در سطح درآمد ملی Y_3 باشد، اقتصاد در حالت،

- الف) تعادل پایدار است. ب) تعادل ناپایدار است.
ج) بی ثباتی است. د) نمی توان تعیین کرد.

۱۰۴ - اگر میل نهایی به مصرف، 0.75 باشد، 100 میلیون ریال افزایش در مالیاتها، منحنی مصرف را به اندازه،

- الف) 50 میلیون ریال به بالا انتقال می دهد. ج) 100 میلیون ریال به پایین انتقال می دهد.
ب) 50 میلیون ریال به پایین انتقال می دهد. د) 75 میلیون ریال به پایین انتقال می دهد.

۱۰۵ - میل نهایی به مصرف بیش تر،

- الف) ضریب تکاثر را افزایش می دهد. ب) ضریب تکاثر را کاهش می دهد.
ج) میل نهایی به پس انداز را بالا می برد. د) مقدار شتاب افزایش درآمد را کاهش می دهد.

۱۰۶ - اگر مالیاتها 80 میلیون ریال افزایش یابد، تابع مصرف،

- الف) بیش تر از 80 میلیون ریال به بالا انتقال می یابد. ب) کم تر از 80 میلیون ریال به بالا انتقال می یابد.

(ج) کم تر از ۸۰ میلیون ریال به پایین انتقال می یابد.

(د) بیش تر از ۸۰ میلیون ریال به پایین انتقال می یابد.

۱۰۷ - فرض کنید، مخارج دولت ۱۰۰ میلیون ریال افزایش یابد، اگر مالیات، ثابت باشد و MPC برابر ۰/۷۵ باشد، بر طبق مدل کینز، درآمد ملی تعادلی به چه مقدار افزایش پیدا می کند؟

(الف) ۷۵ میلیون ریال

(ب) ۱۰۰ میلیون ریال

(ج) ۲۰۰ میلیون ریال

(د) ۴۰۰ میلیون ریال

۱۰۸ - در یک مدل سه بخشی (خانوارها، بنگاهها و دولت) اگر میل نهایی به پس انداز ۰/۲ و نرخ نهایی مالیات نیز ۰/۲ باشد، ضریب تکاثر (ضریب افزایش) مخارج دولتی (مخارج دولتی مستغیر برونزا می باشد). برابر است با:

(الف) ۰/۸

(ب) ۰/۲

(ج) ۲/۷۷

(د) ۱

۱۰۹ - یک مدل سه بخشی تعیین درآمد ملی را که در آن مالیات، برونزا است در نظر بگیرید، اکنون اگر مالیات به صورت تابعی از درآمد ملی درآید، باعث می شود که:

(الف) درآمد ملی تعادلی، کاهش یابد.

(ب) درآمد ملی تعادلی، افزایش یابد.

(ج) ممکن است درآمد ملی تعادلی، کاهش یابد.

(د) ممکن است درآمد ملی تعادلی، افزایش یابد.

۱۱۰ - افزایش نرخ نهایی مالیات (ضریب مالیات)، باعث می شود که تابع مصرف،

(الف) به بالا منتقل شود.

(ب) به پایین منتقل می شود.

(ج) شیب کم تری پیدا کند.

(د) شیب بیش تری پیدا کند.

۱۱۱ - شکاف (حفره) رکودی عبارت است از فزونی درآمد ملی بر در سطح اشتغال کامل.

(الف) مصرف کل

(ب) عرضه کل

(ج) تقاضای کل

(د) پس انداز کل

۱۱۲ - کدام یک از سیاست های زیر، سیاست مالی انبساطی می باشد؟

(الف) افزایش مخارج دولتی

(ب) افزایش عرضه پول

(ج) کاهش مالیاتها

(د) الف و ج

۱۱۳ - اجرای سیاست انقباضی مالی، موجب،

(الف) کاهش درآمد ملی می شود.

(ب) کاهش مالیات می شود.

(ج) افزایش درآمد ملی می شود.

(د) الف و ب صحیح است.

۱۱۴ - اضافه شدن مخارج دولت و مالیاتها به مدل کینزی، باعث می شود،

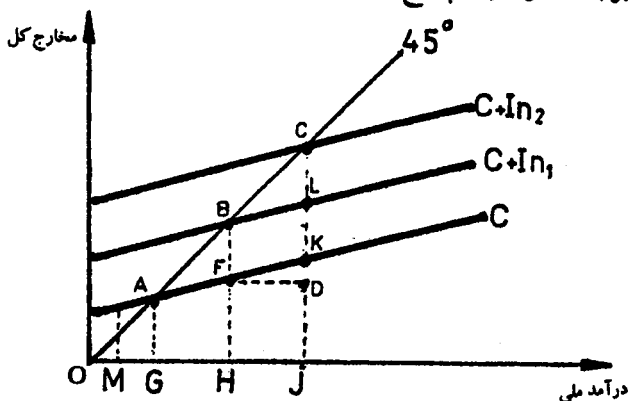
(الف) تابع مصرف به اندازه میل نهایی به مصرف ضریبدر مالیات، به پایین منتقل شود.

- (ب) مخارج دولت به تابع مخارج کل اضافه شود.
- (ج) تزریق و نشت در مدل، افزایش یابد.
- (د) همه موارد بالا صحیح است.

- ۱۱۵ - برای این که تعادل، پایدار باشد (در مدل دوبخشی و با این فرض که سرمایه‌گذاری برونزا باشد)، MPC باید،
- (الف) کوچک‌تر از صفر باشد.
 - (ب) صفر باشد.
 - (ج) کوچک‌تر از یک باشد.
 - (د) بزرگ‌تر از یک باشد.

- ۱۱۶ - اگر در تعادل اشتغال کامل، دولت، مخارج خود را ۵ میلیارد ریال افزایش دهد، برای ثبات قیمت‌ها دولت باید،
- (الف) مالیاتها را ۵ میلیارد ریال، کاهش دهد.
 - (ب) مالیاتها را بیش‌تر از ۵ میلیارد ریال، افزایش دهد.
 - (ج) مالیاتها را کم‌تر از ۵ میلیارد ریال، افزایش دهد.
 - (د) هیچ‌کدام از موارد بالا صحیح نیست.

○ با توجه به شکل زیر به ۷ سؤال بعد پاسخ دهید:



۱۱۷ - APC در کدام سطح درآمد ملی، برابر با یک است؟

- (الف) OG
- (ب) OH
- (ج) OM
- (د) OJ

۱۱۸ - در سطح درآمد OJ، مقدار پس‌انداز، برابر است با:

- (الف) JK
- (ب) JD
- (ج) KD
- (د) KC

۱۱۹ - شیب تابع مصرف،

- (الف) با افزایش درآمد، افزایش می‌یابد.
- (ب) ثابت است.
- (ج) با افزایش درآمد، کاهش می‌یابد.
- (د) ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد.

۱۲۰ - اگر سرمایه‌گذاری خالص، برابر با In_1 باشد، سطح درآمد ملی و مصرف تعادلی به ترتیب برابر

خواهد بود با:

الف) OG و GA ب) OH و HF ج) OJ و JK د) OJ و JL

- ۱۲۱ - اگر سرمایه‌گذاری خالص از In_1 به In_2 افزایش یابد، درآمد ملی در حال تعادل، الف) OH خواهد بود. ج) به اندازه KD افزایش خواهد یافت. ب) به اندازه GH افزایش خواهد یافت. د) به اندازه HJ افزایش خواهد یافت.

۱۲۲ - ضریب تکاثر (ضریب افزایش) سرمایه‌گذاری برابر است با:

الف) LK/CK ب) MG/KD ج) BF/FH د) HJ/CL

- ۱۲۳ - اگر درآمد ملی در حال اشتغال کامل، OJ و مقدار سرمایه‌گذاری In_1 باشد، می‌توان نتیجه گرفت: الف) شکاف رکودی GJ وجود دارد. ج) شکاف رکودی KD وجود دارد. ب) شکاف تورمی BF وجود دارد. د) شکاف رکودی CL وجود دارد.

۱۲۴ - فرض کنید درآمد ملی تعادلی جاری، ۲۰۰ میلیارد ریال و درآمد ملی اشتغال کامل ۲۴۰ میلیارد ریال باشد. اگر $MPC = \frac{6}{8}$ باشد، چه مقدار انتقال در تابع تقاضای کل باید صورت گیرد تا به درآمد ملی در حال اشتغال کامل برسیم؟

- الف) ۱۰ میلیارد ریال ج) ۲۰ میلیارد ریال
ب) ۴۰ میلیارد ریال د) ۲۵ میلیارد ریال

۱۲۵ - کدام یک از گزینه‌های زیر، صحیح است؟

- الف) شیب تابع مصرف با ضریب تکاثر برابر است. ب) شیب تابع پس‌انداز با ضریب تکاثر برابر است. ج) ۵ میلیارد ریال کاهش در مالیات، GNP را بیش‌تر از ۵ میلیارد ریال افزایش در مخارج دولت، افزایش می‌دهد. د) اگر MPS برابر با یک باشد، ضریب تکاثر هم یک است.

۱۲۶ - از آن جا که در یک مدل دویخشی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در وضعیت تعادل باید برابر باشند، انتقال تابع سرمایه‌گذاری به سمت بالا،

- الف) باعث می‌شود که تابع پس‌انداز به سمت پایین انتقال پیدا کند. ب) باعث می‌شود که تابع پس‌انداز به سمت بالا انتقال پیدا کند. ج) مقدار NNP را افزایش می‌دهد، ولی مقدار پس‌انداز را کاهش می‌دهد. د) NNP و پس‌انداز را افزایش می‌دهد.

۱۲۷ - وجود شکاف رکودی به این معنی است که:

- الف) مصرف به اضافه سرمایه‌گذاری از درآمد ملی اشتغال کامل بیش‌تر است. ب) مالیاتها باید افزایش و مخارج دولت کاهش یابد تا شکاف از بین برود.

- ج) سرمایه گذاری برنامه ریزی شده از پس انداز برنامه ریزی شده بیش تر است.
- د) مخارج دولتی باید افزایش یابد تا شکاف از بین برود.

۱۲۸ - در سطوح پایین تر از درآمد ملی تعادلی، پس انداز واقعی با سرمایه گذاری واقعی برابر است، زیرا،

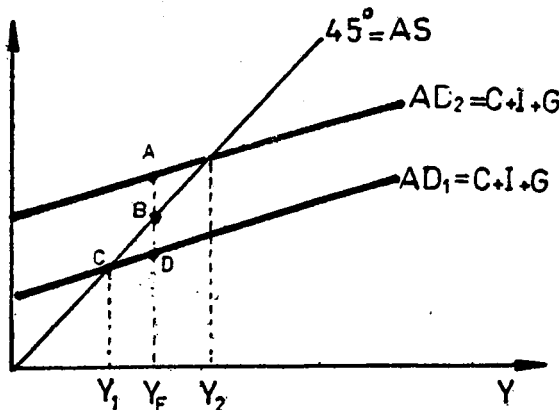
- الف) سرمایه گذاری پیش بینی نشده منفی وجود دارد.
- ب) پس انداز پیش بینی شده و سرمایه گذاری پیش بینی شده برابرند.
- ج) میل نهایی به پس انداز، کوچک تر از یک است.
- د) $MPC + MPS = 1$ است.

۱۲۹ - کدام یک از جمله های زیر، غلط است؟

- الف) اگر $MPC = \frac{2}{3}$ و $i = 0$ باشد و مالیاتها و مخارج دولت ۴۵ میلیارد ریال افزایش یابد، NNP نیز ۲۵ میلیارد ریال افزایش می یابد.
- ب) سیاست مازاد بودجه، سیاست ضد تورمی، و سیاست کسر بودجه، سیاست انبساطی می باشد.
- ج) اگر $MPC = 0/8$ باشد و NNP، ۴۰ میلیارد ریال کاهش یابد، این کاهش به دلیل کاهش ۸ میلیارد ریال در تقاضای کل است.
- د) با فرض ثابت بودن سایر شرایط، اگر $MPS = 4$ باشد و مالیاتها ۱۰ میلیارد ریال کاهش یابد، سطح درآمد ملی ۲۵ میلیارد ریال افزایش می یابد.

- ۱۳۰ - اثر افزایش مازاد بودجه دولت بر سطح تعادلی NNP، مشابه اثر
- الف) افزایش سرمایه گذاری است.
- ب) افزایش مصرف است.
- ج) افزایش پس انداز است.
- د) کاهش پس انداز است.

○ با توجه به شکل زیر، به دو سؤال بعد پاسخ دهید ($Y_F =$ درآمد ملی اشتغال کامل):



۱۳۱ - وقتی تقاضای کل AD_1 باشد، شکاف رکودی، برابر است با:

- الف) CB
- ب) AB
- ج) AD
- د) BD

۱۳۲ - شکاف تورمی در اقتصاد فوق در صورتی که تقاضای کل از AD_1 به AD_2 افزایش یابد، برابر است با:

الف) AB ب) CB ج) BD د) AD

۱۳۳ - فرض کنید اقتصاد در اشتغال کامل بوده و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده کم‌تر از پس‌انداز برنامه‌ریزی شده باشد. در این شرایط، سیاست مالی دولت باید،

الف) افزایش سوبسید و پرداخت‌های انتقالی و افزایش نرخ مالیاتی باشد.
 ب) ایجاد کسری بودجه باشد.
 ج) ایجاد مزاد بودجه باشد.
 د) ایجاد موازنه بودجه باشد.

۱۳۴ - برای از بین بردن شکاف رکودی، کدام یک از سیاست‌های زیر مناسب می‌باشد؟

الف) افزایش نرخ مالیات ج) افزایش سرمایه‌گذاری
 ب) کاهش نرخ مالیات د) ب و ج

۱۳۵ - برای از بین بردن شکاف تورمی، کدام یک از سیاست‌های زیر مناسب می‌باشد؟

الف) کاهش مخارج دولتی ج) کاهش سرمایه‌گذاری
 ب) افزایش مالیات د) همه موارد فوق

۱۳۶ - کدام یک از سیاست‌های زیر، سیاست مالی انبساطی می‌باشد؟

الف) کاهش مخارج دولتی ج) افزایش مخارج دولتی
 ب) کاهش نرخ مالیاتها د) ب و ج

۱۳۷ - اگر بیکاری، در جامعه‌ای وجود داشته باشد و بخواهیم بیکاری را از بین ببریم، کدام یک از سیاست‌های زیر مناسب‌تر می‌باشد؟ (در چارچوب مدل کینز جواب دهید.)

الف) سیاست مالی انبساطی ج) کاهش مخارج دولتی و تشویق پس‌انداز
 ب) سیاست مالی انقباضی د) هیچ‌کدام

۱۳۸ - فرض کنید اقتصاد در وضعیت رکود باشد، در این صورت، کدام یک از سیاست‌های زیر سودمند است؟

الف) کاهش در نرخ مالیات بر درآمد اشخاص و شرکت‌ها.
 ب) به تأخیر انداختن اجرای پروژه‌های تأسیسی بزرگراه.
 ج) کاهش سوبسیدهای کشاورزی.
 د) همه موارد بالا سیاست‌های سودمندی می‌باشند.

۱۳۹ - در سالی معین، انتظار می‌رود درآمد ملی اشتغال کامل به قیمت‌های جاری، ۲۸۰ میلیارد ریال

باشد. در همین سال، تخمین زده می‌شود که مخارج دولت، ۸۰ میلیارد ریال، مالیاتها ۶۰ میلیارد ریال، مخارج مصرف‌کنندگان ۱۴۰ میلیارد ریال، مخارج سرمایه‌گذاری خصوصی ۸۰ میلیارد ریال و پس‌انداز ۸۰ میلیارد ریال باشد. به منظور ثبات قیمت‌ها، دولت باید،

الف) با کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری خصوصی را تشویق کند.

ب) مخارج خود را افزایش دهد.

ج) با کاهش نرخ بهره اوراق قرضه دولتی، پس‌انداز شخصی را کاهش دهد.

د) نرخهای مالیاتی را افزایش دهد و مخارج غیرضروری دولتی را کاهش دهد.

۱۴۰ - مهم‌ترین سودمندی تثبیت‌کننده خودکار درون ساختاری، این است که؛

الف) تضمین می‌کند، بودجه دولت در دوره‌های تجاری، متوازن باقی بماند.

ب) احتیاجی به تصویب قوانین ندارد.

ج) به طور خودکار در طی دوره رکود، مازاد بودجه ایجاد می‌کند.

د) بدون این که اثری بر توزیع درآمد داشته باشد، به تثبیت اقتصاد کمک می‌کند.

۱۴۱ - فرض کنید درآمد ملی در اشتغال کامل و MPC برابر با ۰/۷۵ باشد. اکنون به دلایل سیاسی،

مخارج نظامی دولت، ۲۱ میلیارد ریال افزایش می‌یابد. برای این که اقتصاد در وضعیت اشتغال کامل

غیرتورمی باشد، دولت باید،

الف) مالیاتها را به اندازه ۲۱ میلیارد ریال، کاهش دهد.

ب) مالیاتها را به اندازه ۲۸ میلیارد ریال، افزایش دهد.

ج) مالیاتها را به اندازه ۲۱ میلیارد ریال، افزایش دهد.

د) مالیاتها را به اندازه ۲۸ میلیارد ریال، کاهش دهد.

۱۴۲ - کدام یک از جمله‌های زیر، غلط است؟

الف) مخارج دولت برای مزد و حقوق کارکنان، اثر بیش‌تری بر افزایش درآمد ملی دارد تا پرداخت‌های انتقالی.

ب) ایجاد کسر بودجه، اثر افزایشی بر درآمد ملی و ایجاد مازاد بودجه اثر کاهشی بر درآمد ملی دارد.

ج) ضریب تکاثر متغیرهای ناشی مثبت است.

د) «معمای خست» به این مسأله اشاره می‌کند، که هرگونه تشویق خانوارها برای افزایش پس‌انداز، ممکن است وضعیتی را ایجاد کند که عملاً پس‌انداز ملی کاهش یابد.

۱۴۳ - «ضریب تکاثر بودجه متوازن» به این مسأله اشاره دارد که؛

الف) سطح NNP نمی‌تواند به نقطه‌ای که مصرف و درآمد قابل‌تصرف با هم برابرند، کاهش یابد.

ب) اگر پس‌انداز بنگاهها صفر باشد، عرضه، تقاضای خود را ایجاد می‌کند.

ج) افزایش برابر در مخارج و مالیاتهای دولت، شکاف رکودی را افزایش می‌دهد.

د) افزایش برابر درآمدها و مخارج دولت، NNP را افزایش می‌دهد.

۱۴۴ - کدام یک از جمله‌های زیر، توضیح بهتری از عملکرد "تثبیت‌کننده‌های خودکار درون ساختاری" می‌باشد؟

الف) مالیات بر درآمد اشخاص و شرکت‌ها، پرداخت‌های انتقالی و سوبسیدها به طور خودکار و مستقیماً تحت تأثیر سطح درآمد ملی می‌باشند.

ب) مالیات بر درآمد اشخاص و شرکت‌ها به طور خودکار همراه با افزایش درآمد ملی، افزایش می‌یابند، و سوبسیدها و پرداخت‌های انتقالی به طور خودکار، همراه با افزایش درآمد ملی، کاهش می‌یابند.

ج) اندازه ضریب تکاثر بودجه متوازن دولت، با درآمد ملی رابطه معکوس دارد.

د) همراه با افزایش درآمد ملی، درآمدهای جمع‌آوری شده از طریق مالیات بر شرکت‌ها و اشخاص، کاهش، و سوبسیدها و پرداخت‌های انتقالی، افزایش می‌یابد.

۱۴۵ - مهم‌ترین نکته برای فهم مکانیسم ضریب تکاثر بودجه متوازن، این است که؛

الف) هر گونه مالیات، به برنامه‌های مخارج ارتباط دارد.

ب) افراد و بنگاهها، مخارج خود را کم‌تر از افزایش مالیات، کاهش می‌دهند.

ج) کاهش در مخارج دولت، بستگی به افزایش در مخارج سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ندارد.

د) افزایش مالیات با توجه به ضریب تکاثر بزرگ‌تر، اثر بیش‌تری از افزایش مخارج دولت دارد.

۱۴۶ - فرض کنید سطح تعادلی درآمد ملی، ۳۸۰ میلیارد ریال و $MPS = 0/25$ باشد. اگر دولت ۵۰

میلیارد ریال، مالیات جمع‌آوری کند و همه آن را خرج کند؛ در این صورت،

الف) سطح عمومی قیمت‌ها کاهش می‌یابد.

ب) سطح تعادلی درآمد ملی به ۴۳۰ میلیارد ریال، افزایش خواهد یافت.

ج) سطح تعادلی درآمد ملی به ۴۲۰ میلیارد ریال، افزایش خواهد یافت.

د) نرخ دستمزد پولی کاهش خواهد یافت.

۱۴۷ - فرض کنید اقتصادی در سطح تعادلی درآمد ملی باشد، اگر در این درآمد ملی تعادلی، بودجه

دولت، دارای مازاد باشد،

الف) باید شکاف تورمی وجود داشته باشد.

ب) پس‌انداز برنامه‌ریزی شده از سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده، بیش‌تر است.

ج) باید شکاف رکودی وجود داشته باشد.

د) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده از پس‌انداز برنامه‌ریزی شده، بیش‌تر است.

۱۴۸ - "مازاد بودجه اشتغال کامل" اشاره دارد به؛

الف) تعداد نیروی کاری که بیکار می‌باشد، وقتی سطح بیکاری ۳ درصد است.

ب) مقدار مازاد بودجه دولت، وقتی اقتصاد در اشتغال کامل می‌باشد.

ج) مقداری از GNP اشتغال کامل که در همان سال تولید، مصرف نمی‌شود.

د) اثر تورمی‌ای که تثبیت‌کننده‌های خودکار در هنگام اشتغال کامل دارند.

۱۴۹- اثر کاهش مالیات بر سطح درآمد ملی به طور قابل توجهی از اثر افزایش مخارج دولت به همان مقدار، بر درآمد ملی، متفاوت است. به این دلیل که:

- الف) کاهش مالیاتها اثر انبساطی بیش تری دارد.
 ب) خانوارها، همه افزایش در درآمد قابل تصرف خود را خرج نمی کنند.
 ج) MPC خانوارها بیش تر از MPC بنگاهها می باشد.
 د) ضریب تکاثر هنگامی که MPS پایین است، بیش تر می باشد.

۱۵۰- "ثبیت کننده های خودکار درون ساختاری"؟

- الف) سیکل تجاری را شدت می بخشند.
 ب) مقدار ضریب تکاثر را کاهش می دهند.
 ج) باعث می شوند که مصرف بیش تر از کاهش در درآمد ملی، کاهش یابد.
 د) جزئی از سیاست های مالی هستند.

۱۵۱- فرض کنید در یک مدل دویخشی، سرمایه گذاری، مستقل از درآمد ملی باشد و ۲۵ واحد افزایش یابد، همچنین $MPS = 0/5$ باشد. در تعادل بعدی، تغییر در پس انداز، برابر است با:

- الف) ۱۲/۵ (ب) ۵۰ (ج) ۲۵ (د) ۱۰۰

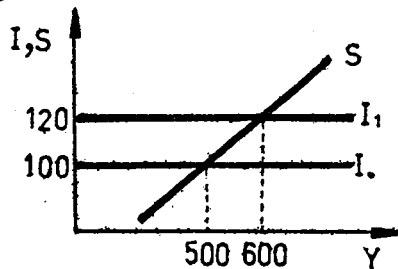
۱۵۲- اگر MPC برابر با صفر باشد و سرمایه گذاری، ۲۵ واحد تغییر کند، تغییر در درآمد ملی در حالت تعادل، برابر است با:

- الف) ۲۵ (ب) ۵۰ (ج) ۲۰۰ (د) ۱۲/۵

۱۵۳- کدام یک از رابطه های زیر همواره برقرار است؟ (I_g سرمایه گذاری ثابت ناخالص، I_n سرمایه گذاری ثابت خالص و ΔInv تغییر در موجودی انبار می باشد).

- الف) $GDP = C + I_g + G + X - M + \Delta Inv$ (الف)
 ب) $GDP = C + I_n + G + X - M$ (ب)
 ج) $GDP = C + I_g + G + X - M + \Delta Inv$ (ج)
 د) $GNP = C + I_n + G + X - M + \Delta Inv$ (د)

○ با توجه به شکل، به ۲ سؤال بعد جواب دهید (فرض کنید که درآمد ملی اشتغال کامل ۶۰۰ باشد):



۱۵۴- اگر سرمایه گذاری I_0 باشد، مقدار شکاف رکودی برابر است با:

- الف) ۱۰۰ (ب) ۲۰ (ج) ۸۰ (د) ۱۲۰

۱۵۵- MPC برابر است با:

الف) ۰/۲ (ب) ۰/۸ (ج) ۱ (د) ۰/۳

۱۵۶- اگر شکاف رکودی به میزان ۱۰ واحد وجود داشته باشد و $MPS = 0/2$ باشد، سطح درآمد ملی جاری چه مقدار از درآمد ملی اشتغال کم تر است؟

الف) ۵۰ (ب) ۱۰ (ج) ۲ (د) ۲۰

۱۵۷- در مدل سه بخشه که مالیات تابعی از درآمد می باشد، اگر شکاف تورمی به میزان ۱۰ واحد، وجود داشته باشد و $MPC = 0/8$ و $t = 0/2$ باشد، سطح درآمد ملی جاری از درآمد ملی اشتغال کامل،

الف) ۲۷/۷ واحد بیش تر است. (ب) ۲۷/۷ واحد کم تر است.

ج) ۳۰ واحد بیش تر است. (د) ۳۰ واحد کم تر است.

۱۵۸- افزایش در هزینه های دولتی، تقاضای کل را به چه میزانی منتقل می سازد؟

الف) به مقدار افزایش در هزینه های دولتی به بالا منتقل می شود.

ب) به مقدار افزایش در هزینه های دولتی به پایین انتقال پیدا می کند.

ج) به مقدار افزایش در هزینه های دولتی ضربدر ضریب تکاثر، به بالا انتقال پیدا می کند.

د) به مقدار افزایش در هزینه های دولتی ضربدر ضریب تکاثر، به پایین انتقال پیدا می کند.

۱۵۹- شکاف انبساطی را به کدام یک از روشهای زیر می توان از بین برد؟

الف) افزایش مساوی در درآمدهای مالیاتی و مخارج دولتی.

ب) افزایش در هزینه های دولتی و کاهش در درآمدهای مالیاتی دولت.

ج) کاهش مساوی در درآمدهای مالیاتی و هزینه های دولتی.

د) کاهش در درآمدهای مالیاتی.

۱۶۰- سیاست مالی اختیاری عبارت است از :

الف) تغییرات خودکار در دریافتی های ناخالص مالیاتی که ناشی از ساختار مالیات بر درآمد است.

ب) برعکس تثبیت کننده های خودکار، دارای تأخیر در تصمیم و اقدام هستند.

ج) تغییرات عمدی در هزینه های دولتی و دریافتی های مالیاتی دولت.

د) موارد ب و ج صحیح است.

۱۶۱- در مدل دوبخشه، هنگامی که سرمایه گذاری برنامه ریزی شده، از پس انداز بیش تر می شود،

باعث،

الف) افزایش سرمایه گذاری در موجودی انبار می شود.

ب) کاهش پس انداز می شود.

ج) افزایش درآمد ملی می شود.

د) هیچ کدام از موارد بالا صحیح نیست.

۱۶۲- گزاره: «سرمایه گذاری برنامه ریزی شده، آن قسمت از تولید است که به هنگام برابری عرضه کل

و تقاضای کل، مصرف نمی‌شود.»

- (الف) صحیح است.
 (ب) غلط است.
 (ج) ممکن است غلط باشد.
 (د) درباره آن نمی‌توان نظر داد.

۱۶۳- اگر در طی دوره‌ای معین، سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده در موجودی انبار افزایش یابد،

- (الف) پس‌انداز کل در دوره‌های بعد، افزایش می‌یابد.
 (ب) شرط برابری پس‌انداز واقعی و سرمایه‌گذاری واقعی برقرار نخواهد شد.
 (ج) درآمد ملی در دوره‌های بعد، کاهش خواهد یافت.
 (د) درآمد ملی در دوره‌های بعد، افزایش خواهد یافت.

۱۶۴- «اگر سرمایه‌گذاری ناخواسته در موجودی انبار، در دوره‌ای منفی باشد، تولید در دوره‌های بعدی افزایش خواهد یافت.» این گزاره،

- (الف) صحیح است.
 (ب) غلط است.
 (ج) ممکن است صحیح باشد.
 (د) قابل اظهار نظر نیست.

۱۶۵- فرض کنید که سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده برای تجهیزات، ۴۸ میلیارد ریال و برای موجودی انبار، ۲ میلیارد ریال باشد. مصرف نیز طبق تابع $C=100+0.8Y$ انجام شود. همچنین سطح درآمد ملی ۸۰۰ میلیارد ریال باشد. با توجه به اطلاعات داده شده کدام یک از جمله‌های زیر اشتباه می‌باشد؟

- (الف) سرمایه‌گذاری واقعی از سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده، بیش‌تر است.
 (ب) سطح درآمد ملی ۸۰۰ میلیارد ریال، درآمد ملی تعادلی نمی‌باشد.
 (ج) تولید، برابر با فروش است.
 (د) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده در موجودی انبار، مثبت است.

۱۶۶- اگر تابع مالیات $T=T_0+tY$ ، تابع واردات $M=M_0+mY$ ، تابع مخارج دولت $G=G_0+gY$ و تابع سرمایه‌گذاری $I=I_0+iY$ باشد، ضریب تکاثر سرمایه‌گذاری برابر است با:

- (الف) $\frac{1}{1-b+bt}$
 (ب) $\frac{1}{1-b-bt-m+g+i}$
 (ج) $\frac{1}{1-bt+m+g}$
 (د) $\frac{1}{1-b+bt+m-g-i}$

۱۶۷- در مسأله بالا، اگر تابع سرمایه‌گذاری به صورت $I=I_0-ir$ (که r نرخ بهره است) درآید، ضریب تکاثر سرمایه‌گذاری برابر است با:

- (الف) $\frac{1}{1-b+bt+m-g}$
 (ب) $\frac{1}{1+b-bt-m+g}$
 (ج) $\frac{1}{1-b+bt+m-g-i}$
 (د) $\frac{1}{1-b+bt+m-g+r}$

۱۶۸- اگر تابع مالیات به صورت $T=tY$ و تابع واردات به صورت $M=mY$ درآید، ضریب تکاثر مصرف مستقل، برابر است با:

$$\begin{array}{ll} \frac{1}{1-bt+m+g} \text{ (ج)} & \frac{1}{1-b+bt} \text{ (الف)} \\ \frac{1}{1-b+bt+m-g-i} \text{ (د)} & \frac{1}{1-b-bt-m+g+i} \text{ (ب)} \end{array}$$

۱۶۹- اگر میل نهایی به خرج در یک اقتصاد، بیش از واحد باشد، و مقدار تقاضای کل مثبت باشد، به این معنی است که،

(الف) تابع تقاضای کل، عمودی است.

(ب) تابع تقاضای کل بر خط ۴۵ درجه منطبق است.

(ج) در هر سطح درآمد، تقاضا بیش از عرضه است.

(د) تابع تقاضای کل، خط ۴۵ درجه را از پایین قطع می‌کند.

○ اطلاعات مربوط به روابط کلان اقتصادی کشوری به صورت زیر می‌باشد:

$$I_0 = 92/5, \quad t = 0/2, \quad M_0 = 55, \quad T_0 = 150, \quad C = 125 + 0/9Y_d, \quad X = 150, \quad m = 0/15$$

$G = 600$. با توجه به اطلاعات، به دو سؤال بعد پاسخ دهید:

۱۷۰- درآمد ملی تعادلی، برابر است با:

$$\begin{array}{llll} \text{الف) } 3000 & \text{ب) } 1808/13 & \text{ج) } 1500/7 & \text{د) } 4000 \end{array}$$

۱۷۱- ضریب تکاثر مخارج دولت، برابر است با:

$$\begin{array}{llll} \text{الف) } 6 & \text{ب) } 7 & \text{ج) } 2/32 & \text{د) } 4 \end{array}$$

۱۷۲- هرچه میل نهایی به برداشت (یا میل نهایی به نشت، یعنی نسبت تغییر در نشت، به تغییر در درآمد ملی) بیش‌تر باشد، ضریب تکاثر،

(الف) بزرگ‌تر می‌شود.

(ب) کوچک‌تر می‌شود.

(ج) ارتباطی به میل نهایی به نشت ندارد.

(د) ممکن است بزرگ‌تر شود.

۱۷۳- هرچه میل نهایی به تزریق (تغییر در تزریق به ازای تغییر در درآمد ملی) بیش‌تر باشد، ضریب تکاثر،

(الف) بزرگ‌تر می‌شود.

(ب) کوچک‌تر می‌شود.

(ج) هیچ اثری نمی‌پذیرد.

(د) اثر کم‌تری بر درآمد ملی خواهد داشت.

۱۷۴- در یک مدل درآمد ملی، اگر دولت پرداخت‌های انتقالی را به اندازه افزایش در مخارج خود کاهش دهد، درآمد ملی تعادلی،

(الف) کاهش می‌یابد.

(ب) ثابت می‌ماند.

(ج) افزایش می‌یابد.

(د) ممکن است افزایش یا کاهش یابد.

۱۷۵- در یک اقتصاد فرضی، اگر تابع تقاضای کل دارای عرض از مبدأ منفی و شیب آن بیش از یک باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟

- الف) اقتصاد در هر وضعیتی باشد، به سوی تعادل می‌رود.
 ب) اگر اقتصاد در وضعیت پیش از نقطه سر به سر باشد به سوی تعادل می‌رود.
 ج) اگر اقتصاد در وضعیت پس از نقطه سر به سر باشد به سوی تعادل می‌رود.
 د) اقتصاد در هر وضعیتی غیر از نقطه تعادل باشد، از تعادل دور می‌شود.

۱۷۶ - در مدل درآمد ملی، نقطه سر به سر، نقطه‌ای است که،

- الف) تابع مصرف، خط ۴۵ را قطع می‌کند. ج) پس انداز، صفر است.
 ب) مصرف با درآمد برابر است. د) هر سه مورد صحیح است.

۱۷۷ - در مدل درآمد ملی، اگر دولت نرخ مالیات (t) را افزایش دهد، آنگاه تابع تقاضای کل،

- الف) به بالا چرخش می‌کند. ج) به پایین چرخش می‌کند.
 ب) ثابت می‌ماند. د) با همان شیب قبلی جابه‌جا می‌شود.

۱۷۸ - "معمای خست" دلالت بر این می‌کند که،

- الف) اگر مصرف‌کنندگان، پس انداز کنند، منجر به بیکاری می‌شود.
 ب) اگر تابع پس انداز به سمت بالا انتقال پیدا کند، مخارج سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد.
 ج) اگر تابع پس انداز شیب مثبت داشته باشد، با انتقال تابع پس انداز به سمت بالا، درآمد ملی کاهش می‌یابد.
 د) در اشتغال کامل، افزایش در سرمایه‌گذاری باید بیش از افزایش در پس انداز باشد، در غیر این صورت به تورم می‌انجامد.

۱۷۹ - اگر تولید واقعی در سمت راست تقاطع خط ۴۵ درجه و تقاضای کل (C+I)، باشد،

- الف) تولید مازاد، وجود دارد.
 ب) سرمایه‌گذاری پیش‌بینی نشده در موجودی انبار، وجود دارد.
 ج) پس انداز پیش‌بینی شده از سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده بیش تر است.
 د) همه موارد بالا صحیح است.

۱۸۰ - کدام یک از موارد زیر، باعث انتقال به سمت بالا در تابع (C+I+G) می‌شود؟

- الف) افزایش در نرخ بهره ج) افزایش برابر در مالیاتها و مخارج دولت
 ب) افزایش در نرخ مالیات د) هیچ‌کدام از موارد بالا

۱۸۱ - قدر مطلق ضریب تکاثر نرخ مالیات، با افزایش درآمد ملی،

- الف) کاهش می‌یابد. ج) تغییر نمی‌کند.
 ب) افزایش می‌یابد. د) ممکن است کاهش یابد.

۱۸۲ - اگر $C=50+0.8Y$ ، $I=10$ ، $G=20$ و $T=10+0.1Y$ باشد، و سپس نرخ مالیات به 0.2

افزایش یابد، درآمد ملی تعادلی، چه مقدار تغییر می‌کند؟

الف) $27/5 -$ ب) $27/5$ ج) $275 -$ د) $2/52 -$

- ۱۸۳ - در کدام یک از وضعیت‌های زیر، اثر اجرای سیاست مالی بر درآمد ملی تعادلی بیش تر است؟
 الف) مالیات، تابعی از درآمد ملی باشد.
 ب) مالیات، برونزا باشد (تابعی از درآمد ملی نباشد).
 ج) سرمایه‌گذاری تابعی از نرخ بهره باشد.
 د) واردات، کم‌تر از صادرات باشد.

۱۸۴ - ضریب تکاثری منفرد (Single Multiplier) افزایش سرمایه‌گذاری (یعنی فقط در یک دوره سرمایه‌گذاری افزایش یابد و در دوره بعد به سطح سابق خود برگردد). در مدل ساده دویخشی، برابر است با:

$$\frac{\sum \Delta Y}{\Delta I} = \frac{1}{1-b} \quad \text{ج)}$$

$$\frac{\sum \Delta Y}{\Delta I} = \frac{1}{1-b} \quad \text{الف)}$$

$$\frac{\sum \Delta Y}{\Delta I} = \frac{-1}{1+b} \quad \text{د)}$$

$$\frac{\sum \Delta Y}{\Delta I} = \frac{-1}{1-b} \quad \text{ب)}$$

۱۸۵ - فاصله بین تزریق و نشت در هر سطح درآمد ملی برابر است با:

- الف) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده
 ب) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده
 ج) سرمایه‌گذاری واقعی
 د) پس‌انداز

۱۸۶ - جمله معروف «عرضه، تقاضای خود را به وجود می‌آورد» از کیست؟

- الف) سی
 ب) کیتز
 ج) فریدمن
 د) استوارت میل

۱۸۷ - فرض کنید که مالیات تابعی از درآمد ملی بشود، در نتیجه، ضریب تکاثر صادرات،

- الف) افزایش می‌یابد.
 ب) کاهش می‌یابد.
 ج) ثابت باقی می‌ماند.
 د) ممکن است کاهش یابد.

۱۸۸ - اگر $MPC = 0/8$ باشد و سرمایه‌گذاری فقط در دوره جاری، 10 واحد افزایش یابد و دوباره به سطح قبلی خود برگردد، مجموع اثر افزایش سرمایه‌گذاری بر درآمد ملی در دوره‌های آینده، چه مقدار خواهد بود؟

- الف) 10
 ب) 30
 ج) 40
 د) 50

پاسخنامه فصل ۲

د- ۱۲۵	د- ۹۴	ب- ۶۳	ب- ۳۲	د- ۱
د- ۱۲۶	ب- ۹۵	د- ۶۴	ب- ۳۳	۲- الف
د- ۱۲۷	الف- ۹۶	الف- ۶۵	د- ۳۴	۳- ج
الف- ۱۲۸	ج- ۹۷	الف- ۶۶	ب- ۳۵	۴- ج
د- ۱۲۹	د- ۹۸	الف- ۶۷	الف- ۳۶	۵- ج
ج- ۱۳۰	د- ۹۹	د- ۶۸	ج- ۳۷	۶- الف
د- ۱۳۱	الف- ۱۰۰	ب- ۶۹	ب- ۳۸	۷- ج
الف- ۱۳۲	ج- ۱۰۱	د- ۷۰	ج- ۳۹	۸- ب
ب- ۱۳۳	ج- ۱۰۲	د- ۷۱	ب- ۴۰	۹- الف
د- ۱۳۴	الف- ۱۰۳	ب- ۷۲	الف- ۴۱	۱۰- ب
د- ۱۳۵	د- ۱۰۴	ب- ۷۳	ج- ۴۲	۱۱- ب
د- ۱۳۶	الف- ۱۰۵	ج- ۷۴	د- ۴۳	۱۲- د
الف- ۱۳۷	ج- ۱۰۶	د- ۷۵	الف- ۴۴	۱۳- الف
الف- ۱۳۸	د- ۱۰۷	ب- ۷۶	ب- ۴۵	۱۴- د
د- ۱۳۹	ج- ۱۰۸	ج- ۷۷	ج- ۴۶	۱۵- الف
ب- ۱۴۰	الف- ۱۰۹	د- ۷۸	ج- ۴۷	۱۶- ج
ب- ۱۴۱	ج- ۱۱۰	د- ۷۹	ج- ۴۸	۱۷- الف
ج- ۱۴۲	ج- ۱۱۱	د- ۸۰	د- ۴۹	۱۸- ج
د- ۱۴۳	د- ۱۱۲	د- ۸۱	ج- ۵۰	۱۹- ب
ب- ۱۴۴	الف- ۱۱۳	الف- ۸۲	ب- ۵۱	۲۰- ج
ب- ۱۴۵	د- ۱۱۴	ج- ۸۳	د- ۵۲	۲۱- د
ب- ۱۴۶	ج- ۱۱۵	ب- ۸۴	د- ۵۳	۲۲- د
د- ۱۴۷	ب- ۱۱۶	د- ۸۵	د- ۵۴	۲۳- د
ب- ۱۴۸	الف- ۱۱۷	ج- ۸۶	الف- ۵۵	۲۴- الف
ب- ۱۴۹	د- ۱۱۸	ب- ۸۷	د- ۵۶	۲۵- ب
ب- ۱۵۰	ب- ۱۱۹	د- ۸۸	ب- ۵۷	۲۶- ب
ج- ۱۵۱	ب- ۱۲۰	ج- ۸۹	الف- ۵۸	۲۷- ب
الف- ۱۵۲	د- ۱۲۱	د- ۹۰	الف- ۵۹	۲۸- ب
ج- ۱۵۳	د- ۱۲۲	ج- ۹۱	ب- ۶۰	۲۹- د
ب- ۱۵۴	د- ۱۲۳	ج- ۹۲	ب- ۶۱	۳۰- الف
ب- ۱۵۵	الف- ۱۲۴	ج- ۹۳	ج- ۶۲	۳۱- ج

الف - ١٨٤	ج - ١٧٧	ب - ١٧٠	ج - ١٦٣	الف - ١٥٦
ب - ١٨٥	ج - ١٧٨	ج - ١٧١	الف - ١٦٤	الف - ١٥٧
الف - ١٨٦	د - ١٧٩	ب - ١٧٢	ج - ١٦٥	الف - ١٥٨
ب - ١٨٧	ج - ١٨٠	الف - ١٧٣	د - ١٦٦	ج - ١٥٩
د - ١٨٨	ب - ١٨١	ج - ١٧٤	الف - ١٦٧	د - ١٦٠
	الف - ١٨٢	د - ١٧٥	د - ١٦٨	ج - ١٦١
	ب - ١٨٣	د - ١٧٦	ج - ١٦٩	الف - ١٦٢

پاسخ‌های تشریحی فصل دوم

مدلهای تعیین درآمد ملی

۱-د. تعادل، به وضعیتی اطلاق می‌شود که انگیزه یا محرکی برای تغییر رفتار وجود نداشته باشد. در اقتصاد کلان شرط تعادل، برابری نشت و تزریق یا عرضه کل و تقاضای کل می‌باشد. همچنین، هرگاه تغییر ناخواسته در موجودی انبار صفر باشد، به این معنی است که عرضه کل با تقاضای کل مساوی است یا نشت با تزریق برابر است. گزینه (ب) نیز صحیح است، زیرا خط ۴۵ بیانگر عرضه کل (درآمد ملی) می‌باشد که هرگاه تابع مخارج کل برنامه‌ریزی شده را قطع کند، به این معنی است که عرضه کل و مخارج کل برنامه‌ریزی شده (که همان تقاضای کل می‌باشد) با یکدیگر برابرند.

۲- الف. $MPC = \frac{\Delta C}{\Delta Y} = \frac{20}{25} = 0.8$

۳- ج. $S = Y - C = 200 - 205 = -5$

۴- ج. به ازای هر ۲۵ واحد افزایش در درآمد قابل تصرف، مصرف ۲۰ واحد افزایش می‌یابد. بنابراین، اگر درآمد قابل تصرف از ۳۰۰ به ۳۲۵ افزایش یابد، مصرف نیز از ۲۸۵ به ۳۰۵ افزایش پیدا می‌کند.

۵- ج. MPC (میل نهایی به مصرف) برابر است با تغییر در مصرف تقسیم بر تغییر در درآمد.

۶- الف. میل نهایی به پس‌انداز، بیانگر تغییر در پس‌انداز به ازای تغییر در درآمد است.

۷- ج. $MPC = \frac{\Delta C}{\Delta Y} = \frac{90 - 10}{100 - 0} = \frac{80}{100} = 0.8$

۸- ب. $MPC + MPS = 1 \Rightarrow 0.8 + MPS = 1 \Rightarrow MPS = 0.2$

۹- الف. شرط تعادل در مدل دویبخشی (مدلی که فقط خانوارها و بنگاهها در آن وجود دارند) برابر است با:

$$Y = C + I$$

در سطح درآمد ۲۰۰، برابری عرضه کل و تقاضای کل (C+I) وجود دارد.

۱۰- ب. در سطح درآمد ملی ۳۰۰، تقاضای کل برابر است با ۲۵۰ + ۳۰، بنابراین، عرضه کل (درآمد ملی) ۲۰ واحد بیش‌تر از تقاضای کل است که به موجودی انبار، اضافه می‌گردد.

۱۱- ب. $Y = 100 \Rightarrow C = 100 + 0.8(100) = 180$

۱۲- د. اگر $Y = C$ باشد، پس‌انداز صفر است، بنابراین:

$$Y = 100 + 0.8Y \Rightarrow Y = 500$$

۱۳- الف. $Y = C + I = 100 + 0.8Y + 200 \Rightarrow Y = 1500$

۱۴- د.

۱۵- الف. $MPC = \frac{\Delta C}{\Delta Y} = \frac{227 - 220}{230 - 220} = \frac{7}{10}$

۱۶- ج. ضریب تکاثر سرمایه‌گذاری، به این معنی است که اگر سرمایه‌گذاری یک واحد افزایش یابد، درآمد ملی چند برابر افزایش می‌یابد:

$$K_I = \frac{\Delta Y}{\Delta I} = \frac{1}{1 - b} = \frac{1}{1 - MPC} = \frac{1}{MPS} = \frac{1}{1 - 0.7} = \frac{1}{0.3} = 3\frac{1}{3}$$

برای استخراج فرمول ضریب تکاثر، باید درآمد ملی تعادلی را به دست آورد و از آن نسبت به سرمایه گذاری مشتق گرفت.

۱۷- الف. $APS = \frac{S}{Y} = \frac{15}{370} = 0.04$ = میل متوسط به پس انداز

۱۸- ج. $NNP = C + I = 348 + 12 = 360$

۱۹- ب. $MPC = \frac{\Delta C}{\Delta Y} = \frac{250 - 244}{250 - 240} = \frac{6}{10}$ $MPS = 1 - MPC = 1 - 0.6 = 0.4$

۲۰- ج. ضریب تکاثر سرمایه گذاری و یا مصرف مستقل برابر است با: $\frac{1}{1-b} = \frac{1}{0.4} = 2.5$

۲۱- د. در سطح درآمد ملی ۲۸۰، شرط تعادل برقرار می باشد. $Y = C + I = 268 + 12 = 280$

۲۲- د. یعنی ۴ میلیارد ریال نیش تر مصرف کنند، بنابراین در سطح درآمد ملی ۲۹۰، شرط تعادل برقرار می شود. $290 = 278 + 12$

۲۳- د. اگر دولت، ۳۰ میلیارد ریال مالیات بگیرد و آن را خرج کند، درآمد ملی تعادلی به اندازه ۳۰ میلیارد ریال افزایش می یابد (اصل بودجه متوازن)، زیرا وقتی ۳۰ میلیارد ریال مالیات می گیرد، درآمد ملی $30 \left(\frac{-b}{1-b} \right) = 30 \left(\frac{-0.6}{1-0.6} \right) = -45$ کاهش می یابد. وقتی ۳۰ میلیارد ریال را خرج می کند، درآمد ملی به

اندازه $30 \left(\frac{1}{1-b} \right) = 30 \left(\frac{1}{0.4} \right) = 75$ افزایش می یابد. بنابراین در مجموع، درآمد ملی تعادلی ۳۰ واحد افزایش می یابد.

۲۴- الف. از نظر کلاسیک ها عامل مهم تعیین کننده پس انداز، نرخ بهره است. در صورتی که کینز، درآمد قابل تصرف را عامل مهم تعیین پس انداز می داند.

۲۵- ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۲۴ رجوع کنید.

۲۶- ب. $Y = C + I = 470 + 50 = 520$

۲۷- ب. در سطح درآمد ملی ۵۰۰، تقاضای کل (C+I)، ۵۱۰ می باشد، بنابراین تقاضای کل، بیش تر از عرضه کل است و از موجودی انبار، کاسته می شود.

۲۸- ب. چون تقاضای کل (۴۶۰ + ۷۰) کم تر از عرضه کل (۵۴۰) می باشد، سرمایه گذاری پیش بینی نشده وجود دارد. هرگاه عرضه کل برابر با تقاضای کل باشد، سرمایه گذاری پیش بینی نشده در موجودی انبار، صفر خواهد بود.

۲۹- د. درآمد ملی در حال تعادل، برابر است با: $Y = C + I = 414 + 46 = 460$

۳۰- الف. به علت وجود آثار تکاثری، درآمد ملی بیش تر از ۲ میلیارد ریال کاهش می یابد.

۳۱- ج. $Y = C + S \Rightarrow \frac{\Delta Y}{\Delta Y} = \frac{\Delta C}{\Delta Y} + \frac{\Delta S}{\Delta Y} \Rightarrow 1 = MPC + MPS$

۳۲- ب. با تغییر درآمد، روی منحنی مصرف حرکت می کنیم. اگر عواملی غیر از درآمد تغییر کند، باعث انتقال منحنی مصرف می شود.

۳۳- ب. اگر مازاد عرضه وجود داشته باشد، به این معنی است که همه کالاها به فروش نرفته است و بنابراین به موجودی انبار، اضافه شده است.

۳۴- د. درآمد ملی هنگامی در تعادل است که $I = S$ باشد، یعنی نشت برابر با تزریق باشد. در سطح درآمد ملی ۳۴۰، $I_1 = S$ می باشد.

۳۵- ب. ضریب تکاثر برابر است با $\frac{1}{MPS}$ که MPS نیز شیب تابع پس انداز می باشد.

$$MPS = \frac{30 - 15}{380 - 340} = \frac{15}{40} \Rightarrow \text{ضریب تکاثر} = \frac{40}{15} = 2/66$$

۳۶- الف. $MPC = 1 - MPS = 1 - \frac{15}{40} = \frac{25}{40} = \frac{5}{8}$

۳۷- ج. اگر سرمایه گذاری از ۳۰ میلیارد ریال به ۴۵ میلیارد ریال افزایش یابد، تغییر در درآمد ملی برابر است با:

$$\Delta Y = \Delta I(K_t) = 15 \left(\frac{40}{15} \right) = 40 \Rightarrow Y = 380 + 40 = 420$$

۳۸- ب. میل متوسط به مصرف، شیب خطی است که از تابع مصرف به مبداء مختصات وصل می کنیم. چون شیب

خطی که از نقطه B به مبداء مختصات وصل می کنیم (خط ۴۵)، یک است، بنابراین در نقطه B، $APC = 1$ است.

۳۹- ج. میل نهایی به مصرف؛ شیب تابع مصرف می باشد، یعنی $\frac{CE}{BE}$.

۴۰- ب. فاصله بین خط ۴۵ درجه (که درآمد ملی را نشان می دهد) با تابع مصرف، بیانگر پس انداز می باشد. در

درآمد OH، مقدار درآمد برابر است با $DH = OH$ و مصرف برابر است با CH، بنابراین پس انداز برابر است

$$S = Y - C = DH - CH = CD$$

با:

۴۱- الف. خط ۴۵ درجه، درآمد ملی را نشان می دهد، بنابراین، اگر تابع مصرف، خط ۴۵ درجه را قطع نماید،

نشان دهنده برابری مصرف و درآمد ملی می باشد.

۴۲- ج. در همه سطوح کم تر از OG، چون تابع مصرف، بالاتر از خط ۴۵ درجه است، مصرف بیش تر از درآمد

ملی است، بنابراین پس انداز، منفی می باشد.

۴۳- د. میل نهایی به پس انداز، تغییر در پس انداز، به ازای تغییر در درآمد را نشان می دهد. در درآمد G، پس انداز

صفر است و در درآمد H، پس انداز CD است، بنابراین:

$$MPS = \frac{\Delta S}{\Delta Y} = \frac{CD}{GH}$$

۴۴- الف. به دلیل انتظار کمبود و افزایش قیمت در آینده، در همان درآمدهای قبلی، اکنون مقدار بیش تری خرید

می شود، بنابراین، تابع مصرف به سمت بالا انتقال پیدا می کند.

۴۵- ب. پس انداز، تفاوت درآمد و مصرف است. بنابراین با افزایش مصرف، پس انداز کاهش می یابد.

۴۶- ج. تغییر در درآمد، باعث حرکت روی منحنی مصرف می شود. تغییر بقیه عوامل به جز درآمد که بر مقدار

مصرف اثر می گذارند، باعث انتقال منحنی مصرف می گردد.

۴۷- ج. ویژگی خط ۴۵ درجه این است که در تمامی نقاط آن، مقادیر محور افقی و عمودی برابر می باشد.

۴۸- ج. MPC، شیب تابع مصرف است. چون تابع مصرف خطی است؛ بنابراین، شیب آن ثابت است. APC

(میل متوسط به مصرف) در تابع مصرف خطی، با افزایش درآمد، کاهش می یابد. ضریب تکاثر نیز معکوس

MPS می باشد.

۴۹- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۳۱ رجوع کنید.

۵۰- ج. MPC، تغییر در مصرف به ازای تغییر در درآمد می باشد، اگر $MPC = 0/7$ باشد، به این معنی است

که اگر درآمد فرد یک واحد افزایش یابد، $0/7$ آن را مصرف می کند. گزینه (الف)، تعریف میل متوسط به

مصرف می باشد.

۵۱- ب. در تابع مصرف خطی، MPC شیب تابع است که مقدار ثابتی می باشد. ولی APC شیب خطی است که از

تابع مصرف به مبداء مختصات وصل می کنیم که با افزایش درآمد، کاهش می یابد.

۵۲-د. اگر تقاضای کل AD_1 باشد، درآمد ملی در حال تعادل OY_1 یا EY_1 می باشد (چون منحنی AS همان خط ۴۵ درجه می باشد، $OY_1 = EY_1$ است). در سطح درآمد EY_1 ، مصرف، برابر است با FY_1 ، بنابراین، $S = EY_1 - FY_1 = EF$ ، که $EF = ND$ می باشد.

۵۳-د. تعادل، هنگامی است که عرضه مساوی تقاضای کل باشد. از آن جا که در نقطه B ، تقاضای کل، خط ۴۵ درجه (که همان منحنی عرضه کل است)، زیرا در این مدلها، مقدار تقاضا، تعیین کننده سطح تعادلی درآمد ملی است، یا به عبارت دیگر فرض می شود که عرضه، به میزان تقاضا می تواند افزایش یابد) را قطع می کند، OY_2 که برابر با BY_2 است، درآمد ملی تعادلی می باشد.

۵۴-د. ضریب تکاثر در مدل دویبخشی (خانوارها و بنگاهها) برابر است با: $\frac{1}{1-MPC}$ که میل نهایی به مصرف نیز شیب تابع مصرف می باشد. یا ضریب تکاثر سرمایه گذاری برابر است با $\frac{\Delta Y}{\Delta I}$ که $\Delta I = BN$ و تغییر درآمد برابر است با: $EM = BM = Y_1 Y_2$

۵۵-الف. چون فقط خانوارها و بنگاهها در آن وجود دارند، که مخارج مصرفی خانوارها (C)، تقاضای خانوارها، و مخارج سرمایه گذاری بنگاهها، تقاضای بنگاهها می باشد.

۵۶-د. شرط تعادل، برابری عرضه کل و تقاضای کل یا نشت و ترریق می باشد. در مدل سه بخشی، نشت، S و T می باشد و ترریق، I و G است. گزینه (الف) صحیح نیست، چون برابری مجموع نشت و مجموع ترریق لازم است، نه برابری $G = T$ و $I = S$.

۵۷-ب. در مدلی که مالیات تابعی از درآمد باشد، ضریب تکاثر مخارج دولت $\frac{1}{1-b+bt}$ می باشد، با افزایش t، مخارج کسر، بزرگ می شود و ضریب تکاثر کوچک. به طور کلی هرگاه ضریب متغیرهای نشتی، افزایش یابد، ضریب تکاثر کوچک، و هرگاه ضرایب متغیرهای ترریقی، افزایش یابد، ضریب تکاثر بزرگ تر می شود.

۵۸-الف. ضریب تکاثر $\frac{1}{MPS}$ می باشد که با کاهش MPS، ضریب تکاثر افزایش می یابد.

۵۹-الف. سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده که همان تغییر ناخواسته در موجودی انبار باشد، تفاوت عرضه کل و تقاضای کل می باشد. به ازای درآمد ملی Y_3 ، عرضه کل به میزان AB بیش تر از تقاضای کل است. بنابراین سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده (تغییر در موجودی انبار) خواهیم داشت.

۶۰-ب. سرمایه گذاری واقعی برابر است با سرمایه گذاری برنامه ریزی شده و نشده. در درآمد ملی Y_3 ، سرمایه گذاری برنامه ریزی شده، BD و برنامه ریزی نشده، AB است که جمع آنها AD می شود.

۶۱-ب. اگر عرضه کل مساوی تقاضای کل باشد، یا به عبارت دیگر، اقتصاد در تعادل باشد، سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده، صفر است. بنابراین، سرمایه گذاری واقعی و برنامه ریزی شده برابر خواهند شد. درآمد ملی تعادلی Y_4 است؛ در نتیجه، در این سطح از درآمد، سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده وجود نخواهد داشت.

ج- $Y = C + I = 85 + 0.9Y + 55 \Rightarrow Y = 1400$

۶۳-ب. پس انداز تعادلی، برابر با سرمایه گذاری برنامه ریزی شده است: $I = S \Rightarrow S = 55$

البته می توانید تابع پس انداز را به دست آورده و با قرارداد $Y = 1400$ در آن، پس انداز را محاسبه کنید که راه حل طولانی می باشد.

۶۴-د. یک راه این است که $Y = 1400$ را در تابع مصرف قرار داده و مصرف را محاسبه کنیم. راه حل سریع تر این است که $Y = 1400 = C + 55 \Rightarrow C = 1345$

این است که می دانیم در تعادل:

$$K_f = \frac{1}{1-b} = \frac{1}{1-0/9} = 10 \quad \text{الف. ۶۵}$$

۶۶- الف. کالاهای واسطه‌ای و نیم‌ساخته، جزء موجودی انبار تلقی می‌شود که تغییر در موجودی انبار نیز سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود. اگر این تغییر با برنامه قبلی صورت گرفته باشد، سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده محسوب می‌شود.

۶۷- الف. در نقاط پایین خط ۴۵ درجه، درآمد بیش‌تر از مصرف است؛ بنابراین، پس‌انداز، مثبت می‌باشد.

۶۸- د. تابع مصرف در مدل کینز به صورت $C = a + bY$ می‌باشد. a مصرف مستقل، b شیب تابع مصرف یا میل نهایی به مصرف است. میل متوسط به مصرف برابر است با: $APC = \frac{C}{Y} = \frac{a}{Y} + b$ میل نهایی به مصرف بین صفر و یک است، یعنی همه افزایش درآمد، به مصرف تخصیص پیدا نمی‌کند.

$$MPC = \frac{dC}{dY} = b \quad \text{ب. ۶۹}$$

۷۰- د. تابع مصرف کینز به صورت $C = a + bY$ است، که $MPC = b$ و $APC = \frac{a}{Y} + b$ است. با افزایش Y ، APC کاهش پیدا می‌کند و به MPC نزدیک می‌شود.

$$\Delta NNP = \Delta Y = K_f \Delta I = \frac{1}{1-MPC} \Delta I = \frac{1}{0/3} (3) = 10 \quad \text{د. ۷۱}$$

۷۲- ب. شیب تابع تقاضای کل، به شیب تابع مصرف و نرخ مالیات بستگی دارد. افزایش شیب تابع مصرف (MPC)، شیب تقاضای کل را افزایش می‌دهد.

۷۳- ب. در مدل کینز، کاهش میل نهایی به پس‌انداز، میل نهایی به مصرف را افزایش می‌دهد، در نتیجه، تقاضای کل افزایش می‌یابد و از آن‌جا که در مدل کینز عرضه‌کشش‌پذیر است و تقاضای کل، عامل تعیین‌کننده NNP است؛ بنابراین، باعث افزایش NNP می‌شود.

۷۴- ج. شیب خط ۴۵ درجه یک است؛ بنابراین، تابع مصرف نیز دارای شیبی برابر با یک خواهد بود. به عبارت دیگر، $C = Y$ خواهد شد، که در این صورت $MPC = APC = 1$ می‌شود.

۷۵- د. ضریب تکاثر مخارج دولت برابر است با: $\frac{1}{1-MPC}$ ، اگر مالیات، تابعی از درآمد ملی باشد، ضریب تکاثر برابر است با: $\frac{1}{1-MPC + (MPC)t}$

۷۶- ب. قدر مطلق ضریب تکاثر مالیات $\frac{b}{1-b}$ و ضریب تکاثر مخارج دولت $\frac{1}{1-b}$ می‌باشد. از آن‌جا که b (میل نهایی به مصرف) کوچک‌تر از یک می‌باشد؛ بنابراین، ضریب تکاثر مخارج دولت، بزرگ‌تر از قدر مطلق ضریب تکاثر مالیات می‌باشد.

۷۷- ج. درآمد ملی هنگامی در تعادل است که عرضه کل با تقاضای کل برابر باشد. در سطح درآمد ملی ۳۰۰، تقاضای کل نیز برابر با $C + I + G = 300$ می‌باشد.

$$K = \frac{1}{1-MPC} = \frac{1}{1-0/5} = 2 \quad \text{د. ۷۸}$$

د. ۷۹

۸۰- د. متغیرهای هر مدل را به درونزا و برونزا تقسیم می‌کنند. متغیری برونزا است که مقدر آن در خارج از مدل تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، مقدار آن در مدل معلوم و داده شده است و به متغیرهای دیگر بستگی ندارد. در مدل ارائه شده در مسأله، G و I ، برونزا می‌باشند. متغیر درونزا، متغیری است که مقدار آن در مدل تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، تابعی از متغیرهای دیگر است. در مدل ارائه شده، C ، T و Y متغیرهای درونزا می‌باشند. دقت کنید که متغیری در یک مدل ممکن است درونزا باشد و در مدل دیگر برونزا، درونزا و برونزا بودن متغیر، ویژگی ذاتی آن نیست، بلکه به واقعیات اقتصادی و شرایط و اهداف مدل بستگی دارد.

۸۱-د. به توضیحات پاسخ سؤال ۸۰ رجوع کنید.

۸۲-الف. روابط موجود بین متغیرهای اقتصادی در یک مدل، ممکن است رابطه‌ای رفتاری، فنی، نهادی و یا تعریفی باشد. رابطه رفتاری رابطه‌ای است که بازگوکننده یک نوع رفتار اقتصادی باشد، مثل تابع مصرف. رابطه فنی، رابطه‌ای است که بازگوکننده یک رابطه فیزیکی - فنی باشد، مثل تابع تولید. رابطه نهادی، رابطه‌ای است که بیانگر قوانین جامعه باشد، مثل تابع مالیات. رابطه تعریفی، رابطه‌ای است که بازگوکننده حقایق و اصول مسلم و ناشی از تعاریف باشد، مثل تعریف درآمد قابل تصرف که برابر است با درآمد منهای مالیات.

۸۳-ج.

۸۴-ب.

۸۵-د.، به توضیحات پاسخ سؤال ۸۲ رجوع کنید.

$$Y=C+I+G=40+0/8(Y-10-0/1Y)+100+50 \Rightarrow Y=650 \quad \text{ج. ۸۶}$$

$$T=10+0/1(650)=75 > G=50 \quad \text{ب. ۸۷. بودجه دولت دارای مازاد است، زیرا؛}$$

$$K_T = \frac{-b}{1-b+bt} = \frac{-0/8}{1-0/8+0/08} = -2/85 \quad \text{د. ۸۸}$$

۸۹-ج. ضریب تکاثر نرخ مالیات؛ یعنی، اثر تغییر نرخ مالیات بر درآمد ملی تعادلی. اگر از درآمد ملی تعادلی، نسبت به t مشتق بگیریم، ضریب تکاثر نرخ مالیات $K_t = \frac{dY}{dt} = \frac{-bY}{1-b+bt}$ به دست می‌آید. دقت کنید که ضریب تکاثر نرخ مالیات، به مقدار درآمد ملی پیش از افزایش نیز بستگی دارد. هرچه درآمد ملی بیش‌تر باشد، قدر مطلق ضریب تکاثر نرخ مالیات بزرگ‌تر می‌شود.

۹۰-د. گزینه (ب) شرط «عرضه کل = تقاضای کل» و گزینه (ج) شرط «نشت = تزریق» می‌باشد، که هر دو، شرط تعادل در اقتصاد می‌باشند.

$$S+T=I+G \Rightarrow S+20=50+30 \Rightarrow S=60 \quad \text{ج. ۹۱. با استفاده از شرط تعادل:}$$

۹۲-ج. درآمد ملی تعادلی در مدل سه بخشی که مالیات تابعی از درآمد ملی باشد،

$$Y = \frac{1}{1-b+bt} (a-bT_0 + I_0 + G_0)$$

ضریب افزایش مخارج دولت به دست می‌آید:

$$K_G = \frac{\Delta Y}{\Delta G} = \frac{dY}{dG} = \frac{1}{1-b+bt}$$

۹۳-ج. ضریب تکاثر بودجه متوازن، برابر است با جمع ضریب تکاثر مالیات ثابت و ضریب تکاثر مخارج دولت:

$$K_{BB} = K_G + K_T = \frac{1}{1-b+bt} + \frac{-b}{1-b+bt} = \frac{1-b}{1-b+bt} < 1$$

که به این معنی می‌باشد، اگر دولت، مالیات و مخارج را به یک میزان تغییر دهد، درآمد ملی کم‌تر از آن تغییر می‌کند. به یاد داشته باشید که وقتی مالیات، تابعی از درآمد ملی نباشد، ضریب تکاثر بودجه متوازن، یک است.

$$Y=C+I+G=100+0/75(Y-20)+50+20 \quad \text{د. ۹۴}$$

$$Y-0/75Y=155 \Rightarrow Y=620$$

۹۵-ب. چون مالیات، تابعی از درآمد ملی نمی‌باشد، ضریب تکاثر بودجه متوازن یک است؛ یعنی، اگر مالیاتها و مخارج دولتی، همزمان ۶۰ واحد افزایش یابد؛ درآمد ملی تعادلی نیز ۶۰ واحد افزایش می‌یابد.

$$K_I = \frac{1}{1-b} = \frac{1}{1-0/75} = 4 \quad \text{الف. ۹۶}$$

۹۷-ج. $K_I = \frac{\Delta Y}{\Delta I} = 4 \Rightarrow \frac{200}{\Delta I} = 4 \Rightarrow \Delta I = 50$

۹۸-د. برای این که مصرف ۷۵ واحد افزایش یابد، درآمد ملی باید ۱۰۰ واحد افزایش یابد، زیرا $\frac{\Delta C}{\Delta Y} = MPC = 0/75$ ؛ بنابراین $\frac{75}{\Delta Y} = 0/75 \Rightarrow \Delta Y = 100$ و به منظور افزایش ۱۰۰ واحد درآمد ملی،

مخارج دولتی باید، ۲۵ واحد افزایش یابد، زیرا: $K_G = \frac{\Delta Y}{\Delta G} = \frac{100}{\Delta G} = 4 \Rightarrow \Delta G = 25$

۹۹-د. $S = Y_d - C = Y_d - 100 - 0/75 Y_d = -100 + 0/25 Y_d$

۱۰۰-الف. از آن جا که خط ۴۵، درآمد را نشان می دهد، در سطح درآمد Y_1 که تابع مصرف، خط ۴۵ را قطع می نماید، مصرف و درآمد، برابرند و پس انداز صفر می باشد.

۱۰۱-ج. در سطح درآمد صفر: $S = Y - C = 0 - a = -a$

۱۰۲-ج. درآمد ملی هنگامی در تعادل است که عرضه کل (خط ۴۵) $(Y = 45)$ ، با تقاضای کل $(C + I + G)$ برابر باشد

۱۰۳-الف. تعادل، هنگامی پایدار است که وقتی از آن خارج شویم، به صورت خودکار به تعادل برگردیم. در مدل کلان، اگر تابع تقاضای کل $(C + I + G)$ ، دارای شیبی کم تر از تابع عرضه کل (خط ۴۵ درجه) باشد، تعادل پایدار است. یا اگر شیب تابع تقاضای کل کم تر از یک (که شیب عرضه کل در مدل می باشد) باشد، تعادل پایدار است. در سطح درآمد ملی Y_3 ، تعادل پایدار است؛ زیرا، اگر درآمد ملی کم تر از Y_3 باشد، تقاضای کل بیش تر از عرضه کل می باشد، و به دلیل مازاد تقاضا، قیمت افزایش می یابد و موجودی انبار، کاهش می یابد. هر دو عامل باعث می شود، که عرضه افزایش یابد. در درآمد ملی بیش تر از Y_3 ، با مازاد عرضه روبه رو هستیم و در نتیجه قیمت، کاهش و موجودی انبار افزایش می یابد. هر دو عامل باعث می شود که درآمد ملی، کاهش یابد و به Y_3 برسد.

۱۰۴-د. مالیات، باعث می شود که منحنی مصرف به اندازه $\Delta T(MPC)$ کاهش یابد: $100(0/75) = 75$

۱۰۵-الف. ضریب تکاثر، برابر است با $\frac{1}{1-b}$ ؛ بنابراین، افزایش b ، باعث می شود که ضریب تکاثر، افزایش یابد. گزینه (ج) صحیح نمی باشد، زیرا $MPC + MPS = 1$ است، افزایش MPC ، باعث کاهش MPS می شود.

۱۰۶-ج. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۰۴ رجوع کنید. چون MPC کوچک تر از یک می باشد:

$$\Delta T > \Delta T(MPC)$$

۱۰۷-د. با استفاده از ضریب تکاثر مخارج دولت؛ $\Delta Y = 400$ $\frac{\Delta Y}{\Delta G} = \frac{1}{1-MPC} = \frac{\Delta Y}{100} = \frac{1}{1-0/75}$

۱۰۸-ج. $K_G = \frac{1}{1-b+bt} = \frac{1}{1-0/8+(0/8 \times 0/2)} = 2/77$

۱۰۹-الف. درآمد ملی تعادلی، هنگامی که

مالیات تابعی از درآمد ملی نباشد:

درآمد ملی تعادلی، هنگامی که مالیات تابعی از

درآمد ملی باشد:

$$Y = \frac{a - bT_0 + I + G}{1 - b}$$

$$Y = \frac{a - bT_0 + I + G}{1 - b + bt}$$

$$Y_d = Y - T = Y - T_0 - tY$$

$$C = a + bY_d = a + bY - bT_0 - btY = a - bT_0 + (b - bt)Y$$

شیب تابع مصرف، $b - bt$ می باشد که با افزایش t ، کاهش می یابد.

۱۱۱-ج. به شکل سؤال ۱۳۲ رجوع کنید. اگر تقاضای کل AD_1 باشد، شکاف رکودی برابر است با فاصله BD .

۱۱۲-د. سیاست‌های مالی به سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که با استفاده از تغییر مخارج دولتی و مالیاتها، تقاضای کل در اقتصاد را تغییر می‌دهیم. سیاست‌هایی که باعث افزایش تقاضای کل می‌شوند، مثل افزایش مخارج دولتی و کاهش مالیاتها، سیاست مالی انبساطی و سیاست‌هایی که باعث کاهش تقاضای کل می‌شود، سیاست‌های انقباضی نام دارند. کاهش مخارج دولتی و یا افزایش مالیات، سیاست انقباضی نام دارند.

۱۱۳-الف. سیاست مالی انقباضی، باعث کاهش تقاضای کل (C+I+G) می‌شود و کاهش تقاضای کل، باعث کاهش درآمد ملی می‌شود.

۱۱۴-د.

۱۱۵-ج. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۰۳ رجوع کنید. توجه داشته باشید که MPC شیب تابع تقاضای کل می‌باشد

۱۱۶-ب. ثبات قیمت‌ها در اشتغال کامل هنگامی وجود دارد که تقاضای کل تغییری نکند. افزایش مخارج دولت، تقاضای کل را افزایش می‌دهد. از آن جا که ضریب تکاثر مالیات کم‌تر از مخارج دولت می‌باشد، برای کاهش تقاضای کل، مالیات باید بیش‌تر از مخارج دولت افزایش یابد تا تقاضای کل، ثابت باقی بماند.

۱۱۷-الف. در سطح درآمد ملی OG، شیب خطی که از مبدا به نقطه A وصل می‌کنیم (که میل متوسط به مصرف، APC، را نشان می‌دهد) برابر با یک است.

$$S = Y - C = CJ - KJ = KC \quad ۱۱۸-د.$$

۱۱۹-ب.

۱۲۰-ب. اگر سرمایه‌گذاری خالص In_1 باشد، تقاضای کل، $C + In_1$ می‌باشد، آنگاه در نقطه B، عرضه کل و تقاضای کل برابر است؛ بنابراین درآمد ملی، OH و مصرف FH می‌باشد.

۱۲۱-د. تقاضای کل به $C + In_1$ افزایش می‌یابد، بنابراین، درآمد ملی تعادلی به اندازه HJ افزایش می‌یابد.

۱۲۲-د. ضریب تکاثر سرمایه‌گذاری عبارت است از تغییر درآمد ملی تقسیم بر تغییر سرمایه‌گذاری:

$$K_1 = \frac{\Delta Y}{\Delta I} = \frac{HJ}{CL}$$

۱۲۳-د. چون عرضه کل بیش‌تر از تقاضای کل می‌باشد.

$$\frac{\Delta Y}{\Delta I} = \frac{1}{1 - MPC} = \frac{40}{1 - 40} = 4 \Rightarrow \Delta I = 10 \quad ۱۲۴-الف.$$

مقدار انتقال تابع تقاضای کل، برابر است با تغییر در یکی از اجزاء آن، مثل سرمایه‌گذاری. اگر سرمایه‌گذاری ۱۰ واحد افزایش یابد، از آن جا که ضریب تکاثر آن ۴ است، بنابراین درآمد ملی، ۴۰ واحد افزایش می‌یابد و درآمد ملی تعادلی برابر با درآمد ملی اشتغال کامل می‌شود و شکاف رکودی از بین می‌رود.

۱۲۵-د. ضریب تکاثر برابر با $\frac{1}{MPS}$ می‌باشد، اگر MPS برابر با یک باشد، ضریب تکاثر نیز یک خواهد بود.

۱۲۶-د. افزایش سرمایه‌گذاری، NNP را افزایش می‌دهد و افزایش NNP باعث افزایش پس‌انداز خواهد شد.

۱۲۷-د. شکاف رکودی، به معنای مازاد عرضه کل نسبت به تقاضای کل در سطح درآمد ملی اشتغال کامل می‌باشد. بنابراین باید، تقاضا افزایش یابد. افزایش مخارج دولت، تقاضای کل را افزایش خواهد داد.

۱۲۸-الف. پس‌انداز واقعی، همیشه با سرمایه‌گذاری واقعی برابر است. در حالت تعادل، پس‌انداز با سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده برابر است. تفاوت بین سرمایه‌گذاری واقعی و برنامه‌ریزی شده، سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده (تغییر ناخواسته در موجودی انبار) می‌باشد. اگر درآمد ملی، کم‌تر از درآمد ملی تعادلی باشد، تقاضای کل از عرضه کل، بیش‌تر است؛ بنابراین، به دلیل این که موجودی انبار کاهش می‌یابد، سرمایه‌گذاری در

موجودی انبار (پیش‌بینی نشده)، منفی است.

۱۲۹-د. زیرا MPS باید کوچک‌تر از یک باشد.

۱۳۰-ج. ایجاد و یا افزایش مازاد بودجه دولت، به معنی این است که درآمدهای دولت بیش‌تر از مخارج دولت است، که باعث کاهش NNP می‌شود. افزایش پس‌انداز نیز، NNP تعادلی را کاهش می‌دهد.

۱۳۱-د. شکاف رکودی، فاصله بین عرضه کل و تقاضای کل در سطح درآمد ملی اشتغال کامل می‌باشد.

۱۳۲-الف. شکاف تورمی، فاصله بین تقاضای کل و عرضه کل در سطح درآمد ملی اشتغال کامل می‌باشد.

۱۳۳-ب. شرط تعادل در مدل سه‌بخشی، برقراری رابطه $S+T=I+G$ می‌باشد. اگر $S>I$ باشد، برای برقراری تساوی باید $G>T$ باشد.

۱۳۴-د. برای از بین بردن شکاف رکودی، باید سیاست‌های انبساطی مالی اتخاذ کرد، تا تقاضای کل افزایش یابد.

۱۳۵-د. برای از بین بردن شکاف تورمی، باید سیاست‌های انقباضی برگزید، تا تقاضای کل کاهش یابد.

۱۳۶-د. به توضیحات سؤال ۱۱۲ رجوع کنید.

۱۳۷-الف. در مدل کینز، افزایش تقاضای کل، باعث افزایش عرضه کل می‌شود و در نتیجه، اشتغال نیز افزایش می‌یابد. برای افزایش تقاضای کل، سیاست مالی انبساطی را باید به کار گرفت.

۱۳۸-الف. در شرایط رکود، سیاست انبساطی مالی باید اتخاذ کرد.

۱۳۹-د. درآمد ملی تعادلی برابر است با:

$$Y=C+I+G=140+80+80=300$$

از آن جا که درآمد ملی تعادلی از درآمد ملی اشتغال کامل، بیش‌تر می‌باشد، اقتصاد در وضعیت تورمی قرار

دارد که برای ثبات قیمت‌ها، باید با استفاده از سیاست‌های انقباضی، تقاضای کل را کاهش داد.

۱۴۰-ب. تثبیت‌کننده‌های خودکار، به مکانیسم‌هایی گفته می‌شود که به شکل خودکار، به تثبیت اقتصاد کمک می‌کنند. به عنوان مثال، اگر مالیات، تابعی از درآمد ملی باشد، هنگام تورم، درآمدهای مالیاتی افزایش می‌یابد و چون افزایش مالیات، باعث کاهش مصرف می‌شود، تقاضای کل کمی کاهش می‌یابد و از تورم می‌کاهد. در هنگام رکود، مالیات کم‌تری گرفته می‌شود و از کاهش شدید تقاضای کل و شدت بخشیدن به رکود، جلوگیری می‌شود.

۱۴۱-ب. افزایش مخارج دولت، تقاضای کل را به میزان $84 = \left(\frac{1}{1-b}\right) \times 21$ واحد افزایش می‌دهد. برای این که ثبات قیمت‌ها حفظ شود، تقاضای کل، باید به همان میزان کاهش یابد:

$$\Delta Y = \Delta T(K_T) = \Delta T \left(\frac{-b}{1-b}\right) \Rightarrow 84 = \Delta T \left(\frac{-0.75}{1-0.75}\right) \Rightarrow \Delta T = 28$$

۱۴۲-ج. ضریب تکاثر متغیرهای ناشی (مالیات، واردات و ...) همیشه منفی است، یعنی افزایش متغیرهای ناشی، باعث کاهش درآمد ملی تعادلی می‌شود.

۱۴۳-د. به توضیحات پاسخ سؤال ۹۲ رجوع کنید.

۱۴۴-ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۴۰ رجوع کنید.

۱۴۵-ب. اگر دولت T واحد، مالیات را افزایش دهد، مصرف به میزان bT واحد کاهش می‌یابد.

۱۴۶-ب. با استفاده از ضریب تکاثر بودجه متوازن، می‌دانیم که وقتی مالیات تابعی از درآمد ملی نباشد، ضریب تکاثر بودجه متوازن یک است. یعنی افزایش برابر در مالیات و مخارج دولتی، درآمد ملی را به همان اندازه

$$\Delta Y = 50 \times 1 = 50 \Rightarrow Y = 380 + 50 = 430$$

افزایش می‌دهد:

۱۴۷-د. در تعادل داریم که: $S+T=I+G$ ، اگر $G<T$ باشد، برای تعادل باید $I>S$ باشد.

۱۴۸-ب.

۱۴۹-ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۴۵ رجوع کنید.

۱۵۰-ب. از آن جا که از شدت نوسانات درآمد ملی می‌کاهند، بنابراین، ضریب تکاثر کم تر است. روش دیگر:

ضریب تکاثر وقتی مالیات، تابعی از درآمد ملی نباشد، برابر است با $\frac{1}{1-b}$ ، اما وقتی مالیات تابعی از درآمد ملی می‌شود (تثبیت‌کننده خودکار) ضریب تکاثر برابر است با $\frac{1}{1-b+bt}$ که کوچک تر از $\frac{1}{1-b}$ می‌باشد.

۱۵۱-ج. در تعادل مدل دوبخشی $I=S$ است؛ بنابراین باید $\Delta I=\Delta S$ باشد.

۱۵۲-الف. اگر $MPC=0$ باشد، ضریب تکاثر، یک خواهد بود؛ بنابراین:

$$\Delta Y = 25 \times 1 = 25$$

۱۵۳-ج. رابطه گزینه (ج)، برابری بین مخارج کل و عرضه کل می‌باشد، که همیشه برقرار است، به عبارت دیگر،

محاسبه GDP از روش هزینه‌ها است. گزینه (ب)، فقط در وضعیت تعادل برقرار می‌باشد. گزینه (د) صحیح نمی‌باشد، زیرا مخارج سرمایه‌گذاری خالص است ولی در سمت چپ اتحاد، تولید ناخالص ملی نوشته شده است.

۱۵۴-ب. شکاف رکودی، فاصله عرضه کل و تقاضای کل در سطح اشتغال کامل می‌باشد. فاصله عرضه کل و

تقاضای کل، برابر است با فاصله پس‌انداز و سرمایه‌گذاری.

۱۵۵-ب. میل نهایی به پس‌انداز، که شیب تابع پس‌انداز می‌باشد، برابر با $2/0$ است، بنابراین:

$$MPC = 1 - MPS = 1 - 0/2 = 0/8$$

۱۵۶-الف. فاصله درآمد ملی اشتغال کامل از درآمد ملی جاری، برابری با شکاف رکودی ضریب ضریب

تکاثر.

۱۵۷-الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۵۶ رجوع کنید.

۱۵۸-الف.

۱۵۹-ج. شکاف انبساطی، همان شکاف تورمی می‌باشد. بنابراین؛ برای از بین رفتن آن باید تقاضای کل کاهش

یابد. کاهش مساوی در مالیات و مخارج دولتی، طبق قضیه ضریب تکاثر بودجه متوازن، تقاضای کل را کاهش می‌دهد.

۱۶۰-د. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۱۲ رجوع کنید. در اجرای سیاست‌های مالی اختیاری، برای تصمیم‌گیری در

مورد تغییر مالیات و مخارج دولتی، مدت زمانی طول می‌کشد، ولی تثبیت‌کننده‌های خودکار، چون به شکل خودکار عمل می‌کنند، دارای تأخیر نمی‌باشند.

۱۶۱-ج. هرگاه تزریق بیش تر از نشد باشد، تقاضای کل نیز بیش تر از عرضه کل است؛ بنابراین درآمد ملی،

افزایش می‌یابد.

۱۶۲-الف. عرضه کل، یا به مصرف می‌رسد و یا سرمایه‌گذاری می‌شود. در حالت تعادل، سرمایه‌گذاری

برنامه‌ریزی نشده صفر است؛ بنابراین عرضه کل، مصرف می‌شود و یا به سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده تخصیص پیدا می‌کند.

۱۶۳-ج. افزایش سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی نشده، نشانه‌ای است از این که عرضه کل بیش تر از تقاضای کل

می‌باشد، بنابراین در دوره‌های بعد، عرضه کل (درآمد ملی)، کاهش می‌یابد.

۱۶۴-الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۶۳ رجوع کنید.

۱۶۵- ج. ابتدا درآمد ملی تعادلی را به دست می آوریم: $Y=C+I=1000+0/8Y+50 \Rightarrow Y=750$

چون درآمد ملی تعادلی (تقاضای کل)، کم تر از ۸۰۰ (عرضه کل) می باشد، بنابراین همه تولیدات به فروش نمی رود؛ بلکه به موجودی انبار (سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده) افزوده می گردد.

۱۶۶- د. با استفاده از شرط تعادل $Y=C+I+G+X-M$ و جایگزینی توابع در شرط تعادل، درآمد ملی تعادلی به دست می آید که، اگر نسبت به سرمایه گذاری از آن مشتق بگیریم، ضریب تکاثر سرمایه گذاری به دست خواهد آمد. دقت کنید که ضریب متغیرهای نشتی (m و t) با علامت مثبت و ضرایب متغیرهای تزریقی با علامت منفی در مخرج کسر ظاهر می شوند.

۱۶۷- الف. به شیوه پاسخ مسأله ۱۶۶ عمل کنید. دقت کنید که فقط ضرایبی در مخرج کسر ضریب تکاثر وارد می شوند، که ضریب درآمد ملی در تابع مربوطه باشند. از آن جا که در تابع سرمایه گذاری، ضریب نرخ بهره است، در مخرج کسر نمی آید.

۱۶۸- د. به توضیحات پاسخ سؤالهای ۱۶۶ و ۱۶۷ رجوع کنید.

۱۶۹- ج. میل نهایی به خرج، شیب تابع تقاضای کل می باشد. از آن جا که شیب خط ۴۵ درجه، یک است، ولی تابع تقاضای کل دارای عرض از مبدأ مثبت و شیب بزرگ تر از یک می باشد، در همه سطوح درآمدی، تابع تقاضای کل، بالاتر از خط ۴۵ (خط عرضه) قرار می گیرد.

۱۷۰- ب. $Y=C+I+G+X-M=125+0/9(Y-150-0/2Y)+92/5+600+150$

$$-55-0/15 \Rightarrow Y=1808/13$$

۱۷۱- ج. $K_G = \frac{1}{1-b+bt+m} = \frac{1}{1-0/9+(0/9)(0/2)+0/15} = 2/32$

۱۷۲- ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۶۶ رجوع کنید.

۱۷۳- الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۶۶ رجوع کنید.

۱۷۴- ج. اثر کاهش پرداخت های انتقالی، مانند اثر افزایش مالیات است. از آن جا که ضریب تکاثری مخارج دولت از قدر مطلق ضریب تکاثری مالیات، بزرگ تر است، در نهایت، درآمد ملی تعادلی افزایش می یابد.

۱۷۵- د. وقتی شیب تقاضای کل بیش از یک است، خط ۴۵ را از پایین قطع می کند. در سمت چپ نقطه تعادل، عرضه کل بیش تر از تقاضای کل است و تغییر در موجودی انبار، مثبت می باشد، در نتیجه، تولید کاهش می یابد و از تعادل دور می شویم. در سمت راست نقطه تعادل، تقاضای کل بیش تر از عرضه کل می باشد، در نتیجه تولید افزایش می یابد و از نقطه تعادل دور می شویم. به عبارت دیگر، تعادل ناپایدار می باشد.

۱۷۶- د. نقطه سر به سر نقطه ای است که در آن، هزینه ها برابر با درآمد است و بنابراین پس انداز صفر می باشد. وقتی هزینه برابر درآمد است که مصرف، خط ۴۵ (درآمد) را قطع کند.

۱۷۷- ج. اگر $C=a+b(Y-T)$ ، $T=T+tY$ ، $I=I_0$ و $G=G_0$ باشد، آنگاه:

$$Y^d = a + b(Y - T) + I_0 + G_0$$

با جایگزینی تابع مالیات و ساده سازی خواهیم داشت:

$$Y^d = [a - bT_0 + I_0 + G_0] + (b - bt)Y$$

بنابراین شیب تقاضای کل $\frac{dy^d}{dy} = b - bt$ می باشد، که با افزایش t ، کاهش می یابد.

۱۷۸- ج. معمای خست به این معنی است که در مدل کینز با افزایش پس انداز، درآمد ملی کاهش می یابد.

۱۷۹- د. در سمت راست تقاطع خط ۴۵ می باشد. بنابراین اضافه عرضه داریم و سرمایه گذاری در موجودی انبار (سرمایه گذاری پیش بینی نشده) مثبت خواهد بود.

۱۸۰- ج. بر طبق اصل ضریب تکاثر بودجه متوازن، تقاضای کل به سمت بالا انتقال می یابد.

۱۸۱- ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۸۹ رجوع کنید.

$$Y=C+I+G=96/4$$

۱۸۲- الف. درآمد ملی تعادلی برابر است با:

با استفاده از ضریب تکاثر نرخ مالیات:

$$\frac{\Delta Y}{\Delta t} = \frac{-bY}{1-b+bt} = \frac{-0/8(96/4)}{1-0/8+(0/8)(0/1)} = -275 \Rightarrow \Delta Y = -275(0/1) = -27/5$$

۱۸۳- پ. وقتی مالیات، برونزا است، ضریب تکاثری اجرای سیاست های مالی بزرگتر می شود؛ بنابراین سیاست های مالی، کارایی بیشتری خواهند داشت.

۱۸۴- الف. ضریب تکاثری برای یک افزایش منفرد در یک دوره با ضریب تکاثری افزایش پایدار در سرمایه گذاری یکسان است. تفاوت آنها در این است که وقتی افزایش موقتی است و فقط در یک دوره رخ می دهد، باعث افزایش درآمد در دوره های بعد می شود اما تعادل جدیدی برقرار نمی شود و به تعادل قبلی باز می گردیم. در این حالت، ضریب تکاثری، مجموع تغییرات در درآمد را نشان می دهد. اما اگر تغییر سرمایه گذاری پایدار باشد، ضریب تکاثری بیانگر مقدار افزایش در درآمد تعادلی است. یعنی درآمد، افزایش می یابد و در همان مقدار جدید نیز باقی می ماند. بنابراین چون ضریب تکاثری منفرد، بیانگر مجموع تغییر در درآمد به ازاء یک تغییر در سرمایه گذاری است، می نویسیم:

$$\frac{\Sigma \Delta Y}{\Delta I} = \frac{1}{1-b}$$

۱۸۵- ب. همواره عدم برابری میان نشت و تزریق در یک اقتصاد با سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده (در انبار) جبران می شود. هرگاه نشت، بزرگتر از تزریق باشد $(S+T > I+G)$ ، سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده مثبت است؛ یعنی اضافه عرضه ای به وجود می آید که به آنها سرساز می شود، و بر عکس.

۱۸۶- الف. این جمله که به "قانون بختی" شناخته شده است، یکی از دو اصل مهم تحلیل اقتصادی کلاسیک است. براساس این اصل، از آن جا که مردم، فقط با انگیزه معاملاتی، پول نگه می دارند، تمام درآمدی که به ازاء تولید به دست عوامل تولید رسیده است به مرور خرج می شود و تمام کالاهای تولیدی، خریداری می شود و بنابراین بین عرضه و تقاضای کل همواره برابری برقرار می شود.

۱۸۷- ب. اگر مالیات مستقل از درآمد ملی باشد، مخرج همه ضرایب تکاثری، $(1-b)$ است. وقتی مالیات تابع درآمد ملی شود، جمله $(+bt)$ به مخرج اضافه می شود؛ بنابراین مخرج بزرگ می شود و قدر مطلق همه ضرایب تکاثری کاهش می یابد.

$$\frac{\Sigma \Delta Y}{\Delta I} = \frac{1}{1-b} = \frac{1}{1-0/8} = 5$$

$$\Sigma \Delta Y = 5 \Delta I = 5 \times 10 = 50$$

۱۸۸- د. ضریب تکاثری منفرد برابر است با:

بنابراین، مجموع تغییرات درآمد در دوره های آینده برابر است با:

نظریه‌های

مصرف و سرمایه‌گذاری

- ۱- اگر یک تابع مصرف خطی به گونه‌ای باشد که نسبت مصرف به درآمد با تغییر درآمد، تغییر کند،
- (الف) تابع مصرف از مبدأ مختصات می‌گذرد و تناسبی نام دارد.
- (ب) تابع مصرف از مبدأ مختصات می‌گذرد و غیر تناسبی نام دارد.
- (ج) تابع مصرف دارای عرض از مبدأ است و غیر تناسبی نام دارد.
- (د) تابع مصرف دارای عرض از مبدأ است و تناسبی نام دارد.

- ۲- به طور کلی یک تابع مصرف غیر تناسبی، تابعی است که در آن APC ،
- (الف) در هر سطح درآمد، بزرگ‌تر از یک است.
- (ب) در هر سطح درآمد، برابر با یک است.
- (ج) با تغییر درآمد، تغییر می‌کند.
- (د) با MPC برابر است.

- ۳- این دیدگاه که تابع مصرف بلندمدت، غیر تناسبی است مربوط به کدام نظریه می‌باشد؟
- (الف) نظریه درآمد دائمی فریدمن
- (ب) نظریه درآمد مطلق کینز
- (ج) نظریه درآمد نسبی دوزنبری
- (د) نظریه چرخه زندگی مودیلیانی

- ۴- معمولاً کوچک‌ترین بخش از هزینه‌هایی که بر روی کالاهای مصرفی صرف می‌شود، مربوط است به:

- (الف) کالاهای بی‌دوام
- (ب) کالاهای بادوام
- (ج) کالاهای سرمایه‌ای
- (د) کالاهای واسطه‌ای

- ۵- از دید کینز، تابع پس‌انداز می‌تواند به صورت $S = -a + dY + sy^2$ باشد. اگر چنین باشد، بدین مفهوم است که:

- (الف) مردم بیش از درآمدشان پس‌انداز می‌کنند.
- (ب) مردم با افزایش تدریجی درآمد، میل نهایی به مصرف خود را بالا می‌برند.
- (ج) نسبت افزایش درآمد، بیش از نسبت افزایش پس‌انداز است.
- (د) میل نهایی به پس‌انداز همراه با افزایش درآمد، بالا می‌رود.

- ۶- اگر مردم با افزایش درآمدشان، بخش بزرگ‌تری از تغییر درآمد خود را پس‌انداز کنند، بدین مفهوم

است که:

- (الف) MPS مثبت است. (ب) MPS صعودی است.
 (ج) هر دو (الف) و (ب) درست است.
 (د) هیچ کدام

- ۷- اگر آمارهای سری زمانی نشان دهند که APC تقریباً در طول زمان ثابت باقی می ماند،
 (الف) می توان نتیجه گرفت که این آمارها قابل اعتماد نیستند.
 (ب) این به عنوان ایرادی بر فرضیه درآمد مطلق تلقی می شود.
 (ج) ممکن است علت آن این باشد که تابع مصرف کوتاه مدت در طول زمان به بالا جابه جا شده است.
 (د) موارد (ب) و (ج) صحیح است.

۸- کینز عقیده داشت که:

- (الف) مصرف کنندگان با افزایش درآمدها، تنها بخشی از افزایش درآمد را به پس انداز اختصاص می دهند.
 (ب) در برخی از سطوح درآمدی، مصرف کنندگان پس انداز صفر یا منفی دارند.
 (ج) هر دو مورد بالا صحیح است.
 (د) هیچ کدام

- ۹- اگر میل نهایی به مصرف در تابع مصرف کینزی، $0/8$ باشد، شیب تابع پس انداز برابر است با:
 (الف) $+0/4$ (ب) $-0/4$ (ج) $+0/2$ (د) $-0/2$

- ۱۰- اگر تابع مصرف به صورت $C=10+0/6Y$ باشد، وقتی درآمد برابر ۱۰۰ است، میل نهایی و متوسط به مصرف به ترتیب برابرند با:

- (الف) $0/6$ و $0/7$ (ج) $0/6$ و 10
 (ب) $0/6$ و $0/6$ (د) $0/6$ و $0/1$

۱۱- تابع مصرف غیر تناسبی $C=a+bY$ بیانگر آن است که:

- (الف) در برخی از سطوح درآمدی، پس انداز منفی است.
 (ب) با افزایش درآمد قابل تصرف، پس انداز کل افزایش می یابد.
 (ج) میل نهایی به پس انداز ثابت است.
 (د) همه موارد بالا صحیح است.

۱۲- بر اساس تئوری درآمد نسبی، مصرف کل،

- (الف) اساساً به انتظارات مصرف کنندگان از روند درآمد آینده بستگی دارد.
 (ب) در دوره جاری، بستگی به درآمد جاری نسبت به پایین ترین درآمد دوره های گذشته دارد.
 (ج) در دوره رکود سهم بیشتری از درآمد را به خود اختصاص می دهد، تا در دوره جهش اقتصادی.
 (د) موارد (ب) و (ج) درست است.

۱۳ - در کدام یک از توابع مصرف زیر، MPC مساوی MPS است؟

الف) $C=100$	ج) $C=100+0/5Y$
ب) $C=0/2Y$	د) $C=0/8+0/8Y$

۱۴ - در کدام یک از توابع زیر MPC مساوی APC است؟

الف) $C=50$	ج) $C=100+0/5Y$
ب) $C=0/5Y$	د) $C=0/8+0/8Y$

۱۵ - در کدام یک از توابع زیر، با افزایش درآمد، MPC و APC سریع‌تر از بقیه به هم نزدیک می‌شوند؟

الف) $C=0/6Y$	ج) $C=40+0/8Y$
ب) $C=100+0/8Y$	د) موارد (ب) و (ج) درست است

۱۶ - اگر خانواده‌ای زندگی در کنار خانواده‌های کم‌درآمدتر را رها کند و در کنار خانواده‌های پردرآمدتر به زندگی بپردازد، اما درآمدش ثابت باقی بماند، تئوری درآمد نسبی پیش‌بینی می‌کند که این خانواده:

- الف) پس‌انداز خودش را به سطح پس‌انداز خانواده‌های پردرآمدتر افزایش می‌دهد.
- ب) مقدار پولی پس‌انداز خود را کاهش می‌دهد.
- ج) مقدار پولی پس‌انداز خود را افزایش می‌دهد.
- د) موارد (الف) و (ج) صحیح است.

۱۷ - تابع مصرف تناسبی بلندمدت استخراج شده از داده‌های سری زمانی،

الف) معمولاً اشتباه‌آمیز است چرا که داده‌های مقطعی به روشنی بیانگر یک تابع مصرف غیر تناسبی هستند.

- ب) با تابع مصرف غیر تناسبی که در طی زمان به سوی بالا جابه‌جا می‌شود، سازگار است.
- ج) نظریه درآمد نسبی را زیر سؤال می‌برد.
- د) همه موارد بالا صحیح است.

۱۸ - اگر مقایسه داده‌های مقطعی مربوط به چند دوره نشان دهد که در خانوارهای دارای سطوح درآمد بالا نسبت به خانوارهای کم‌درآمد، افزایش مصرف، نسبت به افزایش درآمد، کم‌تر بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که:

- الف) با افزایش درآمد در طول زمان، میل نهایی به مصرف کاهش می‌یابد.
- ب) با افزایش درآمد در طول زمان، مصرف کل کاهش می‌یابد.
- ج) مصرف، مستقل از درآمد دائمی است.
- د) تابع مصرف کوتاه‌مدت قابل اعتماد نیست.

۱۹ - از دید فریدمن، درآمد دائمی،

الف) هیچ‌گاه با درآمد جاری برابر نیست.

- (ب) بستگی به پیش‌بینی و انتظارات خانواده از درآمد دارد.
 (ج) به اندازه درآمدهای اتفاقی از درآمد جاری فاصله دارد.
 (د) موارد (ب) و (ج) درست است.

۲۰ - بر اساس تئوری فریدمن، مصرف دایمی،

- (الف) نسبت ثابتی از درآمد جاری است.
 (ب) نسبت ثابتی از درآمد اتفاقی است.
 (ج) نسبت ثابتی از درآمد دایمی است.
 (د) نسبت غیر ثابتی از درآمد دایمی است.

۲۱ - بر طبق نظریه درآمد نسبی،

- (الف) با کاهش درآمد از حداکثر قبلی، APC ثابت می‌ماند.
 (ب) در رکود اقتصادی، APC افزایش می‌یابد اما در رونق، فقط تا سطح حداکثر درآمد قبلی، کاهش می‌یابد.
 (ج) با کاهش درآمد، APC کاهش می‌یابد، اما با افزایش درآمد، ثابت می‌ماند.
 (د) موارد (الف) و (ج) درست است.

۲۲ - اگر درآمد قابل تصرف همه خانوارها (که از حداکثر درآمدهای قبلی بیش‌تر است) ده درصد

- افزایش یابد، با فرض ثبوت شرایط دیگر، بر طبق فرضیه درآمد نسبی،
 (الف) APC و MPC ثابت باقی می‌ماند.
 (ب) میل متوسط به مصرف خانوارها و میل متوسط به مصرف کل جامعه ثابت باقی می‌ماند.
 (ج) میل نهایی به مصرف تغییر می‌کند.
 (د) موارد (الف) و (ب) صحیح است.

۲۳ - در کدام یک از نظریه‌های زیر، نوسانات اقتصادی اثری بر ضرایب تکاثری ندارد؟

- (الف) فرضیه درآمد مطلق
 (ب) فرضیه درآمد دایمی
 (ج) فرضیه درآمد نسبی
 (د) موارد (ب) و (ج) درست است.

۲۴ - اگر هیچ‌گونه نوسان اقتصادی (مثل رکود) وجود نداشته باشد، در فرضیه درآمد نسبی،

- (الف) فقط تابع مصرف کوتاه‌مدت وجود دارد.
 (ب) فقط تابع مصرف بلندمدت وجود دارد.
 (ج) هر دو تابع مصرف وجود دارند.
 (د) هیچ‌کدام از موارد بالا درست نیست.

۲۵ - در تئوری مصرف فریدمن، منظور از "درآمد دایمی" چیست؟

- (الف) مقدار درآمدی است که خانوار می‌تواند مصرف کند و در عین حال ثروتش دست نخورده بماند.
 (ب) مقدار درآمدی است که خانوار می‌تواند مصرف کند تا همه ثروتش در طول عمر مصرف شود.
 (ج) در کارهای تجربی می‌توان درآمد دایمی را به عنوان میانگین وزنی درآمد جاری و درآمدهای گذشته

در نظر گرفت.

(د) موارد (الف) و (ج) درست است.

۲۶ - هر دو تئوری درآمد دائمی و درآمد نسبی،

(الف) ثروت را به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده مصرف در نظر می‌گیرند.

(ب) پیش‌بینی می‌کنند که با افزایش درآمد، MPC افزایش یابد.

(ج) پیش‌بینی می‌کنند که تابع مصرف بلندمدت تناسبی است.

(د) همه موارد بالا صحیح است.

۲۷ - فرضیه درآمد نسبی پیش‌بینی می‌کند که دو خانوار با درآمدهای مشابه:

(الف) مخارج مصرفی مشابهی خواهند داشت.

(ب) ممکن است مخارج مصرفی گوناگونی داشته باشند، بسته به این که درآمد همسایگان آنها چه باشد.

(ج) ممکن است مخارج مصرفی گوناگونی داشته باشند، بسته به این که پیش‌تر چه درآمدی داشته‌اند و به

چه سطح مصرفی عادت کرده‌اند.

(د) موارد (ب) و (ج) صحیح است.

۲۸ - در کدام یک از تئوریهای زیر، مصرف فقط تابع درآمد جاری است؟

(الف) نظریه چرخه زندگی

(ج) نظریه درآمد نسبی

(د) نظریه درآمد مطلق

(ب) نظریه درآمد دائمی

۲۹ - کدام یک از نظریه‌های مصرف اثر چشم و هم‌چشمی خانوارها را بر مصرف آنها در نظر می‌گیرد؟

(الف) نظریه درآمد مطلق

(ج) نظریه درآمد دایمی

(د) نظریه چرخه زندگی

(ب) نظریه درآمد نسبی

۳۰ - بر اساس نظریه درآمد دائمی، اگر درآمد اتفاقی در یک دوره مثبت باشد،

(الف) درآمد جاری کوچک‌تر از درآمد دائمی است.

(ب) درآمد جاری بزرگ‌تر از درآمد دائمی است.

(ج) درآمد جاری و درآمد دائمی با هم برابرند.

(د) نمی‌توان معلوم کرد که کدام یک از درآمدها بزرگ‌ترند.

۳۱ - اگر در یک دوره مصرف اتفاقی، صفر باشد، بر اساس نظریه درآمد دائمی،

(الف) مصرف جاری بزرگ‌تر از مصرف دائمی است.

(ب) مصرف جاری کوچک‌تر از مصرف دائمی است.

(ج) مصرف جاری و مصرف دائمی با هم برابرند.

(د) مصرف اتفاقی هیچ‌گاه صفر نمی‌شود.

۳۲ - معمای گوزنتس کدام یک از تئوریهای زیر را زیر سؤال برد؟

(ج) درآمد مطلق
(د) چرخه زندگی

(الف) درآمد نسبی
(ب) درآمد دائمی

۳۳ - با توجه به نظریه درآمد دائمی می توان دریافت که:

- (الف) در دوران شکوفایی اقتصادی درآمد دائمی بزرگ تر از درآمد جاری است.
(ب) در دوران شکوفایی اقتصادی درآمد دائمی کوچک تر از درآمد جاری است.
(ج) در دوران شکوفایی اقتصادی درآمد دائمی برابر با درآمد جاری است.
(د) در دوران رکود اقتصادی درآمد دائمی کوچک تر از درآمد جاری است.

۳۴ - با توجه به فرضیه درآمد دایمی فریدمن، می توان استنباط کرد که در دوران رکود اقتصادی معمولاً،

- (الف) درآمد اتفاقی صفر است.
(ب) درآمد اتفاقی منفی است.
(ج) درآمد اتفاقی مثبت است.
(د) درآمد اتفاقی فزاینده است.

۳۵ - تحقیقات تجربی کوزتس در باره رابطه واقعی مصرف نشان داد که در بلندمدت:

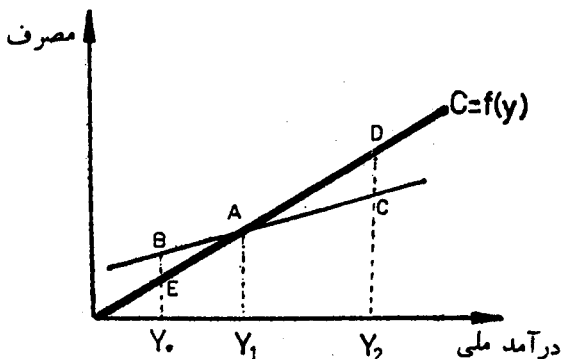
- (الف) تابع مصرف خطی است.
(ب) تابع مصرف از مبدأ می گذرد.
(ج) میل متوسط به مصرف ثابت است.
(د) همه موارد بالا

۳۶ - کدام یک از تئوریهای مصرف زیر سعی در تشریح تفاوت بین تابع مصرف به دست آمده از داده های مقطعی و داده های سری زمانی بلندمدت دارند؟

- (الف) تئوری درآمد مطلق و تئوری درآمد نسبی
(ب) تئوری درآمد مطلق و تئوری درآمد دائمی
(ج) تئوری درآمد نسبی و تئوری درآمد دائمی
(د) تئوری چرخه زندگی و تئوری درآمد مطلق

۳۷ - اگر مالیاتها افزایش یابد و مردم گمان کنند این افزایش موقتی است،

- (الف) درآمد جاری بزرگ تر از درآمد دائمی می شود.
(ب) درآمد جاری کوچک تر از درآمد دائمی می شود.
(ج) اثری بر درآمد جاری ندارد.
(د) درآمد اتفاقی مثبت است.



○ با توجه به نمودار
روبرو به سؤالهای
۳۸ تا ۴۱ پاسخ
دهید:

۳۸- فرض کنید ابتدا سطح درآمد Y_1 باشد، اگر درآمد به Y_2 کاهش یابد، بر طبق نظریه درآمد نسبی:

(الف) به نقطه E می‌رویم.

(ب) به نقطه B می‌رویم.

(ج) نمی‌توان معلوم کرد به کدام نقطه می‌رویم.

(د) در همان نقطه اولیه (A) قرار می‌گیریم.

۳۹- بر طبق نظریه درآمد نسبی، اگر درآمد از Y_1 به Y_2 افزایش یابد،

(الف) به نقطه C می‌رویم.

(ب) به نقطه D می‌رویم.

(ج) در نقطه A می‌مانیم.

(د) نمی‌توان معلوم کرد که به کدام نقطه می‌رویم.

۴۰- با توجه به نظریه درآمد دائمی، اگر دولت تنها در یک دوره مالیات‌ها را کاهش دهد و مردم را از این

تصمیم خود مطلع کند،

(الف) مصرف به سوی نقطه C می‌آید.

(ب) مصرف به سوی نقطه D می‌آید.

(ج) مصرف از نقطه A جابه‌جا نمی‌شود.

(د) مصرف ابتدا به نقطه D و سپس به نقطه C جابه‌جا می‌شود.

۴۱- بر اساس نظریه درآمد دائمی، اگر مردم دریابند که کاهش مالیات که قبلاً موقت اعلام شده بود،

اکنون دائمی شده است،

(الف) مصرف به نقطه A برمی‌گردد.

(ب) مصرف در نقطه C ثابت می‌ماند.

(ج) مصرف به نقطه D می‌رود.

(د) مصرف ابتدا به نقطه A می‌رود و سپس به نقطه D منتقل می‌شود.

○ اگر داده‌های مصرف و درآمد، در جامعه‌ای به صورت زیر باشد، به سه سؤال بعد پاسخ دهید:

Y	۰	۱۰	۲۰	۳۰
C	۱۰	۱۸	۲۶	۳۴

۴۲- میل نهایی به مصرف چه مقدار است؟

(الف) ۰/۸

(ب) ۰/۶

(ج) ۰/۴

(د) ۰/۲

۴۳- وقتی درآمد ۱۰ باشد، APC چه مقدار است؟

(الف) ۰/۵۵

(ب) ۱/۸

(ج) ۲۸

(د) ۱۸

۴۴- داده‌ها، مؤید کدام یک از تئوریهای مصرف هستند؟

- الف) تئوری درآمد مطلق کینز
 ب) تئوری درآمد دائمی فریدمن
 ج) تئوری درآمد نسبی دوزنبری
 د) تئوری چرخه زندگی مودیلیانی

۴۵- در کدام یک از تئوریهای مصرف، APC، تابع نحوه توزیع درآمد نیز می باشد؟

- الف) درآمد مطلق
 ب) درآمد نسبی
 ج) درآمد دائمی
 د) چرخه زندگی

۴۶- در تئوری چرخه زندگی،

- الف) افراد رفتار مصرفی خود را برای دوره جاری برنامه ریزی می کنند.
 ب) افراد رفتار مصرفی خود را برای یک دوره میان مدت برنامه ریزی می کنند.
 ج) افراد رفتار مصرفی خود را برای دوره کاری خود برنامه ریزی می کنند.
 د) افراد رفتار مصرفی خود را برای کل دوره زندگی برنامه ریزی می کنند.

۴۷- کدام یک از تئوریهای مصرف، ساختار نسبی جمعیت را در رفتار مصرف و پس انداز مؤثر می داند؟

- الف) تئوری درآمد مطلق
 ب) تئوری درآمد دائمی
 ج) تئوری درآمد نسبی
 د) تئوری چرخه زندگی

۴۸- کدام یک از گزاره های زیر را می توان از فرضیه چرخه زندگی استنباط کرد؟

- الف) مخارج مصرفی به وسیله درآمد طول عمر به اضافه ثروت اولیه تأمین می شود.
 ب) پس انداز فرد در آغاز و پایان زندگی منفی و در میانه زندگی مثبت است.
 ج) تا هنگامی که درآمد فرد بیش از مصرف اوست بر ثروتش افزوده می شود.
 د) همه موارد بالا

۴۹- یک طرح سرمایه گذاری در صورتی از نظر اقتصادی قابل توجیه است که:

- الف) ارزش حال منافع حاصل از سرمایه گذاری بزرگتر از نرخ بازده داخلی باشد.
 ب) نرخ بازده داخلی بزرگتر از نرخ بازده خارجی باشد.
 ج) ارزش حال منافع سرمایه گذاری بزرگتر از هزینه های سرمایه گذاری باشد.
 د) موارد (ب) و (ج) صحیح است.

۵۰- طرحهای سرمایه گذاری بیش تری توجیه اقتصادی پیدا می کنند، اگر:

- الف) نرخ بهره افزایش یابد.
 ب) نرخ بهره کاهش یابد.
 ج) نرخ بازده داخلی کاهش یابد.
 د) ارزش حال منافع پروژه کاهش یابد.

○ با توجه به اطلاعات جدول صفحه بعد که مربوط به ۳ طرح سرمایه گذاری است به دو سؤال ۵۱ و ۵۲ پاسخ دهید:

نام طرح	هزینه سرمایه‌گذاری	کارایی نهایی سرمایه
I	۱۵۰۰ واحد	۰/۲۰
II	۷۰۰ واحد	۰/۰۸
III	۱۱۰۰ واحد	۰/۱۲

۵۱- اگر نرخ بهره بازار ۹ درصد باشد چه مقدار سرمایه‌گذاری انجام می‌شود؟

- الف) ۱۸۰۰ واحد
ب) ۲۲۰۰ واحد
ج) ۷۰۰ واحد
د) ۲۶۰۰ واحد

۵۲- اگر نرخ بهره ۱۵/۰ باشد، کدام یک از پروژه‌ها اجرا می‌شوند؟

- الف) پروژه اول
ب) پروژه دوم و سوم
ج) پروژه اول و سوم
د) هیچ‌کدام از پروژه‌ها اجرا نمی‌شود.

۵۳- پروژه‌ای در آغاز سال، ۲۰۰ واحد هزینه می‌برد و در پایان سال یکجا ۲۴۰ واحد درآمد ایجاد می‌کند. اگر نرخ بهره ۲/۰ باشد و تمام سرمایه در طول سال مستهلک شود، آنگاه:

- الف) هزینه‌ها و ارزش حال درآمد برابر است و احداث پروژه بی‌تفاوت است.
ب) هزینه‌ها از ارزش حال درآمد بیش‌تر است و احداث پروژه ضرر دارد.
ج) هزینه‌ها از ارزش حال درآمد کم‌تر است و احداث پروژه سود دارد.
د) نمی‌توان معلوم کرد که هزینه‌ها بیش‌تر است یا ارزش حال درآمد.

۵۴- اگر هزینه‌های انجام یک پروژه افزایش یابد،

- الف) نرخ بهره افزایش می‌یابد.
ب) نرخ بازده داخلی افزایش می‌یابد.
ج) کارایی نهایی سرمایه کاهش می‌یابد.
د) هر سه حالت فوق امکان‌پذیر است.

۵۵- متغیرهایی که مستقیماً بیش‌ترین اثر را بر تعیین سطح سرمایه‌گذاری دارند، کدامند؟

- الف) نرخ بهره و مصرف
ب) مصرف و پس‌انداز
ج) درآمد و نرخ بهره
د) نرخ بهره و کارایی (بازدهی) نهایی سرمایه

○ با توجه به جدول صفحه ۱۰۰، که هزینه‌ها و منافع چهار طرح سرمایه‌گذاری با عمر یک سال را نشان می‌دهد، به چهار سؤال بعد پاسخ دهید (ارقام به هزار ریال):

نام طرح	هزینه سرمایه گذاری	منافع سرمایه گذاری
A	۱۰۰۰	۱۰۹۰
B	۱۲۰۰	۱۴۰۰
C	۲۰۰۰	۳۰۰۰
D	۳۵۰	۳۹۰

۵۶- کارایی نهایی سرمایه برای طرح B کدام است؟

الف) ۱۰ درصد (ب) ۱۵/۵ درصد (ج) ۱۶/۶۶ درصد (د) ۲۰ درصد

۵۷- ارزش حال منافع سرمایه گذاری طرح D با این فرض که نرخ بهره بازار ۱۰ درصد باشد، عبارت است از:

الف) ۳۲۰ واحد (ب) ۴۰ واحد (ج) ۷۴۰ واحد (د) ۲۵۴/۵

۵۸- اگر نرخ بهره بازار ۱۰ درصد باشد، طرح A،

الف) اجرا می شود. (ب) اجرا نمی شود.

ج) اجرا یا عدم اجرای آن بی تفاوت است.

د) با اطلاعات موجود نمی توان پاسخ داد.

۵۹- اگر نرخ بهره ۴۰ درصد باشد، در این چهار طرح جمعاً چه مقدار سرمایه گذاری خواهد شد؟

الف) ۱۰۰۰ واحد (ب) ۱۲۰۰ واحد (ج) ۲۰۰۰ واحد (د) ۲۲۰۰ واحد

۶۰- سرمایه گذاری زمانی انجام می شود که:

الف) حجم مطلوب سرمایه کوچک تر از موجودی واقعی سرمایه باشد.

ب) حجم مطلوب سرمایه بزرگ تر از موجودی واقعی سرمایه باشد.

ج) حجم مطلوب سرمایه برابر با موجودی واقعی سرمایه باشد.

د) حجم مطلوب سرمایه کوچک تر از درآمد باشد.

۶۱- موجودی سرمایه واقعی در سال جاری برابر است با موجودی واقعی سرمایه در سال قبل بعلاوه

الف) سرمایه گذاری ناخالص. (ب) سرمایه گذاری ناخالص.

ج) سرمایه گذاری ناخالص منهای استهلاک.

د) موارد (ب) و (ج) صحیح است.

۶۲- اگر ذخیره واقعی سرمایه ۱۴۰۰ واحد، درآمد ۸۰۰ واحد، حجم مطلوب سرمایه دو برابر درآمد

و استهلاک ۵ درصد ذخیره واقعی سرمایه باشد،

الف) سرمایه گذاری ناخالص ۲۷۰ واحد و استهلاک ۷۰ واحد است.

ب) سرمایه گذاری خالص ۲۰۰ واحد و استهلاک ۷۰ واحد است.

ج) سرمایه گذاری ناخالص ۲۰۰ واحد و استهلاک ۷۰ واحد است.

د) موارد (الف) و (ب) صحیح است.

- ۶۳- نرخ‌ی که ارزش حال منافع سرمایه‌گذاری را با ارزش حال هزینه‌های آن برابر می‌کند،
 الف) نرخ بازده خارجی نام دارد.
 ج) نرخ بازده داخلی سرمایه‌گذاری نام دارد.
 ب) کارایی نهایی سرمایه نام دارد.
 د) موارد (ب) و (ج) صحیح است.

- ۶۴- کارایی نهایی سرمایه به چه عواملی بستگی دارد؟
 الف) هزینه‌های سرمایه‌گذاری
 ج) چگونگی توزیع منافع در طول عمر طرح
 ب) منافع سرمایه‌گذاری
 د) همه موارد بالا

- ۶۵- در مدل کلاسیک‌ها، نرخ بهره با برابری کدام یک از متغیرهای زیر، تعیین می‌شود؟
 الف) مالیاتها با پس‌انداز واقعی
 ب) سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده با پس‌انداز برنامه‌ریزی شده
 ج) مصرف برنامه‌ریزی شده با سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده
 د) تقاضا و عرضه پول

- ۶۶- کدام یک از متغیرهای معادله زیر، نشانگر کارایی نهایی سرمایه هستند؟

$$C = \left[\frac{R_1}{(1+r)} \right] + \left[\frac{R_2}{(1+r)^2} \right] + \dots + \left[\frac{R_n}{(1+r)^n} \right]$$

- الف) C، هزینه جایگزینی
 ب) R_t ، جریان بازده سرمایه
 ج) r ، نرخ تنزیلی که ارزش حال درآمد را با هزینه برابر می‌کند.
 د) $(1+r)$

- ۶۷- نظریه‌های شتاب نظریه‌هایی هستند:

- الف) درباره سرمایه‌گذاری و رابطه آن با نرخ بهره
 ب) درباره سرمایه‌گذاری و رابطه آن با تغییرات تولید یا درآمد
 ج) درباره سرمایه‌گذاری و رابطه آن با سطح قیمت‌ها و تورم
 د) هر سه مورد بالا صحیح است.

- ۶۸- در الگوی ساده شتاب سرمایه‌گذاری،

- الف) رابطه سرمایه‌گذاری خالص و تولید بررسی می‌شود.
 ب) فرض می‌شود سرمایه‌گذاری لازم برای دستیابی به ذخیره مطلوب سرمایه در یک دوره انجام می‌شود.
 ج) فرض می‌شود نسبت سرمایه به محصول همواره مقداری ثابت است.
 د) همه موارد بالا

۶۹- رابطه کدام یک از اجزاء سرمایه‌گذاری با تغییرات تولید یا درآمد، به وسیله تحقیقات تجربی، بیش‌تر تأیید شده است؟

- الف) سرمایه‌گذاری خالص
 ب) سرمایه‌گذاری ناخالص
 ج) سرمایه‌گذاری در موجودی انبار
 د) سرمایه‌گذاری در ساختمان

۷۰- بر اساس اصل شتاب ساده، اگر اقتصاد وارد وضعیت رکود شود،

- الف) سرمایه‌گذاری خالص مثبت است.
 ب) سرمایه‌گذاری خالص منفی است.
 ج) سرمایه‌گذاری متوقف می‌شود.
 د) نرخ بهره کاهش می‌یابد.

پاسخنامه فصل ۳

د-۵۷	ج-۴۳	ب-۲۹	ج-۱۵	ج-۱
ب-۵۸	الف-۴۴	ب-۳۰	ب-۱۶	ج-۲
ج-۵۹	ب-۴۵	ج-۳۱	ب-۱۷	ب-۳
ب-۶۰	د-۴۶	ج-۳۲	الف-۱۸	ب-۴
د-۶۱	د-۴۷	ب-۳۳	د-۱۹	د-۵
د-۶۲	د-۴۸	ب-۳۴	ج-۲۰	ج-۶
د-۶۳	د-۴۹	د-۳۵	ب-۲۱	د-۷
د-۶۴	ب-۵۰	ج-۳۶	د-۲۲	ج-۸
ب-۶۵	د-۵۱	ب-۳۷	الف-۲۳	ج-۹
ج-۶۶	الف-۵۲	ب-۳۸	ب-۲۴	الف-۱۰
ب-۶۷	الف-۵۳	ب-۳۹	د-۲۵	د-۱۱
د-۶۸	ج-۵۴	الف-۴۰	ج-۲۶	ج-۱۲
ج-۶۹	د-۵۵	ج-۴۱	د-۲۷	ج-۱۳
ب-۷۰	ج-۵۶	د-۴۲	د-۲۸	ب-۱۴

پاسخ‌های تشریحی فصل سوم

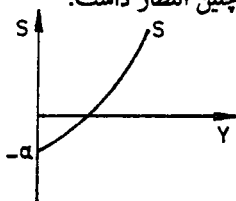
نظریه‌های مصرف و سرمایه‌گذاری

۱- ج. وقتی تابع مصرف از مبدأ بگذرد، تناسبی نام دارد و به این مفهوم است که نسبت مصرف به درآمد در هر سطح درآمد، ثابت است. اما وقتی تابع مصرف دارای عرض از مبدأ باشد، چون $\frac{C}{Y}$ در هر نقطه روی تابع مصرف با شیب خطی که از آن نقطه به مبدأ وصل می‌شود مشخص می‌گردد، بنابراین هرچه درآمد کم شود روی خط مصرف به سمت چپ می‌آیم و شیب خط واصل به مبدأ زیادتر می‌شود یعنی $\frac{C}{Y}$ افزایش می‌یابد و بر عکس. این تابع مصرف، غیر تناسبی نام دارد.

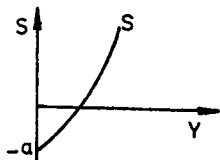
۲- ج. وقتی تابع مصرف خطی و دارای عرض از مبدأ باشد، غیر تناسبی است (این حالت، تابع مصرف متعارف است، اما حالت‌هایی همچون توابع مصرف غیرخطی چه از مبدأ بگذرند یا نه، غیر تناسبی هستند) یعنی نسبت $\frac{C}{Y}$ در هر نقطه آن تغییر می‌کند. $\frac{C}{Y}$ نسبت مصرف به درآمد (APC) است و مقدار آن در هر نقطه روی تابع مصرف، برابر با شیب خطی است که آن نقطه از تابع مصرف را به مبدأ وصل می‌کند. بنابراین با کاهش درآمد، روی تابع مصرف به سمت چپ می‌رویم و شیب خطی که مبدأ را به آن نقطه وصل می‌کند، زیاد می‌شود.

۳- ب. نظریه‌های درآمد دائمی، درآمد نسبی و چرخه زندگی بر این باورند که تابع مصرف بلندمدت تناسبی است و از مبدأ می‌گذرد. تنها نظریه درآمد مطلق است که تابع مصرف را تابعی غیر تناسبی از درآمد قابل تصرف می‌داند.

۴- ب. کالاهای مصرفی دو گونه‌اند: بادوام، که در بیش از یک دوره مالی (سال) مصرف می‌شود، و بی‌دوام که در یک دوره مالی مصرف می‌شود. معمولاً بزرگ‌ترین بخش هزینه‌های مصرفی مردم صرف کالاهای بی‌دوام (غذا، بهداشت، لباس، هزینه حمل و نقل و ...) می‌شود و بخش کوچکی از آن در کالاهای بادوام هزینه می‌شود. البته به علت تفاوت سطح درآمد و کشش درآمدی کالاهای مختلف (برای افراد و جوامع گوناگون) این مسأله را نمی‌توان یک قاعده تلقی کرد. ولی در بیش تر موارد می‌توان چنین انتظار داشت.



۵- د. کینز معتقد است همین‌طور که درآمد به آهستگی بالا می‌رود، می‌توان انتظار داشت که میل نهایی به پس‌انداز بالا رود. یعنی شیب تابع پس‌انداز، همراه با افزایش درآمد، افزایش می‌یابد.



۶- ج. افزایش نسبت تغییر در پس‌انداز به تغییر در درآمد، این مفهوم را دارد که تابع پس‌انداز دیگر خطی نیست بلکه صعودی است، مانند شکل زیر، بنابراین MPS که شیب این تابع است، هم مثبت است و هم در حال افزایش.

۷- د. یکی از اشکالات فرضیه درآمد مطلق (که به وسیله کوزنتس آشکار شد) این بود که آمارها برخلاف نظریه درآمد مطلق، بیانگر ثبات میل متوسط به مصرف بودند. یکی از علل این پدیده این است که ممکن است تابع

مصرف در طول زمان به سمت بالا جابه‌جا شود.

۸- ج. می‌دانیم که آنچه کیتز به عنوان تابع مصرف پیشنهاد می‌کند مانند $C = a + bY$ است که در آن $0 < a < 1$ و $0 < b < 1$ است. بنابراین با افزایش یک واحد در درآمد قابل تصرف، مصرف به اندازه b افزایش می‌یابد و بقیه آن $(1-b)$ به پس‌انداز اختصاص می‌یابد. با توجه به تابع مصرف بالا می‌توان تابع پس‌انداز را به صورت $S = -a + (1-b)Y$ نوشت که روشن است به ازاء برخی از مقادیر Y ، پس‌انداز یا صفر است یا منفی که هر دو به منزله عدم پس‌انداز است.

۹- ج. از آن جا که $Y = C + S$ است آنگاه $\frac{dS}{dY} = \frac{dC}{dY} + \frac{dS}{dY}$ ، بنابراین $MPC + MPS = 1$ در نتیجه داریم:
 $MPS = 1 - 0/8 = 0/2$ شیب پس‌انداز

۱۰- الف. می‌دانیم که در تابع مصرف خطی، ضریب Y همان میل نهایی به مصرف است؛ زیرا، نشانگر آن است که به ازاء هر یک واحد افزایش در درآمد، مصرف (مثلاً در این مثال) $0/6$ واحد بالا می‌رود. اما میل متوسط به مصرف عبارت است از $\frac{C}{Y}$. اگر $Y = 100$ باشد، $C = 70$ خواهد بود بنابراین $\frac{C}{Y} = \frac{70}{100} = 0/7$ است.
 ۱۱- د. تابع پس‌انداز عبارت خواهد بود از:

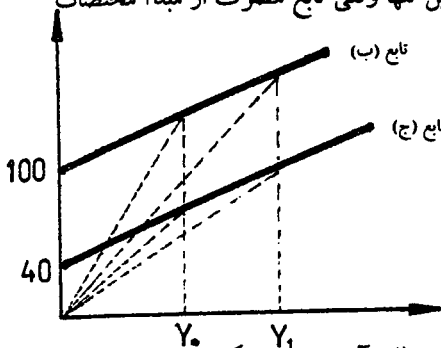
$$S = Y_d - C = Y_d - a - bY_d = -a + (1-b)Y_d$$

در درآمدهایی که $Y_d(1-b)$ کوچک‌تر از a باشد، پس‌انداز منفی است. میل نهایی به پس‌انداز $(1-b)$ است که ثابت و مثبت می‌باشد. هرچه Y_d بیش‌تر شود، S نیز بیش‌تر می‌شود.

۱۲- ج. در دوره رکود، درآمدها کاهش می‌یابد، اما چون مردم به سطح زندگی با درآمدهای بالاتر مربوط به دوره رونق خو گرفته‌اند، نمی‌توانند با همان سرعت عادات مصرفی خود را تغییر دهند. بنابراین سرعت کاهش مصرف آهسته‌تر از سرعت کاهش درآمد است. در نتیجه $\frac{C}{Y}$ در دوره رکود افزایش می‌یابد.

۱۳- ج. می‌دانیم که ضریب Y همان MPC است و $MPS = 1 - MPC$ می‌باشد. بنابراین وقتی $MPC = 0/5$ باشد، $MPS = 1 - 0/5 = 0/5$ خواهد بود.

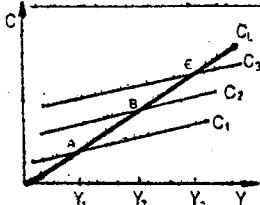
۱۴- ب. می‌دانیم که در هر نقطه از تابع مصرف (یا در هر سطح درآمد) MPC شیب تابع مصرف و APC شیب خطی است که از مبدأ مختصات به آن نقطه وصل می‌شود. بنابراین تنها وقتی تابع مصرف از مبدأ مختصات بگذرد، این دو شیب برابر خواهند بود.



۱۵- ج. در تابع گزینه (الف)، MPC و APC همواره با هم برابرند. توابع (ب) و (ج) شیب‌های مساوی دارند ولی تابع (ج) عرض از مبدأ کوچک‌تری دارد به همین خاطر در هر سطح درآمد، APC تابع (ج) کوچک‌تر از APC تابع (ب) خواهد بود. بنابراین با افزایش درآمد، APC تابع (ج)، سریع‌تر به MPC نزدیک می‌شود.

۱۶- ب. بر اساس فرضیه درآمد نسبی، مصرف خانوارها تنها تابع درآمد مطلق آنان نیست، بلکه تابع موقعیت نسبی خانوار در میان خانوارهای دیگر است. وقتی خانواری از محله‌ای فقیر به محله‌ای ثروتمند جابه‌جا می‌شود به دلیل عوامل روانی مثل هم‌چشمی و ... و در واقع برای جبران پایین آمدن موقعیت نسبی درآمدی‌اش در محله جدید، مصرف خود را افزایش می‌دهد بنابراین پس‌اندازش کاهش می‌یابد.

۱۷- ب. اگر با افزایش درآمد در طول زمان توابع مصرف کوتاه‌مدت



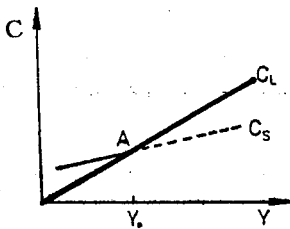
غیر تناسبی به طرف بالا جابه‌جا شوند (C_3, C_2, C_1) ، نقاط مصرف A و B و E را خواهیم داشت. اتصال این نقاط با در نظر گرفتن بی‌نهایت نقطه دیگر، تابع مصرف تناسبی بلندمدت C_L را به ما می‌دهد.

۱۸- الف. از آن جا که هر چه خانوارها درآمدها بالا رفته است، درصد کم‌تری از افزایش درآمد را به مصرف اختصاص داده‌اند، در طول زمان که همه خانوارها درآمدهایشان افزایش می‌یابد همه درصد کم‌تری از افزایش درآمد خود را مصرف می‌کنند. بنابراین میل نهایی به مصرف در کل جامعه کاهش می‌یابد.

۱۹- د. می‌دانیم که درآمد دائمی جریان پایدار پولی است که خانوارها با توجه به مجموعه ثروت مادی و انسانی خویش (ثروت بعلاوه درآمدهای حال و آینده) انتظار دارند در هر دوره بتوانند به مصرف اختصاص دهند. پس اگر W مجموعه ثروت باشد، درآمدی که در هر دوره می‌توان از آن کسب کرد iW است (i نرخ بهره می‌باشد). پس داریم $Y_p = iW$ که Y_p درآمد دائمی است. اما این که W چیست، بسته به پیش‌بینی و انتظارات خانواده دارد. همچنین درآمد جاری (یا واقعی) را به صورت حاصل جمع درآمد دائمی و اتفاقی (یا گذرا) تعریف می‌کنند، یعنی: $Y_m = Y_p + Y_T$ که در آن Y_m درآمد جاری و Y_T درآمد اتفاقی است.

۲۰- ج. فریدمن معتقد است که مردم مصرف خود را با نوسانهای جاری درآمدها تغییر نمی‌دهند. بلکه آنها بر اساس انتظارات خود از درآمد دائمی‌شان، برنامه مصرفی دائمی خود را تنظیم می‌کنند. او معتقد است درآمدهای گذرا (یا اتفاقی) صرف پس‌انداز برای جریان نوسانهای درآمد در آینده می‌شود و میان مصرف اتفاقی و درآمد اتفاقی نیز ارتباطی نمی‌بیند.

۲۱- ب. باتوجه به شکل، اگر در درآمد Y_0 رکود آغاز شود روی منحنی مصرف کوتاه مدت C_s به چپ



می‌رویم بنابراین APC افزایش می‌یابد. اگر رکود پایان پذیرد و رونق شروع شود تا وقتی درآمد به Y_0 برسد روی C_s به راست می‌آییم و APC کم می‌شود اما پس از عبور از نقطه A روی C_L به راست می‌رویم و APC ثابت می‌ماند. در واقع در سمت راست A تابع مصرف کوتاه‌مدت وجود ندارد (خط نقطه چین).

۲۲- د. وقتی درآمد خانوارها همه با یک نسبت مساوی بالا رود، موقعیت نسبی هر خانوار در جامعه ثابت باقی مانده است. بنابراین تمایلات مصرفی خود را تغییر نمی‌دهند و نسبت افزایش مصرف هر خانوار برابر با نسبت افزایش درآمد اوست. بنابراین میل متوسط به مصرف هر خانوار ثابت می‌ماند. به همین دلیل APC جامعه نیز ثابت می‌ماند. وقتی APC جامعه ثابت باشد یعنی روی تابع مصرف بلندمدت هستیم و MPC نیز ثابت است. (اگر روی تابع کوتاه‌مدت بودیم با انتقال به تابع بلندمدت MPC، تغییر می‌کرد).

۲۳- الف. چون در فرضیه درآمد مطلق، میل نهایی به مصرف همواره ثابت می‌ماند و ادوار تجاری (رکود و رونق) اثری بر MPC ندارد، بنابراین ضرایب تکاثری همواره ثابت می‌مانند.

۲۴- ب. وقتی نوسان وجود ندارد یعنی اقتصاد به آهستگی در حال رشد است. در این صورت در نظریه درآمد نسبی فقط تابع مصرف بلندمدت وجود دارد که در آن MPC و APC برابر و ثابتند. تابع مصرف کوتاه‌مدت و اختلاف در MPC و APC تنها زمانی پدیدار می‌شود که رکودی رخ دهد و درآمدها کاهش یابند.

- ۲۵-د. از دید تئوری، درآمد دایمی، جریان درآمد ناشی از موجودی ثروت انسانی و مادی است که خانوارها می‌توانند پیوسته آن را مصرف کنند و در عین حال، موجودی ثروت ثابت باقی بماند، مثلاً می‌توان گفت: $Y_p = iw$ یعنی درآمد دائمی برابر درآمد بهره ناشی از ثروت خانوارهاست. اما از نظر تجربی خانوارها برای برآورد درآمد دائمی خود ممکن است از میانگین وزنی درآمدهای جاری و گذشته استفاده کنند. مثلاً اگر خانوار فقط دوره جاری و گذشته را ملاک بدانند، درآمد دائمی عبارت است از: $Y_p = \theta Y_0 + (1-\theta)Y_{-1}$
- ۲۶-ج. هر دو تئوری با استدلالهای گوناگون، بر این باورند که تابع مصرف کوتاه‌مدت در طول زمان جابه‌جا می‌شود. روی هر منحنی مصرف کوتاه‌مدت، یک نقطه وجود دارد که مصرف جاری کوتاه‌مدت را با توجه به درآمد جاری مربوطه نشان می‌دهد. از اتصال این نقاط مربوط به مصرف کوتاه‌مدت، تابع مصرف بلندمدت به دست می‌آید که از مبدأ مختصات می‌گذرد و تناسبی است.
- ۲۷-د. براساس فرضیه درآمد نسبی، مصرف خانوارها تابع عادات مصرفی گذشته و مصرف طبقه درآمدی‌ای که در آن زندگی می‌کنند، می‌باشد. بنابراین ممکن است درآمد دو خانوار یکسان باشد اما عادات مصرفی گذشته آنها و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، یکسان نباشد و در نتیجه مصرفشان تفاوت کند.
- ۲۸-د. در نظریه‌های مصرف غیر از نظریه کینز، عواملی غیر از درآمد جاری نیز در مصرف مؤثرند؛ مثلاً ثروت، درآمد دائمی یا موقعیت اجتماعی و ... اما تنها در نظریه درآمد مطلق کینز است که درآمد جاری یگانه عامل مؤثر بر سطح مصرف است.
- ۲۹-ب. در نظریه درآمد نسبی، مصرف تابع موقعیت نسبی خانوار در طیف توزیع درآمدی جامعه است. یعنی مصرف هر خانوار تابع مصرف خانوارهای موجود در گروه درآمدی‌ای است که آن خانوار در آن زندگی می‌کند.
- ۳۰-ب. درآمد جاری (یا واقعی) عبارت است از حاصل جمع درآمد دائمی و درآمد اتفاقی. یعنی: $Y_m = Y_p + Y_T$ که Y_T ممکن است مثبت، منفی و یا صفر باشد.
- ۳۱-ج. چون مصرف جاری برابر با مجموع مصرف دائمی و مصرف اتفاقی است، وقتی مصرف اتفاقی صفر است مصرف دائمی و جاری برابر خواهند بود.
- ۳۲-ج. براساس نظریه درآمد مطلق، تابع مصرف کل، یک تابع غیر تناسبی است که دارای عرض از مبدأ است و در درازمدت دارای ثابت است. بنابراین از دید این نظریه، APC در درازمدت و با افزایش درآمد، کاهش می‌یابد. اما کوزنتس با شواهد آماری نشان داد که در گذشته (در آمریکا) با وجود افزایش شدید درآمد، مصرف متوسط ثابت باقی مانده است. یعنی تابع مصرف در بلندمدت یک تابع تناسبی از درآمد است و MPC و APC ثابت و برابرند.
- ۳۳-ب. درآمد جاری برابر است با مجموع درآمدهای دائمی و اتفاقی. در دوران شکوفایی اقتصادی، معمولاً درآمدهای اتفاقی مثبت است. بنابراین درآمد جاری بزرگ‌تر از درآمد دائمی خواهد بود. به دیگر سخن، درآمد جاری در دوران شکوفایی، از هر یک از درآمدهای گذشته یا میانگین آنها بزرگ‌تر است. چون درآمد دائمی، به وسیله میانگین وزنی درآمدهای گذشته تخمین زده می‌شود، پس درآمد جاری بزرگ‌تر از درآمد دائمی است.
- ۳۴-ب. در رکود اقتصادی درآمدها کاهش می‌یابد و درآمد جاری کم‌تر از درآمد دائمی می‌شود. به این مفهوم که درآمد اتفاقی در دوران رکود، منفی می‌باشد.

۳۵-د. بنگرید به پاسخ سؤال ۳۲.

۳۶-ج. تئوریهای مصرف درآمد نسبی و درآمد دائمی سعی می‌کنند توابع مصرف کوتاه‌مدت و بلندمدت را جدا کنند و این کار را با استفاده از تفاوت نتایج حاصل از داده‌های مقطعی و داده‌های سری زمانی انجام می‌دهند. البته برای تشریح تفاوت‌های توابع مصرف کوتاه‌مدت و بلندمدت، از مطالعات سریهای زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت نیز استفاده می‌شود.

۳۷-ب. وقتی مردم افزایش مالیات را موقتی بدانند به این مفهوم است که کاهش درآمدشان موقتی است، و این را به عنوان یک درآمد اتفاقی منفی می‌انگارند. بنابراین درآمد جاری که حاصل جمع درآمدهای دائمی و اتفاقی است، به خاطر منفی بودن درآمد اتفاقی کوچک‌تر از درآمد دائمی می‌شود.

۳۸-ب. بر پایه نظریه درآمد نسبی، وقتی درآمد کاهش می‌یابد، چون مردم نمی‌توانند به سرعت عادات مصرفی خود را تغییر دهند، به جای آن که روی تابع مصرف بلندمدت به طرف E بروند، روی تابع کوتاه‌مدت به طرف B می‌روند.

۳۹-ب. فرضیه درآمد نسبی بر این باور است که مردم با افزایش درآمد، به طور متناسب مصرف خود را افزایش می‌دهند (یعنی روی منحنی مصرف بلندمدت که از مبدأ می‌گذرد، حرکت می‌کنند)، اما با کاهش درآمد، مصرف خود را به طور متناسب کم نمی‌کنند (یعنی روی منحنی مصرف کوتاه‌مدت که دارای عرض از مبدأ است، به عقب می‌روند).

۴۰-الف. چون کاهش مالیات فقط برای یک دوره است، مردم آن را به عنوان درآمد اتفاقی مثبت تلقی می‌کنند بنابراین مصرف اتفاقی افزایش می‌یابد و مصرف جاری را افزایش می‌دهد. پس روی تابع مصرف کوتاه‌مدت به سوی نقطه C می‌رویم.

۴۱-ج. چون مردم در می‌یابند کاهش مالیات (که قبلاً درآمد اتفاقی می‌انگاشتند) همیشگی است، آن را جزء درآمد دائمی می‌آورند. بنابراین وقتی Y_2 درآمد دائمی باشد، مقدار مصرف را تابع مصرف دائمی مشخص می‌کند و به نقطه D می‌آییم. این بیانگر آن است که تابع مصرف کوتاه‌مدت به طرف بالا جابه‌جا شده است تا به نقطه D رسیده‌ایم.

۴۲-د. میل نهایی به مصرف بیانگر تغییرات مصرف به تغییرات درآمد است یعنی:

$$MPC = \frac{\Delta C}{\Delta Y} = 0.8$$

۴۳-ج.

۴۴-الف. با توجه به MPC و APC به دست آمده از جدول یاد شده، چون MPC ثابت و APC با افزایش

درآمد کاهش می‌یابد، داده‌های جدول یاد شده نظریه درآمد مطلق را تأیید می‌کنند.

Y	۰	۱۰	۲۰	۳۰
$MPC = \frac{\Delta C}{\Delta Y}$	-	$\frac{8}{10}$	$\frac{8}{10}$	$\frac{8}{10}$
$APC = \frac{C}{Y}$	$\frac{10}{0}$	$\frac{18}{10}$	$\frac{26}{20}$	$\frac{34}{30}$

۴۵-ب. در نظریه درآمد نسبی، مصرف خانوارها تابع موقعیت نسبی درآمد خانوار در طیف توزیع درآمد جامعه می‌باشد. پس هر توزیع درآمد خاص، میل متوسط به مصرف خاص نیز دارد. چرا که با تغییر توزیع درآمد،

رفتار مصرفی خانوارها نیز مطابق طبقه درآمدی که در آن قرار گرفته‌اند تغییر می‌کند و بنابراین APC تغییر می‌یابد.

۴۶-د. در تئوری چرخه زندگی افراد به گونه‌ای عمل می‌کنند که کل درآمد و ثروت خود در طول عمر را به مصرف متناسب در طول عمر اختصاص دهند. تابع مصرف این تئوری به صورت $C = aw + bY$ است که a میل نهایی به مصرف از ثروت و b میل نهایی به مصرف از درآمد کاری خانوار است.

۴۷-د. تئوری چرخه زندگی بر این باور است که افراد رفتار مصرفی خود را برای کل دوره زندگی برنامه‌ریزی می‌کنند، به گونه‌ای که کل ثروت و درآمد خود را در طول عمر به گونه‌ای متناسب میان دوره‌ها تقسیم می‌کنند. بنابراین افراد در آغاز زندگی پس‌انداز منفی دارند (قرض می‌کنند) و یا فقط از ثروت خود مصرف می‌کنند. از میانه عمر (دوران کاری زندگی) پس‌انداز می‌کنند و وام‌های خود را می‌پردازند و در پایان عمر نیز از پس‌انداز و ثروت خود مصرف می‌کنند. اکنون اگر جمعیت یک جامعه جوان باشد، تعداد پس‌اندازکنندگان آن اندک است و همه مصرف می‌کنند (نسبت مصرف به درآمد بالا و پس‌انداز به درآمد پایین است). و اگر ساختار جمعیت، میانسال باشد نسبت مصرف به درآمد پایین و نسبت پس‌انداز به درآمد بالاست. در جوامع پیر نیز نسبت مصرف به درآمد بالاتر است.

۴۸-د. بر اساس نظریه مودیلیانی، فرد به گونه‌ای عمل می‌کند که ثروت اولیه‌اش بعلاوه مجموع درآمدهای طول عمرش را به طور مساوی میان ادوار مختلف زندگی تقسیم کند. در دورانی که فرد کار می‌کند، چون پس‌انداز دارد بر ثروتش می‌افزاید که آن را در دوران پایانی عمر مصرف می‌کند.

۴۹-د. اگر C هزینه سرمایه‌گذاری و Y_t منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در دوره t و i نرخ بهره (نرخ بازده خارجی) باشد، رابطه تصمیم‌گیری به صورت $C < \sum_{t=1}^n \frac{Y_t}{(1+i)^t}$ است که طرف راست نامساوی بیانگر ارزش حال منافع حاصل از سرمایه‌گذاری است. نیز می‌توان نرخ بازده داخلی را پیدا کرد و با نرخ بهره سنجید. نرخ بازده داخلی r است که اگر به جای i بگذاریم، نامساوی بالا را به مساوی تبدیل می‌کند. در این صورت اگر $r < i$ باشد، سرمایه‌گذاری قابل توجیه است.

۵۰-ب. وقتی نرخ بهره کاهش یابد نرخ بازده داخلی برخی طرحها که تا به حال کوچک‌تر از نرخ بهره بوده است، اکنون بزرگ‌تر از آن می‌شود و آنها را از نظر اقتصادی توجیه می‌کند. یا به زبان دیگر با کاهش نرخ بهره، ارزش حال منافع حاصل از سرمایه‌گذاریها افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین منافع برخی از طرحها که تا به حال کم‌تر از هزینه سرمایه‌گذاری آن بوده است، از آن فروتر می‌شود.

۵۱-د. طرحهای I و III که کارایی نهایی سرمایه در آنها بالاتر از نرخ بهره است (طرح اول ۲۰٪ و طرح سوم ۱۲٪) انجام می‌شوند، بنابراین کل هزینه سرمایه‌گذاری این دو طرح $11000 + 15000 = 26000$ واحد است.

۵۲-الف. تنها پروژه اول است که کارایی نهایی سرمایه در آن بیش از نرخ بهره ۱۵٪ است.

۵۳-الف. برای احداث پروژه باید $C > \bar{Y}$ باشد، ولی ما داریم $\bar{Y} = \frac{Y}{1+r} = \frac{2400}{1/2} = 2000$ و بنابراین $C = \bar{Y}$ است و احداث یا عدم احداث پروژه بی‌تفاوت است.

۵۴-ج. کارایی نهایی سرمایه، نرخ است که ارزش حال درآمد خالص حاصل از سرمایه‌گذاری را با هزینه سرمایه‌گذاری برابر می‌کند. بنابراین r در فرمول $C = \sum_{t=1}^n \frac{Y_t}{(1+r)^t}$ بیانگر کارایی نهایی سرمایه است. وقتی C افزایش یابد، با این فرض که خالص درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری ثابت است، باید r کاهش یابد تا برابری

پایدار بماند.

۵۵-د. می دانیم سرمایه گذاران بر اساس رابطه $C = \sum_{t=0}^n \frac{R_t}{(1+r)^t}$ تصمیم به سرمایه گذاری می گیرد. هرچه نرخ بهره بزرگ تر باشد، پروژه های کمتری رابطه بالا را برقرار می کنند و هرچه کارایی نهایی سرمایه بیش تر باشد، پروژه های بیش تری آن را توجیه می کنند. البته عواملی که اثر غیر مستقیم دارند، بسیارند. از جمله درآمد که با افزایش آن، تقاضا افزایش می یابد و منحنی کارایی نهایی سرمایه به راست می رود و سرمایه گذاری افزایش می یابد.

۵۶-ج. کارایی نهایی سرمایه، نرخي است (r) که از رابطه $C = \frac{Y_1}{1+r}$ به دست می آید بنابراین:

$$1200 = \frac{1400}{1+r}$$

$$r = 0/166$$

$$\frac{390}{1+0/10} = 354/5$$

۵۷-د.

۵۸-ب. زیرا هزینه سرمایه گذاری طرح A از ارزش حال درآمدهای خالص آن طرح بیش تر است. یعنی:

$$1000 > \frac{1090}{1+0/10}$$

۵۹-ج. تنها در طرح C کارایی نهایی سرمایه بیش از ۰/۴۰ است. بنابراین فقط طرح C انجام می شود.

۶۰-ب. حجم مطلوب سرمایه هر بنگاه از فرآیند حداکثرسازی سود به دست می آید. بنابراین تا هنگامی که موجودی واقعی سرمایه بنگاه کم تر از حد مطلوب باشد، سرمایه گذاری انجام می شود.

۶۱-د. موجودی واقعی سرمایه در هر سال عبارت است از موجودی واقعی سرمایه در سال قبل بعلاوه خالص سرمایه گذاری در سال جاری. سرمایه گذاری خالص نیز با کم کردن استهلاک از کل سرمایه گذاری (ناخالص) به دست می آید.

$$2 \text{ (درآمد)} = 2 \times 800 = 1600$$

۶۲-د. حجم مطلوب سرمایه

$$0/05 = 0/05 \times 1400 = 70$$

استهلاک

$$(270 - 70) = 1600 - (1400 - 70) = 270$$

سرمایه گذاری ناخالص

$$200 = 270 - 70 = (270 - 70) - (\text{استهلاک}) = (\text{سرمایه گذاری ناخالص})$$

سرمایه گذاری خالص

۶۳-د. در ادبیات اقتصادی زبان فارسی، آن نرخي را که (r) رابطه $C = \sum_{t=0}^n \frac{Y_t}{(1+r)^t}$ را برقرار نماید، "کارایی نهایی سرمایه" یا "نرخ بازده داخلی سرمایه گذاری" می نامند. اما به مفهوم دقیق اقتصادی بین این دو تفاوت وجود دارد. بنابراین فعلاً در این کتاب نیز این نام را مترادف می گیریم.

۶۴-د. می دانیم آن نرخي (r) که رابطه $C = \sum_{t=0}^n \frac{Y_t}{(1+r)^t}$ را برقرار کند، کارایی نهایی سرمایه نام دارد. این که r چه مقداری باشد، بستگی به متغیرهای موجود در معادله دارد. یعنی بستگی دارد به هزینه های سرمایه گذاری

(C)، منافع سرمایه گذاری (مقادیر Y_t) و این که بیش تر منافع حاصل از سرمایه گذاری در کدام یک از سالهای عمر سرمایه گذاری حاصل می شود (چگونگی توزیع منافع، زیرا هرچه منافع در سالهای اول باشد، ارزش حال آنها بیش تر است).

۶۵-ب. کلاسیک ها بر این باورند که نرخ بهره در بازار سرمایه تعیین می شود. در این بازار، پس انداز، عرضه سرمایه و سرمایه گذاری، تقاضای سرمایه است و از برابری این دو، نرخ بهره تعادلی به دست می آید. در حالی

که در الگوی کینز، نرخ بهره تعادلی از برابری عرضه و تقاضای پول به دست می‌آید و برابری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، درآمد ملی تعادلی را تعیین می‌کند.

۶۶- ج. وقتی نرخ (r) را که ارزش حال درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری را با هزینه کنونی سرمایه‌گذاری برابر می‌کند، پیدا کردیم، معلوم می‌شود که نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری چیست و این همان کارایی نهایی سرمایه است. اگر بزرگ‌تر از نرخ بهره بود، سرمایه‌گذاری سودمند است و اگر کوچک‌تر بود، خیر.

۶۷- ب. براساس شواهد تجربی، سرمایه‌گذاری خالص تا حدودی از تغییرات تولید و فروش، یا به طور کلی از تغییرات درآمد تبعیت می‌کند. مثلاً چنین تبعیتی را می‌توان به صورت: $I_t = \alpha(Y_t - Y_{t-1})$ نشان داد، که در آن Y درآمد و I سرمایه‌گذاری است. کلیه نظریات سرمایه‌گذاری که بر رابطه I با Y پای می‌فشارند، نظریه‌های شتاب خوانده می‌شوند.

۶۸- د. می‌دانیم که سرمایه‌گذاری خالص (I_t) عبارت است از مقداری که هر سال برای پر کردن فاصله میان حجم مطلوب سرمایه (K^*) و حجم واقعی سرمایه (K_{t-1}) صرف کالاهای سرمایه‌ای می‌شود. اگر این مقدار با درصد λ مشخص شود داریم: $I_t = \lambda(K_t^* - K_{t-1})$. در الگوی ساده شتاب فرض می‌شود $\lambda = 1$ است. یعنی تمام سرمایه‌گذاری لازم در یک دوره انجام می‌شود. همچنین نسبت سرمایه مطلوب به مقدار تولید همواره ثابت فرض می‌شود یعنی $\nu = \frac{K^*}{Y}$ چون در هر دوره، کسری سرمایه در همان دوره سرمایه‌گذاری می‌شود، بنابراین $K_{t-1} = K_{t-1}^*$ است. با توجه به این اطلاعات خواهیم داشت: $K_t^* = \nu Y_t$ ، $K_{t-1}^* = \nu Y_{t-1}$ و $\lambda = 1$. با جایگذاری در معادله سرمایه‌گذاری، معادله شتاب به دست می‌آید:

$$I_t = 1(\nu Y_t - \nu Y_{t-1}) \Rightarrow I_t = \nu(Y_t - Y_{t-1})$$

۶۹- ج. اصولاً یکی از نواقص الگوی شتاب ساده این است که کل سرمایه‌گذاری خالص را با تولید و درآمد مرتبط می‌سازد. در حالی که رابطه یکی از اجزاء آن با تولید و درآمد تأیید شده است. سرمایه‌گذاری در موجودی انبار یکی از اجزاء سرمایه‌گذاری است که بسیار سریع‌تر و راحت‌تر از دیگر بخش‌های سرمایه‌گذاری (مانند ماشین‌آلات، ساختمان و ...) می‌توان مقدار آن را در هر دوره تغییر داد. بنابراین با تغییر تولید و درآمد بنگاهها، مقدار آن به راحتی تغییر می‌کند. این مسأله با شواهد تجربی نیز تأیید شده است.

۷۰- ب. اگر الگوی ساده شتاب را به صورت $I_t = \lambda(Y_t - Y_{t-1})$ بنویسیم، رکود اقتصاد به معنی آن است که $Y_t < Y_{t-1}$ می‌باشد، و بنابراین I_t منفی می‌شود. البته این نتیجه‌گیری الگوی شتاب، غلط است و از نقاط ضعف این الگو به شمار می‌رود.





پول:

تعاریف، عرضه، تقاضا، تعادل، نظریات و سیاست‌گذاری

۱ - تعداد دفعاتی که یک واحد نقدینگی جامعه، به واسطه داد و ستد، از دست یک نفر به دست دیگری جابه‌جا می‌شود، نام دارد.

- الف) سرعت معاملات
ب) سرعت درآمد
ج) نرخ رشد
د) سرعت گردش پول

۲ - کدام یک از اقلام زیر را با توجه به تعریف پول، نمی‌توان پول به حساب آورد؟
الف) بِن کارمندی
ب) کوپن کالاهای اساسی
ج) سکه‌های طلای بهار آزادی
د) هر سه مورد

۳ - سپرده‌های دیداری (حسابهای جاری بانک‌ها)، به این دلیل پول به حساب می‌آیند که:
الف) قانون آنها را پول محسوب می‌کند.

- ب) به اندازه موجودی حسابهای جاری، در بانک‌ها اسکناس و مسکوک وجود دارد.
ج) نرخ بهره به آنها تعلق نمی‌گیرد.
د) می‌توان به وسیله چک، از سپرده‌های دیداری به عنوان یک وسیله مبادله استفاده کرد.

۴ - آن بخشی از کل سپرده‌های بانکی که بانک‌ها حق برداشت از آن را ندارند نامیده می‌شود.

- الف) پس‌انداز قانونی
ب) نسبت ذخیره قانونی
ج) نسبت سپرده بلندمدت
د) هر سه مورد

۵ - اگر در اقتصادی، تمامی دارایی‌های غیر پولی به شکل اوراق قرضه بیان شود، آنگاه با توجه به این که در هر اقتصادی محدودیت ثروت وجود دارد، اضافه عرضه در بازار پول بیانگر:

- الف) اضافه تقاضا در بازار اوراق قرضه است.
ب) اضافه عرضه در بازار اوراق قرضه است.
ج) بازار پول هیچ رابطه‌ای با بازار اوراق قرضه ندارد.
د) بازار اوراق قرضه همواره در تعادل است.

۶ - رجحان نقدینگی، عامل ارتباط کدام یک از متغیرهای زیر است؟

- الف) پس‌انداز و درآمد
ب) مصرف و سرمایه‌گذاری
ج) نرخ بهره و بازده نهایی سرمایه‌گذاری
د) نرخ بهره و تقاضای پول

۷- تقاضای حقیقی برای پول وقتی دو برابر می شود که مقدار ریالهای درخواستی مردم،

الف) دو برابر شود و قیمت‌ها هم دو برابر شود.

ب) دو برابر شود و قیمت‌ها ثابت بماند.

ج) دو برابر شود و قیمت‌ها هم نصف شود.

د) ثابت بماند و قیمت‌ها دو برابر شود.

۸- مجموع تقاضای هر فرد برای پول و دارایی‌های غیر پولی (مثل اوراق قرضه)، در یک دوره مالی،

باید برابر باشد با:

الف) کل درآمد فرد در آن دوره مالی

ب) کل پس‌انداز فرد در آن دوره مالی

ج) کل ثروت فرد در آن دوره مالی

د) کل عرضه کار فرد

۹- تقاضای حقیقی برای پول با سطح درآمد حقیقی ارتباط دارد، چراکه:

الف) افراد برای تأمین مخارج خود به پول نیاز دارند و هرچه درآمد پایین‌تر بیاید، مخارج افراد بیشتر می‌شود.

ب) افراد برای تأمین مخارج خود به پول نیاز دارند و هرچه درآمد بالاتر برود، مخارج افراد بیشتر می‌شود.

ج) افراد پول را برای پس‌انداز می‌خواهند و با افزایش درآمد، پس‌انداز بالا می‌رود.

د) افراد پول را برای سفته‌بازی می‌خواهند و هرچه درآمد بالا رود، بیش‌تر سفته‌بازی می‌کنند.

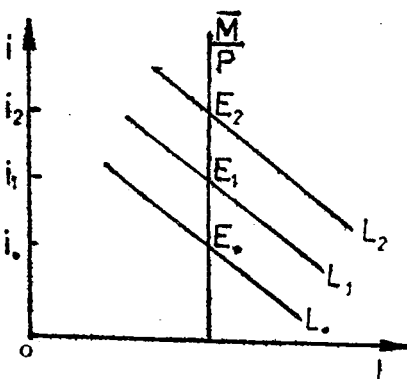
۱۰- از دیدگاه کینزی، تقاضای پول،

الف) فقط تقاضای معاملاتی است که تابع درآمد است.

ب) فقط تقاضای معاملاتی است که تابع نرخ بهره است.

ج) شامل تقاضای معاملاتی و سفته‌بازی است که تابع درآمد است.

د) شامل تقاضای معاملاتی که تابع درآمد است و تقاضای سفته‌بازی که تابع نرخ بهره است، می‌باشد.



○ اگر $\frac{\bar{M}}{P}$ عرضه حقیقی پول و L

تقاضای حقیقی پول و تابع درآمد و

نرخ بهره باشد، با توجه به شکل

روبه‌رو به ۶ سؤال بعدی پاسخ

دهید:

۱۱ - منحنی عرضه پول،

- الف) دارای کشش بی نهایت است.
 ب) دارای کشش کم است.
 ج) کاملاً بی کشش است.
 د) دارای کشش های مختلفی است.

۱۲ - اگر بازار پول در تعادل E_1 باشد و درآمد جامعه افزایش یابد، منحنی تقاضای پول،

الف) همان L_1 است و اقتصاد روی L_1 به سمت بالا حرکت می کند.

ب) به سوی L_2 به بالا جابه جا می شود.

ج) به سوی L_3 به پایین جابه جا می شود.

د) نمی توان معلوم کرد.

۱۳ - وقتی درآمد جامعه کاهش می یابد،

الف) تقاضای پول کاهش می یابد و اضافه عرضه پول باعث کاهش نرخ بهره می شود.

ب) تقاضای پول کاهش می یابد و عرضه نیز به تبع آن کم می شود و بهره ثابت می ماند.

ج) بهره کاهش می یابد و عرضه را کاهش می دهد.

د) فقط تقاضا را کاهش می دهد و اثری بر نرخ بهره ندارد.

۱۴ - در شکل بالا اگر حساسیت تقاضای پول نسبت به درآمد افزایش یابد، یعنی مردم با هر سطح

درآمد، مقدار بیش تری پول تقاضا کنند، آنگاه:

الف) منحنی های L ثابت می مانند و $\frac{M}{P}$ به راست می رود.

ب) منحنی های L با همان شیب به پایین جابه جا می شوند.

ج) منحنی های L با همان شیب به بالا جابه جا می شوند.

د) شیب منحنی های L افزایش می یابد.

۱۵ - اگر در شکل بالا حساسیت تقاضای پول نسبت به نرخ بهره بالا رود، یعنی مردم با تغییر نرخ

بهره، عکس العمل بیش تری نشان دهند، آنگاه:

الف) شیب تابع تقاضا بیش تر می شود.

ب) شیب تابع تقاضا کم تر می شود.

ج) تابع تقاضا جابه جا می شود.

د) تابع عرضه پول به راست می رود.

۱۶ - هرچه عرضه پول افزایش یابد،

الف) منحنی LM به چپ می رود.

ب) منحنی LM به راست می رود.

ج) منحنی IS به چپ می رود.

د) منحنی IS به راست می رود.

۱۷ - دلیل اساسی آن که مانده حسابهای جاری بانکها جزء تعریف پول آمده این است که:

الف) به اندازه این ماندهها در بانکها، اسکناس و مسکوک وجود دارد.

ب) این مانده با چک قابل برداشت است و برای دریافت آن، مراجعه صاحب حساب لازم نیست.

ج) به اندازه این ماندهها در بانک مرکزی اسکناس و مسکوک وجود دارد.

د) هر سه مورد

۱۸ - با توجه به تعریف پول، کدام یک از موارد زیر را می‌توان به عنوان عرضه پول پذیرفت؟
 الف) اسکناس و مسکوک در گردش + حسابهای جاری + ارزهای خارجی موجود در کشور
 ب) اسکناس و مسکوک در گردش + حسابهای جاری + حسابهای پس‌انداز
 ج) اسکناس و مسکوک در گردش + حسابهای جاری + سکه‌های طلا
 د) هر سه مورد

۱۹ - گرچه در تحلیل‌های اقتصادی برای سادگی، مقدار عرضه پول را برونزا می‌گیریم، اما عرضه پول در واقع،

الف) فقط تابع رفتار بانک‌های تجاری است.
 ب) فقط تابع رفتار بانک مرکزی است.
 ج) تابع رفتار بانک‌های تجاری و بانک مرکزی است.
 د) تابع رفتار بانک‌های تجاری و بانک مرکزی و مردم است.

۲۰ - پول پر قدرت یا پایه پولی عبارت است از:

الف) کل اسکناس و مسکوک در دست مردم
 ب) کل اسکناس و مسکوک در دست مردم و موجود در بانک‌های تجاری
 ج) کل اسکناس و مسکوک موجود در بانک‌های تجاری
 د) کل اسکناس و مسکوک در دست مردم، بعلاوه ذخایر بانک‌های تجاری در صندوق بانک‌ها یا نزد بانک مرکزی

۲۱ - اگر ضریب تکاثر سپرده (deposit multiplier) ۵ باشد، نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها،

الف) ۱۰٪ است.
 ب) ۱۵٪ است.
 ج) ۲۰٪ است.
 د) ۲۵٪ است.

۲۲ - اگر در یک جامعه، متوسط تعداد دفعاتی که پول در یک دوره زمانی دست به دست می‌شود،

افزایش یابد و حجم تولید و حجم پول ثابت باشد،
 الف) درآمد اسمی جامعه بالا می‌رود.
 ب) قیمت‌ها کاهش می‌یابد.
 ج) سرعت گردش پول کاهش می‌یابد.
 د) موارد الف) و ج) صحیح است.

۲۳ - در نظریه مقداری پول (فیشس)، افزایش عرضه پول تنها به افزایش قیمت‌ها می‌انجامد، زیرا:

الف) اشتغال، ناقص و سرعت گردش پول ثابت است.
 ب) درآمد در سطح اشتغال کامل ثابت می‌ماند و سرعت گردش پول نیز ثابت است.
 ج) با افزایش عرضه، سرعت گردش پول نیز بالا می‌رود.

(د) هیچ کدام.

- ۲۴ - تفاوت اساسی نظریه تقاضای پول فیشر با نظریه تقاضای پول کمبریج آن است که:
- (الف) اولی بر نقش پول به عنوان وسیله معامله تأکید دارد، دومی به عنوان وسیله ذخیره ثروت.
- (ب) اولی بر نقش پول به عنوان وسیله ذخیره ثروت تأکید دارد، دومی به عنوان وسیله معامله.
- (ج) اولی سرعت گردش پول را در نظر می‌گیرد، دومی خیر.
- (د) تفاوت اساسی ندارند.

۲۵ - کدام یک از معادلات ریاضی زیر، تقاضای پول از دیدگاه کمبریج را نشان می‌دهند؟ (Y درآمد ملی حقیقی، P قیمت، M^d تقاضای اسمی پول، V سرعت گردش پول، K ضریب نسبی تقاضای پول).

$$M^d = \frac{P}{V}Y \quad \text{(الف)}$$

$$M^d = K.P.Y \quad \text{(ج)}$$

$$M^d = \frac{K}{V}Y \quad \text{(ب)}$$

(د) هر دو گزینه (الف) و (ج) صحیح است.

۲۶ - ترازنامه بانک نشان‌دهنده این است که:

- (الف) دارایی بانک برابر با خالص سود است.
- (ب) دارایی خالص بانک برابر است با کل دارایی‌اش منهای بدهی‌هایش.
- (ج) سود و زیان سالانه را نشان می‌دهد.
- (د) دارایی بانک منهای بدهی بانک برابر با سود است.

۲۷ - ذخایر بانک تجاری عبارت است از (با این فرض که بانک تجاری فقط سپرده دیداری دارد):

- (الف) اسکناس و مسکوک نقدی
- (ب) سپرده‌های بانک نزد بانک مرکزی
- (ج) ذخایر قانونی
- (د) همه موارد بالا

۲۸ - فرض کنید ذخایر اضافی بانک A صفر باشد، و نرخ ذخیره قانونی نیز ۲۰٪ باشد. اگر بانک مرکزی ۱۰۰۰ میلیون ریال از اوراق قرضه دولتی را از شرکت B بخرد، حساب جاری شرکت B در بانک A به اندازه

- (الف) ۲۰۰ میلیون ریال افزایش می‌یابد.
- (ب) ۱۰۰۰ میلیون ریال افزایش می‌یابد.
- (ج) ۱۰۰۰ میلیون ریال کم می‌شود.
- (د) ۲۰۰ میلیون ریال کم می‌شود.

۲۹ - با توجه به سؤال قبلی، بانک A می‌تواند چه مقدار در اوراق بهادار دولتی سرمایه‌گذاری کند؟

- (الف) ۲۰۰ میلیون ریال
- (ب) ۱۰۰۰ میلیون ریال
- (ج) ۸۰۰ میلیون ریال
- (د) ۱۲۰۰ میلیون ریال

۳۰ - با توجه به سؤال ۲۸، تغییر اولیه در عرضه پول چه مقدار خواهد بود؟

- (الف) صفر
- (ب) ۲۰۰ میلیون ریال
- (ج) ۸۰۰ میلیون ریال
- (د) ۱۰۰۰ میلیون ریال

۳۱- با این فرض که اقتصاد دارای بازار اوراق بهادار فعال باشد، ابزار روزانه و سریع بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی کدام است؟

- الف) کنترل نرخ ذخیره قانونی
 ب) کنترل نرخ تنزیل مجدد
 ج) کنترل وامهای بانکهای تجاری
 د) خرید و فروش اوراق قرضه دولتی

۳۲- مهم ترین منبع سود بانکهای تجاری کدام است؟

- الف) کارمزدهایی که برای خدمات بانکی دریافت می کنند.
 ب) بهره (سود) وامها و بازده سرمایه گذاریها
 ج) کاهش ارزش سپردهها، به خاطر تورم
 د) هر سه مورد

۳۳- اگر قانون، بانکها را مجبور به سپردن ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی نمی کرد،

- الف) بانکها تمام سپردهها را وام می دادند.
 ب) مردم دیگر به بانکها پول نمی سپردند.
 ج) بانکها باز ذخیرههایی نگه می داشتند و بقیه را وام می دادند.
 د) بانکها دیگر وام نمی دادند.

۳۴- بانک مرکزی با کدام یک از موارد زیر، پایه پولی را افزایش می دهد؟

- الف) خرید اوراق قرضه دولتی از بازار اوراق
 ب) اعطای وام به یک بانک تجاری
 ج) اعطای وام به دولت
 د) هر سه مورد

۳۵- کدام یک از گزینههای زیر درست است؟

- الف) شبه پول به وسیله دولت منتشر می شود و جای پول را می گیرد.
 ب) شبه پول به وسیله بانک مرکزی منتشر می شود و حجم آن را نیز کنترل می کند.
 ج) بانک مرکزی خود اقدام به انتشار شبه پول می کند، ولی حجم آن را کنترل نمی کند.
 د) شبه پول، آن بخش از نقدینگی است که جزء M_1 نمی باشد.

۳۶- وقتی یک بانک تجاری مبلغ ۲۰۰ هزار تومان به شخصی برای خرید یک تراکتور نو، وام بدهد و آن شخص برای خرید تراکتور از یک فروشنده خارجی، مبلغ وام را نزد بانک مرکزی به ارز خارجی تبدیل کند، عرضه پول،

- الف) تغییری نمی کند، ولی پایه پولی کاهش می یابد.
 ب) کم تر از ۲۰۰ هزار تومان افزایش می یابد، ولی پایه پولی ثابت می ماند.
 ج) دقیقاً ۲۰۰ هزار تومان افزایش می یابد، و پایه پولی به همین مقدار کاهش می یابد.
 د) بیش از ۲۰۰ هزار تومان کاهش می یابد.

۳۷- هرچه نسبت ذخیره قانونی کم تر باشد،

الف) عرضه پول بیش تر می شود.

ب) افزایش تکاثری سپرده‌ها از محل ذخایر جدید بیش تر می شود.

ج) بانک‌ها می توانند از محل هر سپرده جدید، وام‌های بیش تری بپردازند.

د) هر سه مورد

۳۸- اگر نرخ ذخیره قانونی برای سپرده‌های دیداری (جاری) ۱۰٪ باشد، و مردم تمام معاملات خود را از طریق چک انجام دهند، و بانک‌ها ذخایر اضافی نگه‌داری نکنند، ضریب تکاثری سپرده:

الف) برابر با ضریب تکاثری پول خواهد بود. ج) عکس نرخ ذخیره قانونی خواهد بود.

ب) ۱۰ خواهد بود. د) همه موارد بالا درست است.

۳۹- کدام یک از ابزارهای زیر، جزء ابزارهای تغییر عرضه پول توسط بانک مرکزی نیستند؟

الف) عملیات بازار آزاد (باز) ج) تغییر نرخ تنزیل

ب) تغییر نسبت ذخیره قانونی د) تغییر تعداد بانک‌های تجاری

۴۰- ذخایر یک بانک تجاری،

الف) شامل اسکناس و مسکوک موجود در بانک و سپرده‌های این بانک نزد بانک مرکزی می شود.

ب) وجوهی است که بانک می تواند از آنها برای پرداخت نقدینه به مشتریهای خود استفاده کند.

ج) درصدی از کل سپرده‌های دیداری (جاری) و مدت‌دار (پس‌انداز) است.

د) هر سه مورد

۴۱- بانک‌های مرکزی،

الف) باید در مرکز کشور احداث شوند.

ب) یکی از ابزارهای ضروری برای بازارهای ارز خارجی هستند.

ج) تأمین‌کننده درآمدهای لازم برای دولت هستند.

د) هیچ‌کدام

۴۲- دلیل اصلی آن که پول به صورت تکاثری زیاد می شود، آن است که:

الف) آنچه یک بانک می تواند به تنهایی انجام دهد، کل سیستم نمی تواند انجام دهد.

ب) وقتی یک بانک ذخایر اضافی اش را قرض می دهد، این وام به همان بانک یا بانک دیگری سپرده می شود.

ج) پول میان مردم دست به دست می شود.

د) هر سه مورد

۴۳- اگر مجموع سپرده‌های بانک‌ها ۵۰۰۰ میلیارد ریال و در حال حاضر ذخایر اضافی آنها ۱۰۰

میلیارد ریال باشد و نرخ ذخیره قانونی نیز ۲۰ درصد باشد، اکنون سیستم بانکی، بالقوه می تواند حداکثر چقدر پول جدید خلق کند؟

ج) ۵۰۰ میلیارد ریال

الف) ۲۰ میلیارد ریال

(د) ۱۰۰۰ میلیارد ریال

(ب) ۱۰۰ میلیارد ریال

۴۴- اگر نسبت سپرده ذخیره بانک‌ها مساوی r و نسبت سپرده نقدینه مردم برابر با k باشد، و بانک‌ها نیز ذخایر اضافی نگهداری کنند، آنگاه ضریب تکاثری سپرده برابر است با:

$$\text{(ج)} \quad \frac{1+k}{r+k}$$

$$\text{(الف)} \quad \frac{1}{r}$$

$$\text{(د)} \quad \frac{r+1}{k}$$

$$\text{(ب)} \quad r/k$$

۴۵- اگر نرخ ذخیره قانونی ۱۵ درصد باشد، و بانک‌ها نیز خودشان ۵ درصد از سپرده‌ها را به عنوان ذخیره اضافی (احتیاطی) کنار بگذارند، آنگاه ضریب تکاثری پول چه خواهد بود؟ (با این فرض که مردم هیچ بخشی از پولهای خود را به صورت نقدینه نگه ندارند).

(د) ۵

(ج) ۶/۶

(ب) ۱۰

(الف) ۲۰

۴۶- بدهی‌های یک بانک تجاری برابر است با:

(الف) سپرده‌های نزد بانک مرکزی

(ب) وامهای دریافتی از بانک‌های تجاری و بانک مرکزی

(ج) سپرده‌های مردم و دیگر بانک‌ها نزد بانک تجاری

(د) نقدینه موجود در بانک

۴۷- اگر نرخ ذخیره قانونی ۲۵ درصد باشد و پول پر قدرت (پایه پولی) یک میلیون ریال افزایش یابد، حداکثر تغییر در عرضه پول چه مقدار خواهد بود؟

(ج) پنج میلیون ریال کاهش

(الف) یک میلیون ریال افزایش

(د) ده میلیون ریال کاهش

(ب) چهار میلیون ریال افزایش

۴۸- اگر نسبت سپرده بانک‌ها مساوی r و نسبت سپرده نقدینه مردم مساوی K باشد، ضریب تکاثری پول چه خواهد بود؟

$$\text{(د)} \quad \frac{1}{r+k}$$

$$\text{(ج)} \quad \frac{1+k}{r+k}$$

$$\text{(ب)} \quad 1/k$$

$$\text{(الف)} \quad 1/r$$

۴۹- ضریب افزایش سپرده (یعنی حداکثر مقدار افزایش پول از طریق افزایش سپرده)، در مقایسه با ضریب افزایش پول،

(الف) کوچک‌تر است.

(ج) بزرگ‌تر است.

(د) نمی‌توان معلوم کرد.

(ب) مساوی است.

○ اقتصادی را در نظر بگیرید که فقط یک بانک مرکزی برای نظارت بر حجم پول دارد و هیچ بانک تجاری در آن فعالیت نمی‌کند، اکنون به سه سؤال زیر پاسخ دهید:

۵۰- پایه پولی در این اقتصاد برابر است با:

(ج) ذخایر بعلاوه نقدینه

(الف) نقدینه رایج در دست مردم

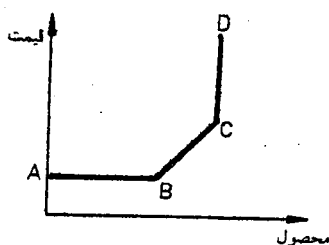
- (ب) سپرده‌های جاری بعلاوه نقدینه مردم
(د) سپرده‌های نزد بانک مرکزی
- ۵۱ - عرضه پول در این اقتصاد برابر است با:
الف) سپرده‌ها بعلاوه نقدینه
ب) پایه پولی
ج) پایه پولی بعلاوه نقدینه در دست مردم
د) صفر
- ۵۲ - ضریب تکاثری پول در اقتصاد یاد شده برابر است با:
الف) صفر
ب) ۰/۵
ج) یک
د) بیش از یک
- ۵۳ - وقتی بانک مرکزی با عملیات بازار باز، اوراق قرضه دولتی را می‌فروشد،
الف) از پایه پولی می‌کاهد.
ب) بر پایه پولی می‌افزاید.
ج) عرضه پول را بالا می‌برد.
د) اثری بر عرضه پول ندارد.
- ۵۴ - ترجیحات نقدینگی را با،
الف) منحنی عرضه پول نشان می‌دهند.
ب) منحنی تقاضای پول نشان می‌دهند.
ج) عرض از مبدأ منحنی تقاضای پول نشان می‌دهند.
د) هیچ‌کدام
- ۵۵ - اگر بانک مرکزی ۱۰۰۰ ریال پول جدید وارد جامعه کند، با این فرض که همه معاملات مردم به وسیله چک انجام شود و نیز نرخ ذخیره قانونی ۵۰٪ باشد، نقدینگی جامعه حداکثر چقدر افزایش می‌یابد؟
الف) ۱۰۰۰
ب) ۲۰۰۰
ج) ۵۰۰
د) ۵۰۰۰
- ۵۶ - اگر حجم پول جامعه‌ای $m^s = 500$ باشد و درآمد ملی $Y = 3000$ تعیین شده باشد، و تابع تقاضای پول به صورت $m^d = 0/27 - 400r$ باشد، نرخ بهره تعادلی برابر خواهد بود با:
الف) ۰/۲
ب) ۰/۲۵
ج) ۰/۵
د) ۱
- با توجه به مطلب زیر، به پرسش بعدی پاسخ دهید:
«سیستم بانک مرکزی، باید بر پایه اهداف سیاست‌گذاری عمومی، و به منظور تأثیرگذاری بر ذخایر بانکی، دست به خرید و فروش اوراق قرضه بزند. بانک مرکزی نباید بکوشد بر نرخ بهره نوع خاصی از اوراق قرضه اثر بگذارد مگر آن که بازار تنظیم‌یافتگی خود را از دست بدهد. بنابراین بانک مرکزی باید سیاست حداقل دخالت را پی‌گیری کند.»
- ۵۷ - سیاست پولی ویژه‌ای که در جملات بالا نهفته است بیانگر..... است.
الف) سیاست قرضه‌های کوتاه‌مدت دولتی
ب) نظریه تعادل نقدینگی
ج) نظریه ذخائر صد در صد
د) اصل موجود بودن اعتبار

۵۸- اگر مردم پول بیش تری ذخیره کنند (احتکار یا خواباندن پول)، باعث می شود.

- (الف) عدم تغییر قیمت‌ها
(ب) افزایش قیمت‌ها
(ج) کاهش قیمت‌ها
(د) افزایش نرخ بهره و قیمت‌ها

○ با توجه به شکل رو به رو به دو سؤال

بعدی پاسخ گویند:



۵۹- ناحیه بیانگر ثنوری مقداری پول، در شکل حدی و بدون انعطاف آن است.

- (الف) AB
(ب) BC
(ج) CD
(د) CD و AB
- ۶۰- کشش (درصد تغییر محصول تقسیم بر درصد تغییر قیمت) برای کدام ناحیه صفر است؟
(الف) AB
(ب) BC
(ج) CD
(د) CD و AB

۶۱- از دیدگاه کینزی، مهم ترین عامل به وجود آورنده ترجیحات نقدینگی کدام است؟

- (الف) شرایط عدم اطمینان
(ب) درآمد
(ج) مالیات
(د) نرخ تورم

۶۲- از دید ثنوری پولی کلاسیک‌ها، هدف مردم از تقاضا کردن پول،

- (الف) فقط هدف سفته‌بازی است.
(ب) فقط هدف معاملاتی است.
(ج) هدف سفته‌بازی و معاملاتی است.
(د) هدف پس‌انداز است.

۶۳- یک متغیر جویانی یا روانه‌ای (مثل سرمایه‌گذاری) در مقایسه با یک متغیر ذخیره‌ای یا انباره‌ای

(مثل حجم سرمایه) مانند:

- (الف) سرعت یک اتومبیل است در مقایسه با مسافت میان اتومبیل و شهر مقصد.
(ب) سرعت یک اتومبیل است در مقایسه با وزن اتومبیل.
(ج) هزینه است در مقایسه با درآمد.
(د) ثروت است با بدهی.

۶۴- مالیات تورمی (inflation tax) به مفهوم،

- (الف) افزایش قدرت پول قرض‌دهندگان است.
(ب) کاهش قدرت پول قرض‌گیرندگان است.
(ج) کاهش قدرت خرید مردم به خاطر تأمین هزینه‌های دولتی از طریق افزایش عرضه پول است.
(د) مالیات اضافی است که مردم در هنگام تورم، به خاطر افزایش درآمد خود می‌پردازند.

۶۵ - اگر GNP اسمی برابر ۱۰۰۰ میلیارد ریال و عرضه پول برابر ۲۵۰ میلیارد ریال باشد، سرعت گردش پول چند است؟

- الف) ۴ میلیارد ریال
ب) $\frac{1}{4}$
ج) ۷۵۰ میلیارد ریال
د) ۴

۶۶ - سرعت گردش پول افزایش می‌یابد، اگر:

- الف) نرخ تورم کاهش یابد.
ب) مردم پیش‌بینی کنند که نرخ تورم کاهش می‌یابد.
ج) مردم پیش‌بینی کنند که نرخ تورم افزایش می‌یابد.
د) نرخ تورم بسیار بالا باشد اما ثابت بماند.

۶۷ - اگر نرخ تورم انتظاری افزایش یابد،

- الف) سرعت گردش پول کم می‌شود.
ب) نرخ بهره کم می‌شود.
ج) سرعت گردش پول و نرخ بهره بالا می‌رود.
د) قیمت‌ها کاهش می‌یابد.

۶۸ - تفاوت اساسی پول اعتباری (بدون پشتوانه) با پولهای کالایی یا فلزات قیمتی این است که:

- الف) ارزش پول اعتباری به عنوان یک کالا، کم‌تر از ارزش آن به عنوان پول است.
ب) پول اعتباری را تنها دولت‌ها می‌توانند رواج دهند و قابل تولید توسط اشخاص نیست.
ج) پول اعتباری، ارزش ذاتی (ارزش استعمال) ندارد.
د) همه موارد بالا

۶۹ - تغییر ارزش پول،

- الف) دقیقاً عکس تغییر قیمت‌ها است.
ب) دقیقاً عکس تغییر تقاضای پول است.
ج) با تغییر نرخ بهره رابطه عکس دارد.
د) هر سه مورد

۷۰ - معادله مبادله،

الف) عبارت است از $M.V = P.Y$

- ب) یک اتحاد است و همیشه برقرار است.
ج) بیانگر تئوری مقداری است به شرط آن که سرعت گردش پول و محصول حقیقی ثابت باشد.
د) همه موارد بالا

۷۱ - عرضه پول،

- الف) یک متغیر ذخیره‌ای (انباره) است.
ب) یک متغیر جریانی (روانه) است.
ج) اگر در یک سال نگاه کنیم یک جریان است.
د) اصولاً متغیر نیست.

۷۲ - از دیدگاه نظریه کینز، تقاضای اسمی پول افزایش می‌یابد، اگر:

- الف) با شرط ثبوت شرایط دیگر، GNP حقیقی بالا رود.
 ب) با شرط ثبوت شرایط دیگر، سطح قیمت‌ها افزایش یابد.
 ج) با شرط ثبوت شرایط دیگر، نرخ بهره کاهش یابد.
 د) همه موارد بالا

۷۳ - تورم پیش‌بینی نشده،

- الف) می‌تواند بنگاهها را به افزایش محصول و اشتغال ترغیب کند.
 ب) سرعت گردش پول را افزایش می‌دهد.
 ج) باعث زیان بدهکاران می‌شود.
 د) نرخهای بهره را کاهش می‌دهد.

۷۴ - داد و ستد پایاپای از این جهت بدون کارایی است که:

- الف) خرید و فروش باید در یک زمان انجام شود.
 ب) خرید و فروش باید در یک مکان انجام شود.
 ج) سرعت گردش پول ثابت است.
 د) باید نیازهای خریدار و فروشنده با هم تطابق داشته باشند.

۷۵ - سرعت گردش پول،

- الف) نشانگر نرخی است که ذخیره پولی هر جامعه در یک سال، با آن نرخ دست به دست می‌شود.
 ب) نسبت نقدینه به سپرده‌های دیداری است.
 ج) رابطه بین درآمد و مخارج را نشان می‌دهد.
 د) ضریب تکاثر پولی را نشان می‌دهد.

۷۶ - در مدل نئوکلاسیک، ارتباط میان حجم پول و سطح قیمت‌ها از آن جاست که:

- الف) سرعت گردش پول ثابت است.
 ب) سرعت گردش پول و مقدار محصول حقیقی ثابت است.
 ج) تقاضا ثابت است.
 د) نرخ بهره، سرعت گردش پول و عرضه کار ثابت است.

۷۷ - مهم‌ترین اختلاف میان M_1 و M_2 این است که:

- الف) M_1 یک متغیر ذخیره‌ای است اما M_2 جریانی است.
 ب) M_2 یک متغیر ذخیره‌ای است اما M_1 جریانی است.
 ج) در M_2 سپرده‌های پس‌انداز وجود دارد.
 د) در M_2 چک‌های مسافرتی وجود ندارد.

۷۸ - مهم‌ترین انگیزه نگهداری مانده‌های پولی (M_1),

- الف) انگیزه احتیاطی است.
 ج) انگیزه سفته‌بازی است.

(ب) انگیزه معاملاتی است. (د) انگیزه نوع دوستی است.

۷۹- اصلی ترین و مهم ترین وظیفه پول این است که پول،

(الف) وسیله ذخیره ارزش است. (ب) واحد شمارش ارزش است.
(ج) معیار پرداخت‌های معوق است. (د) واسطه مبادله است.

۸۰- در دنیای امروز، بیش تر نقدینه در گردش،

(الف) به صورت مسکوک است. (ب) به صورت چک است.
(ج) به صورت کارت اعتباری است. (د) پول اعتباری بدون پشتوانه است.

۸۱- بر اساس نظریه مقداری کلاسیک‌ها، با ۱۰ درصد افزایش در عرضه پول،

(الف) GNP حقیقی ۱۰ درصد افزایش می‌یابد.
(ب) GNP حقیقی ۱۰ درصد کاهش می‌یابد.
(ج) سطح قیمت‌ها ۱۰ درصد افزایش می‌یابد.
(د) سطح قیمت‌ها ۱۰ درصد کاهش می‌یابد.

۸۲- کدام یک از گزاره‌های زیر درباره نظریه پردازان جدید تئوری مقداری، همچون میلتون فریدمن، درست است؟

(الف) آنان، همچون کلاسیک‌های قدیمی، سرعت گردش پول و GNP حقیقی را ثابت می‌دانند.
(ب) آنان، تنها سرعت گردش پول را ثابت می‌دانند و معتقدند GNP حقیقی در اشتغال کامل نیست.
(ج) آنان تئوری مقداری پول را کلاً قبول ندارند.
(د) آنان بر خلاف کلاسیک‌های قدیمی، هم سرعت گردش پول و هم GNP حقیقی را متغیر می‌دانند.

۸۳- اگر عرضه پول بیش از تقاضای آن افزایش یابد،

(الف) سطح قیمت‌ها کاهش می‌یابد. (ب) سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابد.
(ج) قیمت ممکن است بالا یا پایین رود. (د) ارزش پول افزایش می‌یابد.

۸۴- اگر سرعت گردش پول (V) برابر ۳ باشد و عرضه پول (M) برابر ۳۰۰۰ میلیارد ریال باشد، آنگاه GNP اسمی چقدر خواهد بود؟

(الف) ۱۰۰۰ میلیارد ریال (ب) ۳۰۰۰ میلیارد ریال
(ج) ۵۰۰۰ میلیارد ریال (د) ۹۰۰۰ میلیارد ریال

۸۵- کدام یک از موارد زیر جزء تعریف تکنیکی M_2 (تعریف گسترده عرضه پول) نیست؟

(الف) M_1 (ب) سپرده‌های مدت‌دار و پس‌انداز
(ج) سهام بازار بورس (د) سهام صندوق تعاونی بازار پول

۸۶- عرضه پول (M_1) در برگیرنده کدام یک از اقلام زیر نیست؟

- الف) سپرده‌های جاری
 ب) نقدینه در دست مردم
 ج) ذخایر بانک‌ها
 د) هیچ‌کدام
- ۸۷- از آن جا که پول به عنوان یک واسطه مبادله عمل می‌کند، باعث می‌شود،
 الف) نیازی به نوشتن چک نباشد.
 ب) تخصص به وجود آید.
 ج) نیازی به کالای واسط نباشد.
 د) نیازی به تطابق نیازهای دو طرف مبادله نباشد.
- ۸۸- این جمله که "پول بد، پول خوب را از جریان خارج می‌کند" به:
 الف) قانون "سه" معروف است.
 ب) قانون "گرشام" معروف است.
 ج) قانون "پول داغ" معروف است.
 د) قانون "اوکان" معروف است.

پاسخنامه فصل ٤

٧٣- الف	٥٥- ب	٣٧- د	١٩- د	١- د
٧٤- د	٥٦- ب	٣٨- د	٢٠- د	٢- ج
٧٥- الف	٥٧- الف	٣٩- د	٢١- ج	٣- د
٧٦- ب	٥٨- ج	٤٠- د	٢٢- الف	٤- ب
٧٧- ج	٥٩- ج	٤١- د	٢٣- ب	٥- الف
٧٨- ب	٦٠- ج	٤٢- ب	٢٤- الف	٦- د
٧٩- د	٦١- الف	٤٣- ج	٢٥- ج	٧- ب
٨٠- د	٦٢- ب	٤٤- الف	٢٦- ب	٨- ج
٨١- ج	٦٣- الف	٤٥- د	٢٧- د	٩- ب
٨٢- د	٦٤- ج	٤٦- ج	٢٨- ب	١٠- د
٨٣- ب	٦٥- د	٤٧- ب	٢٩- ج	١١- ج
٨٤- د	٦٦- ج	٤٨- ج	٣٠- د	١٢- ب
٨٥- ج	٦٧- ج	٤٩- ج	٣١- د	١٣- الف
٨٦- ج	٦٨- د	٥٠- الف	٣٢- ب	١٤- ج
٨٧- د	٦٩- الف	٥١- ب	٣٣- ج	١٥- ب
٨٨- ب	٧٠- د	٥٢- ج	٣٤- د	١٦- ب
	٧١- الف	٥٣- الف	٣٥- د	١٧- ب
	٧٢- د	٥٤- ب	٣٦- د	١٨- ب

پاسخ‌های تشریحی فصل چهارم

پول

- ۱-د. اگر پول رایج در دست مردم، دست به دست نشود و همه افراد پولهای خود را کتز کنند (یعنی افراد، پولهای خود را در بیرون جریان گردش فعالیت‌های اقتصادی ذخیره و نگه‌داری کنند)، آنگاه هیچ معامله‌ای انجام نمی‌شود و هیچ درآمدی به وجود نمی‌آید و اقتصاد به رکود مطلق کشیده می‌شود (در صورتی که معامله پایاپای انجام نشود). بنابراین دست به دست شدن پول یا همان سرعت گردش پول یک متغیر مهم است و هر چه زیادتر شود، درآمد ملی (اسمی) بالاتر می‌رود.
- ۲-د. پول وسیله‌ای است فراگیر و برای همه قابل قبول که در مبادله کالاها، خدمات، دارایی و بازپرداخت بدهی‌ها به کار می‌رود و واحد شمارش و وسیله ذخیره ثروت نیز هست. گرچه موارد الف و ب و ج ممکن است در برخی زمانها و مکانها یک یا چند نقش از نقش‌های پول را بر دوش بگیرند اما به دلیل ثابت و معین نبودن ارزش اسمی آنها و عدم مقبولیت عام، نمی‌توان آنها را پول به حساب آورد.
- ۳-د. چون مالک سپرده می‌تواند بدون مراجعه به بانک، با صدور چک، موجودی خود را به دیگری انتقال دهد و در واقع بدین وسیله معامله انجام دهد، موجودی حسابهای جاری پول محسوب می‌شوند.
- ۴-ب. قانون (بانک مرکزی)، بانک‌های تجاری را مکلف می‌کند بخشی از سپرده‌ها را ذخیره کنند و به مصرف وام، اعتبار و سرمایه‌گذاری نرسانند تا در مواقع غیر عادی که سپرده‌گذاران برای دریافت سپرده‌های خود هجوم می‌آورند، ورشکست نشوند. درصد این ذخیره را نسبت ذخیره قانونی می‌خوانند.
- ۵-الف. چون در هر اقتصاد، محدودیت ثروت وجود دارد، بنابراین مجموع عرضه ثروت باید برابر با مجموع تقاضای ثروت باشد. یعنی مجموع عرضه حقیقی پول ($\frac{M}{P}$) بعلاوه عرضه حقیقی اوراق قرضه (SB) باید مساوی باشد با مجموع تقاضای حقیقی برای پول (L) بعلاوه تقاضای حقیقی برای اوراق (DB). به زبان دیگر باید $\frac{M}{P} + SB = L + DB$ باشد یا $(L - \frac{M}{P}) + (DB - SB) = 0$ باشد که در رابطه اخیر پرانتز اول اضافه تقاضای پول و پرانتز دوم اضافه تقاضای اوراق را نشان می‌دهد و طبق قانون والراس جمع آنها باید صفر باشد. بنابراین اگر در بازار پول، اضافه عرضه وجود دارد باید در بازار اوراق، اضافه تقاضا وجود داشته باشد تا محدودیت بالا برقرار باشد.
- ۶-د. رجحان نقدینگی، نرخ بهره را با آن مقدار پولی که مردم تمایل به نگه‌داری آن دارند، مرتبط می‌سازد. بنابراین اگر شکل ترجیحات نقدینگی ثابت و عرضه پول معین باشد، می‌توان دریافت برای هر نرخ بهره، مردم تمایل به نگه‌داری چه مقداری پول دارند. در واقع رجحان نقدینگی، تابع تقاضای پول را شکل می‌دهد.
- ۷-ب. تقاضای اسمی پول، مقدار ریالهایی است که مردم درخواست می‌کنند و تقاضای حقیقی پول، عبارت است از تقاضای اسمی تقسیم بر سطح قیمت‌ها. بنابراین اگر قیمت‌ها ثابت بماند ولی مردم دو برابر قبل تقاضای پول بکنند، تقاضای حقیقی پول دو برابر شده است.
- ۸-ج. هر فرد وقتی تصمیم گرفت، در یک دوره مالی چه مقدار پول نگه‌داری کند، خود به خود نیز تصمیم گرفته است که بقیه ثروت خود را به صورتهای مختلف غیر پولی نگه دارد.

۹- ب. براساس نظرات کینز، تقاضای پول تابع دو عامل درآمد، و بهره است. کینز معتقد است که بخشی از تقاضای پول، تقاضای معاملاتی است یعنی برای انجام معاملات ضروری روزمره پول نگهداری می‌شود. پس هرچه درآمد افراد بیش‌تر شود، نیاز به انجام معاملات و رفع حواجی و پرداخت هزینه‌های زندگی بیش‌تر می‌شود. بنابراین شخص باید پول بیش‌تری به صورت نقد نزد خود نگه دارد.

۱۰- د. کینز می‌گوید: مردم یا پول نگه می‌دارند برای انجام معاملات (و نیز برای احتیاط) که تابع درآمد است، یا پول نگه می‌دارند برای آن که در نوسانات تجاری به کار بزنند و از آن سود ببرند که تابع نرخ بهره است.

۱۱- ج. چون عرضه پول ثابت و منحنی آن عمودی است یعنی هرچه قیمت پول (نرخ بهره) تغییر کند، عرضه تغییری نمی‌کند و هیچ حساسیتی نسبت به نرخ بهره ندارد. بنابراین عرضه پول کاملاً بی‌کشش است.

۱۲- ب. چون تقاضا تابع درآمد و بهره است، به این مفهوم است که در هر سطح نرخ بهره، با افزایش درآمد، تقاضای پول افزایش می‌یابد. بنابراین هر منحنی در سمت راست و بالای L_1 (مثل منحنی L_2) بیانگر آن است که در هر نرخ بهره، تقاضای پول (نسبت به تقاضایی که L_1 نشان می‌دهد) بیش‌تر شده است.

۱۳- الف. با کاهش درآمد، منحنی تقاضای پول پایین می‌آید. بنابراین در همان نرخ بهره موجود، اضافه عرضه پول به وجود می‌آید و اضافه عرضه موجب می‌شود نرخ بهره آنقدر کاهش یابد تا دوباره تعادل برقرار شود.

۱۴- ج. اگر فرض کنیم تابع تقاضای پول به صورت $L = kY - hi$ باشد، با توجه به شکل kY بیانگر عرض از مبدأ تابع تقاضاست. وقتی حساسیت تقاضا نسبت به درآمد بالا رود، یعنی k بزرگ شده است بنابراین عرض از مبدأ بزرگ می‌شود و تابع تقاضا به بالا جابه‌جا می‌شود ولی شیب آن ثابت است.

۱۵- ب: با توجه به تابع تقاضای $L = kY - hi$ برای پول، h حساسیت این تابع نسبت به نرخ بهره است. هر چه h بالاتر رود، شیب تابع تقاضا از نظر قدرمطلق کم‌تر می‌شود.

۱۶- ب. با توجه به شکل، هرچه عرضه به سمت راست رود، نقاط تقاطع $\frac{\bar{M}}{P}$ با منحنی‌های L پایین می‌آید. یعنی نرخهای بهره تعادلی مربوط به هر سطح درآمد کم‌تر می‌شود. بنابراین LM پایین می‌آید تا در هر سطح درآمد، نقاط بهره تعادلی کم‌تری را نشان دهد.

۱۷- ب. منظور از پول وسیله‌ای است قانونی و عموماً پذیرفته که به راحتی قابل داد و ستد، قابل حمل و نقل، قابل تبدیل به نقد و قابل خرد کردن باشد. چک این قابلیت‌ها را دارد و نقش اسکناس را در معاملات بر عهده دارد. صرف نظر از این که پولهایی که صاحبان حسابهای جاری به بانک سپرده‌اند در بانک موجود باشد یا بانک آنها را وام داده باشد.

۱۸- ب. درباره عرضه پول اختلاف وجود دارد، اگر چک‌های مسافرتی را نادیده بگیریم، درباره حسابهای پس‌انداز بلندمدت میان اقتصاددانان اختلاف هست. بنابراین اسکناس و مسکوک در گردش بعلاوه حسابهای جاری قطعاً اجزاء عرضه پول هستند، اما حسابهای پس‌انداز بلندمدت جزء تعریف گسترده‌تر عرضه پول به حساب می‌آید.

۱۹- د. اگر عرضه پول را مساوی مجموع اسکناس و مسکوک رایج (C) بعلاوه مانده سپرده‌های جاری (D) بدانیم، آنگاه عرضه پول $M^s = C + D$ چنین است. بانک مرکزی، هم با حجم سکه و اسکناسی که منتشر می‌کند بر C اثر می‌گذارد، هم با تغییر نرخ ذخیره قانونی بر مقدار وام‌دهی بانک‌ها و بنابراین بر D اثر می‌گذارد. بانک‌های تجاری با تصمیم درباره وام‌دهی و در واقع با تصمیم درباره نسبت سپرده - ذخایر بر M^s اثر می‌گذارد. مردم با تصمیم درباره نگهداری پول نقد یا سپرده‌گذاری آن، بر حجم سپرده‌ها و بنابراین بر

حجم پول اثر می‌گذاردند.

۲۰- د. پول پر قدرت، پایه‌ای است که عرضه پول را شکل می‌دهد. هرچه اسکناس و مسکوک در دست مردم و ذخایر بانک‌ها بیش تر باشد، عرضه پول بیش تر است. اما این که قدرت زاینده‌گی پول باید چقدر باشد، بستگی به نرخ ذخیره قانونی از یک طرف و تمایل به نقدینگی مردم از طرف دیگر دارد. هرچه بانک مرکزی از بانک‌های تجاری، ذخیره قانونی کم‌تری بخواهد، آنها ذخایر اضافی بیش‌تری برای وام‌دهی دارند و با وام‌دهی به خلق پول می‌پردازند. نیز هرچه مردم نقدینه کم‌تری نزد خود نگه دارند، بخش بزرگ‌تری از پایه پولی در بانک‌ها ذخیره می‌شود و قدرت زاینده‌گی بانک‌ها بالا می‌رود.

۲۱- ج. می‌دانیم که ضریب افزایش سپرده یعنی حداکثر مقداری که با افزایش یک واحد در ذخایر بانک‌ها، بر حجم سپرده‌ها افزوده می‌شود. در واقع، ضریب افزایش سپرده، حداکثر قدرت زاینده‌گی پول توسط بانک‌ها را نشان می‌دهد. این ضریب برابر است با نسبت سپرده‌ها به ذخایر بانک‌ها، یا عکس نرخ ذخیره قانونی. بنابراین در واقع این ضریب حد افزایش سپرده یا حد زاینده‌گی پول را به واسطه یک واحد تغییر در ذخایر بانک‌ها نشان می‌دهد. بنابراین:

$$۲۰\% = \text{نرخ ذخیره} \Rightarrow ۵ = \frac{۱}{\text{نرخ ذخیره}} \Rightarrow \text{ضریب افزایش سپرده} = \frac{۱}{\text{نرخ ذخیره قانونی}}$$

۲۲- الف. می‌دانیم که همواره مجموع ارزش معاملات برابر است با مجموع ارزش تولید فروش رفته (درآمد اسمی). یعنی همواره رابطه $MV=PY$ برقرار است. ثبوت تولید و ثبوت حجم پول به معنی ثبوت M و Y است. بنابراین اگر سرعت گردش پول (V) بالا رود، با افزایش P ، درآمد اسمی (PY) بالا می‌رود.

۲۳- ب. اگر Y درآمد ملی حقیقی، P شاخص ضمنی قیمت درآمد ملی، V سرعت گردش پول و M عرضه پول باشد، داریم: $MV=PY$. از آن جا که کلاسیک‌ها معتقدند همواره اشتغال، کامل است پس Y ثابت است و V را نیز بنابر علیی در کوتاه‌مدت ثابت می‌دانند. بنابراین افزایش M تنها بر P اثر می‌گذارد زیرا رابطه فوق یک اتحاد است و همواره برقرار است.

۲۴- الف. در برداشت فیش، پول فقط به عنوان ابزار معامله تلقی می‌شود. اما در برداشت کمبریج بر پول به عنوان ذخیره ثروت تأکید می‌شود و عوامل تعیین‌کننده تقاضای فرد برای نگاهداری موجودی نقد بررسی می‌شوند.

۲۵- ج. تقاضای پول از دیدگاه فیش به صورت $Y = \frac{1}{V} M^d$ است و از دیدگاه کمبریج $\frac{M^d}{P} = KY$ گرچه این دو معادله تشابه ریاضی دارند یعنی $K = \frac{1}{V}$ است اما از لحاظ نظری این دو معادله یکسان نیستند یعنی K فقط عکس V نیست بلکه متغیرهایی در هر کدام هست که در دیگری در نظر گرفته نشده است.

۲۶- ب. بانک تجاری دارایی‌هایی دارد مثل ذخائرش در بانک مرکزی و پول نقد و وام‌های پرداختی و سرمایه‌گذار بپایش، و بدهی‌هایی دارد که همان سپرده‌های مردم است. اگر دارایی‌اش از بدهی‌ها بیش تر باشد، دارایی خالص بانک مثبت خواهد بود.

۲۷- د. آن بخش از سپرده‌های جاری (دیداری) که وام داده نشده است، ذخایر بانک محسوب می‌شود و به یکی از شکل‌هایی که در سؤال گفته شده است، یا به صورت ترکیبی از آنها، نگاهداری می‌شود.

۲۸- ب. بانک مرکزی وجه اوراق قرضه دولتی که در دست شرکت B بوده و اکنون خریده است را به صورت چک می‌پردازد و شرکت B چک بانک مرکزی را به حساب جاری خود در بانک A واریز می‌کند.

۲۹- ج. بانک A باید ۲۰۰ میلیون ریال از افزایش حساب شرکت B را به عنوان ذخیره قانونی به بانک مرکزی

بپردازد، آنگاه می‌تواند بقیه (۸۰۰ میلیون ریال) را وام دهد یا سرمایه‌گذاری کند. اگر در اوراق بهادار سرمایه‌گذاری کند، تنها همان ۸۰۰ میلیون ریال ذخیره اضافی صرف خرید اوراق می‌شود. اما اگر وام دهد ممکن است وام‌گیرندگان مبلغ وام را به حساب جاری خود در همان بانک بپردازند و با ایجاد منابع اضافی، قدرت وام‌دهی بانک را بالا ببرند.

۳۰-د. همین که ۱۰۰۰ میلیون ریال به حساب بنگاه B در بانک A از سوی بانک مرکزی واریز شد، عرضه پول به همین اندازه بالا رفته است.

۳۱-د. راه‌حل‌های (الف) تا (ج) هم، زمان می‌برند و هم از این جهت که تغییر دائم نرخها مشکلات حسابداری و اداری دارد، پرهزینه هستند. اما راه حل چهارم سریع و کم‌هزینه است.

۳۲-ب. کارمزدهای بانکی عملاً در مقابل بهره وامها و سرمایه‌گذارها، اندک است (مخصوصاً در بانک‌های خارج از ایران).

۳۳-ج. از آن جا که بانک نیز مانند هر بنگاه اقتصادی به دنبال حداکثر کردن سود است، به نفع بانک است که حتی اگر الزام قانونی نباشد، ذخیره‌هایی احتیاطی نگه‌داری کند تا در مواقعی که برداشت مردم بیش از پرداخت‌های آنان می‌شود، بانک ورشکست نشود.

۳۴-د. پایه پولی عبارت است از اسکناس و مسکوک در دست مردم، بعلاوه ذخیره‌های بانک‌ها در صندوق بانک یا در بانک مرکزی. با این فرض که بانک مرکزی هنگام خرید اوراق، بهای آنها را چک می‌پردازد، و وام پرداختی به دولت نیز به حساب دولت در بانک‌های تجاری پرداخت می‌شود، آنگاه در هر سه مورد ذخایر بانک‌ها افزایش می‌یابد که آنها را آنقدر وام می‌دهند تا دیگر ذخایر اضافی باقی نماند. بدین ترتیب با فرآیند تکراری وام‌دهی تمام مبلغی که بانک مرکزی از یکی از راههای یاد شده وارد اقتصاد کرده است به عنوان ذخیره به بانک مرکزی باز می‌گردد، پس هر سه مورد پایه پولی را افزایش می‌دهند.

۳۵-د. پول، در واقع مجموع اسکناس و مسکوک در جریان است، بعلاوه سپرده‌های جاری. اما شبه پول، به حسابهای پس‌انداز کوتاه‌مدت و بلندمدت گفته می‌شود، که از مجموع پول و شبه پول، نقدینگی به دست می‌آید.

۳۶-د. می‌دانیم که حجم پول برابر است با ضریب تکاثری پول ضربدر پایه پولی. همچنین، پایه پولی عبارت است از مجموع نقدینه مردم به علاوه ذخایر قانونی و اضافی بانک‌ها. وقتی بانکی از ذخایر اضافی خود وام دهد و آن وام به صورت سپرده به سیستم بانکی بازگردد و از فرایند تکراری خلق پول عبور کند، به اندازه همان مقدار وام، که از ذخایر اضافی کاسته شده است، به ذخایر قانونی افزوده می‌شود و پایه پولی و بنابراین حجم پول ثابت می‌ماند. در غیر این صورت، پایه پولی کاهش می‌یابد و حجم پول نیز به اندازه مقدار تغییر پایه پولی، ضربدر ضریب تکاثری پول، کاهش می‌یابد.

۳۷-د. کم شدن نسبت ذخیره قانونی، به این مفهوم است که بانک‌ها اکنون درصد کم‌تری از سپرده‌های خود را مجبورند نزد بانک مرکزی بپردازند، بنابراین حجم ذخایر اضافی آنها بیش‌تر خواهد بود، بیش‌تر وام خواهند داد و به همین ترتیب سپرده‌های بیش‌تری به بانک‌ها خواهد آمد و عرضه پول افزایش می‌یابد.

۳۸-د. ضریب تکاثری سپرده، در واقع همان ضریب تکاثری پول است به شرط آن که مردم نقدینه و بانک‌ها ذخایر اضافی نگه‌دارند و عبارت است از نسبت $\frac{1}{\text{نرخ ذخیره قانونی}}$ بنابراین $\frac{1}{10\%} = 10$

۳۹-د. تغییر تعداد بانک‌های تجاری اثری بر عرضه پول ندارد، چون تمایلات سپرده‌گذاری مردم معین است و به

- تعداد بانک‌ها بستگی ندارد. بنابراین با باز شدن یک بانک جدید، تنها برخی سپرده‌ها از دیگر بانک‌ها به بانک جدید جابه‌جا می‌شود و حجم کل سپرده‌ها تغییری نمی‌کند.
- ۴۰- د. از کل سپرده‌هایی که به بانک سپرده می‌شود درصدی در خود بانک نگه‌داری می‌شود و درصدی به بانک مرکزی سپرده می‌شود و بقیه وام داده می‌شود، تا هرگاه مشتریها (دارندگان حسابها) برای دریافت وجوه نقد مراجعه کردند، نقدینه وجود داشته باشد و بانک ورشکست نشود.
- ۴۱- د. بانک‌های مرکزی، وظیفه سیاست‌گذاری پولی را بر دوش دارند و با ابزارهای پولی، حجم نقدینگی جامعه را کنترل می‌کنند. ممکن است با عملیات پولی، برخی سودها را نیز ببرند اما تأمین درآمد برای دولت نمی‌تواند بکنند و معمولاً هزینه‌های خود را نیز از طریق بودجه دولت تأمین می‌کنند. محل احداث بانک مرکزی نیز تأثیری در نقش آن ندارد؛ گرچه در بسیاری از کشورها بانک‌های مرکزی در بازار ارز دخالت می‌کنند اما فقدان آنها بازارهای ارز را مختل نمی‌کند.
- ۴۲- ب. عامل اساسی تکاثر پول آن است که وام‌گیرندگان، یا کسانی که وام‌گیرندگان کالاهای آنها را می‌خرند وجه دریافتی را دوباره در حسابهای خود در بانک‌های تجاری نگه‌داری می‌کنند و این به بانک‌ها اجازه می‌دهد که از محل این سپرده‌ها، وام بپردازند و این فرایند همچنان تکرار می‌شود.
- ۴۳- ج. این که کل سپرده‌های بانکی چقدر است در این جا کمکی به ما نمی‌کند زیرا قبلاً بانک‌ها از محل این سپرده‌ها وام داده‌اند و پول خلق کرده‌اند. اما اکنون ذخایر اضافی بانک‌ها که می‌توانند وام دهند ۱۰۰ میلیارد ریال است. اگر بانک‌ها ذخایر احتیاطی (اضافی) نگه ندارند و اگر مردم تمامی معاملات خود را از طریق چک انجام دهند، حداکثر مقدار خلق پول جدید چنین است: $500 = \frac{1}{20} (100)$
- ۴۴- الف. ضریب تکاثری سپرده (credit multiplier یا deposit multiplier) مقدار تغییر در حجم سپرده‌ها را به خاطر یک واحد تغییر در ذخایر قانونی بانک‌ها نشان می‌دهد، یعنی $\frac{\Delta D}{\Delta R}$. در این صورت، ضریب تکاثری سپرده، عکس نرخ ذخیره قانونی خواهد بود و حداکثر افزایش ممکن در حجم پول را نشان می‌دهد.
- ۴۵- د. در واقع، ضریب تکاثری پول، با توجه به تعاریف سؤال ۴۴، عبارت است از $\frac{k+1}{k+r}$ که چون مردم نقدینه‌ای نگه نمی‌دارند، $k=0$ خواهد بود. اگر بانک‌ها ذخایر احتیاطی نیز داشته باشند، نرخ ذخیره بانک‌ها ذخیره احتیاطی + ذخیره قانونی = $\frac{1}{\text{سپرده}} = \frac{r}{\text{سپرده}}$ پس ضریب تکاثری ما چنین خواهد بود: $\frac{1}{15\% + 5\%} = 5$
- ۴۶- ج. وام‌ها، سرمایه‌گذارها، ذخایر نقدی و ذخایر قانونی بانک‌های تجاری، دارایی آنها هستند. در مقابل، کلیه سپرده‌های مردم در بانک‌های تجاری، بدهی آنها محسوب می‌شود. اگر دارایی بانک‌ها بیش از بدهی باشد، خالص دارایی آنها مثبت است. البته وام‌هایی که بانک تجاری از بانک مرکزی یا دیگر مؤسسات پولی دریافت می‌کند نیز جزء بدهی‌های آن است اما معمولاً در ستون دارایی می‌آید و از دارایی‌ها کسر می‌شود.
- ۴۷- ب. پول بر قدرت به نسبت ضریب تکاثری، عرضه پول را تعیین می‌کند. ضریب تکاثری پول در واقع $\frac{\text{نقدینه رایج} + \text{سپرده}}{\text{حجم پول}}$ است. اگر صورت و مخرج بر سپرده تقسیم شود، داریم: $mm = \frac{1+c}{r+c}$ که mm ضریب تکاثری، c نسبت نقدینه به سپرده و r نسبت ذخیره به سپرده است. اگر فرض کنیم بانک‌ها تمام ذخایر اضافی را وام می‌دهند (پس r مساوی نرخ ذخیره قانونی می‌شود) و مردم نیز تمام معاملات را از طریق چک انجام می‌دهند (پس هیچ نقدینه‌ای نگه نمی‌دارند و c مساوی صفر می‌شود)، آنگاه حداکثر مقدار افزایش در عرضه پول به دست می‌آید و گرنه مقدار افزایش واقعی بسیار کم‌تر خواهد بود.

۴۸- ج. اصولاً ضریب تکاثری پول عبارت است از حجم پول تقسیم بر پایه پولی، یعنی به ازاء هر ریال پایه پولی چند ریال پول در اقتصاد زاده می‌شود، بنابراین:

$$m = \frac{\text{نقدینه مردم} + \text{سپرده}}{\text{پایه پولی}} = \frac{\text{نقدینه مردم} + \text{ذخیره بانکها}}{\text{پایه پولی}}$$

$$m = \frac{1 + k}{r + k} = \frac{1 + \text{سپرده/نقدینه}}{r + \text{سپرده/ذخیره}}$$

اگر صورت و مخرج را تقسیم بر سپرده کنیم داریم:

۴۹- ج. با توجه به شکل روبه‌رو، خط AC، پایه پولی است

و خط DF حجم پول است. ضریب افزایش پول

عبارت است از $\frac{DF}{AC}$ ، یعنی مقدار پولی که هر یک

ریال پایه پولی می‌آفریند. اما ضریب افزایش سپرده

عبارت است از $\frac{EF}{BC}$ ، یعنی مقدار سپرده‌ای که هر

یک ریال ذخایر بانکی می‌آفریند. روشن است

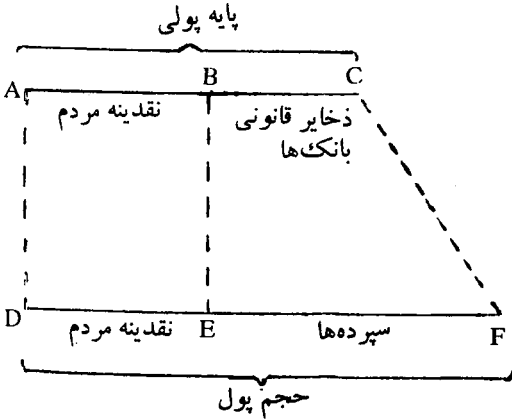
که $\frac{DF}{AC} < \frac{EF}{BC}$ این مسأله با توجه به فرمولهای ضریب

تکثیر نیز روشن است: $\frac{1}{r} > \frac{1+k}{k+r}$ تنها زمانی که

مردم نقدینه‌ای نگه‌داری نکنند ($k=0$) و بانکها

نیز ذخایر احتیاطی (اضافی) نگه‌دارند، این دو

ضریب مساوی خواهند بود.



۵۰- الف. وقتی هیچ بانک تجاری فعالیت نکند، دیگر فرایند سپرده‌گذاری مردم و وام‌دهی بانکها (که عامل اصلی افزایش و زایش پول است) وجود ندارد. بنابراین ذخایر وجود ندارد و پایه پولی فقط همان نقدینه رایج است.

۵۱- ب. چون زایش پول از طریق سپرده‌گذاری و وام‌دهی است و اکنون این فرایند دیگر وجود ندارد، پس عرضه پول برابر با همان پایه پولی یعنی نقدینه رایج در دست مردم است.

۵۲- ج. وقتی فرایند زایش پول از طریق وام‌دهی وجود ندارد، هر یک واحد پول پایه، یک واحد به حجم پول می‌افزاید و ضریب تکاثری یک است.

۵۳- الف. با فروش اوراق قرضه دولتی، نقدینه مردم (یا بانکها) برای خرید اوراق به بانک مرکزی مستقل می‌شود. بنابراین پایه پولی کاهش می‌یابد.

۵۴- ب. منحنی تقاضای پول نشان‌دهنده آن است که در هر مجموعه شرایط معین، با توجه به درآمدها و نرخهای بهره متفاوت، مردم ترجیح می‌دهند چه مقدار پول تقاضا کنند.

۵۵- ب. می‌دانیم که نقدینگی حداکثر به اندازه افزایش اولیه پول تقسیم بر نرخ ذخیره قانونی افزایش می‌یابد. بنابراین:

$$\Delta M^s = \frac{1000}{0.5} = 2000$$

۵۶- ب. در تعادل $m^s = m^d$ است. بنابراین:

$$500 = 0.25(3000) - 400r \quad 500 = 750 - 400r \Rightarrow r = 0.25$$

۵۷- الف. سیاست یاد شده دست بانک مرکزی را درباره عملیات بازار باز (آزاد) بر روی اوراق قرضه کوتاه‌مدت دولتی می‌بندد و اجازه نمی‌دهد بانک تا هر کجا خواست خرید و فروش کند.

۵۸- ج. وقتی مردم پولهای خود را کنز یا گنچ کنند، یعنی از جریان گردش اقتصادی خارج کنند و آنها را به صورت راكد نگه‌داری نمایند، سرعت گردش پول کاهش می‌یابد، و با فرض ثابت بودن سطح تولید جامعه،

قیمت‌ها کاهش می‌یابد. این مطلب از رابطه $M.V=P.Y$ نیز مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، با کنز شدن پولها، جریان هزینه‌ها کاهش می‌یابد یعنی معاملات کم می‌شود و تقاضای کل پایین می‌آید و این به کاهش قیمت می‌انجامد.

۵۹- ج. تئوری مقداری پول، می‌گوید وقتی عرضه پول افزایش یابد، از آن جا که اقتصاد در حال اشتغال کامل بوده و تولید افزایش نمی‌یابد، این افزایش پول تنها باعث افزایش قیمت می‌شود. یعنی ما بر روی ناحیه CD به سمت بالا حرکت می‌کنیم.

۶۰- ج. روشن است که هرچه روی ناحیه CD جابه‌جا شویم محصول تغییری نمی‌کند. پس درصد تغییر محصول صفر است و بنابراین صورت رابطه کشش صفر می‌شود و کشش صفر خواهد شد:

$$\frac{\Delta \text{محصول}}{\text{محصول}} = \frac{\Delta \text{قیمت}}{\text{قیمت}} = 0$$

۶۱- الف. رجحان نقدینگی به این دلیل به وجود می‌آید که فرد نه در این باره که دقیقاً در چه زمانی به پول احتیاج دارد، اطمینان دارد و نه در این باره که نرخهای بهره در آینده چه خواهند بود. در واقع رجحان نقدینگی از یک سو به تقاضای پولی فرد برای سفته‌بازی اشاره دارد و از سوی دیگر به تقاضای معاملاتی و احتیاطی پول، و هر دوی این تقاضاها برای مقابله با شرایطی است که فرد از آن اطلاع کافی ندارد، یعنی رفع نیازهای پیش‌بینی نشده به پول و استفاده از تحولات پیش‌بینی نشده اقتصادی.

۶۲- ب. کلاسیک‌ها بر این باورند که مردم فقط به خاطر انجام معاملات، پول تقاضا می‌کنند و بنابراین، حداقل پول لازم را نگه می‌دارند.

۶۳- الف. به زبان ساده، سرعت بیانگر فاصله طی شده در طول یک دوره معین (یک ساعت) است، در حالی که مسافت مقدار فاصله میان اتومبیل و شهر مقصد در هر لحظه از زمان است. پس اولی جریانی است و دومی ذخیره‌ای است.

۶۴- ج. اگر دولت برای تأمین افزایش هزینه‌های خود به جای آن که مالیات را افزایش دهد، پول انتشار دهد، در شرایطی که اقتصاد گنجایش افزایش تولید را نداشته باشد (یعنی عرضه کل بی‌کشش است و سیاست پولی انبساطی، نمی‌تواند تولید را بالا ببرد) افزایش عرضه پول به افزایش قیمت‌ها می‌انجامد و قدرت خرید تمام دارندگان پول کاهش می‌یابد. یعنی همان وضعیتی که مردم اگر مالیات می‌پرداختند، به وجود می‌آمد.

۶۵- د. سرعت گردش پول یک عدد مطلق است و واحد شمارش ندارد و از معادله مبادله به دست می‌آید:

$$M.V=GNP \Rightarrow V=\frac{GNP}{M} \Rightarrow V=\frac{۱۰۰۰ \text{ میلیارد ریال}}{۲۵۰ \text{ میلیارد ریال}} = ۴ \quad \text{بنابراین:}$$

۶۶- ج. مردم وقتی پیش‌بینی کنند که در دوره بعدی، نرخ تورم بالا می‌رود، سعی می‌کنند بسیاری از خریدها را این دوره (قبل از افزایش سریع‌تر قیمت‌ها) انجام دهند و پول نقد نزد خود نگه‌داری نکنند. بنابراین به محض آن که پولی به دست آوردند، آن را خرج می‌کنند و با این کار سرعت گردش پول را بالا می‌برند.

۶۷- ج. افزایش نرخ تورم انتظاری یا پیش‌بینی شده به این مفهوم است که مردم پیش‌بینی می‌کنند و انتظار دارند نرخ تورم افزایش یابد، یعنی قیمت‌ها بیش از پیش بالا رود. بنابراین سعی می‌کنند در این دوره (یعنی پیش از افزایش بیش‌تر در قیمت‌ها) قبل از آن که ارزش پول کاهش یابد، خریدهای بیش‌تری انجام دهند و پول نقد نزد خود نگه ندارند. بنابراین سریع‌تر خرج می‌کنند و بنابراین سرعت گردش پول را بالا می‌برند. همچنین تقاضای آنها برای پول (برای رفع نیازهای معاملاتی که اکنون افزایش یافته است) بالا می‌رود و باعث افزایش

نرخ بهره می‌شود.

۶۸-د. پولهای کالایی یا قیمتی را می‌توان هم به عنوان پول به کار برد، هم به عنوان کالا مثلاً طلا، نقره یا نمک. جدای از واسطه مبادله بودن می‌توانند به خودی خود مصرف شوند و همان ارزش پولی خود را داشته باشند. نیز این پولها را خود افراد می‌توانند تولید کنند.

۶۹-الف. در اقتصاد، ارزش حقیقی پول است که اهمیت دارد و نه ارزش اسمی آن. ارزش حقیقی پول همان قدرت خرید پول است. ارزش حقیقی پول با تقسیم حجم پول بر سطح قیمت به دست می‌آید ($\frac{M}{P}$). بنابراین ارزش پول دقیقاً رابطه عکس با سطح قیمت دارد.

۷۰-د. معادله مبادله یعنی این که مجموع پولی که طی مدت یک سال در کشوری خرج می‌شود، برابر با ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی همان سال مورد مبادله و داد و ستد قرار می‌گیرد. این رابطه‌ای است که همواره برقرار است و نمایش ریاضی آن $M.V = P.Y$ است. تئوری مقداری نیز بر پایه این معادله شکل گرفت. در واقع کلاسیک‌ها با این فرض که Y و V ثابت هستند از این اتحاد، یک رابطه رفتاری برای تقاضای پول استخراج کردند.

۷۱-الف. در اقتصاد متغیرها یا ذخیره‌ای (انباره) هستند، یعنی در هر لحظه از زمان می‌توان مقدار موجودی آنها را محاسبه کرد مثل مقدار پول موجود در جامعه (عرضه پول)، ثروت جامعه و ...؛ یا متغیرهای جریانی (روانه) هستند که مقدار آنها را باید در طول یک دوره ویژه اندازه گرفت، مثل حجم تولید یک جامعه در یک سال (GNP)، مقدار سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و مالیات یک جامعه در یک سال و ...

۷۲-د. چون هر چه درآمد مردم بالا رود نیازهای معاملاتی آنها افزایش می‌یابد، پس تقاضای پول با GNP حقیقی رابطه مثبت دارد. افزایش سطح قیمت‌ها نیز به این معنی است که مردم همان کالاها را قبلی خود را اکنون باید با پول بیش‌تری خریداری کنند پس تقاضای آنها برای پول بالا می‌رود. نیز کاهش نرخ بهره به این معنی است که هزینه نگهداری پول نقد کاهش می‌یابد پس تقاضای مردم برای پول بالا می‌رود.

۷۳-الف. چون بنگاهها معمولاً در برنامه‌ریزی تولید خود برای دوره‌های بعدی، عوامل متعدد، از جمله تورم انتظاری برای دوره آینده را در نظر می‌گیرند، پس در هر دوره، تورم انتظاری و پیش‌بینی شده، قبلاً به حساب آمده و اثر خود را بر افزایش تولید در هنگام برنامه‌ریزی و پیش‌بینی تولید گذاشته است. پس در هر دوره، فقط تورم پیش‌بینی نشده است که می‌تواند تولید و اشتغال بنگاه را در همان دوره افزایش دهد.

۷۴-د. یکی از پرهزینه‌ترین کارهای یک اقتصاد پایاپای این است که فروشنده باید بگردد تا خریداران کالای خود را شناسایی کند، آنگاه از میان آنان فردی را پیدا کند که کالایی که به عنوان پول می‌دهد مورد نیاز فروشنده باشد.

۷۵-الف. حجم پول یک جامعه معمولاً کوچک‌تر از ارزش تولیدات یک سال آن جامعه است، بنابراین با پول موجود نمی‌توان یک‌باره همه تولیدات جامعه را خریداری کرد. اما در عمل همه تولید یک جامعه خریداری می‌شود و یک جریان پولی معادل ارزش تولیدات از سوی مصرف‌کنندگان به سوی تولیدکنندگان به راه می‌افتد. اما چون این جریان پولی به یک‌باره نیست و در طول یک سال جابه‌جا می‌شود، این فرصت پدید می‌آید که پول موجود دست به دست شود. هر کس پولی به دست آورد، آن را برای خرید بخشی از تولید جامعه صرف می‌کند. گیرنده این پول نیز دوباره آن را برای خرید بخش دیگری از تولید جامعه صرف می‌کند و سرانجام همه تولید یک سال خریداری می‌شود. بنابراین تعداد دست‌به‌دست شدن‌ها، سرعت گردش پول را

نشان می‌دهد.

۷۶- ب. بر اساس نظریه مقداری نئوکلاسیک، $M.V = P.Y$ است و چون آنها V را ثابت و Y را در حد اشتغال کامل و ثابت می‌دانستند، بنابراین رابطه یک به یک میان M (حجم پول) و P (سطح قیمت‌ها) وجود دارد.

۷۷- ج. می‌دانیم M_2 هم شامل M_1 می‌شود و هم موارد دیگری مثل سپرده‌های پس‌انداز و سهام صندوق تعاون بازار پول و ... را در بر می‌گیرد. اما از مهم‌ترین مواردی که در M_2 هست و در M_1 نیست، سپرده‌های پس‌انداز است.

۷۸- ب. برای برآوردن نیازهای معاملاتی باید پول به صورت نقد در دست باشد. نقدینه مردم و سپرده‌های جاری آنان که جمعاً M_1 را تشکیل می‌دهند، عمدتاً به منظور برآوردن نیازهای معاملاتی نگهداری می‌شوند (البته بخش اندکی نیز با انگیزه احتیاطی نگهداری می‌شود). مردم معمولاً برای ارضای انگیزه سفته‌بازی خود، پول را به صورت پس‌انداز (کوتاه یا بلندمدت) نگهداری می‌کنند تا از بهره‌های بانکی نیز برخوردار شوند.

۷۹- د. هر چهار وظیفه بر شمرده، از وظایف و نقش‌های پول است. اما مهم‌ترین آنها ابزار مبادله بودن است. چرا که پول باعث شد بتوان عمل خرید را از عمل فروش جدا کرد و نیازی به تطابق نیازهای خریدار و فروشنده برای مبادله اجناس، نباشد. همچنین سه وظیفه اول را می‌توان با چیزهایی غیر از پول نیز انجام داد (همچنان که اکنون نیز در بسیاری از موارد عمل می‌شود) اما وظیفه چهارم مختص پول است.

۸۰- د. نزدیک به کل پولها در دنیای امروز، به هر شکلی باشد، همچون سکه‌های فلزی، کارتهای اعتباری، اسکناسها، پولهای بانکی و ...، پول بدون پشتوانه فلزات قیمتی است و تنها با قانون اعتبار پیدا کرده است.

۸۱- ج. بر اساس نظریه مقداری کلاسیک، چون اشتغال در حد اشتغال کامل است، بنابراین تولید حقیقی در حداکثر خود قرار دارد و قابل افزایش نیست. همچنین سرعت گردش پول چون ناشی از عوامل نهادی است در کوتاه مدت ثابت است. بنابراین با توجه به رابطه $M.V = P.Y$ ، V ثابت هستند و چون این یک اتحاد است و همیشه برقرار می‌باشد، هر افزایشی در M (عرضه پول) تنها باعث افزایشی برابر در P می‌شود.

۸۲- د. شواهد تجربی نشان داده است که نه سرعت گردش پول ثابت است و نه GNP حقیقی در اشتغال کامل است. بنابراین اقتصاددانان پول‌گرا، گرچه تحلیل‌های خود را بر پایه بسط‌ها و اصلاحات تئوری مقداری قرار داده‌اند اما دو فرض اصلی کلاسیک‌ها در باره ثبوت V و GNP حقیقی را نمی‌پذیرند. البته اینان نیز در بلندمدت GNP را در سطح اشتغال کامل می‌دانند.

۸۳- ب. با افزایش عرضه پول بیش از افزایش تقاضای آن، نرخ بهره تعادلی (r) کاهش می‌یابد. کاهش r از یک طرف پس‌اندازها را کاهش می‌دهد که باعث افزایش مصرف می‌شود، و از طرف دیگر سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. افزایش مصرف و سرمایه‌گذاری به معنی افزایش تقاضا در بخش واقعی اقتصاد است و بنابراین سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

۸۴- د. می‌دانیم که این اتحاد ریاضی همواره برقرار است که جمع خریده‌ها (معاملات) در اقتصاد برابر است با ارزش مجموع تولیدات جامعه. این همان چیزی است که نظریه مقداری کلاسیک‌ها آن را به گونه‌ای نشان می‌دهد، یعنی $MV = PY$ اما PY شاخص محدودی از GNP اسمی است. بنابراین رابطه کامل‌تر به صورت $M.V = GNP$ است. پس با توجه به داده‌های سؤال، $GNP = ۳(۳۰۰۰۰) = ۹۰۰۰۰$.

۸۵- ج. M_1 مجموع سپرده‌های جاری بعلاوه نقدینه مردم است. اما M_2 عبارت است از M_1 بعلاوه سهام صندوق تعاونی بازار پول (money - market mutual funds) و سپرده‌های دیداری بازار پول و نیز بعلاوه

سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار بانک‌ها (توجه شود که این تعریف بر اساس تعریف M_2 در آمریکا بیان شده است).

۸۶-ج. M_1 عبارت است از نقدینه رایج در دست مردم بعلاوه سپرده‌های آنها در بانک‌ها. M_1 ساده‌ترین تعریف پول است.

۸۷-د. در اقتصاد پایاپای، لازم است خریدار و فروشنده، کالاهای یکدیگر را نیاز داشته باشند تا با هم مبادله کنند، اما در اقتصاد پولی این ضرورت از بین می‌رود.

۸۸-ب. گرشام (مشاور الیزابت اول) پی برد که در سیستم دو فلزی (طلا و نقره) چون نوسانات قیمت این دو فلز باعث به هم خوردن نرخ ثابت قانونی میان آن دو می‌شود، با افزایش قیمت نسبی یک فلز، مردم سعی در نگه‌داری پولی که قیمت فلز آن افزایش یافته است می‌کنند و بنابراین پول خوب از جریان خارج می‌شود.



تبادل همزمان بازارهای کالا و پول

مدلهای IS - LM

(سیاست‌های پولی و مالی)

۱- منحنی IS نشان می‌دهد.

- (الف) ترکیبات مختلف نرخ بهره و درآمد حقیقی را که بازار پول در تعادل می‌باشد.
(ب) ترکیبات مختلف نرخ بهره و عرضه پول را که بازار کالا در تعادل باشد.
(ج) ترکیبات مختلف عرضه پول و درآمد حقیقی را که بازار کالا در تعادل است.
(د) ترکیبات مختلف نرخ بهره و درآمد حقیقی را که بازار کالا در تعادل است.

○ اگر تابع مصرف و سرمایه‌گذاری، $Y = 48 + 0.8Y$ و $C = 98 - 0.75r$ باشند، به ۴ سؤال بعد پاسخ دهید:

۲- تابع IS کدام یک از توابع زیر می‌باشد؟

(ج) $Y = 730 - 375r$

(الف) $Y = 400 + 75r$

(د) $Y = 730 + 375r$

(ب) $Y = 400 - 75r$

۳- اگر مصرف مستقل، ۱۰ واحد افزایش یابد، تابع IS به صورت کدام یک از توابع زیر در می‌آید؟

(ج) $Y = 780 - 385r$

(الف) $Y = 400 - 375r$

(د) $Y = 740 - 385r$

(ب) $Y = 780 - 375r$

۴- اگر سرمایه‌گذاری مستقل، ۲۰ واحد افزایش یابد، تابع IS به صورت کدام یک از توابع زیر در می‌آید؟

(ج) $Y = 730 - 475r$

(الف) $Y = 630 - 375r$

(د) $Y = 830 - 375r$

(ب) $Y = 830 - 475r$

۵- اگر ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره از ۷۵ به ۸۵ تغییر یابد، منحنی IS به چه صورت در می‌آید؟

(ج) $Y = 475 - 425r$

(الف) $Y = 730 - 425r$

(د) $Y = 500 - 200r$

(ب) $Y = 425 - 730r$

۶- منحنی IS به این دلیل شیب منفی دارد که،

(الف) نرخ بهره پایین، تابع مخارج کل برنامه‌ریزی شده $(AE = C + I + G)$ را به سمت پایین انتقال می‌دهد.

- (ب) نرخ بهره پایین، تابع AE را به سمت بالا انتقال می‌دهد.
 (ج) سطح بالای درآمد، تابع AE را به سمت بالا منتقل می‌کند.
 (د) کاهش نرخ بهره، مقدار تقاضای پول را افزایش می‌دهد.

۷- اگر در بازار کالا، نشت (تراوش) برابر با تزریق باشد،

- (الف) روی منحنی IS قرار داریم.
 (ب) بالای منحنی IS قرار داریم.
 (ج) روی منحنی LM قرار داریم.
 (د) بازار پول در تعادل است.

۸- اگر $I > S$ باشد،

- (الف) در پایین منحنی IS قرار داریم.
 (ب) در بالای منحنی IS قرار داریم.
 (ج) روی منحنی IS قرار داریم.
 (د) نمی‌توان تعیین کرد.

۹- اگر عرضه کل بیش‌تر از تقاضای کل باشد،

- (الف) روی منحنی IS قرار داریم.
 (ب) پایین منحنی IS قرار داریم.
 (ج) بالای منحنی IS قرار داریم.
 (د) نمی‌توان تعیین کرد.

۱۰- در کدام یک از موارد زیر، انتظار داریم که IS به سمت راست انتقال نیابد؟

- (الف) مخارج دولت افزایش یابد.
 (ب) مالیات کاهش یابد.
 (ج) تابع تقاضای سرمایه‌گذاری، به سمت چپ انتقال یابد.
 (د) مقدار صادرات افزایش یابد.

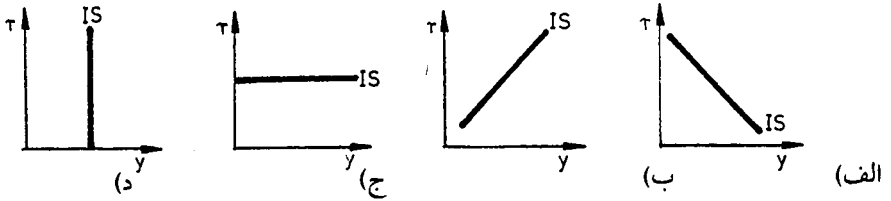
۱۱- اگر کشش سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره صفر باشد، منحنی IS،

- (الف) افقی می‌شود.
 (ب) عمودی می‌شود.
 (ج) شیب مثبت پیدا می‌کند.
 (د) شیب منفی پیدا می‌کند.

۱۲- اگر ضریب تکاثر هزینه‌های دولت، ۳ باشد و دولت مخارج خود را ۵ واحد افزایش دهد، آنگاه منحنی IS،

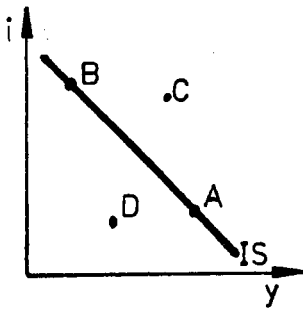
- (الف) به اندازه ۱۵ واحد به سمت راست جابه‌جا می‌شود.
 (ب) به اندازه ۳ واحد به سمت راست جابه‌جا می‌شود.
 (ج) به اندازه ۳ واحد به سمت چپ جابه‌جا می‌شود.
 (د) به اندازه ۱۵ واحد به سمت چپ جابه‌جا می‌شود.

۱۳- اگر سرمایه‌گذاری فقط تابعی از درآمد ملی باشد، در یک مدل سه بخشی که هیچ یک از متغیرها به نرخ بهره ارتباطی ندارد، منحنی IS به صورت کدام یک از شکل‌های صفحه بعد در می‌آید؟



۱۴- در یک مدل سه بخشی، فرض کنید که سرمایه گذاری تابعی از نرخ بهره نیست ولی مصرف، تابع مستقیمی از درآمد ملی و نرخ بهره باشد، آنگاه:

- (الف) منحنی IS عمودی می شود.
- (ب) منحنی IS افقی می شود.
- (ج) منحنی IS شیب منفی دارد.
- (د) منحنی IS شیب مثبت دارد.



○ با توجه به منحنی IS در شکل روبه رو، به ۲ سؤال بعد پاسخ دهید:

- ۱۵- در کدام نقطه، اضافه عرضه داریم؟
- (الف) A
 - (ب) B
 - (ج) C
 - (د) D

۱۶- در کدام یک از نقاط، بازار کالا در تعادل است؟

- (الف) A و D
- (ب) B و C
- (ج) C و D
- (د) A و B

۱۷- اگر مالیات ثابت افزایش یابد، انتظار داریم منحنی IS،

- (الف) چرخش کند.
- (ب) با همان شیب به چپ برود.
- (ج) با همان شیب به راست برود.
- (د) هم شیب آن عوض شود و هم جابه جا شود.

۱۸- در یک مدل سه بخشی، سرمایه گذاری تابعی از نرخ بهره می باشد و i ضریب نرخ بهره در تابع سرمایه گذاری، b میل نهایی به مصرف، a مصرف مستقل و G مقدار مخارج دولت و t نرخ مالیات باشد، آنگاه شیب تابع IS برابر است با:

(الف) $\frac{-b i}{1-b+bt}$

(ب) $\frac{ti}{1-b+bt}$

(ج) $\frac{1-b+bt}{-i}$

(د) $\frac{1-b}{-i}$

۱۹- در مدل دو بخشی اگر i ضریب نرخ بهره در تابع سرمایه گذاری برابر با ۱۰۰ و میل نهایی به مصرف برابر با ۰/۸ و مصرف مستقل ۸۰ باشد، شیب تابع IS برابر است با:

- (الف) ۰/۲
- (ب) ۰/۰۲
- (ج) -۰/۰۰۲
- (د) -۰/۰۲

۲۰- اگر مخارج دولت افزایش یابد،

الف) منحنی IS به سمت راست می‌رود.

ج) منحنی IS ثابت می‌ماند.

ب) منحنی IS به سمت چپ می‌رود.

د) تابع پس‌انداز به راست می‌رود.

۲۱- تمامی نقاط روی منحنی IS در یک اقتصاد سه بخشی، دارای شرط هستند.

الف) $Y=C+I+G$

ج) $Y=C+S$

ب) $S+T=I+G$

د) موارد الف و ب صحیح است.

۲۲- در یک اقتصاد دو بخشی (شامل خانوارها و بنگاهها)، منحنی IS، بیانگر ترکیب‌هایی از درآمد ملی و نرخ بهره است که:

الف) شرط $S=G$ را برآورده می‌سازد.

ج) شرط $S=I$ را برآورده می‌سازد.

ب) شرط $S=T$ را برآورده می‌سازد.

د) شرط $S=C$ را برآورده می‌سازد.

۲۳- منحنی IS، بیانگر ترکیب‌هایی از درآمد ملی و نرخ بهره است که:

الف) بخش پولی اقتصاد را به تعادل می‌رسانند.

ب) بخش تجارت خارجی اقتصاد را به تعادل می‌رسانند.

ج) کل اقتصاد را به تعادل می‌رسانند.

د) بخش کالایی اقتصاد را به تعادل می‌رسانند.

۲۴- منحنی LM بیانگر ترکیب‌هایی از درآمد ملی و نرخ بهره است که:

الف) بخش کالایی اقتصاد را به تعادل می‌رسانند.

ب) بخش پولی اقتصاد را به تعادل می‌رسانند.

ج) کل اقتصاد را به تعادل می‌رسانند.

د) تجارت خارجی را به تعادل می‌رسانند.

○ اگر تقاضای معاملاتی و احتیاطی پول $M^d = 0.3Y$ ، تقاضای سفته‌بازی پول $M^d = 52 - 150r$ و عرضه پول $M^s = 250$ باشد، به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۲۵- معادله LM، کدام یک از معادلات زیر می‌باشد؟

ج) $Y = 660 + 150r$

الف) $Y = 150 - 0.3r$

د) $Y = 52 + 0.3r$

ب) $Y = 660 + 500r$

۲۶- در کدام یک از ترکیبات درآمد ملی و نرخ بهره زیر، بازار پول در تعادل می‌باشد؟

ج) $r = 0.10, Y = 500$

الف) $r = 0.10, Y = 710$

د) موارد الف و ب

ب) $r = 0.20, Y = 1660$

۲۷- اگر مردم ۲۰ درصد از درآمد ملی را برای امور معاملاتی و احتیاطی به صورت نقد نگه‌داری کنند

و ضریب نرخ بهره در تابع تقاضای سفته‌بازی نیز ۲۰۰- باشد، آنگاه شیب منحنی LM برابر است با:

(الف) ۱۰۰۰ (ب) ۰/۰۰۱ (ج) -۲۰۰ (د) ۰/۲

۲۸- اگر تقاضای معاملاتی و احتیاطی پول $M^p = 0/25Y$ ، تقاضای سفته‌بازی پول $M_r = 124 - 200r$ و عرضه پول $M^s = 300$ باشد، معادله LM کدام است؟

(الف) $Y = 704 + 800r$ (ج) $Y = 704 - 800r$
 (ب) $Y = 800 + 704r$ (د) $Y = 704 + 200r$

۲۹- اگر در مسأله بالا، عرضه پول به ۴۰۰ افزایش یابد، معادله LM به چه صورت در می‌آید؟

(الف) $Y = 804 + 800r$ (ج) $Y = 704 + 1200r$
 (ب) $Y = 1104 + 800r$ (د) $Y = 704 + 400r$

۳۰- اگر تقاضای سفته‌بازی در مسأله ۲۸ به صورت $M_r = 124 - 400r$ تغییر پیدا کند و بقیه اجزای بازار پول هیچ تغییری نکند معادله LM به چه صورت تبدیل می‌شود؟

(الف) $Y = 704 + 1600r$ (ج) $Y = 704 - 1600r$
 (ب) $Y = 704 + 800r$ (د) $Y = 500 - 880r$

۳۱- اگر نسبت تقاضای معاملاتی و احتیاطی به درآمد ملی در مسأله ۲۸ از ۰/۲۵ به ۰/۵ افزایش پیدا کند، معادله LM جدید را به دست آورید.

(الف) $Y = 200 + 400r$ (ج) $Y = 352 - 400r$
 (ب) $Y = 352 + 400r$ (د) $Y = 800 + 400r$

۳۲- کدام یک از موارد زیر، بر شیب منحنی LM اثر می‌گذارد؟
 الف) عرضه پول

ب) حساسیت تقاضای سفته‌بازی پول نسبت به نرخ بهره

ج) ضریب تقاضای معاملاتی پول نسبت به درآمد

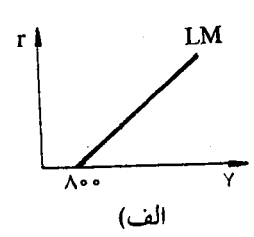
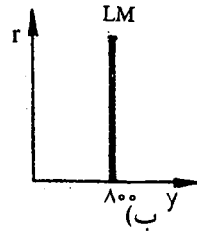
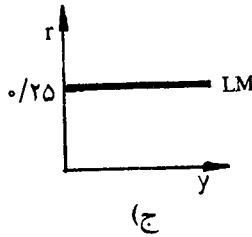
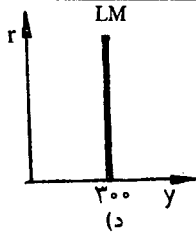
د) موارد ب و ج صحیح است.

۳۳- فرض کنید تابع تقاضای معاملاتی پول به سمت بالا جابه‌جا شود، در این صورت،

الف) منحنی IS به سمت چپ می‌رود. (ج) منحنی LM به سمت راست می‌رود.

ب) منحنی LM به سمت چپ می‌رود. (د) منحنی IS به سمت راست می‌رود.

۳۴- در نظر بگیرید که تقاضای سفته‌بازی پول به صورت $M_r = 100$ تقاضای معاملاتی پول به صورت $M_y = 0/25Y$ و عرضه پول برابر ۳۰۰ واحد باشد، آنگاه منحنی LM به کدام یک از حالات صفحه بعد، خواهد بود؟



۳۵- فرض کنید قیمت‌ها کاهش یابد، در این صورت،

الف) منحنی LM به سمت راست جابه‌جا می‌شود. (ج) تقاضا در امتداد LM بالا می‌رود.

ب) منحنی LM به سمت چپ جابه‌جا می‌شود. (د) منحنی LM ثابت می‌ماند.

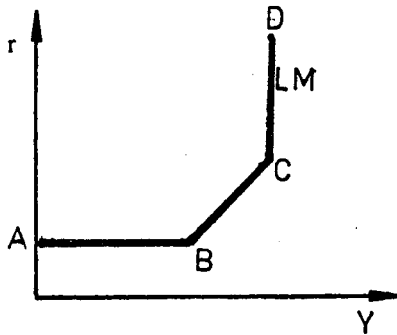
۳۶- اگر معادله LM به صورت $Y = 704 + 800r$ و ضریب تکاثری پول نیز ۴ باشد، در صورتی که بانک مرکزی به اندازه ۵ واحد اوراق قرضه دولتی را خریداری کند، و مردم ۲۵ درصد از درآمد خود را برای امور معاملاتی و احتیاطی به صورت نقد نگهداری کنند، معادله LM به کدام یک از حالات زیر تبدیل خواهد شد؟

$$Y = 684 + 800r \quad (\text{ج})$$

$$Y = 784 + 820r \quad (\text{د})$$

$$Y = 704 + 805r \quad (\text{الف})$$

$$Y = 784 + 800r \quad (\text{ب})$$



○ با توجه به شکل LM روبرو،
به ۳ سؤال بعد پاسخ دهید:

۳۷- افزایش در عرضه پول،

الف) قسمت AB را کوتاه‌تر می‌کند.

ب) قسمت AB را تغییر نمی‌دهد.

ج) قسمت AB را طولانی‌تر می‌کند.

د) قسمت AB را به بالا انتقال می‌دهد.

۳۸- اگر بانک مرکزی نرخ تنزیل مجدد را افزایش دهد، آنگاه؛

الف) قسمت CD به سمت راست جابه‌جا می‌شود.

ب) قسمت CD به سمت چپ جابه‌جا می‌شود.

ج) قسمت CD تغییر نمی‌کند.

د) قسمت CD به سمت راست چرخش می‌کند.

۳۹- اگر رجحان نقدینگی مردم افزایش یابد، آنگاه:

الف) قسمت CD به چپ می‌رود.

ب) قسمت CD به راست می‌رود.

(ج) قسمت BC پر شیب تر می شود.

(د) قسمت AB به راست می رود.

۴۰ - منحنی LM،

(الف) شیب مثبت دارد.

(ب) ترکیبات مختلف نرخ بهره و درآمد حقیقی را نشان می دهد که عرضه و تقاضای پول برابرند.

(ج) تعادل بازار پول را بررسی می کند، نه تعادل بازار کالا را.

(د) همه موارد بالا صحیح است.

۴۱ - منحنی LM نشان می دهد که هنگام افزایش درآمد حقیقی،

(الف) نرخ بهره بالاتری برای تعادل بازار پول لازم است.

(ب) نرخ بهره پایین تری برای تعادل بازار پول لازم است.

(ج) منحنی باید به سمت راست انتقال پیدا کند.

(د) عرضه پول باید افزایش یابد.

۴۲ - افزایش عرضه پول،

(الف) باعث حرکت به پایین، روی منحنی LM می شود.

(ب) باعث حرکت به بالا، روی منحنی LM می شود.

(ج) منحنی LM را به سمت چپ منتقل می کند.

(د) منحنی LM را به سمت راست منتقل می کند.

۴۳ - منحنی LM به سمت راست منتقل می شود موقعی که

(الف) عرضه پول یا سطح قیمت ها افزایش پیدا کند.

(ب) عرضه پول افزایش یا سطح قیمت ها کاهش پیدا کند.

(ج) عرضه پول کاهش یا سطح قیمت ها افزایش پیدا کند.

(د) عرضه پول کاهش یا سطح قیمت ها کاهش پیدا کند.

۴۴ - قسمت کاملاً پرکشش یک منحنی LM نشان دهنده

(الف) نرخ بهره مربوط به دام نقدینگی است.

(ب) فقدان تقاضای سفته بازی برای پول در نرخهای بهره بالاتر است.

(ج) ناحیه کینزی منحنی LM است.

(د) الف و ج صحیح است.

۴۵ - یک نقطه در سمت راست منحنی LM بیانگر است.

(د) $M^s < M^d$

(ج) $S < I$

(ب) $M^s > M^d$

(الف) $S > I$

۴۶ - یک نقطه که در سمت چپ منحنی IS و LM واقع شده باشد بیانگر است.

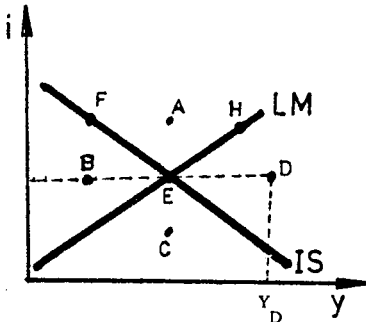
(ج) افزونی تزریق نسبت به نشت
(د) موارد الف و ج صحیح است.

الف) اضافه عرضه پول
ب) اضافه تقاضای پول

۴۷- هر نقطه در سمت راست IS بیانگر آن است که،

الف) در بازار پول، عرضه بزرگ‌تر از تقاضاست.
ب) در بازار کالا، عرضه بزرگ‌تر از تقاضاست.
ج) در بازار پول، تقاضا بزرگ‌تر از عرضه است.
د) در بازار کالا، تقاضا بزرگ‌تر از عرضه است.

○ با توجه به شکل زیر، به ۷ سؤال بعد پاسخ دهید:



۴۸- در نقطه A:

ج) $Y^d > Y^s$ و $M^d > M^s$ است.
د) $Y^d < Y^s$ و $M^d > M^s$ است.

الف) $Y^d < Y^s$ و $M^d < M^s$ است.
ب) $Y^d > Y^s$ و $M^d < M^s$ است.

۴۹- در نقطه B:

الف) اضافه عرضه در بازار پول و بازار کالا وجود دارد.
ب) اضافه عرضه در بازار پول و اضافه تقاضا در بازار کالا وجود دارد.
ج) در هر دو بخش اقتصاد، اضافه تقاضا وجود دارد.
د) نمی‌توان معلوم کرد که بازارها در چه وضعیتی قرار دارند.

۵۰- وقتی در هر دو بازار پول و کالا، اضافه تقاضا وجود دارد، در چه نقطه‌ای هستیم؟

الف) D ب) H ج) B د) C

۵۱- نقطه D بیانگر آن است که در سطح درآمد Y_D نرخ بهره،

الف) در بازار پول، کم‌تر از حد تعادل و در بازار کالا، بیش‌تر از حد تعادل است.
ب) در هر دو بازار بیش‌تر از حد تعادل است.
ج) برابر با نرخ بهره تعادلی است.
د) در بازار پول بیش‌تر از حد تعادل و در بازار کالا کم‌تر از حد تعادل است.

۵۲- وقتی هر دو بازار پول و کالا در تعادل قرار دارند، اقتصاد در وضعیت است.

الف) D ب) E ج) B د) F

۵۳- وقتی اقتصاد در نقطه H قرار دارد، مکانیسم عرضه و تقاضا برای رسیدن به تعادل سراسری،

اقتصاد را ابتدا،

- الف) روی منحنی LM به سوی E حرکت می‌دهد.
 ب) به سوی نقطه‌ای مانند A حرکت می‌دهد.
 ج) به سوی نقطه‌ای مانند D حرکت می‌دهد.
 د) نمی‌توان معلوم کرد که حرکت به چه سویی است.

۵۴- وقتی اقتصاد در نقطه‌ای مانند F قرار دارد برای بر هم نخوردن تعادل بازار کالا و دست‌یابی به تعادل عمومی و تسریع آن دولت چه سیاستی باید به کار برد؟

- الف) انبساطی پولی ب) انبساطی مالی ج) انقباضی پولی د) انقباضی مالی

○ روابط زیر را در نظر بگیرید و به ۵ سؤال بعد پاسخ دهید: (ارقام به میلیون ریال)

$$I = 200 - 400r$$

سرمايه گذاري r

$$M^s = 180$$

عرضه پول

$$My = 0.25Y$$

تقاضای معاملاتی پول Y

$$C = 150 + 0.5Y$$

مصرف

$$Mr = 50 - 100r$$

تقاضای سفته‌بازی پول r

۵۵- درآمد ملی و نرخ بهره تعادلی به ترتیب برابرند با:

- الف) ۵۰۰ و ۱۵/۰ ب) ۵۸۰ و ۱۵/۰
 ج) ۵۸۰ و ۱۵/۰ د) ۸۰۰ و ۱۵/۰

۵۶- مصرف و سرمايه گذاري تعادلی برابر است با:

- الف) ۱۴۰ و ۱۴۰ ب) ۴۴۰ و ۱۴۰
 ج) ۲۴۰ و ۱۰۰ د) ۴۴۰- و ۱۴۰-

۵۷- اگر عرضه پول ۲۰ واحد افزایش یابد،

الف) منحنی‌های IS و LM تغییری نمی‌کنند.

- ب) هر دو منحنی به اندازه ۶۴/۴۴ واحد به راست می‌روند.
 ج) منحنی IS به اندازه ۶۴/۴۴ واحد به راست منتقل می‌شود.
 د) منحنی LM به اندازه ۸۰ واحد به راست منتقل می‌شود.

۵۸- فرض کنید سرمايه گذاري مستقل ۳۰ واحد کاهش یابد، جهت و مقدار جابه‌جایی IS و LM را

مشخص کنید؟

الف) IS و LM ثابت می‌مانند.

ب) LM ثابت می‌ماند و IS به اندازه ۶۰ واحد به راست می‌رود.

ج) LM ثابت می‌ماند و IS به اندازه ۶۰ واحد به چپ می‌رود.

د) LM به راست و IS به چپ می‌رود.

۵۹- با توجه به سؤال پیشین، درآمد ملی و مصرف ملی تعادلی به ترتیب برابرند با:

- الف) ۵۶۰ و ۴۳۰
 ب) ۵۹۰ و ۴۲۰
 ج) ۵۶۰ و ۴۵۰
 د) ۵۹۰ و ۴۵۰

۶۰- اگر بانک مرکزی اوراق قرضه دولتی را به مردم بفروشد، آنگاه:
 الف) تقاضای کل و LM به سمت چپ می‌روند.
 ب) تقاضای کل و LM به سمت راست می‌روند.
 ج) تقاضای کل و IS به سمت راست می‌روند.
 د) هر سه مورد صحیح است.

۶۱- فرض کنید اقتصاد در دام نقدینگی قرار دارد و ضریب تکاثری هزینه‌های دولت ۲ باشد، اگر دولت هزینه‌های خود را ۱۰ واحد کاهش دهد آنگاه درآمد ملی تعادلی،

- الف) ۲ واحد کاهش می‌یابد.
 ب) ۱۰ واحد کاهش می‌یابد.
 ج) ۲۰ واحد کاهش می‌یابد.
 د) ۱۲ واحد کاهش می‌یابد.

۶۲- اگر مالیاتها و مخارج دولت به یک اندازه کاهش یابند،

- الف) منحنی IS به سمت راست می‌رود و نرخ بهره کاهش می‌یابد.
 ب) منحنی IS به سمت چپ می‌رود و نرخ بهره و درآمد کاهش می‌یابد.
 ج) منحنی LM به سمت چپ می‌رود و نرخ بهره و درآمد کاهش می‌یابد.
 د) منحنی LM به سمت چپ می‌رود و نرخ بهره و درآمد افزایش می‌یابد.

○ با توجه به روابط اقتصادی کلان یک کشور فرضی که در زیر آمده است، به ۴ سؤال بعد پاسخ دهید:

$$C = 89 + 0.6Y$$

$$I = 120 - 150r$$

$$M^s = 275$$

$$M_y = 0.1Y$$

$$M_r = 240 - 250r$$

۶۳- درآمد ملی تعادلی برابر است با:

- الف) ۱۲۰ واحد ب) ۲۰۰ واحد
 ج) ۲۷۵ واحد د) ۵۰۰ واحد

۶۴- نرخ بهره تعادلی برابر است با:

- الف) ۶٪ ب) ۴٪ ج) ۲٪ د) ۱٪

۶۵- اگر سرمایه‌گذاری مستقل به ۹۷ واحد کاهش یابد، درآمد ملی تعادلی چه مقدار تغییر می‌یابد؟

- الف) ۵۰ واحد ب) ۵۰- واحد ج) ۸۰- واحد د) ۲۳ واحد

۶۶- پس از کاهش سرمایه‌گذاری مستقل، نرخ بهره تعادلی برابر است با:

- الف) ۱۰٪ ب) ۹٪ ج) ۶٪ د) ۴٪

۶۷- افزایش عرضه پول در اقتصاد، موجب انتقال

- الف) منحنی LM به سمت راست می شود.
 ب) منحنی LM به سمت چپ می شود.
 ج) منحنی IS به سمت راست می شود.
 د) منحنی IS به سمت چپ می شود.

۶۸- افزایش نسبت ذخیره قانونی بانک‌های تجاری توسط بانک مرکزی باعث انتقال

- الف) منحنی IS به سمت راست می شود.
 ب) منحنی IS به سمت چپ می شود.
 ج) منحنی LM به سمت راست می شود.
 د) منحنی LM به سمت چپ می شود.

۶۹- اگر مخارج حقیقی دولت افزایش یابد و بقیه عوامل ثابت باشند،

- الف) IS به سمت چپ منتقل می شود، نرخ بهره و GNP حقیقی کاهش می یابد.
 ب) IS به سمت راست منتقل می شود، نرخ بهره و GNP حقیقی افزایش می یابد.
 ج) IS به سمت چپ منتقل می شود، نرخ بهره و GNP حقیقی افزایش می یابد.
 د) LM به سمت چپ منتقل می شود و درآمد حقیقی افزایش می یابد.

۷۰- مدل IS - LM :

- الف) نشان می دهد که چگونه عرضه پول زیاد می شود.
 ب) نشان می دهد چگونه سطح قیمت‌ها افزایش می یابد.
 ج) نشان می دهد که پدیده جایگزینی (برون رانی) بین سرمایه گذاری بخش دولت و بخش خصوصی رخ نمی دهد.
 د) پدیده جایگزینی (یا برون رانی) را نیز در نظر می گیرد.

۷۱- اگر دیدگاه کلاسیک‌ها مبنی بر عدم وجود تقاضای سفته بازی برای پول را بپذیریم، منحنی LM،

- الف) افقی می شود.
 ب) عمودی می شود.
 ج) شیب مثبت دارد.
 د) شیب منفی دارد.

۷۲- اگر اقتصاد در دام نقدینگی (تله نقدینگی) باشد برای افزایش درآمد ملی، کدام یک از

سیاست‌های زیر بیش تر مؤثر است؟

- الف) سیاست‌های پولی
 ب) سیاست‌های مالی
 ج) هر دو سیاست پولی و مالی
 د) نمی توان تعیین کرد.

۷۳- اگر سرمایه گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره، کاملاً بی کشش باشد،

- الف) سیاست پولی مؤثر نیست.
 ب) سیاست مالی مؤثر نیست.
 ج) سیاست پولی مؤثر است.
 د) موارد ب و ج صحیح است.

۷۴- در کدام یک از وضعیت‌های زیر موفقیت سیاست مالی بیش تر است؟

- الف) قدر مطلق شیب منحنی IS زیاد باشد.
 ج) شیب منحنی LM زیاد باشد.

(ب) شیب منحنی LM کم باشد. (د) الف و ب صحیح است.

۷۵- وقتی تقاضای سفته‌بازی پول به صورت افقی باشد،

الف) اقتصاد در دام نقدینگی است.

ب) منحنی LM افقی است.

ج) سیاست پولی، اثری بر سطح درآمد ملی تعادلی ندارد.

د) همهٔ موارد بالا

۷۶- در کدام یک از وضعیت‌های زیر موفقیت سیاست پولی زیاد است؟

الف) قدر مطلق شیب IS کم و شیب LM زیاد باشد.

ب) شیب LM کم و قدر مطلق شیب IS زیاد باشد.

ج) شیب IS و LM کم باشد.

د) شیب IS و LM زیاد باشد.

۷۷- منحنی IS بیانگر نقاط

الف) تعادل در بازار کالا می‌باشد.

ج) برابری نشت و تزریق می‌باشد.

ب) تعادل در بازار پول می‌باشد.

د) الف و ج صحیح است.

۷۸- افزایش مالیات، باعث انتقال منحنی

الف) IS به سمت راست می‌شود.

ج) LM به سمت راست می‌شود.

ب) IS به سمت چپ می‌شود.

د) LM به سمت چپ می‌شود.

۷۹- اگر در یک اقتصاد دویبخشی، میل نهایی به پس‌انداز $\frac{1}{2}$ باشد، ۱۰ واحد افزایش در مصرف

مستقل یا سرمایه‌گذاری مستقل، منحنی IS را،

الف) ۱۰ واحد به سمت راست منتقل می‌کند. ج) ۵۰ واحد به سمت راست منتقل می‌کند.

ب) ۱۰ واحد به سمت چپ منتقل می‌کند. د) ۵۰ واحد به سمت چپ منتقل می‌کند.

۸۰- در یک مدل سه‌بخشی که مالیات تابعی از درآمد نمی‌باشد، افزایش همزمان ۵۰ واحد در مالیاتها

و مخارج دولتی، موجب

الف) انتقال IS به اندازهٔ ۵۰ واحد به سمت راست می‌شود.

ب) هیچ تغییری در IS نمی‌شود.

ج) انتقال LM به اندازهٔ ۵۰ واحد به سمت چپ می‌شود.

د) تغییر خاصی در IS و LM نمی‌شود.

۸۱- موقعی گفته می‌شود بازار پول در تعادل است که:

الف) منحنی LM جابه‌جایی شود. ج) منحنی IS حتماً منحنی LM را قطع کند.

ب) عرضه پول و تقاضای پول برابر باشند. د) هیچ‌کدام

○ با فرض این که منحنی IS دارای شیب منفی و LM دارای شیب مثبت باشد به ۷ سؤال زیر پاسخ دهید.

- ۸۲- سیاست مالی انبساطی باعث می شود که نرخ بهره و درآمد ملی تعادلی،
 الف) افزایش یابند.
 ب) کاهش یابند.
 ج) نرخ بهره کاهش و درآمد ملی افزایش یابد.
 د) نرخ بهره افزایش و درآمد ملی کاهش یابد.
- ۸۳- سیاست پولی انقباضی باعث می شود که نرخ بهره و درآمد ملی تعادلی،
 الف) افزایش یابند.
 ب) کاهش یابند.
 ج) به ترتیب، افزایش و کاهش یابند.
 د) به ترتیب، کاهش و افزایش یابند.
- ۸۴- اجرای همزمان سیاست پولی و مالی انبساطی باعث می شود که:
 الف) نرخ بهره و درآمد ملی تعادلی، افزایش یابند.
 ب) نرخ بهره و درآمد ملی تعادلی، کاهش یابند.
 ج) نرخ بهره افزایش و درآمد ملی، کاهش یابد.
 د) درآمد ملی افزایش یابد، ولی نرخ بهره بستگی به شدت هر سیاست دارد.
- ۸۵- اجرای سیاست مالی انبساطی و سیاست پولی انقباضی باعث می شود که:
 الف) نرخ بهره تعادلی افزایش و درآمد ملی تعادلی، کاهش یابد.
 ب) نرخ بهره تعادلی کاهش و درآمد ملی تعادلی، افزایش یابد.
 ج) نرخ بهره تعادلی افزایش یابد ولی درآمد ملی تعادلی، نامشخص است.
 د) درآمد ملی تعادلی کاهش یابد، ولی نرخ بهره تعادلی بستگی به قدرت سیاست ها دارد.
- ۸۶- اگر دولت مخارج خود را افزایش دهد، نرخ بهره و درآمد ملی تعادلی،
 الف) افزایش می یابند.
 ب) کاهش می یابند.
 ج) نرخ بهره افزایش ولی درآمد ملی، نامعلوم است.
 د) نرخ بهره نامعلوم است ولی درآمد ملی، افزایش می یابد.
- ۸۷- اگر دولت به طور همزمان، مخارج و مالیاتها را به یک اندازه افزایش دهد، نرخ بهره و درآمد ملی تعادلی،
 الف) افزایش می یابند.
 ب) کاهش می یابند.
 ج) نرخ بهره افزایش ولی درآمد ملی، کاهش می یابد.
 د) نرخ بهره کاهش ولی درآمد ملی، افزایش می یابد.

۸۸- اگر سرمایه‌گذاری افزایش ولی حجم پول کاهش یابد، نرخ بهره و درآمد ملی تعادلی،
الف) افزایش می‌یابد.

ب) نرخ بهره افزایش ولی درآمد ملی، کاهش می‌یابد.

ج) نرخ بهره کاهش ولی درآمد ملی، افزایش می‌یابد.

د) نرخ بهره افزایش می‌یابد ولی درآمد ملی، نامشخص است.

۸۹- اثر جایگزینی (برون رانی) وجود دارد به این علت که افزایش در مخارج مستقل ممکن است،

الف) نرخ بهره را پایین آورد.

ج) ضریب تکاثر را افزایش دهد.

ب) MPC را افزایش دهد.

د) نرخ بهره را افزایش دهد.

۹۰- موقعی که مخارج مستقل افزایش می‌یابد، تابع مخارج کل برنامه‌ریزی شده (در مدل تعیین درآمد

ملی) ممکن است کم‌تر از افزایش مخارج مستقل به سمت بالا انتقال پیدا کند، این امر به دلیل:

الف) کاهش در عرضه پول است.

ج) سفته‌بازی در بازار سهام است.

ب) اثر برون‌رانی (جایگزینی) است.

د) کاهش قیمت‌هاست.

۹۱- پدیده جایگزینی یا برون‌رانی (Crowding out)، به این دلیل اتفاق می‌افتد که:

الف) افزایش مخارج مستقل باعث افزایش نرخ بهره و دیگر عوامل محدود‌کننده سرمایه‌گذاری می‌شود.

ب) افزایش در GNP حقیقی، تقاضای پول را افزایش می‌دهد.

ج) سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در اخذ وام سرمایه‌گذاری با دولت در رقابت قرار می‌گیرند.

د) همه موارد بالا صحیح است.

۹۲- در رسم منحنی تقاضای کل، همه موارد ثابت نگه‌داشته می‌شود به جز

الف) عرضه پول

ج) سطح قیمت‌ها

د) مخارج حقیقی دولت

ب) نرخ مالیات

۹۳- اگر مخارج دولت افزایش یابد و آن را با چاپ پول تأمین کند آنگاه:

الف) منحنی IS به راست می‌رود.

ج) منحنی تقاضای کل به راست می‌رود.

ب) منحنی LM به راست می‌رود.

د) هر سه مورد

۹۴- اگر مصرف‌کنندگان تصمیم بگیرند که در سطح درآمد جاری، بیش‌تر پس‌انداز کنند،

الف) LM و IS به راست می‌روند.

ج) IS و AD به راست می‌روند.

ب) IS و AD (تقاضای کل) به چپ می‌روند.

د) LM و AD به سمت راست می‌روند.

۹۵- اگر در بخش واقعی اقتصاد، تقاضا بزرگ‌تر از عرضه باشد، نشانگر آن است که اقتصاد،

الف) در سمت چپ LM قرار دارد.

ج) در سمت چپ IS قرار دارد.

ب) در سمت راست LM قرار دارد.

د) در سمت راست IS قرار دارد.

۹۶- اگر دولت، بودجه خود را افزایش دهد و آن را از طریق فروش اوراق قرضه به بانک مرکزی

تأمین کند،

- الف) منحنی IS به راست می‌رود.
 ب) درآمد ملی تعادلی افزایش می‌یابد.
 ج) منحنی LM به راست می‌رود.
 د) هر سه مورد

○ بازار پول و کالای (بخش پولی و بخش واقعی) یک اقتصاد بدون تجارت خارجی به صورت زیر است. باتوجه به این اقتصاد فرضی به ۴ سؤال بعدی پاسخ دهید: (ارقام به میلیارد ریال)

$$C = 30 + 0.8Y_d \quad Y_D = Y - T \quad \frac{M^s}{P} = 100 \quad \frac{M^d}{P} = 0.2 - 16r$$

$$G = 40 \quad T = 20 \quad I = 50 + 0.1Y - 100r$$

۹۷- کدام یک از روابط زیر، بیانگر معادله IS است؟

- الف) $Y = 1000 + 100r$
 ب) $Y = 100 + 140r$
 ج) $Y = 1040 + 1000r$
 د) $Y = 1040 - 1000r + M^s$

۹۸- کدام یک از روابط زیر، بیانگر معادله LM در اقتصاد یاد شده است؟

- الف) $Y = 500 - 100r$
 ب) $Y = 500 + 80r$
 ج) $Y = 500 + 80r + P$
 د) $Y = 100 - 500r$

۹۹- درآمد ملی تعادلی برابر است با:

- الف) ۵۴۰
 ب) ۵۴۰
 ج) ۵۰۰
 د) ۱۰۰۰

۱۰۰- نرخ بهره تعادلی اقتصاد یاد شده برابر است با:

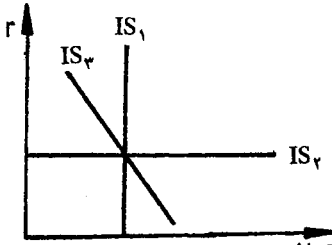
- الف) ۲۵
 ب) ۱
 ج) ۵/۰
 د) ۰/۰۲

۱۰۱- هرچه حساسیت (کشش) سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره بیشتر باشد،

- الف) منحنی IS عمودی تر می‌شود.
 ب) منحنی IS افقی تر می‌شود.
 ج) منحنی LM عمودی تر می‌شود.
 د) منحنی LM افقی تر می‌شود.

۱۰۲- در کدام مجموعه معادلات IS و LM زیر، سیاست مالی، بیشترین تأثیر را بر درآمد ملی تعادلی دارد؟

- الف) $0.25Y = 100 + 100r$, $0.25Y = 160 - 800r$
 ب) $Y = 400 + 400r$, $Y = 640 - 3200r$
 ج) $Y = 400 + 4000r$, $0.25Y = 160 - 500r$
 د) $0.25Y = 125 + 1000r$, $Y = 160 - 500r$



○ با توجه به شکل روبه‌رو، به دو سؤال بعد پاسخ دهید:

۱۰۳ - با کدام منحنی IS، سیاست مالی بیش‌ترین کارایی را دارد؟

- (الف) IS_1 (ب) IS_r (ج) IS_2 (د) IS_1, IS_2

۱۰۴ - با کدام منحنی IS، سیاست پولی بیش‌ترین کارایی را دارد؟

- (الف) IS_1 (ب) IS_r (ج) IS_2 (د) IS_1, IS_2

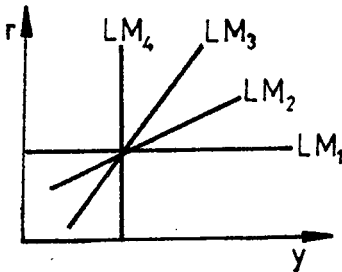
۱۰۵ - در کدام یک از معادلات IS و LM زیر، سیاست پولی بیش‌ترین تغییر را در درآمد ملی تعادلی، ایجاد می‌نماید؟

(الف) $Y = 400 + 400r$, $Y = 500 - 2000r$

(ب) $Y = 400 + 2000r$, $0.25Y = 160 - 800r$

(ج) $0.5Y = 200 + 100r$, $0.25Y = 160 - 800r$

(د) $0.25Y = 100 + 100r$, $0.5Y = 320 - 1600r$



○ با توجه به منحنی‌های LM شکل روبه‌رو، به ۶ سؤال بعد پاسخ دهید:

۱۰۶ - با کدام منحنی LM، سیاست پولی بیش‌ترین اثر را بر درآمد ملی تعادلی دارد؟

- (الف) LM_1 (ب) LM_2 (ج) LM_3 (د) LM_4

۱۰۷ - با کدام منحنی LM، سیاست پولی هیچ‌گونه اثری بر درآمد ملی تعادلی ندارد؟

- (الف) LM_1 (ب) LM_2 (ج) LM_3 (د) LM_4

۱۰۸ - با کدام منحنی LM، افزایش مخارج دولت، باعث کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به همان اندازه می‌شود؟

- (الف) LM_1 (ب) LM_2 (ج) LM_3 (د) LM_4

۱۰۹ - با کدام منحنی LM، سیاست مالی هیچ‌گونه اثری بر درآمد ملی نخواهد داشت؟

- (الف) LM_1 (ب) LM_2 (ج) LM_3 (د) LM_4

۱۱۰ - با کدام منحنی LM، اجرای سیاست مالی انبساطی، فقط باعث افزایش نرخ بهره می شود؟

الف) LM_1 (ب) LM_2 (ج) LM_3 (د) LM_4

۱۱۱ - در کدام منحنی، اجرای سیاست پولی انبساطی، نرخ بهره را تغییر نمی دهد؟

الف) LM_1 (ب) LM_2 (ج) LM_3 (د) LM_4

۱۱۲ - در مدل IS - LM در چه صورت، ضریب تکاثر مخارج دولت صفر است؟

الف) وقتی LM عمودی باشد. (ج) وقتی LM افقی باشد.
ب) وقتی IS عمودی باشد. (د) وقتی LM شیب مثبت داشته باشد.

۱۱۳ - در مدل IS - LM در چه صورت، ضریب تکاثر مخارج دولت برابر با $\frac{1}{1-b+bt}$ می باشد؟

الف) وقتی LM عمودی باشد. (ج) وقتی LM شیب مثبت داشته باشد.
ب) وقتی LM افقی باشد. (د) وقتی IS شیب منفی داشته باشد.

۱۱۴ - در مدل IS - LM، هنگامی که LM شیب مثبت دارد، ضریب تکاثر مخارج دولت،

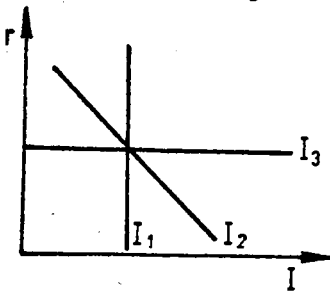
..... $\frac{1}{1-b+bt}$ می باشد.
الف) برابر با (ب) کوچک تر از (ج) بزرگ تر از (د) دو برابر

۱۱۵ - اگر قسمت زیاد افزایش عرضه پول به صورت پول بدون استفاده نگه داری شود، سیاست پولی،

الف) کاملاً مؤثر است. (ج) کاملاً بی اثر است.
ب) کم تر مؤثر است. (د) فقط نرخ بهره را افزایش می دهد.

۱۱۶ - در مدل IS - IM، در چه صورت، افزایش عرضه پول، درآمد ملی را به اندازه $\Delta M^s \left(\frac{1}{K}\right)$ افزایش

می دهد؟
الف) LM کاملاً افقی باشد. (ج) IS کاملاً افقی باشد.
ب) LM کاملاً عمودی باشد. (د) ب و ج



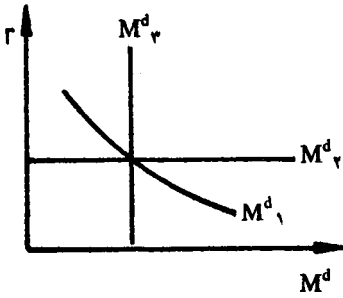
○ سه تابع سرمایه گذاری شکل روبرو را در نظر بگیرید و به دو سؤال بعد پاسخ دهید:

۱۱۷ - با کدام تابع، سیاست مالی بیشترین اثر را بر درآمد ملی تعادلی دارد؟

الف) I_1 (ب) I_2 (ج) I_3 (د) I_1 و I_2

۱۱۸ - با کدام تابع، سیاست پولی بیشترین اثر را بر درآمد ملی تعادلی دارد؟

الف) I_1 (ب) I_2 (ج) I_3 (د) I_1 و I_2



○ سه تابع تقاضای سفته بازی برای پول در شکل روبرو را در نظر بگیرید و به سه سؤال بعدی پاسخ دهید:

۱۱۹- با کدام تابع، سیاست مالی بیشترین کارایی را دارد؟

- (الف) M^d_1 (ب) M^d_2 (ج) M^d_3 (د) M^d_1 و M^d_2

۱۲۰- با کدام تابع، سیاست مالی انبساطی، فقط نرخ بهره را افزایش می‌دهد؟

- (الف) M^d_1 (ب) M^d_2 (ج) M^d_3 (د) M^d_1 و M^d_2

۱۲۱- با کدام تابع، جایگزینی یا برونرانی کامل (Full Crowding out) به وجود می‌آید؟

- (الف) M^d_1 (ب) M^d_2 (ج) M^d_3 (د) M^d_1 و M^d_2

۱۲۲- اگر تابع پس انداز، $S = -40 + 0.2Y$ و تابع سرمایه‌گذاری، $I = 55 - 200r$ باشد، تابع IS کدام

یک از توابع زیر می‌باشد؟

- (الف) $Y = 475 - 1000r$ (ج) $Y = 500 - 600r$
 (ب) $Y = 475 + 1000r$ (د) $Y = 400 - 200r$

۱۲۳- اگر تابع پس انداز، $S = -40 + 0.2Y_d$ ، تابع سرمایه‌گذاری، $I = 55 - 200r$ و $G = T = 20$ باشد،

تابع IS کدام یک از توابع زیر می‌باشد؟

- (الف) $Y = 475 - 1020r$ (ج) $Y = 495 - 1000r$
 (ب) $Y = 475 + 1020r$ (د) $Y = 495 + 1000r$

۱۲۴- اگر مالیات و مخارج دولتی به یک اندازه کاهش یابد، در مدل IS-LM،

- (الف) Y کاهش و I افزایش می‌یابد. (ج) Y و I کاهش می‌یابد.
 (ب) Y افزایش و I کاهش می‌یابد. (د) Y و I افزایش می‌یابد.

۱۲۵- در مدل IS-LM، افزایش مالیات باعث

- (الف) کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. (ج) باعث افزایش درآمد ملی می‌شود.
 (ب) افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود. (د) باعث افزایش نرخ بهره می‌شود.

۱۲۶- در مدل IS-LM، اگر عرضه پول کاهش یابد،

- (الف) سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. (ج) درآمد ملی افزایش می‌یابد.
 (ب) نرخ بهره کاهش می‌یابد. (د) ب و ج صحیح است.

۱۲۷ - اگر اقتصاد در عدم تعادل باشد، در چه صورت، تغییر قیمت باید زیاد باشد، تا به تعادل برسیم؟

- الف) LM به حالت افقی نزدیک باشد.
 ب) LM به حالت عمودی نزدیک باشد.
 ج) IS به حالت افقی نزدیک باشد.
 د) ب و ج

○ با توجه به روابط زیر به سه سؤال بعدی پاسخ دهید:

$$\begin{aligned} C &= 60 + 0.75Y_d & \frac{M_y}{P} &= 0.25Y \\ I &= 250 - 2000r & \frac{Mr}{P} &= 134 - 500r \\ G &= T = 24 & \frac{M^s}{P} &= 250 \end{aligned}$$

۱۲۸ - معادله IS برابر است با:

$$\begin{aligned} Y &= 464 + 2000r & \text{ج) } \\ Y &= 464 - 2000r & \text{د) } \end{aligned}$$

الف) $Y = 1264 + 8000r$

ب) $Y = 1264 - 8000r$

۱۲۹ - معادله LM برابر است با:

$$\begin{aligned} Y &= 464 + 2000r & \text{ج) } \\ Y &= 464 - 2000r & \text{د) } \end{aligned}$$

الف) $Y = 1264 + 8000r$

ب) $Y = 1264 - 8000r$

۱۳۰ - درآمد ملی تعادلی برابر است با:

۸۰۰ (د)

۶۲۴ (ج)

۱۲۶۴ (ب)

۴۶۴ (الف)



پاسخنامه فصل ۵

ج- ۱۰۵	ج- ۷۹	ب- ۵۳	ب- ۲۷	د- ۱
د- ۱۰۶	الف- ۸۰	ج- ۵۴	الف- ۲۸	ج- ۲
الف- ۲۰۷	د- ۸۱	ج- ۵۵	ب- ۲۹	ب- ۳
د- ۱۰۸	الف- ۸۲	ب- ۵۶	الف- ۳۰	د- ۴
د- ۱۰۹	ج- ۸۳	د- ۵۷	ب- ۳۱	الف- ۵
د- ۱۱۰	د- ۸۴	ج- ۵۸	د- ۳۲	ب- ۶
الف- ۱۱۱	ج- ۸۵	الف- ۵۹	ب- ۳۳	الف- ۷
الف- ۱۱۲	الف- ۸۶	الف- ۶۰	ب- ۳۴	الف- ۸
ب- ۱۱۳	الف- ۸۷	ج- ۶۱	الف- ۳۵	ج- ۹
ب- ۱۱۴	د- ۸۸	ب- ۶۲	ب- ۳۶	ج- ۱۰
ب- ۱۱۵	د- ۸۹	الف- ۶۳	ج- ۳۷	ب- ۱۱
د- ۱۱۶	ب- ۹۰	الف- ۶۴	ب- ۳۸	الف- ۱۲
الف- ۱۱۷	د- ۹۱	ب- ۶۵	ج- ۳۹	د- ۱۳
ج- ۱۱۸	ج- ۹۲	د- ۶۶	د- ۴۰	د- ۱۴
ب- ۱۱۹	د- ۹۳	الف- ۶۷	الف- ۴۱	ج- ۱۵
ج- ۱۲۰	ب- ۹۴	د- ۶۸	د- ۴۲	د- ۱۶
ج- ۱۲۱	ج- ۹۵	ب- ۶۹	ب- ۴۳	ب- ۱۷
الف- ۱۲۲	د- ۹۶	د- ۷۰	د- ۴۴	ج- ۱۸
ج- ۱۲۳	د- ۹۷	ب- ۷۱	د- ۴۵	ج- ۱۹
الف- ۱۲۴	ب- ۹۸	ب- ۷۲	د- ۴۶	الف- ۲۰
ب- ۱۲۵	ب- ۹۹	الف- ۷۳	ب- ۴۷	د- ۲۱
الف- ۱۲۶	ج- ۱۰۰	د- ۷۴	الف- ۴۸	ج- ۲۲
الف- ۱۲۷	ب- ۱۰۱	د- ۷۵	ب- ۴۹	د- ۲۳
ب- ۱۲۸	د- ۱۰۲	الف- ۷۶	د- ۵۰	ب- ۲۴
ج- ۱۲۹	الف- ۱۰۳	د- ۷۷	الف- ۵۱	ب- ۲۵
ج- ۱۳۰	ب- ۱۰۴	ب- ۷۸	ب- ۵۲	د- ۲۶

پاسخ‌های تشریحی فصل پنجم

تبادل همزمان بازارهای کالا و پول

۱-د. منحنی IS، مکان هندسی ترکیبات مختلف نرخ بهره و درآمد ملی است که بازار کالا در تعادل می‌باشد. به عبارت دیگر، در تمامی نقاط روی منحنی IS، شرط تعادل (عرضه کل مساوی تقاضای کل و یا نشت مساوی تزریق) در بازار کالا برقرار می‌باشد. به عنوان مثال در مدل دویبخشی، در همه نقاط روی منحنی IS، شرایط $I=S$ و $Y=C+I$ وجود دارد.

$$Y=C+I=48+0.8Y+98-0.75r \Rightarrow Y=730-375r \quad \text{ج-۲}$$

۲-ب. یک روش این است که با تغییر جزء مستقل مصرف، به شیوه پاسخ مسأله ۲، IS جدید را به دست آوریم. راه حل دیگر که سریع‌تر می‌باشد، به این صورت است: به طور کلی اگر مصرف مستقل، سرمایه‌گذاری مستقل، مخارج دولتی مستقل و صادرات مستقل، افزایش یابند، IS به سمت راست انتقال پیدا می‌کند که اندازه انتقال آن (به صورت افقی) برابر است با: مقدار تغییر، ضربدر ضریب تکاثر مربوطه. کاهش متغیرهای مربوطه، IS را به سمت چپ انتقال می‌دهد. در مورد متغیرهای نشتی (مالیات مستقل، واردات مستقل و ...) عکس متغیرهای تزریقی (سرمایه‌گذاری، مخارج دولتی و ...) می‌باشد. تغییر متغیرهای برونزا، IS را به شکل موازی انتقال می‌دهد و شیب IS تغییر نمی‌کند.

انتقال IS به دلیل تغییر در مصرف مستقل برابر است با:

$$\Delta a\left(\frac{1}{1-b}\right) = 10(5) = 50 \Rightarrow IS: Y=730+50-375r=780-375r$$

۴-د. به توضیحات پاسخ سؤال ۳ رجوع کنید.

$$\Delta I\left(\frac{1}{1-b}\right) = 20(5) = 100 \Rightarrow IS: Y=730+100-375r=830-375r$$

۵-الف. به طور کلی، تغییر ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، ضریب مالیات، میل نهایی به مصرف، میل نهایی به واردات و ... باعث تغییر شیب IS می‌شوند. هرچه ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره کم‌تر شود، IS نیز به حالت عمودی نزدیک‌تر می‌شود و هرچه ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره بیش‌تر شود، IS به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود. اگر سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره کاملاً بی‌کشش باشد (منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری کاملاً عمودی باشد)، IS نیز کاملاً عمودی است.

افزایش MPC، IS را افقی‌تر و کاهش MPC، IS را به حالت عمودی نزدیک‌تر می‌کند.

افزایش نرخ مالیات (t)، IS را به حالت عمودی و کاهش آن، IS را به حالت افقی نزدیک‌تر می‌کند.

اثر تغییر میل نهایی به واردات نیز، شبیه تغییر نرخ مالیات می‌باشد.

$$Y=C+I=48+0.8Y+98-85r=730-425r$$

۶-ب. افزایش نرخ بهره، باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود و در نتیجه، تقاضای کل (مخارج کلی برنامه‌ریزی شده) و درآمد ملی تعادلی کاهش می‌یابد. بنابراین در بازار کالا، نرخ بهره و درآمد ملی تعادلی رابطه معکوس با یکدیگر دارند.

۷-الف. در تمامی نقاط روی منحنی IS، شرط تعادل (نشت = تزریق) برقرار می‌باشد. در همه نقاط پایین منحنی

IS، تقاضای کل از عرضه کل بیش تر است و یا تزریق از نشت بیش تر می باشد و در نقاط بالای منحنی IS، عرضه کل بیش تر از تقاضای کل و یا نشت بیش تر از تزریق می باشد.

۸- الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۷ رجوع کنید.

۹- ج. به توضیحات پاسخ سؤال ۷ رجوع کنید.

۱۰- ج. به توضیحات پاسخ سؤال ۳ رجوع کنید.

۱۱- ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۵ رجوع کنید.

۱۲- الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۳ رجوع کنید.

$$\Delta Y = 3 \times 5 = 15$$

۱۳- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۵ رجوع کنید، چون با تغییر r ، سرمایه گذاری تغییر نمی کند؛ بنابراین تقاضای کل و درآمد ملی نیز تغییر نمی کنند.

۱۴- د. افزایش نرخ بهره، باعث افزایش مصرف و بنابراین تقاضای کل و درآمد ملی می شود؛ در نتیجه، رابطه مستقیمی بین درآمد ملی و نرخ بهره برقرار می شود و IS شیب مثبت خواهد یافت.

۱۵- ج. به توضیحات پاسخ سؤال ۷ رجوع کنید.

۱۶- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۷ رجوع کنید.

۱۷- ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۳ رجوع کنید.

$$C = a + bY_d \quad I = I_0 - ir \quad T = T_0 + tY \quad G = G_0 \quad \text{ج. ۱۸}$$

$$Y = C + I + G = a + b(Y - T_0 - tY) + I_0 - ir + G_0 \quad Y - bY + btY = a + I_0 - bT_0 - ir + G_0$$

$$Y = \frac{1}{1-b+bt}(a + I_0 - bT_0 - ir + G_0)$$

$$\text{شیب IS: } \frac{dr}{dY} = \frac{1-b+bt}{-i}$$

۱۹- ج. به شیوه پاسخ مسأله ۱۸، شیب IS برابر است با:

$$\frac{dr}{dY} = \frac{1-b}{-i} = \frac{1-0.8}{-1.00} = -/0.02$$

۲۰- الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۳ رجوع کنید.

۲۱- د. در تمام نقاط روی منحنی IS، شرط تعادل در بازار کالاها و خدمات برقرار می باشد. گزینه الف و ب، شرط تعادل در مدل سه بخشی را نشان می دهد.

۲۲- ج. در تمام نقاط روی منحنی IS، نشت و تزریق برابر می باشد. $S = I$ نیز برابری نشت و تزریق در مدل دو بخشی می باشد.

د. ۲۳

۲۴- ب. منحنی LM، مکان هندسی ترکیبات مختلف درآمد ملی و نرخ بهره می باشد، که بازار پول در تعادل است. در تمامی نقاط روی منحنی LM، عرضه پول و تقاضای پول با یکدیگر برابرند. در همه نقاط بالای (سمت چپ) منحنی LM، عرضه پول از تقاضای پول بیش تر است و در نقاط پایین (سمت راست) منحنی LM، تقاضای پول بیش تر از عرضه پول می باشد.

ب. ۲۵

$$M^s = M^d \Rightarrow 250 = 0 / 3Y + 52 - 150r \Rightarrow Y = 660 + 500r$$

۲۶- د. با قرار دادن مقادیر گزینه های الف و ب در معادله LM، مشخص می شود که روی منحنی LM قرار داریم؛

بنابراین، بازار پول در تعادل می‌باشد.

۲۷- ب. اگر تقاضای حقیقی معاملاتی و احتیاطی پول، $M_t = ky$ و تقاضای حقیقی سفته‌بازی $M = L_0 - Lr$ و عرضه حقیقی پول M^s باشد، شرط تعادل در بازار پول عبارت است از:

$$M^s = M^d \Rightarrow M_0^s = kY + L_0 - Lr \Rightarrow r = \frac{M_0^s - kY - L_0}{-L}$$

$$\text{شیب منحنی LM: } \frac{dr}{dy} = \frac{k}{L} = \frac{0/2}{200} = 0/001$$

۲۸- الف. با استفاده از شرط تعادل در بازار پول: $M^s = M^d$

$$3000 = 0/25Y + 124 - 200r \Rightarrow Y = 704 + 800r$$

۲۹- ب. اگر به شیوه مسأله بالا، عرضه پول را تغییر دهید و حل کنید، به جواب گزینه (ب) می‌رسید. راه دیگر این است که افزایش عرضه پول، منحنی LM را به طور موازی به سمت راست انتقال می‌دهد و کاهش عرضه پول، منحنی LM را به سمت چپ انتقال می‌دهد. مقدار انتقال برابر است با تغییر در عرضه پول ضربدر عکس ضریب تقاضای معاملاتی نسبت به درآمد ملی.

$$\Delta Y = \Delta M^s \times \left(\frac{1}{K}\right) = \frac{100}{0/25} = 400 \Rightarrow \text{LM: } Y = 1104 + 800r$$

$$M^d = M^s \Rightarrow 0/25Y + 124 - 400r = 3000 \Rightarrow Y = 704 + 1600r \quad \text{۳۰- الف.}$$

$$M^d = M^s \Rightarrow 0/5Y + 124 - 200r = 3000 \Rightarrow Y = 352 + 400r \quad \text{۳۱- ب.}$$

۳۲- د. شیب منحنی LM، برابر است با $\frac{K}{L}$ ، که K ضریب تقاضای معاملاتی و احتیاطی پول نسبت به درآمد ملی و L ضریب تقاضای سفته‌بازی نسبت به نرخ بهره می‌باشد.

۳۳- ب. از آن جا که به ازای هر سطح درآمد ملی، تقاضای پول بیش‌تر می‌شود، بنابراین نرخ بهره نیز افزایش می‌یابد. همچنین باتوجه به فرمول معادله LM در پاسخ سؤال ۲۷، اگر K افزایش یابد، عرض از مبدا منحنی LM نیز افزایش می‌یابد.

۳۴- ب. چون تقاضا برای پول تابعی از نرخ بهره نمی‌باشد؛ بنابراین LM کاملاً عمودی می‌شود.

۳۵- الف. کاهش سطح قیمت‌ها، باعث افزایش عرضه حقیقی پول می‌شود که آن نیز باعث انتقال منحنی LM به سمت راست می‌گردد.

۳۶- ب. حجم پول به اندازه $5 \times 4 = 20$ ، واحد افزایش می‌یابد، و منحنی LM به اندازه $20 \times \frac{1}{0/25} = 80$ ، واحد به سمت راست انتقال پیدا می‌کند.

۳۷- ج. افزایش عرضه پول، قسمت افقی منحنی LM را طولانی‌تر می‌کند و قسمت عمودی و شیب مثبت LM را به سمت راست انتقال می‌دهد.

۳۸- ب. افزایش نرخ تنزیل، باعث کاهش حجم پول می‌شود؛ بنابراین قسمت عمودی و شیب مثبت LM را به سمت چپ انتقال می‌دهد.

۳۹- ج. افزایش رجحان نقدینگی به این معنی است که افراد، در هر سطح نرخ بهره، تمایل بیش‌تری به نگهداری پول نقد دارند. بنابراین قدر مطلق ضریب نرخ بهره در تابع تقاضای پول، کاهش می‌یابد. پس، قسمت BC منحنی LM، به سمت چپ دوران می‌کند و پرشیب‌تر می‌شود، یعنی در هر سطح درآمد ملی، به علت تقاضای بیش‌تر برای پول، نرخ بهره افزایش می‌یابد.

۴۰-د. به توضیحات پاسخ سؤالهای ۲۴ و ۲۷ رجوع کنید.

۴۱-الف. از آن جا که شیب LM مثبت است، با افزایش در آمد ملی، برای رسیدن به تعادل در بازار پول، باید نرخ بهره نیز افزایش یابد. افزایش در آمد ملی، باعث افزایش تقاضای معاملاتی پول و در نتیجه باعث مازاد تقاضای پول می شود. برای از بین رفتن مازاد در بازار پول، باید نرخ بهره افزایش یابد تا تقاضای سفته بازی پول کاهش یابد و در نتیجه عرضه و تقاضای پول برابر شوند.

۴۲-د.

۴۳-ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۳۵ رجوع کنید.

۴۴-د. اگر تقاضای سفته بازی پول نسبت به نرخ بهره کاملاً با کشش باشد، منحنی LM نیز کاملاً افقی می شود که به ناحیه کینزی منحنی LM مشهور است.

۴۵-د. به توضیحات پاسخ سؤال ۲۴ رجوع کنید.

۴۶-د. به توضیحات پاسخ سؤالهای ۷ و ۲۴ رجوع کنید.

۴۷-ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۷ رجوع کنید.

۴۸-الف. به توضیحات پاسخ سؤالهای ۷ و ۲۴ رجوع کنید.

۴۹-ب. به توضیحات پاسخ سؤالهای ۷ و ۲۴ رجوع کنید.

۵۰-د. به توضیحات پاسخ سؤالهای ۷ و ۲۴ رجوع کنید.

۵۱-الف. هنگامی بازار کالا و پول در تعادل است که روی منحنی IS و LM قرار داشته باشیم. به ازای Y_D ، نرخ بهره تعادلی در بازار پول بالاتر و در بازار کالا پایین تر از نقطه D می باشد.

۵۲-ب. اگر در نقطه E قرار داشته باشیم، از آن جا که به طور همزمان روی منحنی IS و LM هستیم، در بازار پول و کالا، تعادل برقرار می باشد.

۵۳-ب. در نقطه H، بازار پول در تعادل است (زیرا روی منحنی LM قرار داریم) ولی در بالای منحنی IS قرار داریم، یعنی عرضه کل بیش تر از تقاضای کل می باشد، بنابراین در آمد ملی (Y) کاهش می یابد.

۵۴-ج. در نقطه F، با مازاد عرضه پول نسبت به تقاضای پول روبه رو می باشیم. اگر دولت عرضه پول را کاهش دهد، می تواند منحنی LM را از نقطه F عبور دهد و به تعادل عمومی بازار کالا و پول دست یابد.

۵۵-ج. می باید منحنی های IS و LM را به دست آورد و از تقاطع آنان، در آمد ملی و نرخ بهره تعادلی را محاسبه کرد:

$$IS: Y = C + I = 150 + 0.5Y + 200 - 400r \Rightarrow Y = 700 - 800r$$

$$LM: M^s = My + Mr \Rightarrow 180 = 0.25Y + 50 - 100r \Rightarrow Y = 520 + 400r$$

$$IS = LM \Rightarrow 700 - 800r = 520 + 400r \Rightarrow r = 0.15 \Rightarrow y = 580$$

$$Y = 580 \Rightarrow C = 150 + 0.5(580) = 440$$

۵۶-ب.

$$r = 0.15 \Rightarrow I = 200 - 400(0.15) = 140$$

۵۷-د. افزایش عرضه پول، منحنی LM را به اندازه ۸۰ ($\Delta M^s(\frac{1}{K}) = 20(\frac{1}{0.25}) = 80$) واحد به سمت راست انتقال می دهد.

۵۸-ج. تغییر سرمایه گذاری مستقل، باعث تغییر منحنی IS می شود و مقدار تغییر آن نیز برابر است با تغییر در سرمایه گذاری مستقل ضربدر ضریب تکاثر سرمایه گذاری.

$$\Delta Y = -30 \left(\frac{1}{1-b} \right) = -30 \left(\frac{1}{1-0.5} \right) = -60$$

$$IS=LM \Rightarrow 140 - 80 \cdot r = 520 + 400 \cdot r \Rightarrow r = 0/1 \Rightarrow Y = 560 \quad \text{الف-۵۹}$$

$$Y = 560 \Rightarrow C = 150 + 0/5(560) = 430$$

۶۰- الف. فروش اوراق قرضه، باعث کاهش حجم پول در جامعه می‌شود، بنابراین منحنی LM به سمت چپ انتقال پیدا می‌کند و در نتیجه تقاضای کل کاهش می‌یابد.

۶۱- ج. در وضعیت دام نقدینگی (LM افقی) سیاست مالی، حداکثر کارایی را دارد. تغییر در درآمد ملی برابر است با تغییر در هزینه‌های دولتی ضربدر ضریب تکاثر مربوطه $\Delta Y = 10 \times 2 = 20$

۶۲- ب. بر طبق اصل ضریب تکاثر بودجه متوازن، درآمد ملی و نرخ بهره کاهش می‌یابد.

الف-۶۳

$$IS: Y = C + I = 89 + 0/6Y + 120 - 150 \cdot r \Rightarrow Y = 522/5 - 375r$$

$$LM: M^s = My + Mr \Rightarrow 275 = 0/1Y + 240 - 250 \cdot r \Rightarrow Y = 350 + 250 \cdot r$$

$$IS=LM \Rightarrow 522/5 - 375r = 350 + 250 \cdot r \Rightarrow r = \frac{172/5}{2875} = 0/06 \Rightarrow Y = 500$$

۶۴- الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۶۳ رجوع کنید.

$$\Delta I = 23 \Rightarrow IS: Y = 465 - 375r$$

ب-۶۵

$$IS=LM \Rightarrow 465 - 375r = 350 + 250 \cdot r \Rightarrow r = \frac{115}{2875} = 0/04 \Rightarrow Y = 450$$

$$\Delta Y = -50$$

۶۶- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۶۵ رجوع کنید.

۶۷- الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۲۹ رجوع کنید.

۶۸- د. افزایش درصد ذخیره قانونی باعث کاهش حجم پول و در نتیجه، انتقال منحنی LM به سمت چپ می‌شود.

ب-۶۹

۷۰- د. پدیده جایگزینی یا برون‌رانی (Crowding out) به این معنی است که در مدل IS-LM به علت افزایش نرخ

بهره، اثر تغییر مخارج دولتی بر درآمد ملی به اندازه تغییر مخارج ضربدر ضریب تکاثر $[\Delta Y = \Delta G (\frac{1}{1-b})]$ نمی‌باشد؛ زیرا با افزایش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش می‌یابد و مقداری از اثر افزایش مخارج دولتی را خنثی می‌کند. اگر LM کاملاً عمودی باشد، جایگزینی کامل است به این معنی که به اندازه تغییر مخارج دولتی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در جهت مخالف تغییر می‌کند و بنابراین اثر تغییر مخارج دولتی بر درآمد ملی را خنثی می‌کند. اگر LM کاملاً افقی باشد، جایگزینی وجود ندارد؛ زیرا با تغییر مخارج دولتی، نرخ بهره تغییر نمی‌کند.

۷۱- ب. اگر تقاضای پول از نرخ بهره تبعیت نکند، LM کاملاً عمودی می‌شود که در مدل کلاسیک‌ها این فرض وجود دارد.

۷۲- ب. موفقیت و کارایی سیاست‌های پولی و مالی، بستگی به شیب منحنی‌های IS و LM دارد. هر چه LM

به حالت افقی و IS به حالت عمودی نزدیک‌تر باشد، موفقیت سیاست‌های مالی بیشتر است و هر چه LM به حالت عمودی و IS به حالت افقی نزدیک‌تر باشد، موفقیت سیاست‌های پولی بیشتر می‌باشد. در دام نقدینگی، LM افقی است؛ بنابراین سیاست مالی کارا می‌باشد و سیاست پولی هیچ‌گونه اثری بر درآمد ملی و نرخ بهره تعادلی نخواهد داشت.

- ۷۳- الف. اگر سرمایه‌گذاری تابعی از نرخ بهره نباشد، IS کاملاً عمودی می‌شود و در این حالت، سیاست پولی که LM را تغییر می‌دهد، اثری بر درآمد ملی ندارد و فقط نرخ بهره را تغییر می‌دهد.
- ۷۴- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۷۲ رجوع کنید.
- ۷۵- د. در این شرایط، LM کاملاً افقی می‌شود و سیاست پولی اثری بر وضعیت اقتصاد ندارد.
- ۷۶- الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۷۲ رجوع کنید.
- ۷۷- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۱ رجوع کنید.
- ۷۸- ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۳ رجوع کنید.
- ۷۹- ج. به توضیحات پاسخ سؤال ۳ رجوع کنید.
- ۸۰- الف. از آن جا که ضریب تکاثر بودجه متوازن یک است، IS به اندازه ۵۰ واحد به سمت راست انتقال پیدا می‌کند.
- ۸۱- د. تعادل در بازار پول، هنگامی است که عرضه و تقاضای حقیقی پول برابر باشد یا روی منحنی LM قرار داشته باشیم.
- ۸۲- الف. IS به سمت راست انتقال پیدا می‌کند؛ بنابراین درآمد ملی و نرخ بهره تعادلی افزایش می‌یابد.
- ۸۳- ج. LM به سمت چپ انتقال می‌یابد؛ بنابراین نرخ بهره تعادلی افزایش و درآمد ملی تعادلی کاهش می‌یابد.
- ۸۴- د. IS و LM به سمت راست انتقال پیدا می‌کنند؛ بنابراین درآمد ملی افزایش می‌یابد ولی تغییر در نرخ بهره بستگی به شدت سیاست‌های پولی و مالی دارد.
- ۸۵- ج. IS به سمت راست و LM به سمت چپ انتقال پیدا می‌کند؛ بنابراین نرخ بهره تعادلی حتماً افزایش می‌یابد ولی تغییر در درآمد ملی بستگی به مقدار انتقال IS و LM دارد.
- ۸۶- الف. IS به سمت راست انتقال پیدا می‌کند؛ بنابراین درآمد ملی و نرخ بهره تعادلی افزایش می‌یابد.
- ۸۷- الف. با توجه به اصل ضریب تکاثر بودجه متوازن، IS به سمت راست انتقال پیدا می‌کند؛ بنابراین درآمد ملی و نرخ بهره تعادلی افزایش می‌یابد.
- ۸۸- د. IS به سمت راست و LM به سمت چپ انتقال پیدا می‌کند؛ بنابراین نرخ بهره افزایش می‌یابد ولی تغییر در درآمد ملی بستگی به مقدار انتقال IS و LM دارد.
- ۸۹- د. به توضیحات پاسخ سؤال ۷۰ رجوع کنید.
- ۹۰- ب.
- ۹۱- د.
- ۹۲- ج. منحنی تقاضای کل (AD)، منحنی‌ای است که رابطه بین سطح قیمت‌ها و درآمد ملی تعادلی (تقاضای کل) را نشان می‌دهد. منحنی تقاضای کل را از منحنی‌های IS و LM استخراج می‌کنند. با تغییر قیمت، عرضه حقیقی پول تغییر می‌کند، در نتیجه LM تغییر کرده و درآمد ملی تعادلی (تقاضای کل) نیز تغییر می‌کند.
- ۹۳- د. IS و LM تغییر می‌کنند و منحنی تقاضای کل نیز که از آنها به دست می‌آید، تغییر می‌کند.
- ۹۴- ب. افزایش پس‌انداز، IS را به سمت چپ انتقال می‌دهد و در نتیجه منحنی تقاضای کل نیز به سمت چپ انتقال می‌یابد.
- ۹۵- ج. به توضیحات پاسخ سؤال ۷ رجوع کنید.
- ۹۶- د.

$$IS: Y = C + I + G = 30 + 0.8(Y - 20) + 50 + 0.1Y - 100r + 40 \quad ۹۷-د.$$

$$\Rightarrow Y - 0.8Y - 0.1Y = 105 - 100r \Rightarrow Y = 1040 - 1000r$$

$$LM: M^s = M^d \Rightarrow 100 = 0.2Y - 16r \Rightarrow Y = 500 + 80r \quad ۹۸-ب.$$

$$IS = LM \Rightarrow 1040 - 1000r = 500 + 80r \Rightarrow r = 0.5 \Rightarrow Y = 540 \quad ۹۹-ب.$$

۱۰۰-ج. به توضیحات پاسخ سؤال ۹۹ رجوع کنید.

۱۰۱-ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۵ رجوع کنید.

۱۰۲-د. باتوجه به توضیحات پاسخ سؤال ۷۲، از آن جا که در گزینه (د) نسبت به بقیه گزینه‌ها، IS به حالت

عمودی نزدیک‌تر می‌باشد (قدر مطلق $\frac{dr}{dY}$ بیش‌تر است) و LM به حالت افقی نزدیک‌تر (قدر مطلق $\frac{dr}{dY}$

کم‌تر است)، بنابراین سیاست مالی کارایی بیش‌تری دارد.

۱۰۳-الف. به توضیحات پاسخ سؤال ۷۲ رجوع کنید.

۱۰۴-ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۷۲ رجوع کنید.

۱۰۵-ج. به توضیحات پاسخ سؤال‌های ۷۲ و ۱۰۲ رجوع کنید.

۱۰۶-د. به توضیحات پاسخ سؤال ۷۲ رجوع کنید.

۱۰۷-الف. از آن جا که اقتصاد در دام نقدینگی قرار دارد، تغییر در عرضه پول، LM را تغییر نمی‌دهد؛ بنابراین

تغییری در درآمد ملی نیز ایجاد نمی‌شود.

۱۰۸-د. اجرای سیاست مالی، فقط نرخ بهره را افزایش می‌دهد؛ به عبارت دیگر اثر جایگزینی کامل می‌باشد.

۱۰۹-د. چون LM عمودی است، اثر جایگزینی کامل است، یعنی با افزایش مخارج دولت، نرخ بهره افزایش

و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش می‌یابد و اثر افزایش مخارج دولت بر درآمد ملی را کاملاً خنثی

می‌کند. برای توضیحات بیش‌تر به پاسخ سؤال ۷۰ رجوع کنید.

۱۱۰-د. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۰۹ رجوع کنید.

۱۱۱-الف. چون اقتصاد در دام نقدینگی قرار دارد، هرچه مقدار عرضه پول افزایش یابد، مردم پول را به صورت

راکد نگه‌داری می‌کنند، و نرخ بهره تغییر نمی‌کند.

۱۱۲-الف. زیرا درآمد ملی تغییر نمی‌کند.

۱۱۳-ب. اگر LM کاملاً افقی باشد، نرخ بهره تغییر نمی‌کند، بنابراین ضریب تکاثر مخارج دولت کامل است. اگر

LM شیب مثبت داشته باشد، نرخ بهره افزایش می‌یابد و باعث کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود؛

در نتیجه، مقداری از اثر افزایش مخارج دولتی، خنثی می‌شود (پدیده جایگزینی).

۱۱۴-ب. به توضیحات پاسخ سؤال ۱۱۳ رجوع کنید.

۱۱۵-ب. در این حالت، LM به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود و سیاست پولی کارایی کم‌تری دارد.

۱۱۶-د. اگر LM کاملاً عمودی و IS کاملاً افقی باشد، سیاست پولی بیش‌ترین کارایی را دارد، یعنی تغییر در

عرضه پول، درآمد ملی را به میزان $\Delta M^s \left(\frac{1}{K}\right)$ ، افزایش خواهد داد.

۱۱۷-الف. در این حالت، IS، کاملاً عمودی می‌شود؛ بنابراین سیاست مالی بیش‌ترین کارایی را دارد.

۱۱۸-ج. چون IS به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود، سیاست پولی کارایی بیش‌تری دارد.

۱۱۹-ب. چون LM افقی می‌شود.

۱۲۰-ج. در این حالت، LM کاملاً عمودی می‌شود و سیاست مالی انبساطی، فقط نرخ بهره را افزایش می‌دهد و

درآمد ملی تعادلی را تغییر نمی‌دهد.

۱۲۱- ج. اگر LM کاملاً عمودی باشد، اثر جایگزینی کامل است و LM هنگامی کاملاً عمودی است که تقاضا برای پول از نرخ بهره تبعیت نکند.

$$IS: S = I \Rightarrow -40 + 0/2Y = 55 - 200r \Rightarrow Y = 475 - 1000r \quad \text{الف-۱۲۲}$$

$$IS: S+T=I+G \Rightarrow -40 + 0/2(Y-20) + 20 = 55 - 200r + 20 \Rightarrow Y = 495 - 1000r \quad \text{ج-۱۲۳}$$

۱۲۴- الف. با توجه به ضریب تکاثر بودجه متوازن، IS به سمت چپ انتقال می‌یابد، درآمد ملی و نرخ بهره، کاهش می‌یابد. کاهش نرخ بهره باعث افزایش سرمایه‌گذاری خواهد شد.

۱۲۵- ب. افزایش مالیات، IS را به سمت چپ انتقال می‌دهد و در نتیجه، درآمد ملی و نرخ بهره تعادلی کاهش می‌یابد. کاهش نرخ بهره باعث افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود.

۱۲۶- الف. کاهش عرضه پول، باعث انتقال LM به سمت چپ می‌شود و باعث افزایش نرخ بهره و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.

۱۲۷- الف. تغییر قیمت، حجم حقیقی پول را تغییر می‌دهد و تغییر حجم حقیقی پول، هنگامی بر درآمد ملی اثر بیش‌تری می‌گذارد که، LM به حالت عمودی نزدیکتر باشد؛ بنابراین در حالتی که LM به حالت افقی نزدیکتر است، می‌باید، قیمت و بنابراین حجم حقیقی پول زیاد تغییر کند تا درآمد ملی تغییر کرده و به تعادل برسیم.

$$IS: Y = C+I+G = 60 + 0/75(Y-24) + 250 - 2000r + 24 \quad \text{ب-۱۲۸}$$

$$\Rightarrow Y = 1264 - 8000r$$

$$LM: \frac{M^s}{P} = \frac{M_v}{P} + \frac{M_r}{P} \Rightarrow 250 = 0/25Y + 134 - 500r \Rightarrow Y = 464 + 2000r \quad \text{ج-۱۲۹}$$

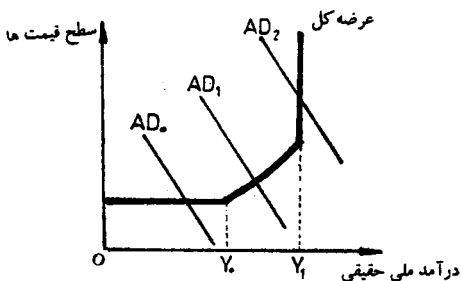
$$IS = LM \Rightarrow 1264 - 8000r = 464 + 2000r \Rightarrow r = 0/08 \Rightarrow Y = 624 \quad \text{ج-۱۳۰}$$





تورم، بیکاری

اقتصاد طرف عرضه



○ با توجه به نمودار روبرو، به سؤال ۶ بعدی پاسخ دهید: (AD منحنی تقاضای کل می باشد)

- ۱- افقی بودن منحنی عرضه کل در فاصله درآمد OY_0 ، به این دلیل است که:
 - الف) اقتصاد در دام نقدینگی قرار دارد.
 - ب) تابع تولید اقتصاد بازده صعودی به مقیاس دارد.
 - ج) در بیش تر بخش های اقتصاد، ظرفیت اضافی تولید وجود دارد.
 - د) موارد (ب) و (ج) صحیح است.
- ۲- علت آن که شیب منحنی عرضه کل در فاصله Y_0Y_1 افزایش می یابد، آن است که:
 - الف) دولت کنترل قیمت ها را رها می کند.
 - ب) ظرفیت های تولید شروع به افزایش می کنند.
 - ج) اقتصاد به اشتغال کامل رسیده است.
 - د) بخش های مختلف اقتصاد یکی پس از دیگری، به حداکثر ظرفیت تولید خود می رسند.
- ۳- در سطح Y_1 ،
 - الف) اقتصاد به اشتغال کامل همه منابع می رسد.
 - ب) ظرفیت اضافی در هیچ بخشی وجود ندارد.
 - ج) هرچه قیمت ها افزایش یابند، عرضه تقییری نخواهد کرد.
 - د) همه موارد بالا صحیح است.
- ۴- تورم ناشی از تقاضا،
 - الف) زمانی اتفاق می افتد که تقاضا افزایش می یابد، اما برخی بخش های اقتصاد در اشتغال کامل هستند، یعنی اقتصاد نزدیک اشتغال کامل است.
 - ب) فقط در درآمدهای Y_0 به بالا، می تواند اتفاق بیفتد.

ج) بدین معنی است که قیمت‌ها به خاطر افزایش تقاضا، بالا رفته‌اند.

د) همه موارد بالا.

۵ - فرض کنید منحنی عرضه کل ثابت باشد و ابتدا در دوره اول منحنی تقاضای کل از AD_0 به AD_1 جابه‌جا شود و سپس در دوره دوم، منحنی تقاضای کل از AD_1 به AD_2 برود، آنگاه تورم ناشی از تقاضا،

الف) در دو دوره برابر است. ج) در دوره اول بیش‌تر است.

ب) وجود ندارد. د) در دوره دوم بیش‌تر است.

۶ - در منحنی عرضه کل،

الف) قسمت افقی منحنی مربوط به بلندمدت است.

ب) قسمتی از منحنی که افقی است و قسمتی که شیب مثبت دارد، مربوط به کوتاه‌مدت است.

ج) قسمتی از منحنی که عمودی است، مربوط به بلندمدت است.

د) موارد (ب) و (ج) درست است.

۷ - منحنی فیلیپس (Phillips)، بیانگر آن است که :

الف) بین نرخ بیکاری و نرخ تورم، رابطه منفی وجود دارد.

ب) هرگاه دولت بخواهد تورم را کاهش دهد، مجبور است بیکاری بالاتر را بپذیرد.

ج) اشتغال بیش‌تر، به بهای تورم زیادتر به وجود می‌آید.

د) همه موارد بالا صحیح است.

۸ - منحنی لافر (Laffer)، بیانگر این است که :

الف) با افزایش نرخهای مالیات، درآمد مالیاتی کل همواره افزایش می‌یابد.

ب) با افزایش نرخهای مالیات، درآمد مالیاتی کل همواره کاهش می‌یابد.

ج) با افزایش نرخهای مالیات، درآمد مالیاتی کل ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد.

د) با افزایش نرخهای مالیات، درآمد مالیاتی کل ابتدا کاهش و سپس افزایش می‌یابد.

۹ - اقتصاد طرف عرضه،

الف) بر سیاست‌هایی که منحنی عرضه کل را جابه‌جا می‌کنند، تأکید دارد.

ب) توصیه می‌کند که مالیات‌ها کاهش یابند.

ج) بر ایجاد انگیزه برای افزایش کارایی و بازدهی تأکید می‌ورزد.

د) همه موارد بالا

۱۰ - شوک (یا ضربه) تقاضا،

الف) باعث جابه‌جایی منحنی تقاضای کل می‌شود و ممکن است باعث تورم ناشی از تقاضا شود.

ب) با سیاست‌های دولت به وجود می‌آید.

ج) با تغییر رفتار تقاضایی مردم به وجود می‌آید.

(د) همه موارد بالا

۱۱ - وقتی مردم پیش‌بینی می‌کنند که تورم افزایش خواهد یافت، آنگاه:

(الف) سرعت گردش پول و نرخ بهره کاهش می‌یابند.

(ب) تقاضای حقیقی پول کاهش و سرعت گردش پول افزایش می‌یابد.

(ج) اثری بر سرعت گردش پول ندارد.

(د) تصمیمات غیر عقلایی خواهند گرفت.

۱۲ - تورم طرف تقاضا، وقتی رخ می‌دهد که:

(الف) منحنی تقاضای کل به راست جابه‌جا شود.

(ب) منحنی تقاضای کل به چپ جابه‌جا شود.

(ج) عرضه کوتاه‌مدت سریع‌تر از تقاضا افزایش یابد.

(د) نرخ دستمزدها، سریع‌تر از قیمت‌ها بالا روند.

۱۳ - در سطح اقتصاد خرد، معمولاً برای مردم،

(الف) تورم طرف عرضه، به تورم طرف تقاضا ترجیح دارد.

(ب) تورم طرف تقاضا، به تورم طرف عرضه ترجیح دارد.

(ج) تورم طرف تقاضا و تورم طرف عرضه تفاوتی ندارد.

(د) هر دو نوع قابل جداسازی است.

۱۴ - اگر تعداد بیکاران کشوری ۲ میلیون و تعداد شاغلین آن کشور ۱۰ میلیون باشد، نرخ بیکاری

برابر است با:

(الف) $(\frac{2}{12} \times 100)$ درصد

(ج) $(\frac{10}{12} \times 100)$ درصد

(ب) $(\frac{2}{10} \times 100)$ درصد

(د) $(\frac{12}{10} \times 100)$ درصد

۱۵ - منظور از بیکاری طبیعی چیست؟

(الف) منظور بیکاری‌ای است که ناشی از طبیعت و ساختار اقتصاد باشد (قراردادها، قوانین و روالهای استخدام، جابه‌جایی‌ها و ...) و نه ناشی از کمبود تقاضا برای کار.

(ب) همان بیکاری سطح اشتغال کامل، یا بیکاری تعادل بلندمدت، یا بیکاری ساختاری است، که بیکاری اصطکاکی نیز می‌گویند.

(ج) وقتی است که انتظارات بنگاهها و کارگران درباره رفتار قیمت‌ها و دستمزدها، صحیح است.

(د) همه موارد بالا صحیح است.

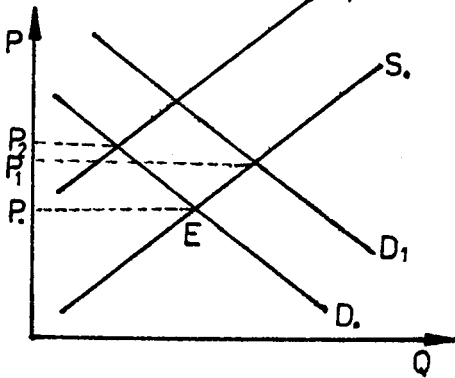
۱۶ - فرد بیکار از نظر علم اقتصاد، کسی است که:

(الف) در دستمزدهای فعلی (رایج در بازار) داوطلب کار نیست ولی کار برای او هست.

(ب) در دستمزدهای فعلی، با وجود توانایی و داوطلب کار بودن، کاری نمی‌یابد.

(ج) خواهان مزدهای بالاتری است.

(د) فعالیت در کارهای خانوادگی را بر کار در بازار ترجیح می‌دهد.



○ با توجه به شکل، به دو سؤال مربوطه پاسخ دهید:

۱۷ - اگر تعادل اولیه E باشد، افزایش قیمت‌ها از P_0 به P_1 ناشی از،

- (الف) فشار تقاضا است. (ب) فشار عرضه است.
(ج) برآیند فشار تقاضا و عرضه است. (د) تورم رکودی است.

۱۸ - اگر تعادل اولیه E باشد، افزایش قیمت از P_0 به P_1 ،

- (الف) ناشی از فشار تقاضا است. (ب) به تورم ناشی از فشار هزینه موسوم است.
(ج) ناشی از فشار عرضه است. (د) موارد (ب) و (ج) درست است.

۱۹ - یک دور تجاری،

- (الف) نوسان (رونق و رکود) سالیانه در فعالیت‌های اقتصادی است.
(ب) نوسان (رونق و رکود) مستمر و بدون وقفه زمانی، در فعالیت اقتصادی در هر ۳۰ سال است.
(ج) نوسان (رونق و رکود) مستمر و بدون وقفه زمانی، در فعالیت اقتصادی در دوره‌های بیش از یک سال است.
(د) هر سه گزینه صحیح است.

۲۰ - پول‌گرایان، اعتقاد دارند که:

- (الف) نرخ رشد پول در اقتصاد باید فزاینده باشد.
(ب) نرخ رشد پول در اقتصاد باید کاهنده باشد.
(ج) نرخ رشد پول در اقتصاد باید دارای یک قاعده ثابت باشد.
(د) باید اقتصاد را با تغییر مداوم نرخهای رشد پول، کنترل کرد.

۲۱ - همان‌گونه که منحنی فیلیپس اشاره دارد، کاهش تورم همواره به بهای افزایش بیکاری چهره می‌بندد. برای دوری از این مسأله، سیاست‌های گوناگونی پیشنهاد شده است که یکی از آنها:

- (الف) سیاست مالی انبساطی است.
 (ب) سیاست پولی انقباضی است.
 (ج) سیاست درآمدی است.
 (د) هر سه مورد بالا صحیح است.

۲۲ - اقتصاد کینزی، برای تنظیم اقتصاد کلان هر کشور،

- (الف) عمدتاً به اجزاء تقاضا توجه دارد.
 (ب) بر خلاف قانون سی، معتقد است تقاضا، عرضه خود را به وجود می آورد.
 (ج) اقتصاد طرف تقاضا است.
 (د) هر سه مورد

۲۳ - درباره تورم، فرضیه انتظارات تطبیقی در شکل بسیار ساده خود، بیانگر آن است که:

- (الف) نرخ انتظاری تورم در سال جاری، برابر نرخ انتظاری تورم در سال قبل است.
 (ب) نرخ انتظاری تورم در سال جاری، برابر نرخ واقعی تورم در سال قبل است.
 (ج) نرخ واقعی تورم در سال جاری، برابر نرخ انتظاری تورم در سال قبل است.
 (د) موارد (الف) و (ج) درست است.

۲۴ - اگر انتظارات مردم براساس فرضیه انتظارات تطبیقی شکل بگیرد، در دورانی که تورم همواره افزایش می یابد،

- (الف) انتظارات تورمی مردم، همواره از تورم واقعی کوچک تر است.
 (ب) انتظارات تورمی مردم، همواره از تورم واقعی بزرگ تر است.
 (ج) انتظارات تورمی مردم، با تورم واقعی برابر است.
 (د) موارد (الف) و (ج) صحیح است.

۲۵ - فرض بنیادین نهفته در نظریه انتظارات عقلایی، این است که:

- (الف) مردم دچار خطاهای منظم و سیستماتیک در پیش بینی و انتظارات خود، نمی شوند.
 (ب) با یک سیاست نامنتظره که عیناً چندین بار به کار گرفته شود، نمی توان چندین بار مردم را فریب داد.
 (ج) مردم گاه در انتظارات خود، مرتکب خطا می شوند، اما انتظاراتها به طور متوسط صحیح اند.
 (د) همه موارد بالا درست است.

۲۶ - این جمله معروف که: "عرضه، تقاضای خود را ایجاد می کند" مربوط به کدام اقتصاددان و از اصول کدام مکتب اقتصادی است؟

- (الف) از آدام اسمیت و مکتب کلاسیک
 (ب) از ژان باتیست سی و مکتب کلاسیک
 (ج) از جان مینارد کینز و مکتب نئوکلاسیک
 (د) از فریدمن و مکتب پول گرا

۲۷ - در کدام یک از گزینه های زیر، منحنی عرضه کل کوتاه مدت جابه جا نمی شود؟

- (الف) همه مهاجرین غیرقانونی از کشور اخراج می شوند.
 (ب) خانوارها و بنگاهها، انتظارات تورمی خودشان را تغییر می دهند.
 (ج) بهبود فنی، هزینه های عوامل را در صنعت پایین می آورد.

(د) سطح قیمت‌ها کاهش پیدا می‌کند.

۲۸ - وقتی اقتصاد در کم‌تر از حد اشتغال کامل است، افزایش غیرقابل انتظار در عرضه پول،

(الف) منحنی عرضه کل کوتاه‌مدت را به راست جابه‌جا می‌کند.

(ب) منحنی عرضه کل کوتاه‌مدت را به چپ جابه‌جا می‌کند.

(ج) هم منحنی عرضه کل و هم منحنی تقاضای کل کوتاه‌مدت را به چپ می‌برد.

(د) منحنی تقاضای کل را به راست جابه‌جا می‌کند.

۲۹ - کارگران، بارها تغییرات نامنتظره‌ای را تجربه می‌کنند. بنابراین، آنها هر بار، در انتظارات خود

تجدید نظر می‌کنند. در نتیجه این تجدید نظرها،

(الف) SRAS (عرضه کل کوتاه‌مدت) جابه‌جا می‌شود.

(ب) AD (تقاضای کل) جابه‌جا می‌شود.

(ج) نرخ بیکاری طبیعی تغییر می‌کند.

(د) سطح طبیعی GNP تغییر می‌کند.

۳۰ - نرخ طبیعی بیکاری، بالاتر از صفر است، چرا که:

(الف) مردم تبیل هستند.

(ب) پس‌انداز از سرمایه‌گذاری بیش‌تر است.

(ج) پیدا کردن شغل مطلوب زمان می‌برد.

(د) اخراج کارگران، قانونی است.

۳۱ - حرکت روی منحنی SRAS، زمانی اتفاق می‌افتد که:

(الف) سطح قیمت انتظاری تغییر کند.

(ج) عرضه نیروی کار افزایش یابد.

(ب) منحنی تقاضای کل جابه‌جا شود.

(د) یک شوک عرضه‌ای به وجود آید.

۳۲ - مکانیسم (سازوکار)های خود - اصلاح کن (یا تثبیت‌کننده‌های خودکار)،

(الف) به طور خود به خود تورم را کنترل می‌کنند.

(ب) به طور خود به خود باعث رشد اقتصاد می‌شوند.

(ج) به عنوان یک سیاست خودکار، هنگام رکود و تورم به کار می‌افتند تا آشفتگی‌ها و نوسانات را کاهش

دهند.

(د) به عنوان یک سیاست خودکار، هنگام کسری و مازاد تجاری به کار می‌افتند تا تراز تجاری برقرار شود.

۳۳ - علت توجه به تثبیت‌کننده‌های خودکار آن است که:

(الف) تأخیر یا وقفه‌های درونی آنها (وقفه تشخیص، وقفه تصمیم، وقفه اقدام) صفر است.

(ب) وقفه‌های برونی آنها (وقفه در تأثیر) صفر است.

(ج) هر دو نوع وقفه در آنها صفر است.

(د) همانند سیاست‌های پولی و یا مالی، با وقفه عمل می‌کنند.

- ۳۴- اگر دولت بخواهد برای تأثیر بر تقاضای کل، سیاستی را پیش گیرد که وقفه یا تأخیر برونی آن (یا وقفه تأثیرگذاری) کم تر باشد،
 الف) سیاست پولی برمی‌گزیند.
 ب) سیاست مالی برمی‌گزیند.
 ج) تلفیقی از دو سیاست پولی و مالی برمی‌گزیند.
 د) از تثبیت‌کننده‌های خودکار سود می‌جوید.
- ۳۵- منحنی عرضه کوتاه‌مدت، دارای شیب مثبت است، چراکه:
 الف) اقتصاد هرگز به اشتغال کامل نمی‌رسد.
 ب) بیکاری طبیعی همیشه مثبت است.
 ج) هرچه قیمت بالا می‌رود، توانایی بنگاهها برای افزایش ظرفیت، بالا می‌رود.
 د) هم، در میان کارگران توهم پولی وجود دارد و هم قراردادهای ثابتی میان کارگران و کارفرمایان بسته می‌شود.
- ۳۶- وقتی صحبت از منحنی عرضه کوتاه‌مدت (SRAS) می‌شود، فرض شده است که:
 الف) عرضه پول، نرخ بهره، دستمزدها و مخارج دولت ثابت است.
 ب) مقدار منابع، کارایی منابع و قیمت‌های انتظاری (مقادیر قیمت مورد انتظار) ثابت است.
 ج) عرضه نیروی کار، دستمزدها و قیمت‌ها ثابت است.
 د) همه گزینه‌های بالا صحیح است.
- ۳۷- در کدام یک از موارد زیر، ممکن است اثر تثبیت‌کننده‌های خودکار، خنثی شود؟
 الف) عرضه پول همراه با سطح قیمت‌ها، افزایش یا کاهش یابد.
 ب) بیمه‌های بیکاری افزایش یابد.
 ج) مالیاتها به صورت تصاعدی تنظیم شوند.
 د) سیاست‌های پولی و مالی، ثابت نگه‌داشته شوند.
- ۳۸- وقتی بیکاری، بالاتر از بیکاری طبیعی است،
 الف) نرخ دستمزد کاهش می‌یابد.
 ب) از سرعت افزایش نرخ دستمزد کاسته می‌شود.
 ج) محصول کل بیش از حد اشتغال کامل است.
 د) گزینه‌های (الف) و (ب) درست است.
- ۳۹- عامل اساسی‌ای که فریدمن و فلیپس در تحلیل منحنی‌های فیلپس وارد کردند،
 الف) قیمت‌های انتظاری بود که منجر به تفکیک منحنی‌های کوتاه‌مدت فیلپس از منحنی بلندمدت شد.
 ب) نرخ تورم طبیعی بود که می‌گفت تورم در سطح طبیعی خود ثابت می‌ماند.
 ج) مسأله تأثیر نرخهای بهره بر تورم بود.
 د) هر سه مورد بالا درست است.
- ۴۰- بر اساس نظر فریدمن - فلیپس،
 الف) رابطه‌ای که منحنی فیلپس میان تورم و بیکاری نشان می‌دهد، فقط در کوتاه‌مدت برقرار است.

ب) در بلندمدت منحنی‌های فیلیپس در سطح تورم طبیعی، و در جهت افزایش بیکاری حرکت می‌کنند.
 ج) منحنی فیلیپس نه در کوتاه‌مدت و نه در بلندمدت توجیه توریک ندارد.
 د) موارد الف) و ب) درست است.

۴۱ - تفاوت حالت‌های حدی توابع عرضه کل مورد نظر کلاسیک‌ها و کینزیها، چیست؟
 الف) کلاسیک‌ها آن را در سطح اشتغال کامل، عمودی ولی کینزیها در آن سطح، افقی می‌دانند.
 ب) کلاسیک‌ها آن را همیشه در سطح اشتغال کامل و به حالت عمودی می‌شناسند، کینزیها معمولاً آن را در سطح اشتغال ناقص و افقی می‌دانند.
 ج) هر دو کلاسیک‌ها و کینزیها، آن را دارای شیب مثبت می‌دانند.
 د) کینزیها معتقدند که هرگز عرضه کل به اشتغال کامل نمی‌رسد.

۴۲ - برداشت طرفداران انتظارات تطبیقی از منحنی فیلیپس، این است که:
 الف) نرخ بیکاری، تنها زمانی کاهش می‌یابد که دستمزدها افزایش یابد.
 ب) نرخ بیکاری، تنها زمانی به پایین‌تر از بیکاری طبیعی کاهش می‌یابد که تورم واقعی بیش از تورم انتظاری باشد.
 ج) نرخ بیکاری، همراه با تورم افزایش می‌یابد.
 د) رابطه منفی بین نرخ بیکاری و نرخ تورم، فقط در بلندمدت برقرار است.

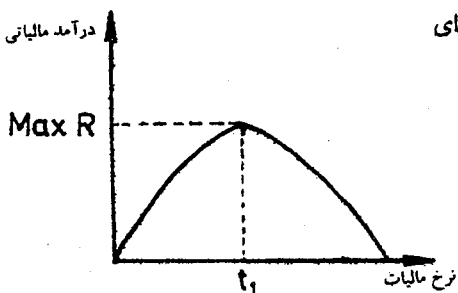
پاسخنامه فصل ۶

الف- ۳۷	د- ۲۸	ج- ۱۹	د- ۱۰	ج- ۱
د- ۳۸	الف- ۲۹	ج- ۲۰	ب- ۱۱	د- ۲
الف- ۳۹	ج- ۳۰	ج- ۲۱	الف- ۱۲	د- ۳
الف- ۴۰	ب- ۳۱	د- ۲۲	ج- ۱۳	د- ۴
ب- ۴۱	ج- ۳۲	ب- ۲۳	الف- ۱۴	د- ۵
ب- ۴۲	الف- ۳۳	الف- ۲۴	د- ۱۵	د- ۶
	ب- ۳۴	د- ۲۵	ب- ۱۶	د- ۷
	د- ۳۵	ب- ۲۶	الف- ۱۷	ج- ۸
	ب- ۳۶	د- ۲۷	د- ۱۸	د- ۹

باسخ‌های تشریحی فصل ششم

تورم، بیکاری، اقتصاد طرف عرضه

- ۱- ج. وقتی ظرفیت‌های اضافی در بخش‌های اقتصادی وجود دارد، افزایش تولید باعث افزایش هزینه متوسط نمی‌شود و بنابراین قیمت‌ها افزایش نمی‌یابد.
- ۲- د. وقتی بخش‌های مختلف به حداکثر ظرفیت تولیدی خود می‌رسند، برای افزایش تولید، هزینه متوسط تولیدشان بالا می‌رود و بنابراین قیمت‌ها را افزایش می‌دهند. هرچه بخش‌های بیش‌تری به حداکثر ظرفیت برسند، منحنی AS عمودی‌تر می‌شود.
- ۳- د. وقتی همه منابع اقتصاد به اشتغال کامل رسیدند و از تکنولوژی به طور کامل بهره‌برداری شد، دیگر تولید نمی‌تواند افزایش یابد و فقط قیمت‌ها بالا می‌روند.
- ۴- د. تورم علل گوناگونی می‌تواند داشته باشد. اما هر علتی که باشد، اثر خود را از طریق جابه‌جا کردن منحنی تقاضا به بالا و راست و یا جابه‌جا کردن منحنی عرضه به چپ و بالا می‌گذارد. دو نمونه از تورمهای رایج، یکی تورم ناشی از فشار تقاضا است که وقتی تقاضا در هر سطح قیمت افزایش می‌یابد، قیمت‌های تعادلی بالا می‌رود و دیگری تورم ناشی از فشار هزینه‌هاست، که وقتی قیمت عوامل تولید و در نتیجه هزینه تولید بالا می‌رود، تابع عرضه به چپ و بالا جابه‌جا می‌شود و قیمت‌های تعادلی را افزایش می‌دهد.
- ۵- د. انتقال از AD_0 به سمت راست تا قبل از Y_0 ، هیچ تورمی ایجاد نمی‌کند و بنابراین با انتقال به AD_1 تنها اندکی قیمت‌ها بالا رفته‌اند. اما جابه‌جایی به AD_2 قیمت‌ها را شدیداً بالا برده است، مخصوصاً آن که از Y_1 به بعد فقط باعث افزایش قیمت شده است.
- ۶- د. از آن جا که جامعه تنها در بلندمدت می‌تواند به حداکثر تولید ممکن بالقوه دست یابد (یعنی جایی که منحنی عرضه، عمودی است) بنابراین بخش عمودی AS مربوط به بلندمدت است (باید توجه داشت که در این جا منظور از بلندمدت، در یک تحلیل ایستا است و گرنه در تحلیل پویا، در بلندمدت نهاده‌ها رشد می‌کنند و تکنولوژی نیز بهبود می‌یابد) و چون تنها در کوتاه‌مدت است که تولید کل جامعه می‌تواند همگام با افزایش تقاضای کل، بالا رود، قسمتی از منحنی که در فاصله OY_1 قرار دارد، مربوط به کوتاه‌مدت است.
- ۷- د. فلیس دریافت که در بریتانیا وقتی نرخهای بیکاری پایین بوده‌اند، مزدها سریع‌تر بالا رفته‌اند. سپس اقتصاددانان پذیرفتند که این رابطه میان بیکاری و رشد قیمت‌ها نیز وجود دارد و آن را منحنی فلیس نام نهادند. البته شواهد تجربی همیشه مؤید وجود رابطه فلیس نبوده است.



- ۸- ج. لافر می‌گوید، افزایش نرخهای مالیات تا حد معینی درآمدهای مالیاتی را افزایش می‌دهد و اگر نرخ مالیات از آستانه معینی (در شکل زیر از t_1) زیادتر شود، درآمد مالیاتی کاهش می‌یابد. چرا که افزایش بیش از اندازه مالیاتها، درآمد ملی را به حدی کاهش می‌دهد که درآمد مالیاتی دولت نیز (حتی با نرخهای مالیاتی بالا) کاهش می‌یابد.

- ۹-د. دیدگاه اقتصادی ای که بر عرضه تأکید می‌ورزد، معتقد است دولت با ایجاد انگیزه برای افزایش بازدهی و جابه‌جایی منحنی عرضه (شوگ عرضه مثبت) می‌تواند درآمد حقیقی را افزایش و نرخ تورم را کاهش دهد. یکی از عمده‌ترین ابزارهای این سیاست، کاهش نرخ مالیات است.
- ۱۰-د. هر عاملی که موجب جابه‌جایی منحنی تقاضا شود، شوگ تقاضا نام دارد. این جابه‌جایی را می‌توانند مردم با رفتار خود (مثلاً افزایش یکباره در مصرف خود) یا دولت با سیاست خود (مثلاً افزایش G) به وجود آورند. اگر تقاطع عرضه و تقاضا در قسمت غیرافقی عرضه کل واقع شود، این شوگ به تورم می‌انجامد.
- ۱۱-ب. چون مردم انتظار دارند در آینده تورم افزایش یابد (یا از قدرت خرید پول کاسته شود) سعی می‌کنند پول نقد نگه‌دارند و به محض به دست آوردن پول، آن را به دارایی‌های دیگر تبدیل کنند یا برای مصرف آینده، خرید کنند. این کار باعث می‌شود که تقاضای حقیقی پول کاهش یابد و در عوض، پولهای رایج، سریع دست به دست شود (وضعیتی که در حالت حدی، اصطلاحاً می‌گویند پول داغ است) و سرعت گردش پول بالا رود. این مسأله با توجه به اتحاد مبادله، روشن‌تر می‌شود. وقتی مردم پیش‌بینی افزایش تورم دارند (که خود به مفهوم افزایش نرخ بهره و بالا رفتن هزینه نگهداری پول است)، تقاضای پولی خود را کم می‌کنند. یعنی در رابطه $V.M=P.Y$ وقتی M کاهش یابد، برای برقراری رابطه، باید V بالا رود.
- ۱۲-الف. اگر منحنی عرضه کل ثابت بماند، هر عاملی که تقاضای کل را به راست جابه‌جا کند، باعث افزایش قیمت می‌شود و تورم ناشی از تقاضا به وجود می‌آید.
- ۱۳-ج. وقتی تورم به وجود می‌آید، مردم باید برای همان مقدار کالاهای مصرفی قبلی خود، پول بیش‌تری بپردازند. برای آنان تفاوتی نمی‌کند که این پرداخت اضافی ناشی از چه عاملی است.
- ۱۴-الف. کل نیروی کار این کشور برابر است با $12 = (2+10)$ میلیون که دو میلیون از آن بیکار است بنابراین درصد بیکاری تقریباً $16/66$ درصد $(\frac{2}{12} \times \frac{100}{100})$ است.
- ۱۵-د. وقتی اقتصاد به حداکثر ظرفیت تولیدی خود می‌رسد، باز مقداری بیکاری وجود دارد که ناشی از جابه‌جایی‌های شغلی و جست‌وجوها و انتظارات شغلی و ... می‌باشد. این بیکاری، جزء ساختار اقتصاد است و در تعادل بلندمدت مقدار آن ثابت می‌ماند؛ چرا که تقریباً تعداد افرادی که وارد بیکاران می‌شوند با آسانی که از جمع بیکاران خارج می‌شوند، برابر است و این مسأله خود ناشی از درست بودن انتظارات افراد و بنگاهها درباره وضعیت بازار، استخدام، دستمزدها و قیمت‌ها است.
- ۱۶-ب. از نظر اقتصادی، کسانی بیکار دانسته می‌شوند که کار خود را در بازار عرضه کرده باشند و برای پیدا کردن شغل (در دستمزدهای بازار) تلاش متعارفی کرده باشند، اما کار نیافته باشند. بنابراین تمامی آنهایی که یا دستمزدها را قبول ندارند، یا به خاطر عوامل غیردستمزدی (مثل موقعیت شغلی و ...) از قبول کار سر باز می‌زنند، یا دوست دارند در بیرون از بازار، به کار بپردازند و ... بیکار به شمار نمی‌روند. به زبان دیگر، منظور از بیکار در اقتصاد، بیکار غیرارادی یا غیراختیاری است.
- ۱۷-الف. قیمت P_1 از تقاطع D_1 و S به دست می‌آید. یعنی تقاضا از D_0 به D_1 رفته است. بنابراین، افزایش قیمت، ناشی از فشار تقاضا بوده است (تورم ناشی از فشار تقاضا).
- ۱۸-د. وقتی قیمت عوامل تولید بالا رود، هزینه تولید زیاد می‌شود و مقدار عرضه در هر سطح قیمت، کاهش می‌یابد، یعنی عرضه به چپ و بالا جابه‌جا می‌شود. یعنی تورم ناشی از فشار هزینه (یا فشار عرضه) رخ می‌دهد.
- ۱۹-ج. بنا به علل گوناگون، فعالیت‌های اقتصادی در طی دوره‌های چندساله، از فراز رونق به فرود رکود (بحران)

تغییر می‌کنند و دوباره به سوی بهبود و رونق می‌روند. برای توضیح ادوار تجاری، نظریه‌های گوناگونی داده شده است. برخی آنها را ناشی از نوسانهای برداشت محصول در نتیجه تغییرات جوی می‌دانند. برخی به علل روانی اشاره دارند - که اهل کسب و کار متناوباً تحت تأثیر امواج خوش‌بینی و بدبینی قرار می‌گیرند. نظریه‌های پولی، ادوار تجاری را حاصل تغییرات مقادیر پول اعتباری و نرخ بهره می‌دانند. برخی آن را حاصل ناهماهنگی تولید و مصرف مردم می‌دانند. سرانجام، نظریه دیگری نیز، ادوار تجاری را ناشی از گسست رابطه پس‌انداز - سرمایه‌گذاری می‌داند.

۲۰- ج. پول‌گرایان، علل اصلی دشواریهای اقتصاد را گزینش سیاست‌های پولی متغیر و ناپایدار توسط دولت‌ها می‌شناسند. به اعتقاد آنان، اگر سیاست‌های پولی، ثابت و پایدار، و دارای یک قاعده ثابت باشد، برای اقتصاد بهتر است، تا این که دولت دائماً برای رویارویی با مشکلات، سیاست‌های جدیدی پیش گیرد.

۲۱- ج. فرآیند تثبیت تورم (از طریق سیاست‌های پولی و مالی)، هم طولانی است و هم با بیکاری همراه است. سیاست درآمدی می‌کوشد این روند آهسته را، سرعت بخشد و بیکاری را نیز افزایش ندهند. سیاست‌های درآمدی آنهایی هستند که می‌کوشند میزان افزایش دستمزد اسمی و قیمت‌ها را با اقدام مستقیم دولت (قانون یا افتناع) کاهش دهند. دستمزدها و قیمت‌ها یا مستقیماً نظارت می‌شوند، یا دولت می‌کوشد تا رهبران اتحادیه‌ها و محافل تجاری را، برای کاهش روند صعودی دستمزدها و قیمت‌ها، ترغیب کند. اگر دولت موفق شود، منحنی کوتاه‌مدت فیلیس به پایین جابه‌جا می‌شود.

۲۲- د. اقتصاد کینز، عمدتاً بر روی تقاضای کل متمرکز شده است. سیاست‌های پولی و مالی که ابزارهای اصلی سیاستی این دیدگاه است، به تغییرات تقاضای کل منجر می‌شود و بر اقتصاد کلان کشور اثر می‌گذارد. این دیدگاه، درست نقطه مقابل دیدگاه کلاسیک‌ها است. اقتصاد طرف تقاضا، به دیدگاه‌های کینزینی اشاره دارد.

۲۳- ب. فرضیه انتظارات تطبیقی می‌گوید، مردم با توجه به اطلاعات گذشته، انتظارات خود درباره آینده را شکل می‌دهند. در شکل ساده این فرضیه، اطلاعات هر سال، مبنای انتظارات سال بعد است. مثلاً مردم نرخ تورم انتظاری امسال را برابر نرخ تورم واقعی سال قبل می‌گیرند. در الگوی پیچیده‌تر انتظارات، نرخ تورم انتظاری برای هر سال بر اساس ترکیب نرخهای تورم سالهای گذشته شکل می‌گیرد که در آن، نرخهای مربوط به سالهای نزدیک‌تر، وزن بزرگ‌تری دارند. مثلاً اگر نرخ تورم واقعی هر سال را π_t سال را i و تأثیر اطلاعات تورمی سال i در شکل‌گیری انتظارات تورمی هر سال را با λ_i نمایش دهیم، تورم انتظاری (π_t^e) برای امسال ($i=0$) برابر است با:

$$\pi_t^e = \lambda_1 \pi_{t-1} + \lambda_2 \pi_{t-2} + \dots + \lambda_n \pi_{t-n} = \sum_{i=1}^n \lambda_i \pi_{t-i} \quad \text{و} \quad \lambda_1 > \lambda_2 > \dots > \lambda_n \quad \text{و} \quad \sum \lambda_i = 1$$

۲۴- الف. چون تورم در هر دوره افزایش می‌یابد ولی مردم بر اساس نرخهای واقعی تورم دوره‌های قبلی، انتظارات خود را شکل می‌دهند، پس انتظارات آنها همواره کوچک‌تر از مقدار واقعی تورم است. زیرا تورم دوره‌های قبلی کوچک‌تر از این دوره است و بنابراین میانگین وزنی آنها نیز کوچک‌تر از تورم این دوره خواهد بود.

۲۵- د. فرضیه انتظارات عقلایی (بخردانه) بر این باور است که، افراد از تمام اطلاعات موجود خود (هم‌مقدار و رفتار گذشته یک متغیر و هم اطلاعات دیگر) درباره رفتار آینده یک متغیر به گونه کارا استفاده می‌کنند. آنان دچار اشتباهات منظم مثلاً همواره تورم را کم‌تر پیش‌بینی کردن - نمی‌شوند. اشتباهات منظم به آسانی روشن

می‌شوند و مردم هم آن اشتباهات را تصحیح می‌کنند و هم شکل‌دهی انتظارات خود را. براساس این فرضیه، انتظاراتها به‌طور متوسط صحیح‌اند، زیرا مردم محیطی را که در آن کار می‌کنند، درمی‌یابند و هر سیاستی که بر عدم درک مردم از آنچه در اقتصاد می‌گذرد، استوار باشد، سرانجام شکست می‌خورد.

۲۶- ب. اقتصاددانان کلاسیک، از جمله "زان باتیست سی"، بر این باور بودند که نباید نگران تقاضا بود. هر عرضه‌ای، تقاضای متناسب با خود را به دنبال دارد و بنابراین اقتصاد همواره در تعادل است. از آن جا که در اقتصاد کلاسیک، پول فقط "وسیله شمارش" و "وسیله مبادله" است و نقش دیگری در اقتصاد بازی نمی‌کند، بنابراین هر واحد اقتصادی به اندازه تولیدش، به عوامل تولید، می‌پردازد، یعنی به اندازه تولیدش، تقاضا دارد. بنابراین هیچ‌گاه کمبود تقاضا به وجود نمی‌آید.

۲۷- د. وقتی مهاجرین اخراج شوند، بخشی از نیروی کار اقتصاد که متعلق به آنان بوده است نیز، اخراج می‌شود. منحنی عرضه کار به چپ جابه‌جا می‌شود و دستمزدها افزایش می‌یابد. این، باعث افزایش هزینه‌های تولید می‌شود و منحنی عرضه کل کوتاه‌مدت به چپ می‌رود. همچنین وقتی انتظارات تورمی تغییر می‌کند، منحنی عرضه کار جابه‌جا می‌شود (یعنی در هر نرخ دستمزد، مقدار عرضه تغییر می‌کند) و این، به جابه‌جایی عرضه کل می‌انجامد. باز، وقتی بهبود فنی، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد، یعنی هر مقدار محصول را می‌توان با هزینه کم‌تری تولید کرد یعنی عرضه کل به راست جابه‌جا می‌شود. اما تغییر قیمت، خودش معلول جابه‌جایی عرضه یا تقاضاست (یعنی یا روی منحنی عرضه یا روی منحنی تقاضا حرکت می‌کنیم).

۲۸- د. افزایش غیر قابل انتظار در عرضه پول، نرخ بهره را بیش از حد پیش‌بینی شده کاهش می‌دهد و بنابراین سرمایه‌گذاری از حد برنامه‌ریزی شده، فراتر می‌رود و تقاضای کل افزایش می‌یابد. اما اگر این افزایش غیرمنتظره در حجم پول، در وضعیت اشتغال کامل باشد، ابتدا منحنی تقاضا به راست جابه‌جا می‌شود و قیمت‌ها بالا می‌رود. بنابراین در دوره‌های بعد دستمزدها تعدیل می‌شود و منحنی عرضه را به چپ انتقال می‌دهد تا تعادل جدید در اشتغال کامل برقرار شود.

۲۹- الف. وقتی روند متغیرهای اقتصادی (مثل نرخ تورم) خلاف آن چیزی باشد که کارگران پیش‌بینی کرده‌اند، آنها در انتظارات خود تجدیدنظر می‌کنند و بنابراین رفتار عرضه‌ای خود را تغییر می‌دهند. در نتیجه منحنی عرضه نیروی کار جابه‌جا می‌شود، دستمزد تغییر می‌کند و هزینه‌های تولید نیز تغییر می‌کند. بنابراین عرضه کل کوتاه‌مدت جابه‌جا می‌شود.

۳۰- ج. چون در آغاز ورود هر فرد به بازار کار یا در هنگام جابه‌جایی از شغلی به شغل دیگر (حتی اگر عملاً برای همه داوطلبان کار در اقتصاد، شغلی وجود داشته باشد)، از نظر طبیعت سازمانی بازار، مدتی طول می‌کشد تا هر فرد شغل مطلوب خود را بیابد، بنابراین بیکاری طبیعی (اصطکاک یا ساختاری) همواره مثبت است.

۳۱- ب. افزایش عرضه کار یا هر شوک عرضه‌ای دیگر، منحنی SRAS را جابه‌جا می‌کنند. تغییر سطح قیمت انتظاری نیز بر عرضه کار و در نتیجه بر SRAS اثر می‌گذارد. تنها وقتی منحنی تقاضای کل جابه‌جا می‌شود، ما روی منحنی عرضه کل کوتاه‌مدت جابه‌جا می‌شویم تا قیمت تعادلی جدید به دست آید.

۳۲- ج. مالیات بر درآمد، مستمریهای بیکاری و ... از تثبیت‌کننده‌های خودکارند. نرخ مالیات با ضریب تکاثر مخارج مستقل، رابطه عکس دارد و اثر ضریب تکاثر را می‌کاهد. این، نمی‌گذارد تغییرات یک‌باره مخارج مستقل اثر زیادی بر اقتصاد بگذارد. همچنین مزایای بیکاری نمی‌گذارد در هنگام رکود، مصرف کارگران خیلی کاهش یابد و (به وسیله ضریب تکاثری) ستاده کل کاهش یابد.

۳۲- الف. چون معمولاً سیاست‌های پولی و مالی برای مقابله با آشفستگی‌های اقتصاد، دارای وقفه‌هایی است تا اول آشفستگی تشخیص داده شود، سپس تصمیم‌گیری شود و سرانجام اقدام صورت گیرد، بنابراین تثبیت‌کننده‌های خودکار که از این وقفه‌های درونی ندارند، مورد توجه قرار گرفته است.

۳۴- ب. سیاست مالی نسبت به سیاست پولی دارای درنگ درونی (وقفه در تشخیص، وقفه در تصمیم، وقفه در اقدام) بیش‌تری است، اما درنگ برونی آن (وقفه در تأثیرگذاری) کم‌تر است. سیاست مالی، بدون واسطه بر تقاضای کل اثر می‌گذارد (تغییر در هزینه‌ها یا مالیاتهای دولت، مستقیماً تقاضای کل را متأثر می‌کند). اما سیاست پولی باید ابتدا تعدیل‌های لازم را در بازار پول، نرخ بهره و رفتار تقاضایی مردم بگذارد تا تقاضای کل متأثر شود. تازه، به شرطی که اقتصاد در دام نقدینگی نباشد.

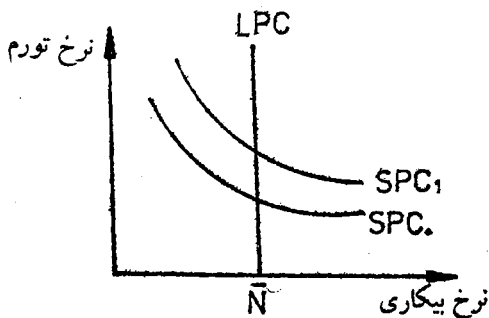
۳۵- د. وقتی توهم پولی وجود دارد، افزایش دستمزد به افزایش عرضه کار می‌انجامد. بنابراین با افزایش قیمت، بنگاهها می‌توانند دستمزدها را بالا ببرند و با استخدام بیش‌تر، تولید را بالا ببرند. همچنین چون قراردادها معمولاً یک یا چند ساله است، در فاصله قراردادهای کارگران نمی‌توانند دستمزدها را پا به پای تورم بالا ببرند و این به بنگاهها اجازه می‌دهد با افزایش قیمت، عرضه را افزایش دهند.

۳۶- ب. با این فرض که منابع اقتصاد و کارایی منابع ثابت باشد و انتظارات قیمتی مردم (کارگران) معین و ثابت بماند، منحنی عرضه کل کوتاه‌مدت به دست می‌آید. در واقع مقدار اثری که تغییر قیمت - از طریق تغییر در دستمزدها و تغییر در عرضه کار - بر عرضه کل می‌گذارد، با شرط ثابت بودن موارد یاد شده، به وسیله SRAS سنجیده می‌شود.

۳۷- الف. می‌دانیم که تثبیت‌کننده‌های خودکار در مواقع رکود یا تورم، به طور خودکار با تأثیر بر تقاضای کل، از شدت رکود یا تورم می‌کاهند. وقتی همراه با افزایش قیمت‌ها، عرضه پول نیز بالا رود، اثر تثبیت‌کننده‌های خودکار در جهت کاهش قیمت‌ها و اثر بالا رفتن عرضه پول در جهت افزایش قیمت‌ها عمل می‌کنند و ممکن است این دو اثر، همدیگر را خنثی کنند.

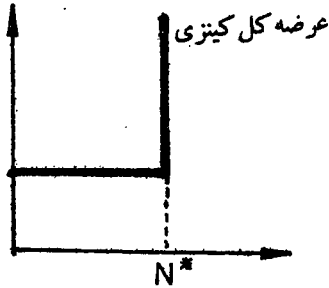
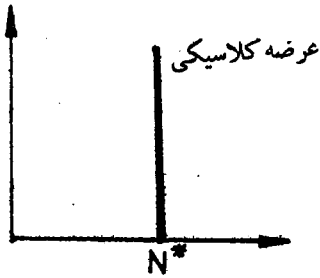
۳۸- د. هنگامی که بیکاری از حد طبیعی بالاتر است، دستمزدها یا کاهش می‌یابد یا از سرعت افزایش آنها کاسته می‌شود تا منحنی عرضه به راست منتقل شود و بیکاری به سطح طبیعی و تولید به سطح تعادلی باز گردد.

۳۹- الف. فریدمن و فلیس با طرح مسأله انتظارات، نشان دادند که رابطه فلیس فقط در کوتاه‌مدت برقرار است. همین که انتظارات قیمتی تغییر کرد، منحنی فلیس نیز جابه‌جا می‌شود. بنابراین فقط در کوتاه‌مدت است که سیاست‌گذار می‌تواند یک بیکاری کم‌تر را به بهای تورم بیش‌تر، به دست آورد.



۴۰- الف. فریدمن و فلیس با وارد کردن انتظارات تورمی در منحنی فلیس، چنین نشان دادند که تبادل میان تورم و بیکاری، فقط در کوتاه‌مدت، زمانی که قیمت‌های انتظاری ثابت است، برقرار است. اما در بلندمدت، اساساً تورم از بیکاری مستقل است و منحنی‌های کوتاه‌مدت با افزایش قیمت‌های انتظاری به بالا جابه‌جا می‌شوند. بنابراین بیکاری در حد طبیعی می‌ماند و تورم افزایش می‌یابد.

۴۱- ب. از آن جا که کلاسیک‌ها معتقدند که عرضه،



تقاضای خود را به وجود می آورد، اقتصاد را همواره در تعادل می دانند و چون هیچ بیکاری غیرارادی در بازار کار نمی شناسند، بنابراین همواره اشتغال کامل را برقرار می دانند. بدین ترتیب از دیدگاه آنان عرضه کل، عمودی و در سطح اشتغال کامل است. اما کینزین ها چون در بازار کار چسبندگی دستمزد را فرض می کنند، معتقدند عرضه در یک سطح قیمت معین، افقی است و بنابراین برای آنان تعادل در اشتغال ناقص نیز می تواند برقرار باشد. اما آنان نیز قبول دارند که اگر اقتصاد به اشتغال کامل برسد، عرضه عمودی می شود. نظریه کلاسیک ها بر پایه فرض انعطاف پذیری کامل دستمزدها، و نظریه کینزین ها بر پایه فرض چسبندگی دستمزدها قرار دارد.

۴۲- ب. می دانیم که آنچه فیلیس نشان داد، رابطه منفی بین نرخ بیکاری و نرخ دستمزد بود. اما آنچه امروز به نام منحنی فیلیس شناخته می شود، رابطه منفی بین نرخ بیکاری و نرخ تورم است (تعمیم همان چیزی که فیلیس کشف کرد)، یعنی $\pi = -\varepsilon(u - \bar{u})$ که u و \bar{u} به ترتیب نرخ بیکاری و نرخ بیکاری طبیعی می باشند، ε پارامتر تعدیل است و π نرخ تورم را نشان می دهد. بر این اساس، هرگاه $u > \bar{u}$ باشد، نرخ تورم کاهش می یابد و برعکس. آنچه فریدمن و فیلیس (با دید انتظارات تطبیقی) بر این رابطه افزودند، نرخ تورم انتظاری، π_e ، بود، یعنی $\pi = \pi_e - \varepsilon(u - \bar{u})$. بدین ترتیب، حتی اگر بیکاری برابر با بیکاری طبیعی باشد، نرخ تورم به اندازه تورم انتظاری خواهد بود. بر این اساس، اگر سیاستی بخواهد نرخ بیکاری را به نرخ پایین تر از نرخ بیکاری طبیعی کاهش دهد ($u < \bar{u}$)، باعث می شود تورم واقعی، π ، بیش تر از تورم انتظاری، π_e ، شود.





اقتصاد بین‌الملل

تجارت، مالیه

۱- وجود تجارت جهانی میان کشورها، بیانگر این است که :

الف) قانون مزیت مطلق، آن را توجیه می‌کند.

ب) کالاها و خدمات را آسان‌تر می‌توان میان کشورها جابه‌جا کرد، تا عوامل تولید آنها را.

ج) عوامل تولید را راحت‌تر از کالاها و خدمات تولید شده می‌توان میان کشورها جابه‌جا کرد.

د) تجارت جهانی، سودآورتر از بازرگانی داخلی است.

۲- فرض کنید یک کارگر انگلیسی، روزانه بتواند ۸ واحد لباس یا ۲ واحد گندم تولید کند؛ و یک کارگر اسپانیایی، روزانه بتواند ۶ واحد لباس و ۳ واحد گندم تولید کند. هزینه فرصت تولید یک واحد گندم در انگلستان برابر است با:

الف) ۲ واحد لباس ج) $\frac{1}{4}$ واحد لباس

ب) ۸ واحد لباس د) ۴ واحد لباس

۳- با توجه به سؤال (۲)، انگلستان

الف) در تولید لباس، مزیت (برتری) مطلق دارد.

ب) در تولید لباس، مزیت نسبی دارد.

ج) در تولید گندم عدم مزیت (عدم برتری) دارد.

د) هر سه مورد

۴- با توجه به سؤال (۲)، اگر بین این دو کشور تجارت صورت گیرد،

الف) انگلستان لباس صادر می‌کند و گندم وارد می‌کند.

ب) انگلستان لباس وارد می‌کند و گندم صادر می‌کند.

ج) انگلستان لباس و گندم وارد می‌کند.

د) انگلستان لباس و گندم صادر می‌کند.

۵- قانون مزیت نسبی، اشاره به آن دارد که :

الف) صادرات برای کشورهایی که کم‌ترین کارایی را دارند، زیان‌آور است.

ب) واردات برای کشورهایی که بالاترین کارایی را دارند، زیان‌آور است.

ج) همه کشورها می‌توانند از صادرات و واردات سود ببرند.

د) هیچ‌کدام

۶- فرض کنید تنها دو کشور A و B وجود دارند و تنها دو کالای نان و پارچه تولید می‌کنند. اگر تولید هر روز کارگر در این دو کشور به قرار زیر باشد:

کشور / کالا	A	B
نان (واحد)	۵۰	۱۰۰
پارچه (واحد)	۱۰۰	۱۲۰

- الف) کشور B فقط در نان، مزیت مطلق دارد.
 ب) کشور B فقط در پارچه، مزیت مطلق دارد.
 ج) کشور B در هر دو کالا، مزیت مطلق دارد.
 د) کشور B در نان، مزیت مطلق و در پارچه، عدم مزیت دارد.

۷- با توجه به سؤال (۶)، کدام گزینه درست است؟

- الف) کشور B در نان مزیت نسبی دارد.
 ب) کشور B در پارچه مزیت نسبی دارد.
 ج) کشور B در هر دو کالا مزیت نسبی دارد.
 د) هر سه مورد

۸- با توجه به سؤال (۶)، کشور A در تولید

- الف) هر دو کالا عدم برتری مطلق دارد.
 ب) پارچه برتری نسبی دارد.
 ج) هر دو مورد (الف) و (ب)
 د) هیچ‌گونه برتری مطلق و نسبی در هیچ‌کدام از کالاها ندارد.

۹- با توجه به سؤال (۶)، اگر بین A و B تجارت آزاد باشد،

- الف) کشور A نان می‌دهد و پارچه می‌گیرد.
 ب) کشور A پارچه می‌دهد و نان می‌گیرد.
 ج) کشور B هر دو کالا را صادر می‌کند.
 د) بین این دو کشور، تجارتی صورت نمی‌گیرد.

۱۰- هزینه فرصت تولید یک متر پارچه بیش‌تر برای کشور پرتغال، دو تن گندم است و هزینه فرصت تولید یک متر پارچه بیش‌تر برای ایتالیا، یک تن گندم است، در این صورت می‌توان نتیجه گرفته که:

- الف) ایتالیا در تولید پارچه مزیت مطلق دارد.
 ب) ایتالیا در تولید گندم مزیت مطلق دارد.
 ج) ایتالیا در تولید پارچه مزیت نسبی دارد.
 د) ایتالیا در تولید گندم مزیت نسبی دارد.

- ۱۱ - وقتی تجارت آزاد وجود دارد (با حذف ملاحظات غیراقتصادی)،
 الف) کشورهای بزرگ از تجارت جهانی، سود بیش‌تری می‌برند.
 ب) کشورهای کوچک از تجارت جهانی، سود بیش‌تری می‌برند.
 ج) همه کشورها به یکسان از تجارت، سود می‌برند.
 د) کشورهای صادرکننده بیش از کشورهای واردکننده سود می‌برند.
- ۱۲ - وقتی با افزایش تولید، هزینه متوسط تولید هر واحد کاهش می‌یابد،
 الف) حجم تجارت جهانی کاهش می‌یابد.
 ب) حجم تجارت جهانی افزایش می‌یابد.
 ج) اثری بر حجم تجارت جهانی ندارد.
 د) نمی‌توان اثر آن را بر تجارت معلوم کرد.
- ۱۳ - این نظریه که "تجارت کالا و خدمات، جانشینی برای تحرک عوامل تولید یعنی زمین، کار و سرمایه، محسوب می‌شود" از کیست؟
 الف) آدام اسمیت
 ب) دیوید ریکاردو
 ج) جان مینارد کینز
 د) برتیل اوهلین
- ۱۴ - وجود صرفه‌های مقیاس،
 الف) تجارت جهانی را تشویق می‌کند.
 ب) مانع گسترش تجارت جهانی می‌شود.
 ج) باعث تحرک عوامل تولید میان کشورها می‌شود.
 د) اثری بر تجارت جهانی ندارد.
- ۱۵ - یکی از انتقادات مهمی که از شرکت‌های چند ملیتی می‌شود، آن است که:
 الف) آنها مانع تجارت جهانی هستند.
 ب) آنها مانع رقابت در سطح بین‌المللی هستند.
 ج) آنان دانش فنی را انحصار می‌کنند.
 د) آنان از مالیات‌بندی و سیاست‌های پولی داخلی کشورها می‌گریزند.
- ۱۶ - چرا این گفته که "کشورهای دارای دستمزدهای بالا مثل آمریکا، عملاً نمی‌توانند با کشورهای دارای دستمزد پایین مثل تایوان، رقابت کنند" صحیح نیست؟
 الف) چون آمریکا هم بزرگ‌تر است هم ثروتمندتر.
 ب) چون کالاهای آمریکایی بیش‌تر مورد پذیرش مردم است.
 ج) چون برای هر دو کشور سودمند است که بر اساس مزیت نسبی خود به تولید و تجارت بپردازند.
 د) هر سه مورد

۱۷ - مزایای تجارت جهانی، وقتی به دست می‌آید که :

الف) کشور بتواند در روی مرز امکانات تولید خود، مصرف کند.

ب) کشور بتواند فراتر از مرز امکانات تولید خود، مصرف کند.

ج) هزینه‌های تولید نزولی باشد.

د) ترجیحات، میان کشورها متفاوت باشد.

۱۸ - با برقراری تعرفه یا سهمیه بر واردات یک کالا،

الف) هزینه‌ها و منافع آنها، در کل اقتصاد پخش می‌شود.

ب) هزینه‌ها و منافع آنها، تنها بر یک صنعت تحمیل می‌شود.

ج) هزینه‌های آنها بر کل اقتصاد تحمیل می‌شود، اما منافع آنها نصیب یک صنعت می‌گردد.

د) اقتصاد در بلندمدت هزینه‌ای نمی‌پردازد.

۱۹ - اثر نهایی بستن تعرفه، بر اشتغال داخلی چیست؟

الف) اشتغال ثابت می‌ماند.

ب) اشتغال افزایش می‌یابد.

ج) اشتغال در صنایعی که رقیب وارداتند (و با تعرفه حمایت شده‌اند) افزایش می‌یابد و این افزایش از صنایع دیگر تأمین می‌شود.

د) اشتغال در صنایع صادراتی افزایش می‌یابد و این افزایش از صنایع رقیب واردات تأمین می‌شود.

۲۰ - بستن تعرفه بر، مثلاً، واردات اتومبیل به ایران (بدون در نظر گرفتن متغیرهای غیراقتصادی)،

الف) کارایی را در صنایع اتومبیل سازی ایران افزایش می‌دهد.

ب) دارای هزینه و منفعت یکسانی برای کشور است.

ج) منافعی برای صنعت اتومبیل ایران دارد که کم‌تر از کاهش در اضافه رفاه مصرف‌کنندگان (به واسطه افزایش قیمت اتومبیل) است.

د) چون برای دولت در آمد دارد، کل رفاه را بالا می‌برد.

۲۱ - فرض کنید کشور A با تخصیص همه منابع به تولید کالای X بتواند ۴۰ واحد کالای X تولید کند و

با تخصیص همه منابع به Y بتواند ۶۰ واحد Y تولید کند. اما کشور B، با تخصیص همه امکانات به هر

کدام از این دو کالا می‌تواند ۶۰ واحد از X یا ۴۰ واحد از Y تولید کند. اکنون می‌توان نتیجه گرفت که:

الف) برای این دو کشور سودی در تجارت وجود ندارد.

ب) کشور A باید در تولید X و کشور B در تولید Y متخصص شود.

ج) کشور A باید در تولید Y و کشور B در تولید X متخصص شود.

د) نرخ مبادله به صورت $3X=Y$ خواهد بود.

○ با توجه به اطلاعات زیر که مربوط به جدول (منحنی) امکانات تولید دو کشور (الف) و (ب)

می باشد، به ۹ سؤال زیر پاسخ دهید (ارقام بر حسب تن):

جدول امکانات تولید کشور الف:

کالا	A	B	C	D	E
چای	۱۲۰	۹۰	۶۰	۳۰	۰
قند	۰	۳۰	۶۰	۹۰	۱۲۰

جدول امکانات تولید کشور ب:

کالا	A	B	C	D	E
چای	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰	۰
قند	۰	۳۰	۶۰	۹۰	۱۲۰

۲۲ - هزینه فرصت تولید یک واحد چای بیش تر در کشور (الف) کدام است؟

- الف) یک واحد قند
ب) دو واحد قند
ج) سه واحد قند
د) صفر

۲۳ - اگر کشور (ب) در نقطه C باشد، هزینه فرصت یک واحد افزایش در تولید قند چیست؟

- الف) ۳ واحد چای است.
ب) ۲ واحد چای است.
ج) ۱ واحد چای است.
د) $\frac{1}{3}$ واحد چای است.

۲۴ - هزینه های تولید قند در کشور (الف)،

- الف) افزایشی است.
ب) کاهشی است.
ج) ثابت است.
د) ابتدا ثابت و سپس افزایشی است.

۲۵ - هزینه های تولید چای در کشور (ب)،

- الف) کاهشی است.
ب) ثابت است.
ج) افزایشی است.
د) ابتدا کاهشی و سپس افزایشی است.

۲۶ - بر پایه اطلاعات بالا می توان گفت:

- الف) کشور (الف) باید به کشور (ب) چای صادر کند، اما مبادله قند برای دو کشور سودمند نیست.
ب) کشور (الف) باید به کشور (ب) چای صادر و از آن، قند وارد کند.
ج) کشور (ب) باید به کشور (الف) چای صادر و از آن، قند وارد کند.
د) کشور (الف) باید هر دو را صادر کند و کشور (ب) هر دو را وارد کند.

۲۷ - حدودی که در آن داد و ستد سودمند است (دامنه رابطه مبادله)، کدام است؟

- الف) در فاصله یک چای = یک قند، تا، یک چای = سه قند، قرار دارد.

- (ب) در فاصله یک چای = سه قند، تا، یک چای = $\frac{3}{5}$ قند، قرار دارد.
 (ج) در فاصله یک چای = سه قند، تا، یک چای = ۶ قند، قرار دارد.
 (د) در فاصله یک چای = دو قند، تا، یک چای = ۶ قند، قرار دارد.

۲۸ - فرض کنید که دو کشور (الف) و (ب) پیش از تخصص و تجارت، هر دو در جدول امکانات تولید خود روی نقطه C باشند، اکنون اگر هر دو بر اساس مزیت نسبی دست به تجارت بزنند، سود حاصل از تخصص یافتن و تجارت، برابر است با:

- (الف) ۱۰ تن چای و ۳۰ تن قند
 (ب) ۴۰ تن چای
 (ج) ۲۰ تن چای
 (د) ۲۰ تن چای و ۲۰ تن قند

۲۹ - با توجه به تخصص یافتن دو کشور و تجارت میان آنها، می توان نتیجه گرفت که:

- (الف) قیمت چای در کشور (الف) بالا می رود.
 (ب) قیمت قند در کشور (الف) بالا می رود.
 (ج) قیمت چای در کشور (الف) کاهش می یابد.
 (د) قیمت قند در کشور (ب) کاهش می یابد.

۳۰ - فرض کنید که چای یک کالای زمین بر و قند یک کالای سرمایه بر است. می توان گفت که در نتیجه تجارت،

- (الف) قیمت زمین در کشور (الف) افزایش می یابد.
 (ب) قیمت زمین در کشور (الف) کاهش می یابد.
 (ج) قیمت زمین در کشور (ب) افزایش می یابد.
 (د) قیمت سرمایه در کشور (ب) کاهش می یابد.

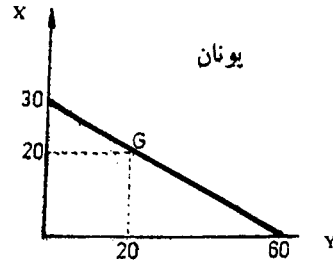
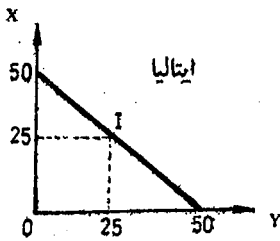
۳۱ - جز اهداف سیاسی، دولت ها چه اهداف اقتصادی را در جلوگیری از تجارت آزاد پی می گیرند؟

- (الف) حمایت از صنایع نوزاد
 (ب) افزایش اشتغال داخلی
 (ج) حمایت از مزدهای بالا در داخل
 (د) همه موارد بالا

۳۲ - تفاوت تجارت جهانی و تجارت داخلی چیست؟

- (الف) مزیت نسبی مربوط به تجارت جهانی است.
 (ب) مزیت نسبی مربوط به تجارت داخلی است.
 (ج) عرضه منابع تولید در میان ملل مختلف متفاوت است.
 (د) جریان کالا در تجارت داخلی، محدود به مرزهای ملی است.

۴۰ سؤال بعدی، بر پایه دو شکل صفحه بعد - که منحنی امکانات تولید دو کشور، مثلاً، ایتالیا و یونان را به دست می دهند - طرح شده است:



۳۳- بر اساس شکل‌ها می‌توان گفت که:

- (الف) ایتالیا X صادر و از یونان Y وارد می‌کند.
 (ب) یونان X صادر و ایتالیا Y وارد می‌کند.
 (ج) تولید در هر دو کشور با هزینه‌های صعودی است.
 (د) ایتالیا هم X و هم Y را از یونان وارد می‌کند.

۳۴- این دو کشور با کدام یک از نرخهای زیر X و Y را مبادله می‌کنند؟

- (الف) نرخ مبادله کالای X در برابر کالای Y در فاصله یک و دو قرار دارد.
 (ب) ایتالیا هر X را در ازاء یک تا دو واحد Y به یونان صادر می‌کند.
 (ج) نرخ مبادله از $1Y = 1X$ ، تا $2Y = 1X$ برقرار می‌شود.
 (د) همه موارد بالا صحیح است.

۳۵- فرض کنید پیش از آن که این دو کشور در کالای معینی تخصص یابند و تجارت کنند، ایتالیا در نقطه I و یونان در نقطه G روی منحنی امکانات تولید باشند. اگر براساس مزیت نسبی تخصص پیدا کنند و دست به تجارت بزنند، چه افزایشی در کل تولید دو کشور به وجود می‌آید؟

- (الف) ۵ واحد X و ۱۵ واحد Y
 (ب) ۵ واحد X و ۱۰ واحد Y
 (ج) ۱۰ واحد X
 (د) ۱۰ واحد Y

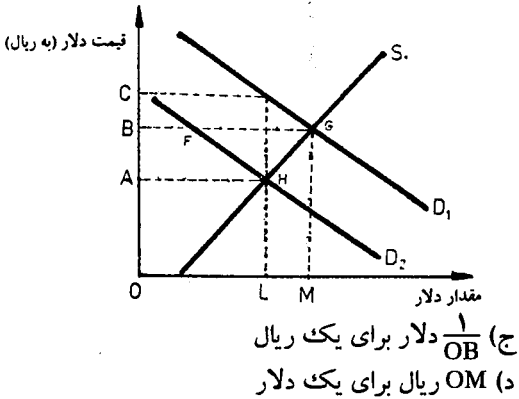
۳۶- فرض کنید که X سرمایه‌بر و Y کاربر باشد. می‌توان انتظار داشت که در نتیجه تجارت،

- (الف) قیمت سرمایه در ایتالیا افزایش یابد.
 (ب) قیمت کار در ایتالیا افزایش یابد.
 (ج) قیمت کار در یونان کاهش یابد.
 (د) موارد (الف) و (ج) صحیح است.

۳۷- اصطلاح "مازاد تجاری"، بدین معنی است که:

- (الف) واردات کالاها و خدمات بیش از صادرات آنها باشد.
 (ب) صادرات کالاها و خدمات بیش از واردات آنها باشد.
 (ج) صادرات کالاها بیش از صادرات خدمات باشد.
 (د) درآمد ارزی کشور بیش از ارزش کالاهای صادر شده است.

○ سوالات ۳۸ تا ۴۴ را بر مبنای نمودار صفحه بعد پاسخ دهید. که در آن D_1 و S_1 تقاضا و عرضه اولیه دلار در ایران می‌باشد:



۳۸- نرخ تعادلی مبادله، در ابتدا برابر است با:

الف) OC ریال برای یک دلار

ب) OA ریال برای یک دلار

۳۹- نرخ تعادلی ارز، در ابتدا برابر است با:

الف) OA

ب) OB

ج) OC

د) OM

۴۰- فرض کنید دولت ایران واردات را محدود کند و در نتیجه تقاضای ارز به D_2 منتقل شود، آنگاه در سیستم نرخ ارز شناور،

الف) نرخ ارز به OC افزایش می‌یابد.

ب) نرخ ارز ثابت می‌ماند.

ج) نرخ ارز به OA کاهش می‌یابد.

د) مازاد ارز به اندازه FG به وجود می‌آید.

۴۱- اگر دولت ایران واردات را محدود کند و در عین حال نرخ ارز را ثابت نگه دارد، کدام یک از نتایج زیر را می‌توان استنباط کرد؟

الف) تقاضای ارز و نرخ ارز ثابت می‌ماند.

ب) تقاضای ارز کاهش می‌یابد و اضافه عرضه ارز به وجود می‌آید.

ج) عرضه ارز افزایش می‌یابد و اضافه تقاضای ارز به وجود می‌آید.

د) عرضه ارز کاهش می‌یابد.

۴۲- اگر کیفیت کالاهای صادراتی ایران بهبود یابد، انتظار داریم که:

الف) منحنی عرضه ارز به چپ منتقل شود. ج) روی منحنی عرضه ارز به پایین حرکت شود.

ب) روی منحنی عرضه ارز به بالا حرکت شود. د) منحنی عرضه ارز به راست منتقل شود.

۴۳- اگر دولت ایران عوارض گمرکی ورود اتومبیل‌های خارجی را کاهش دهد، انتظار می‌رود که:

الف) منحنی عرضه ارز به راست برود. ج) منحنی تقاضای ارز به راست برود.

ب) منحنی عرضه ارز به چپ برود. د) منحنی تقاضای ارز به چپ برود.

۴۴- کدام یک از موارد زیر، نرخ ارز را افزایش می‌دهد؟

الف) اخراج کارگران ایرانی شاغل در ژاپن

ب) افزایش قیمت کالاهای ایرانی نسبت به کالاهای وارداتی

ج) آزاد شدن استفاده از ویدئو در ایران

د) همه موارد بالا

۴۵- در نظام ارز شناور، نرخ ارز چگونه تعیین می شود؟

الف) توسط مقامات پولی یک کشور

ج) توسط مکانسیم عرضه و تقاضای ارز در کشور

ب) توسط صندوق بین المللی پول

د) به وسیله قیمت طلا

۴۶- کدام یک از گزینه های زیر صحیح است؟

الف) در سیستم نرخ ارز ثابت، بانک مرکزی دست به خرید و فروش ارز در یک نرخ ثابت می زند تا نرخ ارز ثابت بماند.

ب) در سیستم نرخ ارز شناور یا انعطاف پذیر، بانک مرکزی هیچ دخالتی در بازار نمی کند و نرخ ارز در بازار تعیین می شود.

ج) در سیستم نرخ ارز شناور کنترل شده یا شناور آلوده، بانک مرکزی برای تأثیر بر نرخ ارز، تا حدودی دست به خرید و فروش ارز می زند.

د) همه موارد بالا

۴۷- در سیستم نرخ ارز شناور، به چه طریقی کسری تراز پرداخت های یک کشور از بین می رود؟

الف) کاهش نرخ ارز

ج) تقویت پول ملی

ب) افزایش نرخ ارز

د) هیچ کدام

۴۸- تغییر نرخ برابری دلار از یک دلار = ۱۵۰ تومان به یک دلار = ۲۰۰ تومان، نشانگر آن است که:

الف) پول ملی ایران تقویت شده است.

ج) دلار تقویت شده است.

ب) پول ملی ایران تضعیف شده است.

د) موارد (ب) و (ج) صحیح است.

۴۹- تقویت پول ملی هر کشور، چه تأثیری بر تراز پرداخت های آن کشور دارد؟

الف) کسری تراز پرداخت ها را کاهش و مازاد آن را افزایش می دهد.

ب) اثری ندارد.

ج) کسری تراز پرداخت ها را افزایش و مازاد آن را کاهش می دهد.

د) هم کسری و هم مازاد را کاهش می دهد.

۵۰- تقاضای ارز در داخل یک کشور به کدام یک از عوامل زیر بستگی دارد؟

الف) تقاضا برای واردات در کشور و نرخ ارز.

ب) عرضه کالاهای وارداتی و قیمت کالاهای وارداتی.

ج) تعرفه های گمرکی کالاهای وارداتی و انتظارات نسبت به تغییر قیمت ارز.

د) همه موارد بالا.

۵۱ - عرضه ارز در هر کشور بستگی دارد به :

- الف) تقاضای خارجی برای کالاهای صادراتی آن کشور
 ب) عرضه کالاهای صادراتی آن کشور
 ج) تشویق صادرات توسط دولت
 د) همه موارد بالا

۵۲ - تضعیف پول ملی یک کشور، موجب می شود که :

- الف) قیمت های داخلی کاهش یابد.
 ب) قیمت های داخلی افزایش یابد.
 ج) قیمت های داخلی تغییری نکنند.
 د) هیچ کدام

○ با توجه به جدول زیر که نشان دهنده خلاصه تراز پرداخت های کشور X است، به چهار سؤال بعدی پاسخ دهید:

میلیون ریال

صادرات	
کالاها	+۲۹۰
خدمات	+۱۱۶
درآمد دریافتی از خارج	+۵۸
واردات	
کالاها	-۳۶۲/۵
خدمات	-۱۰۱/۵
درآمد خارجی از سرمایه گذاری در کشور X	-۸۷
خالص پرداخت های انتقالی بخش خصوصی	-۱۴/۵
خالص پرداخت های انتقالی دولت (وام و کمک)	۲۹
خالص انتقال سرمایه	-۱۴/۵
معاملات ذخایر رسمی (انتقال ذخایر ارزی و طلا و تغییر بدهی به خارجی)	+۸۷

۵۳ - مازاد تراز پرداخت های این کشور چقدر است؟

- الف) ۱۰۱ میلیون ریال
 ب) ۲۹۰ میلیون ریال
 ج) ۸۷ میلیون ریال
 د) صفر

۵۴ - مانده حساب کالایی (مرئی)، برابر است با :

- الف) ۱۰۱/۵ میلیون ریال
 ب) ۲۹۰ میلیون ریال
 ج) ۷۲/۵ - میلیون ریال
 د) ۸۷ میلیون ریال

۵۵ - مانده حساب نامرئی، برابر است با:

ج) ۱۴/۵ - میلیون ریال
د) ۸۷ - میلیون ریال

الف) ۱۴/۵ میلیون ریال
ب) ۱۰/۵ میلیون ریال

۵۶ - مانده حساب جاری، برابر است با:

ج) ۱۴/۵ میلیون ریال
د) ۱۰۱/۵ میلیون ریال

الف) ۷۲/۵ - میلیون ریال
ب) ۸۷ - میلیون ریال

۵۷ - حساب سرمایه،

الف) جمع سرمایه گذاریهای خارجی در داخل کشور، در یک سال را نشان می دهد.
ب) فقط جریان سرمایه گذاریهای کوتاه مدت به داخل و به خارج را در نظر می گیرد.
ج) فقط شامل وامها و سرمایه گذاریهایی است که از خارج به داخل منتقل می شود.
د) ورود و خروج سرمایه گذاریها و وامهای بین المللی بلند مدت و کوتاه مدت را نشان می دهد.

۵۸ - چگونه عدم تعادل تراز پرداختها، به صورت خودکار تعدیل می شود؟

ج) از طریق تغییر در درآمد
د) از طریق همه موارد بالا

الف) از طریق تغییر در قیمت های داخلی
ب) از طریق تغییر در قیمت های خارجی



پاسخنامه فصل ۷

ج-۴۹	ب-۳۷	ب-۲۵	د-۱۳	ب-۱
د-۵۰	ج-۳۸	ب-۲۶	الف-۱۴	د-۲
د-۵۱	ب-۳۹	الف-۲۷	د-۱۵	د-۳
ب-۵۲	ج-۴۰	ب-۲۸	ج-۱۶	الف-۴
ج-۵۳	ب-۴۱	الف-۲۹	ب-۱۷	ج-۵
ج-۵۴	د-۴۲	الف-۳۰	ج-۱۸	ج-۶
الف-۵۵	ج-۴۳	د-۳۱	ج-۱۹	الف-۷
الف-۵۶	د-۴۴	د-۳۲	ج-۲۰	ج-۸
د-۵۷	ج-۴۵	الف-۳۳	ج-۲۱	ب-۹
د-۵۸	د-۴۶	د-۳۴	الف-۲۲	ج-۱۰
	ب-۴۷	الف-۳۵	د-۲۳	ب-۱۱
	د-۴۸	الف-۳۶	ج-۲۴	ب-۱۲

پاسخ‌های تشریحی فصل هفتم

اقتصاد بین‌الملل: تجارت، مالیه

۱- ب. البته هر جابه‌جایی در اقتصاد وقتی انجام می‌شود که سودی داشته باشد و تجارت جهانی نیز از این قاعده جدا نیست. اما به این نکته باید توجه کرد که اگر عوامل اصلی تولید یعنی کار، سرمایه و زمین به راحتی قابل جابه‌جایی بودند، قطعاً تجارت جهانی بسیار محدود می‌شد و آنگاه مثلاً کارخانه بنز هر از گاهی سرمایه (ماشین آلات) و کارگران خود را به کشوری می‌برد و اتومبیل‌های بنز مورد نیاز را همان‌جا می‌ساخت و تحویل می‌داد و سپس به کشور دیگری جابه‌جا می‌شد و دیگر تجارت به مفهوم امروزین وجود نمی‌داشت.

۲- د. هزینه فرصت تولید هر واحد گندم در انگلستان برابر با حداکثر چیزی است که انگلستان با تولید هر واحد گندم، از دست می‌دهد و اگر آن یک واحد گندم را تولید نمی‌کرد، می‌توانست آن را داشته باشد. پس انگلستان با تولید هر واحد گندم، ۴ واحد لباس از دست می‌دهد و این همان هزینه فرصت یک واحد گندم در انگلستان است.

۳- د. اگر تولید لباس انگلستان را با اسپانیا مقایسه کنیم، هر کارگر از انگلستان روزانه ۲ واحد لباس بیش‌تر تولید می‌کند پس انگلستان در مورد تولید لباس مزیت مطلق دارد. اما با مقایسه نسبت تولید دو کالا در دو کشور داریم:

$$\frac{8}{6} > \frac{2}{3}$$

پس انگلستان در تولید لباس، برتری نسبی نیز دارد. اما در باره تولید گندم، نه تنها هر کارگر انگلیسی نسبت به هر کارگر اسپانیایی روزانه یک واحد گندم کم‌تری تولید می‌کند، بلکه نسبت تولید گندم نیز کوچک‌تر از نسبت تولید لباس است. پس تولید گندم در انگلستان هیچ مزیتی ندارد.

۴- الف. انگلستان چون در تولید لباس مزیت نسبی دارد، به سود اوست که لباس صادر کند و گندم وارد کند.
۵- ج. قانون مزیت نسبی می‌گوید حتی کشورهایی که دارای کارایی اندک هستند یعنی (برای مثال) مزیت مطلق در هیچ کالایی ندارند باز به خاطر آن که در برخی کالاها مزیت نسبی دارند، می‌توانند با تجارت جهانی سود ببرند و نیز کشورهایی که در همه کالاها مزیت مطلق دارند، می‌توانند از تجارت سود ببرند.

۶- ج. چون کشور B با هر روز - کارگر می‌تواند از هر دو کالا مطلقاً بیش از کشور A تولید کند، در هر دو کالا مزیت مطلق دارد.

۷- الف. با مقایسه نسبت تولید دو کالا در دو کشور داریم:

$$\left(\frac{\text{تولید پارچه در B}}{\text{تولید نان در B}} > \frac{\text{تولید پارچه در A}}{\text{تولید نان در A}} \right) \text{ یعنی } \left(\frac{120}{100} > \frac{100}{50} \right)$$

بنابراین B در تولید نان مزیت نسبی دارد، اما در تولید پارچه خیر.

۸- ج. چون مقدار تولید از هر دو کالا در کشور A کم‌تر از B است، عدم برتری مطلق در هر دو کالا وجود دارد. اما این عدم برتری در مورد پارچه کم‌تر است، یعنی تولید پارچه در کشور A برتری نسبی دارد، زیرا داریم:

$$\left(\frac{\text{پارچه A}}{\text{پارچه B}} < \frac{\text{نان A}}{\text{نان B}} \right)$$

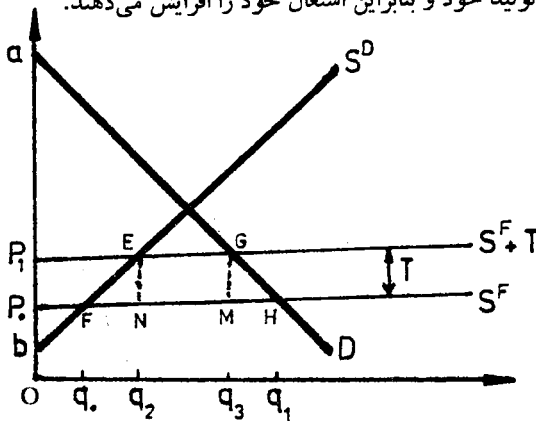
- ۹- ب. چون A مزیت نسبی در تولید پارچه دارد ($\frac{100}{120} < \frac{50}{100}$) و B مزیت نسبی در تولید نان ($\frac{100}{50} > \frac{120}{100}$)، پارچه صادر و نان وارد می‌کند.
- ۱۰- ج. چون ایتالیا برای تولید یک واحد پارچه، نصف پرتغال هزینه فرصت می‌پردازد، در تولید پارچه مزیت نسبی دارد.
- ۱۱- ب. از آن جا که تنوع و مقدار عوامل تولید موجود در کشورهای کوچک، کم‌تر از کشورهای بزرگ است، معمولاً هزینه‌های تولید بالاتر خواهد بود و معمولاً مزیت مطلق در تولید ندارند. اما ممکن است در برخی کالاها مزیت نسبی داشته باشند و تجارت آزاد امکان استفاده از مزیت نسبی را به آنها می‌دهد.
- ۱۲- ب. وقتی هزینه متوسط تولید، با افزایش تولید، کاهش می‌یابد به این مفهوم است که کشور با تمرکز بر تولید آن کالا و اختصاص عوامل تولید بیش‌تری به آن می‌تواند از مزیت نسبی شدیدتری برخوردار شود. یعنی در تولید آن کالا نسبت به کشورهای دیگری نیز مزیت نسبی پیدا کند و به عبارت دیگر تخصص خود را متمرکز بر آن کالا کند. بنابراین تجارت جهانی گسترش می‌یابد.
- ۱۳- د. ریکاردو بر این باور بود که اختلاف در قیمت عوامل فقط وقتی که جابه‌جایی عوامل تولید در صحنه بین‌الملل، شدنی باشد، می‌تواند بر طرف شود. اوهلین در نظریه خود ("نظریه نسبت موجودی عوامل" یا "نظریه برخورداری از عوامل"، Factor endowments theory) نشان داد که تجارت و جابه‌جایی کالاها نیز می‌تواند قیمت عوامل را به سوی برابری ببرد. می‌دانیم که وقتی تجارت آغاز می‌شود، کشورها در کالایی که مزیت نسبی دارند، متخصص می‌شوند و تولید کالاهای دیگر را کاهش می‌دهند. بنابراین اگر، مثلاً، کشور A در کالای X متخصص شود و کالای Y کاربر باشد، چون از کار نسبت به عوامل دیگر، بیش‌تر تقاضا می‌شود، قیمت کار افزایش و قیمت بقیه عوامل کاهش می‌یابد. اکنون اگر کشوری در تولید کالایی متخصص شود که از عامل کمیاب‌تر، کم‌تر لازم داشته باشد، اختلاف بین قیمت عوامل (در میان کشورها)، تا حدودی بر طرف می‌شود. چرا که قیمت عامل کمیاب‌تر کاهش می‌یابد و به قیمت دیگر کشورها (که این عامل در آنها کمیاب نیست)، نزدیک می‌شود.
- ۱۴- الف. وجود صرفه‌های مقیاس، یعنی باگسترش تولید، هزینه‌های تولید (نهایی و متوسط) پایین بیاید. پایین آمدن هزینه متوسط تولید باعث می‌شود کشوری که صرفه مقیاس در تولید یک کالا دارد، نسبت به تعداد بیش‌تری از کشورها دارای مزیت نسبی در تولید آن کالا شود و بنابراین تجارت جهانی افزایش می‌یابد.
- ۱۵- د. از آن جا که معمولاً سیاست‌های اقتصادی و مالیاتی کشورها فقط در برگیرنده واحدهای اقتصادی ملی آنهاست و شامل واحدهای خارجی نمی‌شود، شرکت‌های چند ملیتی می‌توانند از پرداخت مالیات و تحمل فشارهای ناشی از سیاست‌های دولت‌ها پرهیز کنند.
- ۱۶- ج. می‌دانیم که براساس مزیت نسبی، حتی اگر کشوری در تولید تمام کالاها مزیت مطلق داشته باشد، نباید همه آنها را تولید کند، بلکه فقط آنچه در تولید آن مزیت نسبی دارد را باید تولید کند. بنابراین ممکن است کشوری مثل تایوان در تولید تمام کالاهای کاربر مزیت مطلق داشته باشد اما به سود او نیست که همه آنها را تولید کند.
- ۱۷- ب. مرز امکانات تولید، حداکثر مقداری است که هر کشور با توجه به امکانات خود می‌تواند از کالاهای مختلف تولید کند. اکنون تجارت جهانی زمانی سودمند است که به کشور اجازه دهد، بیش از امکانات تولیدی

خود مصرف کند.

۱۸- ج. معمولاً تعرفه و سهمیه به منظور حمایت از بخش یا صنعتی خاص تحمیل می‌شود. با تحمیل آنها، هزینه آن را (به صورت کاهش واردات و افزایش قیمت کالای وارداتی) همه اقتصاد متحمل می‌شود اما منافع آن، به صنعت خاصی که از او حمایت شده است، می‌رسد.

۱۹- ج. با بستن تعرفه، قیمت کالای وارداتی در داخل افزایش می‌یابد. بنابراین صنایعی که همان کالای وارداتی (یا جانشین‌های آنها) را در داخل تولید می‌کنند، تولید خود و بنابراین اشتغال خود را افزایش می‌دهند.

۲۰- ج. با توجه به شکل :



S^D : عرضه داخلی اتومبیل
 S^F : عرضه خارجی اتومبیل
 T : مالیات بر واحد اتومبیل
 D : تقاضای داخلی برای اتومبیل

پیش از بستن تعرفه :

P_0 قیمت

q_1 کل تقاضا

q_0 عرضه داخل

q_0, q_1 واردات

پس از تعرفه به اندازه T :

$P_0 + T = P_1$ قیمت

q_1 کل تقاضا

q_2 عرضه داخل

q_2, q_3 واردات

ap_0H : اضافه رفاه مصرف کنندگان :

bp_0F : اضافه رفاه تولیدکنندگان داخلی :

P_1P_0HG کاهش اضافه رفاه مصرف کنندگان

P_1P_0FE افزایش اضافه رفاه تولید کنندگان داخل

$ENMG$ افزایش درآمد مالیاتی (تعرفه) دولت

$EFN+GMH$ خالص کاهش در اضافه رفاه جامعه

بنابراین در نهایت، رفاه جامعه با بستن تعرفه، کاهش می‌یابد.

۲۱- ج. نسبت تولید کالای X به Y در کشور A برابر $\frac{4}{6}$ و در کشور B برابر $\frac{6}{4}$ است. بنابراین کشور B باید در کالای X تخصص یابد و کشور A در کالای Y.

۲۲- الف. چون نسبت تبدیل در کشور (الف)، یک است، یعنی برای افزایش یک واحد در تولید چای، نباید یک واحد قند از دست داد. بنابراین هزینه فرصت یک واحد چای، یک واحد قند است.

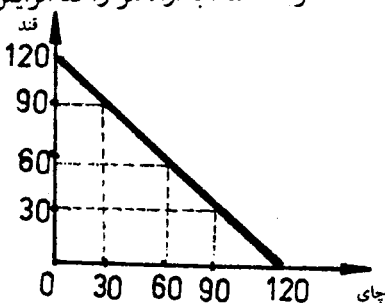
۲۳- د. برای افزایش تولید قند، کشور (ب) از نقطه C باید به سوی نقطه D حرکت کند. به ازاء هر واحد افزایش در تولید قند، مجبور است $\frac{1}{3}$ واحد چای از دست بدهد.

۲۴- ج. چون با حرکت از نقطه A به سوی نقطه E روی

منحنی امکانات تولید، همواره به ازاء هر واحد افزایش

تولید قند، یک واحد تولید چای کاهش می‌یابد. در واقع

منحنی امکانات تولید کشور (الف)، خطی است.



- ۲۵- ب. چون در هر نقطه منحنی امکانات تولید که باشیم، برای افزایش هر واحد تولید چای، باید سه واحد قند از دست بدهیم. یعنی منحنی امکانات تولید کشور (ب) خطی است.
- ۲۶- ب. هزینه فرصت افزایش یک واحد در تولید چای، در کشور (الف)، یک واحد قند است و در کشور (ب) ۳ واحد قند. بنابراین تولید چای در (الف) ارزان تر و تولید قند در (ب) ارزان تر است. در نتیجه به سود هر دو است که (الف) در چای و (ب) در قند متخصص شوند و با هم مبادله کنند.
- ۲۷- الف. در کشور (الف) هزینه فرصت (یا همان نرخ نهایی تکنیکی جانشینی) برای افزایش یک واحد در تولید چای، برابر یک واحد قند است و در کشور (ب) برابر سه واحد قند. بنابراین اگر در برابر یک واحد چای به کشور (الف) مقداری بیش از یک واحد قند پرداخت شود، حاضر به مبادله می شود و نیز اگر برای هر واحد چای از کشور (ب) مقداری کم تر از سه واحد قند درخواست شود، حاضر به مبادله است. پس رابطه مبادله برای این دو کشور (قند/چای) بین یک تا سه خواهد بود. در واقع یک، شیب منحنی امکانات تولید کشور (الف) و سه، شیب منحنی امکانات تولید کشور (ب) است.
- ۲۸- ب. وقتی تجارت آغاز می شود، چون (الف) در تولید چای و (ب) در تولید قند مزیت نسبی دارد، به سود آنهاست که هر کدام در تولید کالایی که مزیت نسبی دارند متخصص شوند و همه امکانات خود را به تولید آن اختصاص دهند. بنابراین کشور (الف) به نقطه A و کشور (ب) به نقطه B روی منحنی امکانات خود می روند. پیش از تجارت (در نقطه C) جمع تولید چای و قند دو کشور به ترتیب ۸۰ و ۱۲۰ تن بود. پس از تجارت، از هر دو کالا ۱۲۰ تن تولید می شود. بنابراین مجموع منافع حاصل از تجارت، ۴۰ تن چای است.
- ۲۹- الف. پیش از تجارت، قیمت (هزینه) یک واحد چای در کشور (الف)، برابر یک واحد قند است. با آغاز مبادله، کشور (ب) برای هر واحد چای بین یک تا سه واحد قند (بسته به قدرت چانه زنی طرفین و نرخ که سرانجام برقرار می شود) به کشور (الف) خواهد پرداخت. هر نرخ که تعیین شود بیش از یک واحد قند برای یک واحد چای (قیمت پیش از تجارت برای چای در کشور «الف») خواهد بود و بنابراین قیمت چای در کشور (الف) افزایش می یابد (و قیمت قند، کاهش).
- ۳۰- الف. می دانیم که مزیت نسبی کشور (الف) در تولید چای است که یک کالای زمین بر است. وقتی تجارت آغاز می شود، در این کشور تولید قند کاهش و تولید چای افزایش می یابد. چون قند سرمایه بر است با کاهش تولید آن، سرمایه بیش تری نسبت به زمین آزاد می شود. از طرف دیگر چون چای زمین بر است، با افزایش تولید آن، زمین بیش تری نسبت به سرمایه تقاضا می شود. بنابراین کمیابی زمین، افزایش، و کمیابی سرمایه، کاهش می یابد. در نتیجه زمین گران تر و سرمایه ارزان تر می شود.
- ۳۱- د. صنایع نوزاد، صنایعی هستند که در آغاز راهند و هنوز کارایی تولیدشان پایین است (و بنابراین قیمت تولیدشان، بالا). باز شدن درها باعث می شود کالاهایی که این صنایع تولید می کنند، به قیمت ارزان تر از خارج وارد شود و صنایع نوزاد ورشکست شوند. همچنین وقتی کشوری در تولید کالاهای سرمایه بر مزیت نسبی دارد، تجارت آزاد باعث واردات کالاهای کاربر می شود. در نتیجه کمیابی نیروی کار در داخل کاهش می یابد (کاهش اشتغال و افزایش بیکاری) و مزدها نیز افت می کنند.
- ۳۲- د. از دیدگاه نظری تجارت جهانی و تجارت داخلی هیچ تفاوتی ندارد، تنها این دومی محدود به مرزهای ملی یک کشور است و تجارت میان نواحی (به جای کشورها) انجام می شود.
- ۳۳- الف. هزینه فرصت یک واحد یا نرخ نهایی تکنیکی جانشینی (منفی شیب منحنی امکانات تولید) برای

- ایتالیا و یونان به ترتیب ۱ و $\frac{1}{4}$ است. بنابراین تولید Y برای ایتالیا گران تر و برای یونان ارزان تر است. عکس این مسأله برای کالای X درست است. بنابراین ایتالیا X و یونان Y تولید می کنند و به مبادله می پردازند.
- ۳۴-د. در ایتالیا برای هر X باید یک Y از دست داد (هزینه فرصت) و در یونان برای هر X، دو Y از دست می رود. پس از شروع تجارت، ایتالیا با هر نرخ که بیش از یک Y برای هر X باشد سود می برد، و یونان با هر نرخ که کم تر از ۲Y برای هر X باشد نفع می کند. بنابراین نرخ مبادله میان ۱Y برای هر X تا ۲Y برای هر X برقرار می شود.
- ۳۵-الف. پس از آغاز تجارت یونان تمام امکانات خود را به تولید ۶۰ واحد Y و ایتالیا تمام امکانات خود را به تولید ۵۰ واحد X اختصاص می دهد. پیش از تجارت (وقتی دو کشور در نقاط I و G هستند) جمع تولید Y دو کشور ۴۵ واحد و جمع تولید X دو کشور نیز ۴۵ واحد است. بنابراین ۵ واحد در X و ۱۵ واحد در Y افزایش تولید به وجود آمده است.
- ۳۶-الف. پس از تجارت، در ایتالیا فقط X و در یونان فقط Y تولید می شود. چون X سرمایه بر است، تقاضا برای سرمایه نسبت به عوامل دیگر، بیش تر افزایش می یابد. در نتیجه، قیمت سرمایه افزایش می یابد. در یونان به علت تولید کالای کاربر، تقاضای کار، افزایش نسبی بیش تری دارد و قیمت کار بالا می رود.
- ۳۷-ب. وقتی مجموع ارزش صادرات یک کشور بیش از مجموع ارزش واردات باشد، مازاد تجاری به وجود می آید.
- ۳۸-ج. نرخ مبادله، نرخ است که پولهای گوناگون در آن نرخ با هم معاوضه می شوند. این نرخ را می توان به صورت نسبت هر پول، به پولهای دیگر بیان کرد. در شکل یاد شده، نرخ مبادله برابر است با OB ریال برای هر دلار یا $\frac{1}{OB}$ دلار برای هر ریال (توجه شود که نرخ مبادله با رابطه مبادله تفاوت دارد. رابطه مبادله بیانگر نسبت قیمت واردات به قیمت صادرات یک کشور است که هر دو قیمت با یک پول، مثلاً ریال، بیان می شوند).
- ۳۹-ب. نرخ ارز، ارزش پول خارجی است که براساس پول داخلی بیان می شود. بنابراین نرخ هر دلار، OB ریال است.
- ۴۰-ج. وقتی نرخ ارز، شناور است یعنی نیروهای عرضه و تقاضا، آن را تعیین می کنند. بنابراین تعادل جدید (پس از محدود شدن واردات) در نقطه H، برقرار می شود و نرخ ارز OA، خواهد شد.
- ۴۱-ب. وقتی واردات محدود می شود، تقاضای ارز به D₂ می آید. باید نرخ ارز به OA کاهش یابد، اما دولت آن را در همان OB ثابت نگه می دارد. بنابراین تقاضای ارز در نرخ OB برابر BF و عرضه آن برابر BG خواهد بود. در نتیجه، به اندازه FG اضافه عرضه وجود خواهد داشت که دولت برای ثابت نگه داشتن نرخ ارز، مجبور است این اضافه عرضه را خود، خریداری کند.
- ۴۲-د. با بهبود کیفیت کالاهای صادراتی ایران، تقاضای خارجی برای کالاهای ایرانی افزایش می یابد، و در نتیجه صادرات ایران بالا می رود. این به مفهوم ورود پولهای خارجی زیادتر به داخل است که منجر به انتقال تابع عرضه ارز به راست می شود.
- ۴۲-ج. کاهش عوارض گمرکی، قیمت داخلی اتومبیل های خارجی را کاهش می دهد. در نتیجه، واردات آنها افزایش می یابد. این به مفهوم افزایش تقاضای ارز در هر نرخ ارز است. یعنی منحنی تقاضای ارز به بالا و راست منتقل می شود.
- ۴۴-د. با اخراج کارگران ایرانی از ژاپن، درآمد ارزی آنها از دست می رود و منحنی عرضه ارز را به چپ منتقل

می سازد. افزایش قیمت کالاهای ایرانی باعث می شود، تقاضا به سوی کالاهای خارجی معطوف شود و واردات افزایش یابد. در نتیجه، تابع تقاضای ارز به بالا منتقل می شود. آزاد شدن ویدئو، تقاضای آن را افزایش می دهد و واردات آن بالا می رود و این به بالا رفتن تابع تقاضای ارز می انجامد. بالا (به راست) رفتن تقاضای ارز و به چپ رفتن عرضه ارز، هر دو، نرخ ارز را افزایش می دهند.

۴۵- ج. اگر دولت هیچ دخالتی نکند، نرخ ارز جایی برقرار می شود که عرضه و تقاضای آن برابر است. این نرخ، نرخ شناور است.

۴۶- د. اگر بانکهای مرکزی فعالانه عمل کنند و آنقدر ارز به بازار ترریق کنند، یا آن قدر ارز از بازار خارج (خریداری) کنند، تا نرخ ارز همواره ثابت بماند، سیستم نرخ ارز ثابت برقرار می شود، نظام پولی بر تن وودز در سالهای پس از جنگ جهانی دوم براساس نرخ ثابت ارز استوار بود. گاهی بانکهای مرکزی فقط تا حدودی در بازار دخالت می کنند و فقط تأثیر بر نرخ ارز می گذارند اما آن را در جای معینی تثبیت نمی کنند. این نظام به سیستم نرخ ارز شناور کنترل شده یا شناور آلوده (آلوده به دخالت بانک مرکزی) شناخته است. اگر بانک مرکزی هیچ دخالتی نکند و بگذارد نرخ ارز در جایی که عرضه و تقاضا برابرند تعیین شود، نظام ارزی شناور (یا انعطاف پذیر) برقرار است (که نظام نرخ ارز شناور پالوده - از دخالت بانک مرکزی - نیز نامیده می شود).

۴۷- ب. وقتی کسری تراز پرداختها به وجود می آید، یعنی واردات بیش از صادرات بوده است. چون در نظام ارز شناور، دولت هیچ دخالتی نمی کند. بنابراین تقاضای ارز (برای واردات) بیش از عرضه ارز (حاصل از صادرات) است. این منجر به افزایش نرخ ارز می شود. افزایش نرخ ارز از یک سو قیمت داخلی کالاهای وارداتی را افزایش می دهد و از سوی دیگر قیمت کالاهای صادراتی کشور برای خارجیان ارزان می شود. در نتیجه واردات کاهش و صادرات افزایش می یابد و کسری تراز پرداختها از بین می رود.

۴۸- د. هرگاه نرخ برابری پول خارجی در یک کشور افزایش یابد، پول ملی آن کشور تضعیف و ارز خارجی، تقویت می شود.

۴۹- ج. تقویت پول ملی به این مفهوم است که نرخ برابری ارز خارجی کاهش یابد. مثلاً اگر قیمت یک دلار از ۱۰۰۰ ریال به ۷۰۰ ریال کاهش یابد، پول ملی (ریال) تقویت شده است. این باعث می شود قیمت داخلی کالای وارداتی کاهش یابد (چرا که قبلاً برای یک کالای خارجی یک دلار، ۱۰۰۰ ریال و اکنون ۷۰۰ ریال پرداخت می شود) و واردات افزایش پیدا کند. همچنین قیمت کالاهای صادراتی کشور برای خارجیان گران تر می شود (چرا که خارجیان قبلاً برای یک کالای ۱۰۰۰ ریالی، یک دلار و اکنون تقریباً ۱/۴۳ دلار می پردازند) و بنابراین صادرات کاهش می یابد. کاهش صادرات و افزایش واردات بر مازاد تراز پرداختها اثر منفی دارد (و بر کسری تراز اثر مثبت).

۵۰- د. عوامل بسیار زیادی می تواند بر تقاضای ارز اثر بگذارد. از جمله: تغییر تقاضا برای واردات (به هر دلیلی مثل تغییر سلیقه ها و ...) که منحنی تقاضای ارز را جابه جا می کند. تغییر نرخ ارز که مقدار تقاضا را روی منحنی تقاضای ارز جابه جا می کند. نیز هر چه عرضه کالاهای خارجی زیادتر شود، قیمت خارجی آنها کاهش می یابد و واردات را تشویق می کند. بنابراین تقاضای ارز بالا می رود. همچنین تعرفه های گمرکی، قیمت کالاهای خارجی را در داخل افزایش می دهد. بنابراین واردات و در نتیجه تقاضای ارز کاهش می یابد. همچنین اگر افراد انتظار داشته باشند قیمت پول خارجی در آینده افزایش یابد دست به خرید بیش تر از آن می زنند که تقاضای ارز را بالا می برد (و بر عکس).

- ۵۱-د. عوامل زیادی بر عرضه ارز اثر دارند. از جمله: افزایش تقاضای خارجی از کالاهای داخلی، صادرات را بالا می‌برد و عرضه ارز (ارزی که حاصل فروش صادرات است و به داخل کشور آمده است) بالا می‌رود. افزایش عرضه کالاهای صادراتی، درآمد ارزی کشور و در نتیجه عرضه ارز را در داخل بالا می‌برد. نیز، تشویق‌های صادراتی باعث می‌شود صادرات، بیش‌تر برای بنگاهها و افراد داخلی سودمند باشد و افزایش یابد.
- ۵۲-ب. اگر مثلاً، قیمت دلار در آلمان از ۲ مارک به ۳ مارک افزایش یابد، پول ملی آلمان تضعیف شده است. آنهایی که قبلاً برای هر دلار کالای وارداتی ۲ مارک می‌پرداختند، اکنون باید ۳ مارک بپردازند. بنابراین قیمت کالاهای وارداتی در داخل افزایش می‌یابد. اما چون مقداری از تقاضای کالاهای وارداتی به خاطر افزایش قیمت آنها، به سوی کالاهای تولید داخل کشیده می‌شود، قیمت کالاهای داخلی نیز بالا می‌رود. بنابراین، کل قیمت‌ها در داخل افزایش می‌یابد.
- ۵۳-ج. تراز پرداخت‌ها، مانده کل حساب جاری (شامل تراز تجاری، یعنی خالص تجارت کالایی، بعلاوه تجارت در خدمات، بعلاوه خالص پرداخت‌های یک طرفه - شامل انتقالی و درآمد از خارج)، بعلاوه مانده حساب سرمایه است. اگر جمع این دو منفی بود، کسری تراز پرداخت‌ها وجود دارد. یعنی پرداخت‌ها بابت واردات بیش‌تر از دریافت‌ها بابت صادرات بوده است. این اضافه پرداخت که همان کسری تراز است باید یا به وسیله ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی یا انتقال طلا یا افزایش بدهی به خارجی‌ان جبران شود. بنابراین "معاملات ذخایر رسمی بیانگر مقدار کسری تراز پرداخت‌هاست و در این مثال برابر ۸۷ است.
- ۵۴-ج. تراز تجاری یا مانده حساب کالایی، فقط مانده صادرات و واردات کالا را اندازه می‌گیرد. بنابراین در این مثال داریم: $\frac{290 - 362}{5} = -72/5$ = واردات - صادرات
- ۵۵-الف. حساب نامرئی، تجارت خدمات را اندازه می‌گیرد. بنابراین خالص دریافت و پرداخت خدماتی عبارت است از: $\frac{116 - 101}{5} = 14/5$
- ۵۶-الف. می‌دانیم اقلام اصلی تراز پرداخت‌ها، حساب جاری است بعلاوه حساب سرمایه. خالص انتقال سرمایه، بیانگر مانده حساب سرمایه است. بنابراین بقیه اقلام (تجارت کالایی، تجارت خدمات، پرداخت‌های انتقالی و درآمدهای دیگر) در حساب جاری قرار دارد، که جمع جبری آنها $72/5$ - می‌شود.
- ۵۷-د. حساب سرمایه بیانگر جریان سرمایه‌گذاریها و وامهای بین‌المللی بلندمدت و کوتاه‌مدت است. جابه‌جایی بلندمدت سرمایه، در برگیرنده معاملات با سررسید یک سال یا بیش‌تر و سرمایه‌گذاریهای مستقیم و سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار و وامهای بین‌المللی یک ساله و بیش‌تر است.
- ۵۸-د. فرض کنیم کشوری با کسری تراز پرداخت‌ها روبه‌رو باشد. اگر دولت دخالت نکند، به علت کمبود ارز حاصل از صادرات نسبت به ارز لازم برای واردات، اضافه تقاضای ارز به وجود می‌آید. نرخ ارز بالا می‌رود. افزایش نرخ ارز باعث گران‌شدن کالای وارداتی در داخل، و ارزان شدن کالای صادراتی کشور، برای خارجی‌ان می‌شود. از یک سو واردات کاهش و از دیگر سو صادرات افزایش می‌یابد و کسری تراز کاهش می‌یابد. اما همزمان با روند یاد شده، روند دیگری نیز برای تعدیل در کار است. وقتی واردات بیش از صادرات باشد و خالص صادرات منفی شود، تقاضای کل اقتصاد کاهش می‌یابد. چرا که جمله $(X-M)$ در تقاضای کل $(C+I+G+X-M)$ منفی شده است. بنابراین درآمد جامعه کاهش می‌یابد. چون واردات تابع درآمد نیز هست، با کاهش درآمد، واردات نیز کاهش می‌یابد تا سرانجام کسری تراز پرداخت‌ها به صفر برسد.

کنکور آزمایشی

۱

۱- در محاسبه GNP، صادرات،

- (الف) از مجموع مخارج کالاها و خدمات نهایی کم می شود.
- (ب) به مجموع مخارج کالاها و خدمات نهایی اضافه می شود.
- (ج) به علت این که به خارج از کشور فرستاده می شود، وارد محاسبات GNP نمی شود.
- (د) اغلب برابر با واردات است، بنابراین اثری بر GNP ندارد.

۲- تفاوت درآمد شخصی با درآمد ملی، به علت وجود،

- (الف) آن قسمت از سود شرکتها است که توزیع نمی شود.
- (ب) مالیات بر درآمد شرکتها است که جزء درآمد شخصی نیست.
- (ج) پرداختهای انتقالی است که در درآمد ملی محاسبه نمی گردد.
- (د) همه موارد بالا است.

۳- خالص صادرات، هنگامی منفی می شود که،

- (الف) صادرات کالاها و خدمات، بیش تر از واردات کالاها و خدمات باشد.
- (ب) استهلاک، از سرمایه گذاری ناخالص داخلی بیش تر باشد.
- (ج) موجودی کالاهای سرمایه گذاری، در حال کاهش باشد.
- (د) واردات کالاها و خدمات، بیش تر از صادرات کالاها و خدمات باشد.

۴- کدام یک از جمله های زیر، صحیح است؟

- (الف) در همه سطوح درآمد ملی، پس انداز برنامه ریزی شده با سرمایه گذاری برنامه ریزی شده برابر است.
- (ب) فقط در سطح درآمد ملی در حال تعادل، پس انداز واقعی با سرمایه گذاری واقعی برابر است.
- (ج) در همه سطوح درآمد ملی، سرمایه گذاری واقعی و سرمایه گذاری برنامه ریزی شده با هم برابر هستند.
- (د) فقط در سطح درآمد ملی در حال تعادل، پس انداز برنامه ریزی شده با سرمایه گذاری برنامه ریزی شده برابر است.

۵- عاملی که باعث برابری پس انداز واقعی با سرمایه گذاری واقعی می شود کدام است؟

- (الف) سرمایه گذاری در موجودی انبار
- (ب) سرمایه گذاری پیش بینی نشده در موجودی انبار
- (ج) سرمایه گذاری واقعی
- (د) هیچ کدام از موارد

۶- در یک اقتصاد در حال رونق،

الف) NNP، بیش تر از GNP است.

ب) سرمایه گذاری ناخالص داخلی بیش تر از استهلاك است.

ج) DI، بیش تر از PI است.

د) خالص صادرات، مثبت است.

۷- بهره اوراق قرضه دولتی، جزء کدام یک از اقلام زیر می باشد؟

الف) NNP ب) GNP ج) PI د) NI

۸- فرض کنید در سال ۱۳۶۱، سرمایه گذاری خالص داخلی در کشور (۵/۸-) میلیارد تومان باشد. این مسأله بدین معنی است که:

الف) در سال ۱۳۶۱، در کشور، هیچ کالای سرمایه ای تولید نشده است.

ب) در آن سال، استهلاك بیش از سرمایه گذاری ناخالص بوده است.

ج) در آن سال، اقتصاد در حال رونق بوده است.

د) سرمایه گذاری ناخالص داخلی از استهلاك به میزان ۵/۸ میلیارد تومان بیش تر بوده است.

۹- سطح درآمد ملی در حال اشتغال کامل در اقتصاد هنگامی ایجاد می شود، که،

الف) تابع پس انداز و سرمایه گذاری، یکدیگر را قطع کنند.

ب) تابع $C+I$ ، خط ۴۵ درجه را قطع کند.

ج) سرمایه گذاری واقعی با سرمایه گذاری برنامه ریزی شده و برنامه ریزی نشده برابر باشد.

د) هیچ کدام از موارد بالا صحیح نیست.

۱۰- معمولاً، افزایش در درآمد ملی که از افزایش در مخارج سرمایه گذاری ناشی می شود، زیاد است هرگاه،

الف) MPC کوچک باشد. ج) APC کوچک باشد.

ب) MPS بزرگ باشد. د) MPS کوچک باشد.

○ مدل اقتصاد کلان زیر را در نظر بگیرید و به ۴ سؤال مربوط به آن پاسخ دهید:

$$C = 40 + 0.8Y_d \quad G = 10$$

$$I = 60 \quad T = 5$$

۱۱- کدام یک از متغیرها درونزا می باشند؟

الف) C و I ب) C و Y ج) T و I و C د) G و T و I

۱۲- در سطح درآمد ملی ۱۰۵، مقدار مصرف برابر است با:

الف) ۱۲۰ ب) ۱۲۴ ج) ۸۰ د) ۹۰

۱۳ - در سطح درآمد ملی ۱۰۵، مقدار پس انداز برابر است با:

- (الف) ۸۰ (ب) ۱۲۰ (ج) ۸۴ (د) ۲۰ -

۱۴ - اگر هدف دولت این باشد که درآمد ملی، ۱۰۰ واحد افزایش یابد و بخواهد این کار را از طریق تغییر در مالیات انجام دهد، مقدار تغییر لازم در مالیات، برابر است با:

- (الف) ۲۵ واحد (ب) ۲۵ - واحد
(ج) ۱۰۰ - واحد (د) ۱۰۰ واحد

۱۵ - انواع تأخیرات مربوط به سیاست‌های پولی و مالی عبارتند از:

- (الف) تأخیر در تشخیص، تأخیر در تصمیم، تأخیر در اقدام.
(ب) تأخیر در تشخیص، تأخیر در اقدام، تأخیر در اعلام.
(ج) تأخیر در تشخیص، تأخیر در تصمیم.
(د) تأخیر در تشخیص، تأخیر در اعلام.

۱۶ - هدف دولت افزایش درآمد تعادلی به اندازه ۱۰۰۰ واحد است و ضرایب تکاثری هزینه‌های دولت و مالیاتهای مستقل به ترتیب ۵ و ۴ - می‌باشد. اگر دولت مالیاتها را ۲۰۰ واحد کاهش دهد، لازم است هزینه‌ها را به چه مقدار تغییر دهد تا به هدف دست یابد؟

- (الف) ۴۰ (ب) ۴۰ - (ج) ۲۰۰ (د) ۲۰۰ -

۱۷ - افزایش نرخ بهره، خالص ارزش حال (NPV) پروژه‌هایی را بیش تر کاهش می‌دهد که،

- (الف) بیش تر درآمدهای آن در سالهای نزدیک به دست آید.
(ب) بیش تر درآمدهای آن در سالهای دور به دست آید.
(ج) اثری بر NPV پروژه‌ها ندارد.
(د) NPV آنها زیاد باشد.

۱۸ - در نظریه درآمد دائمی مصرف، میل نهایی به مصرف در بلندمدت،

- (الف) بزرگ تر از میل متوسط است.
(ب) کوچک تر از میل متوسط است.
(ج) مساوی میل متوسط است.
(د) یک است.

۱۹ - با توجه به اطلاعات زیر،

نرخ ذخیره قانونی = ۲۵ درصد

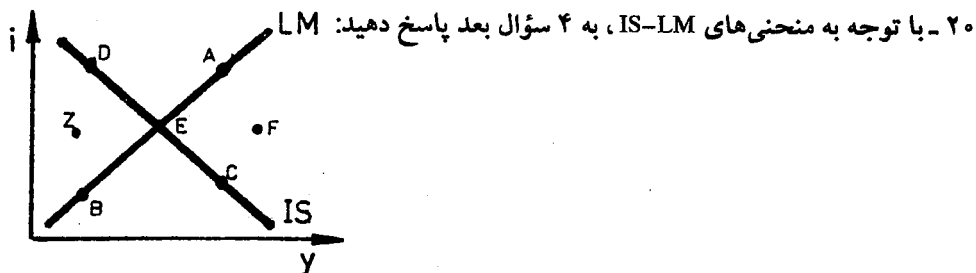
نرخ ذخایر احتیاطی (اضافی) = ۱۵ درصد

نقدینه مردم (اسکناس و مسکوک) = ۳۵۰۰ واحد پولی

مجموع ذخایر بانکها = ۱۰۰۰۰ واحد پولی

ضریب تکاثری سپرده‌های بانکی (حداکثر قدرت خلق پول سیستم بانکی) برابر است با:

- (الف) ۴ (ب) ۲/۵ (ج) ۱۰ (د) ۱/۷



۲۰- ۱. تعادل همزمان بازار کالا و بازار پول در کدام نقطه اتفاق می‌افتد؟

- الف) F ب) D ج) E د) Z

۲۰- ۲. در نقطه B،

- الف) بازار کالا در تعادل است.
ب) بازار پول در تعادل است.
ج) بازار کالا در عدم تعادل است.
د) ب و ج صحیح است.

۲۰- ۳. در نقطه Z،

- الف) اضافه عرضه در بازار کالا وجود دارد.
ب) اضافه عرضه در بازار پول و اضافه تقاضا در بازار کالا وجود دارد.
ج) اضافه تقاضا در بازار پول و کالا وجود دارد.
د) ب و ج صحیح است.

۲۰- ۴. در نقطه D،

- الف) عرضه کل کالا با تقاضای کل کالا برابر است. ج) الف و ب صحیح است.
ب) عرضه پول بیش تر از تقاضای پول است. د) هیچ کدام صحیح نیست.

۲۱- اگر تولید ناخالص داخلی ایران، به قیمت ثابت در سال ۱۳۷۰ برابر با ۶۰ میلیارد تومان باشد و شاخص قیمت‌ها در همین سال ۱۲۰ باشد، تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری برابر است با:

- الف) ۷۲۰ میلیارد تومان ج) ۷۲ میلیارد تومان
ب) ۷۲۰۰ میلیارد تومان د) ۶۰ میلیارد تومان

۲۲- اثر ایجاد کسر بودجه بر سطح تعادلی NNP، مشابه

- الف) کاهش در پس انداز است. ج) کاهش در سرمایه گذاری است.
ب) کاهش در مصرف است. د) کاهش در MPC است.

۲۳- با فرض ثبات سایر شرایط، کدام یک از سیاست‌های زیر، اثر انبساطی بیش تری بر درآمد ملی دارد؟

- الف) ایجاد کسر بودجه که با قرض گرفتن از مردم، تأمین مالی شده باشد.
ب) ایجاد مازاد بودجه که برای بازپرداخت بدهی‌های دولت به کار رود.
ج) ایجاد کسر بودجه که با چاپ اسکناس جدید، تأمین مالی شده باشد.

(د) ایجاد یک بودجه متوازن

۲۴ - بیکاری، بر قدرت چانه‌زنی برای مزدهای جدید اثر می‌گذارد، به دلیل آن که:

- (الف) ارزش زمان فراغت، افزایش می‌یابد. (ب) ارزش زمان فراغت، کم می‌شود.
(ج) تقاضا نسبت به عرضه افزایش می‌یابد. (د) قیمت کالاهای بنگاهها افزایش می‌یابد.

۲۵ - اگر سیاست انقباضی پولی اجرا شود،

- (الف) سهم G و I از GNP افزایش می‌یابد.
(ب) سهم G و I از GNP کاهش می‌یابد.
(ج) سهم I از GNP کاهش می‌یابد.
(د) سهم I از GNP افزایش می‌یابد.

۲۶ - تابع عرضه کل کینزین‌ها،

- (الف) ابتدا نزولی و سپس صعودی است. (ب) در هر سطح اشتغال، عمودی است.
(ج) در حالت کم‌تر از اشتغال کامل، افقی است. (د) همه موارد بالا صحیح است.

۲۷ - سرعت گردش پول،

- (الف) مدت زمان متوسط دست به دست شدن پول است.
(ب) زمان جابه‌جا شدن پول از جایی به جای دیگر است.
(ج) متوسط دفعاتی است که یک واحد پول در دست تمام افراد جامعه می‌گردد.
(د) متوسط دفعاتی است که کل حجم پول جامعه به وسیله معامله دست به دست می‌شود.

۲۸ - در کدام یک از موارد زیر، انتقال IS به طور افقی به سمت چپ کم‌تر از بقیه موارد است؟

- (الف) کاهش مخارج دولتی (ب) افزایش مالیات
(ج) افزایش پرداخت‌های انتقالی (د) کاهش مصرف مستقل

۲۹ - کاهش تقاضای کل در کدام قسمت از منحنی عرضه کل، منجر به رکود می‌شود؟

- (الف) قسمت عمودی منحنی عرضه کل (ب) قسمت افقی منحنی عرضه کل
(ج) قسمت دارای شیب مثبت منحنی عرضه کل (د) ب و ج صحیح است.

۳۰ - در کدام یک از موارد زیر، میل نهایی به مصرف با میل متوسط به مصرف، برابر است؟

- (الف) وقتی تابع مصرف تناسبی باشد. (ب) وقتی تابع مصرف از مبدأ مختصات بگذرد.
(ج) وقتی مصرف مستقل صفر باشد. (د) در همه موارد بالا.

۳۱ - اقتصاد با تأکید بر عرضه (یا اقتصاد طرف عرضه)، به دنبال مهیا کردن شرایط برای

- (الف) انتقال منحنی عرضه کل است. (ب) حرکت روی منحنی عرضه کل است.
(ج) انتقال منحنی تقاضای کل است. (د) الف و ج صحیح است.

۳۲ - مجموع اسکناس و مسکوک در دست مردم و در صندوق بانکها، بعلاوه ذخایر بانکهای تجاری نزد بانک مرکزی، چه نام دارد؟

- الف) نقدینگی
 ب) پایه پولی
 ج) شبه پول
 د) تقاضای پول

۳۳ - از نظر کلاسیکها، نرخ بهره در بازار سرمایه تعیین می شود که در این بازار، عرضه و تقاضای سرمایه به ترتیب عبارت است از :

- الف) پس انداز برنامه ریزی شده و سرمایه گذاری برنامه ریزی شده.
 ب) پس انداز کل و سرمایه گذاری کل.
 ج) پس انداز کل و تقاضای پول.
 د) عرضه پول و سرمایه گذاری در موجودی انبار برنامه ریزی شده.

۳۴ - عمودی بودن منحنی IS، به این مفهوم است که :

- الف) کشش تقاضای پول نسبت به نرخ بهره، صفر است.
 ب) کشش سرمایه گذاری نسبت به نرخ بهره، صفر است.
 ج) کشش سرمایه گذاری نسبت به نرخ بهره، بی نهایت است.
 د) نرخ بهره در اقتصاد هیچ تغییری نمی کند.

۳۵ - در یک اقتصاد دارای بخش پولی، اگر دولت، هزینه های خود را افزایش دهد و آنها را با افزایش مالیات تأمین کند،

- الف) درآمد ملی و نرخ بهره تعادلی، تغییری نمی کنند.
 ب) درآمد ملی و نرخ بهره تعادلی، افزایش می یابند.
 ج) درآمد ملی و نرخ بهره تعادلی، کاهش می یابند.
 د) درآمد ملی تعادلی افزایش و نرخ بهره تعادلی، کاهش می یابد.

۳۶ - اگر عرضه پول به یکباره، افزایش پیش بینی نشده ای پیدا کند،

- الف) سرمایه گذاری از حد برنامه ریزی شده، فراتر می رود.
 ب) نرخ بهره بیش از حد پیش بینی شده، کاهش می یابد.
 ج) منحنی تقاضای کل به راست جابه جا می شود.
 د) همه موارد بالا درست است.

۳۷ - پیروان مکتب اصالت پول اعتقاد دارند که،

- الف) تغییرات حجم پول، متغیر اساسی در تعیین رفتار GNP است.
 ب) سیاست های پولی، همراه با تأخیر در تشخیص و تصمیم است.
 ج) سیاست پولی فعال، نوسانات GNP را شدت می بخشد.
 د) همه موارد بالا

- ۳۸- از نظر کلاسیک‌ها، تغییر متغیرهای اسمی اقتصاد (حجم پول، مخارج دولتی و ...) (الف) فقط متغیرهای حقیقی را تغییر می‌دهد. (ج) متغیرهای اسمی و حقیقی را تغییر می‌دهد. (ب) فقط متغیرهای اسمی را تغییر می‌دهد. (د) متغیرهای اسمی و حقیقی را تغییر نمی‌دهد.
- ۳۹- اگر انعطاف‌پذیری دستمزدها و قیمت‌ها وجود داشته باشد و عرضه نیروی کار تابعی از دستمزدهای حقیقی باشد، (الف) سیاست پولی کارایی دارد. (ج) سیاست پولی و مالی کارایی دارد. (ب) سیاست مالی کارایی دارد. (د) سیاست پولی و مالی کارایی ندارد.
- ۴۰- بر اساس دیدگاه فریدمن - فلیپس، منحني فیلیپس، (الف) در بلندمدت دارای شیب منفی است. (ب) در کوتاه‌مدت، عمودی است. (ج) در بلندمدت، عمودی است. (د) هرگز نمی‌تواند رابطه کوتاه‌مدت میان نرخ بیکاری و تورم را نشان دهد.

پاسخنامه کنکور آزمایشی ۱

ب- ۳۴	ج- ۲۵	الف- ۱۹	د- ۱۰	ب- ۱
ب- ۳۵	ج- ۲۶	ج- ۲۰- ۱	ب- ۱۱	د- ۲
د- ۳۶	د- ۲۷	د- ۲۰- ۲	الف- ۱۲	د- ۳
د- ۳۷	ب- ۲۸	ب- ۲۰- ۳	د- ۱۳	د- ۴
ب- ۳۸	د- ۲۹	ج- ۲۰- ۴	ب- ۱۴	ب- ۵
د- ۳۹	د- ۳۰	ج- ۲۱	الف- ۱۵	ب- ۶
ج- ۴۰	الف- ۳۱	الف- ۲۲	الف- ۱۶	ج- ۷
	ب- ۳۲	ج- ۲۳	ب- ۱۷	ب- ۸
	الف- ۳۳	ب- ۲۴	ج- ۱۸	د- ۹

کنکور آزمایشی

۲

۱- با توجه به آمارهای زیر که مربوط به حسابهای ملی یک کشور فرضی است، به ۵ سؤال بعد، پاسخ دهید (ارقام بر مبنای میلیارد ریال می باشد):

۴۷	سود شرکت ها
۳۲	سرمایه گذاری خالص داخلی
۴۶	درآمد حاصل از مالکیت
۱۳	سود تقسیم شده
۴۱	استهلاک سرمایه
۱۰	سهم بیمه های اجتماعی
۲۳	صادرات
۹۷	خرید دولت از کالاها و خدمات
۳۱۴	مخارج مصرفی خصوصی
۲۷	پرداخت های انتقالی دولتی
۲۴	واردات
۴۶	مالیات شخصی (بر درآمد اشخاص)
۲۳	مالیات بر سود شرکت ها
۴۲	خالص مالیاتهای غیر مستقیم
۱۶	بهره
۱۱	سود توزیع نشده شرکت ها

۱ - ۱ - تولید ناخالص ملی برابر است با:

۴۸۲ (د)

۴۴۲ (ج)

۵۱۲ (ب)

۴۰۰ (الف)

۱ - ۲ - تولید خالص ملی برابر است با:

الف) ۴۰۰ (ب) ۵۱۲ (ج) ۴۴۲ (د) ۴۸۳

۱ - ۳ - درآمد ملی برابر است با:

الف) ۴۰۰ (ب) ۵۱۲ (ج) ۴۴۲ (د) ۴۳۱

۱ - ۴ - درآمد شخصی، برابر است با:

الف) ۴۸۳ (ب) ۳۸۳ (ج) ۳۷۲ (د) ۳۳۷

۱ - ۵ - درآمد قابل تصرف برابر است با:

الف) ۴۸۳ (ب) ۳۸۳ (ج) ۳۷۲ (د) ۳۳۷

۲ - GNP اسمی،

الف) همان GNP به قیمت جاری است.

ج) GNP، منهای استهلاک است.

ب) GNP بعد از تعدیل قیمت‌ها می‌باشد.

د) همه موارد بالا صحیح است.

۳ - اگر در مدل دو بخشی، سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده بیش‌تر از پس‌انداز برنامه‌ریزی شده باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

الف) بودجه دولت، دچار کسری خواهد شد.

ب) سطح عمومی قیمت‌ها کاهش خواهد یافت.

ج) NNP افزایش خواهد یافت.

د) موجودی انبار برنامه‌ریزی نشده (ناخواسته) افزایش می‌یابد.

۴ - مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده مصرف، از دیدگاه کینز، عبارت است از:

ج) موجودی کالاهای بادوام

الف) درآمد قابل تصرف جاری

د) نرخ بهره

ب) موجودی دارایی‌های نقدی

۵ - اگر تولید حقیقی در سمت چپ محل تقاطع تابع پس‌انداز و خط سرمایه‌گذاری باشد (I برونزا در نظر گرفته می‌شود)،

الف) تولید مازاد، وجود دارد.

ب) سرمایه‌گذاری پیش‌بینی نشده در موجودی انبار، منفی است.

ج) پس‌انداز پیش‌بینی شده از سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده، بیش‌تر است.

د) همه موارد بالا صحیح است.

۶ - ضریب تکاثر (ضریب افزایش)، در مدل دو بخشی، برابر است با:

ج) عکس شیب تابع مصرف

الف) شیب تابع مصرف

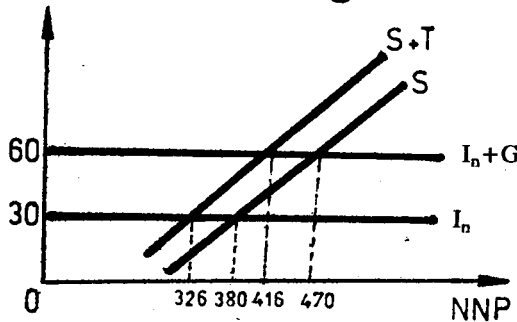
د) عکس شیب تابع پس‌انداز

ب) شیب تابع پس‌انداز

۷- اگر تابع مصرف به طور موازی به سمت بالا انتقال پیدا کند، ضریب تکاثر سرمایه گذاری،
 الف) کوچک می شود. ج) تغییر نمی کند.
 ب) بزرگ می شود. د) ممکن است تغییر کند.

۸- اگر محور افقی در مدل سه بخشی تعیین درآمد ملی، NNP (درآمد ملی) باشد، عرض از مبدأ تابع مصرف برابر خواهد بود با (فرض کنید تابع مالیات $T = T_0$ و تابع مصرف $C = a_0 + b(Y - T)$ باشد):
 الف) a_0 ب) b ج) $a_0 - b$ د) $a_0 - bT_0$

○ با توجه به شکل زیر، به سه سؤال بعد پاسخ دهید:



۹- سطح تعادلی NNP، برابر است با:

الف) ۴۷۰ ب) ۴۱۶ ج) ۳۸۰ د) ۳۲۶

۱۰- MPC برابر است با:

الف) $\frac{2}{3}$ ب) $\frac{1}{4}$ ج) $\frac{1}{5}$ د) $\frac{1}{3}$

۱۱- در اقتصاد فوق، دولت،

الف) اثر خنثی بر سطح NNP دارد. ج) اثر انبساطی بر سطح NNP دارد.
 ب) اثر انقباضی بر سطح NNP دارد. د) دارای بودجه متوازن در همه سطوح است.

۱۲- اگر بودجه دولت، دارای مازاد باشد، در حالت تعادل،

الف) شکاف تورمی باید وجود داشته باشد.
 ب) پس انداز برنامه ریزی شده از سرمایه گذاری برنامه ریزی شده، بیش تر است.
 ج) شکاف رکودی باید وجود داشته باشد.
 د) سرمایه گذاری برنامه ریزی شده از پس انداز برنامه ریزی شده، بیش تر است.

۱۳- در مدل چهاربخشی تعیین درآمد ملی، اگر عرضه کل، کم تر از تقاضای کل باشد،

الف) قیمت ها، افزایش می یابد. ج) درآمد ملی، افزایش می یابد.
 ب) موجودی انبار، کاهش می یابد. د) همه موارد بالا صحیح است.

۱۴ - با فرض ثبات سایر شرایط، کدام یک از سیاست‌های زیر، اثر انقباضی بیش تری بر درآمد ملی دارد؟

- (الف) ایجاد کسر بودجه که با قرض گرفتن از مردم، تأمین مالی شده باشد.
 (ب) ایجاد مازاد بودجه برای بازخرید اوراق قرضه دولتی.
 (ج) ایجاد کسر بودجه که با چاپ اسکناس جدید، تأمین مالی شده باشد.
 (د) ایجاد مازاد بودجه که در خزانه‌داری ذخیره شود.

۱۵ - محدودیت نقدینگی، کدام یک از نظریه‌های مصرف را با اشکال رو به رو می‌کند؟

- (الف) نظریه مصرف کینز
 (ب) نظریه مصرف فریدمن
 (ج) نظریه مصرف مادیانی
 (د) ب و ج

۱۶ - در یک مدل دویبخشی، ضریب تکاثری میل نهایی به مصرف مردم چیست؟ (Y^* درآمد ملی تعادلی است.)

- (الف) $\frac{1}{1-b}$ (ب) $\frac{b}{1-b}$ (ج) $\frac{Y}{1-b}$ (د) $\frac{Y^*}{1-b}$

۱۷ - در نقاط بالای منحنی IS، کدام یک از روابط زیر برقرار است؟

- (الف) عرضه کل، بیش تر از تقاضای کل است.
 (ب) نشت، بزرگ تر از تزریق است.
 (ج) سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده در موجودی انبار، وجود دارد.
 (د) همه موارد بالا صحیح است.

۱۸ - کدام یک از اقتصاددانان زیر، اعتقاد داشتند که تعادل در کم تر از اشتغال کامل هم می‌تواند به وجود آید؟

- (الف) استوارت میل (ب) کینز (ج) ژان باتیست سی (د) آدام اسمیت

۱۹ - موقعی که منحنی تقاضای کل، عرضه کل را در قسمت افقی آن قطع می‌کند،

- (الف) تعادل در اشتغال ناقص وجود دارد.
 (ب) مزدها به سمت پایین، غیرانعطاف پذیرند.
 (ج) بیکاری غیرارادی وجود دارد.
 (د) همه موارد بالا صحیح است.

۲۰ - اگر داشته باشیم: نرخ ذخیره قانونی = ۸ درصد، نرخ ذخایر احتیاطی (اضافی) = ۲ درصد، حجم اسکناس و مسکوک در دست مردم = ۳۵۰۰ واحد پولی و مجموع ذخایر بانک‌ها = ۱۰۰۰ واحد پولی؛ آنگاه حداکثر حجم سپرده‌های مردم، نزد بانک‌ها برابر خواهد بود با:

- (الف) ۱۰۰۰ (ب) ۴۵۰۰ (ج) ۱۰۰۰۰ (د) ۱۳۵۰۰

۲۱ - هرچه مصرف مستقل، کوچک تر باشد، با افزایش درآمد،

- (الف) MPC و MPS به هم نزدیک تر می‌شوند.
 (ب) MPC و APC با سرعت بیش تری به هم نزدیک می‌شوند.

ج) تابع مصرف، بیش تر به یک تابع کوتاه مدت شباهت پیدا می کند.
 د) همه موارد بالا صحیح است.

۲۲- کدام یک از موارد زیر، بر کارایی نهایی سرمایه (بازده داخلی سرمایه گذاری) مؤثر است؟
 الف) تغییرات ارزش اوراق سهام در طول عمر طرح
 ب) حجم اشتغال در طول عمر طرح
 ج) وضعیت توزیع منافع (درآمدهای خالص) در طول عمر طرح
 د) هیچ کدام

۲۳- اختلاف کلاسیک ها و کینزین ها در باره تقاضای پول،

الف) به رابطه تقاضای پول با درآمد، بازمی گردد. ج) به مسأله تقاضای معاملاتی پول، بازمی گردد.
 ب) به رابطه تقاضای پول با نرخ بهره، بازمی گردد. د) به هر سه مورد بالا، بازمی گردد.

۲۴- اگر نرخ ذخیره قانونی ۲۰٪ باشد، ضریب افزایش سپرده ها (حد افزایش حجم سپرده ها به واسطه یک واحد افزایش در ذخایر بانک ها) برابر است با:
 الف) ۵ ب) ۲۰ ج) $\frac{1}{5}$ د) ۵٪

۲۵- با توجه به مدل IS-LM افزایش مخارج دولت،

الف) نرخ بهره تعادلی را کاهش و درآمد ملی تعادلی را افزایش می دهد.
 ب) نرخ بهره و درآمد تعادلی را افزایش می دهد.
 ج) نرخ بهره و درآمد تعادلی را کاهش می دهد.
 د) اثری بر نرخ بهره ندارد.

۲۶- در تئوری مصرف چرخه زندگی (مودیلیانی)، علت انتقال توابع مصرف کوتاه مدت چیست؟

الف) تغییر درآمد دائمی ج) تغییر در ثروت
 ب) تغییر در مصرف متوسط د) تغییر طول عمر افراد

۲۷- کدام یک از عوامل زیر، منحنی IS را به حالت افقی نزدیک تر می سازد؟

الف) افزایش میل نهایی به مصرف ج) کاهش کشش سرمایه گذاری نسبت به نرخ بهره
 ب) افزایش نرخ مالیات د) همه موارد

۲۸- کارایی سیاست پولی در کدام یک از وضعیت های زیر، بیش تر است؟

الف) IS به حالت عمودی نزدیک تر باشد.
 ب) LM به حالت عمودی نزدیک تر باشد.
 ج) IS و LM به حالت افقی نزدیک تر باشند.
 د) LM به حالت عمودی نزدیک تر و IS به حالت افقی نزدیک تر باشد.

۲۹- در مدلی که دستمزدها و قیمت انعطاف پذیرند و عرضه نیروی کار تابعی از دستمزد حقیقی است،

کدام یک از سیاست‌های زیر، اثر بیش‌تری بر درآمد ملی حقیقی و اشتغال دارد؟

(الف) سیاست پولی انبساطی

(ب) سیاست مالی انبساطی

(ج) سیاست پولی و مالی انبساطی

(د) سیاست پولی و مالی اثری بر اشتغال و درآمد ملی حقیقی ندارد.

۳۰ - طرفداران انتظارات عقلایی، عقیده دارند که،

(الف) مردم در تصمیم‌گیری‌های خود، دچار اشتباه منظم نمی‌شوند.

(ب) سیاست پولی، فقط با غافلگیری می‌تواند بر تولید حقیقی اثر بگذارد.

(ج) انحراف تولید ملی از سطح اشتغال کامل به دلیل اطلاعات ناقص می‌باشد.

(د) همه موارد بالا صحیح است.

۳۱ - سیاست پولی، در کدام یک از وضعیت‌های زیر، مؤثر نمی‌باشد؟

(الف) LM افقی باشد.

(ب) LM شیب مثبت داشته باشد و منحنی عرضه کل عمودی باشد.

(ج) IS و LM عادی باشند ولی عرضه نیروی کار تابعی از دستمزدهای حقیقی باشد.

(د) همه موارد بالا صحیح است.

۳۲ - اگر مصرف مستقل افزایش یابد، منحنی تقاضای کل،

(الف) به راست انتقال می‌یابد.

(ج) تغییر نمی‌کند.

(د) به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود.

(ب) به چپ انتقال می‌یابد.

۳۳ - هرچه تقاضای سفته‌بازی پول، نسبت به نرخ بهره، حساسیت بیش‌تری داشته باشد، منحنی

تقاضای کل؛

(الف) به حالت عمودی نزدیک‌تر می‌شود.

(ج) شیب مثبت پیدا می‌کند.

(د) هیچ‌کدام

(ب) به حالت افقی نزدیک‌تر می‌شود.

۳۴ - اگر اقتصادی، پایین‌تر از سطح طبیعی GNP، تولید کند، سیاست‌های پولی و مالی که منحنی

تقاضای کل را به سمت راست انتقال می‌دهند،

(الف) اثری ندارند.

(ب) قیمت را افزایش می‌دهند.

(ج) سطح قیمت‌ها و بیکاری را پایین می‌آورند.

(د) سطح قیمت‌ها را افزایش و بیکاری را کاهش می‌دهند.

۳۵ - افزایش ناگهانی قیمت‌های جهانی نفت در سال ۱۹۷۳ (شوگ اول نفتی)،

(الف) شوگ عرضه‌ای بود و در بسیاری از کشورهای صنعتی به تورم ناشی از فشار هزینه‌ها انجامید.

(ب) شوگ تقاضا بود و در بسیاری از کشورهای صنعتی به تورم ناشی از فشار تقاضا انجامید.

ج) از دیدگاه تئوری اقتصاد کلان، می‌تواند عامل تورم رکودی باشد.
 د) موارد الف و ج صحیح است.

۳۶- اقتصاددانان طرفدار انتظارات عقلایی، عقیده دارند که شکاف رکودی،

- الف) به طور خودکار از بین نمی‌رود.
 ب) به طور خودکار از بین می‌رود.
 ج) وقتی حذف می‌شود که عرضه پول افزایش یابد.
 د) وقتی حذف می‌شود که مخارج دولت افزایش یابد.

۳۷- نرخ طبیعی بیکاری،

- الف) ناشی از اصطکاک غیر قابل جلوگیری در بازار نیروی کار است.
 ب) با هر نرخ از تورم، ممکن است وجود داشته باشد.
 ج) با نرخ شتابنده یا کاهنده تورم، وجود دارد.
 د) همه موارد بالا صحیح است.

۳۸- پدیده برون‌رانی یا جایگزینی (crowding out)

- الف) در دام نقدینگی اتفاق نمی‌افتد، زیرا نرخ بهره تغییر نمی‌کند.
 ب) در دامنه کلاسیکی LM، کامل است، چون سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دقیقاً به اندازه افزایش سرمایه‌گذاری بخش دولتی، کاهش می‌یابد.
 ج) هنگامی اتفاق می‌افتد که سرمایه‌گذاری بخش دولتی، با افزایش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را از دور خارج کند.
 د) همه موارد بالا صحیح است.

۳۹- این ایده، که "مردم در پیش‌بینی و انتظارات خود، دچار خطاهای منظم و سیستماتیک نمی‌شوند

- و با یک سیاست غیرمنتظره نمی‌توان مردم را چندبار فریب داد" از فرض اصلی
 الف) تئوری انتظارات تطبیقی است.
 ج) نظریات پول‌گرایان است.
 ب) تئوری انتظارات عقلایی است.
 د) هیچ‌کدام

۴۰- اگر عوامل غیراقتصادی را در نظر نگیریم، با حرکت به سوی تجارت آزاد جهانی، کدام دسته از کشورهای منافع بیش‌تری از تجارت آزاد می‌برند؟

- الف) کشورهای بزرگ که عوامل تولید در آنها فراوان و متنوع است.
 ب) کشورهای کوچک که عوامل تولید در آنها نسبتاً کم‌تر است.
 ج) همه کشورها به یکسان سود می‌برند.
 د) کشورهای صادرکننده کالاهای مصنوعی

پاسخنامه کنکور آزمایشی ۲

۳۳- الف	۲۴- الف	۱۵- د	۶- د	۱-۱- د
۳۴- د	۲۵- ب	۱۶- د	۷- ج	۱-۲- ج
۳۵- د	۲۶- ج	۱۷- د	۸- د	۱-۳- الف
۳۶- ب	۲۷- الف	۱۸- ب	۹- ب	۱-۴- ب
۳۷- د	۲۸- د	۱۹- د	۱۰- الف	۱-۵- د
۳۸- د	۲۹- د	۲۰- ج	۱۱- ج	۲- الف
۳۹- ب	۳۰- د	۲۱- ب	۱۲- د	۳- ج
۴۰- ب	۳۱- د	۲۲- ج	۱۳- د	۴- الف
	۳۲- الف	۲۳- ب	۱۴- د	۵- ب

کنکور آزمایشی

۳

۱ - به سؤالات زیر، بر پایه اطلاعاتی که مربوط به حسابهای ملی یک کشور است پاسخ دهید:

۴۰۰	مخارج مصرفی خصوصی
۱۲۸	خرید کالاها و خدمات توسط دولت
۸۸	سرمایه گذاری ناخالص داخلی
۷	خالص صادرات
۴۳	استهلاک کالاهای سرمایه‌ای
۵۰	خالص مالیاتهای غیرمستقیم
۳۶۹	حقوق و دستمزد
۱۲	اجاره
۱۵	بهره
۵۲	درآمد حاصل از مالکیت
۳۶	مالیات بر سود شرکت‌ها
۲۴	سود تقسیم شده (سهام) Dividends
۲۲	سود توزیع نشده شرکت‌ها

۱-۱ - تولید ناخالص ملی برابر است با:

الف) ۶۳۸ ب) ۶۲۳ ج) ۶۰۹ د) ۵۹۲

۱-۲ - سرمایه‌گذاری خالص داخلی، برابر است با:

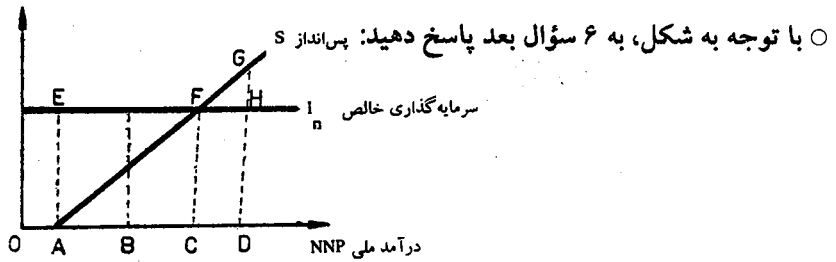
الف) ۱۳۱ ج) ۴۵

ب) ۷۲ د) با توجه به اطلاعات فوق نمی‌توان محاسبه کرد.

۱-۳ - درآمد ملی برابر است با:

الف) ۵۳۰ ب) ۵۴۸ ج) ۵۸۰ د) ۵۷۳

- ۱- ۴- اگر پرداخت‌های انتقالی ۴۸ میلیارد ریال باشد، درآمد شخصی، برابر است با:
- | | | | |
|----------|--------|--------|--------|
| الف) ۵۳۱ | ب) ۵۰۳ | ج) ۵۲۰ | د) ۵۲۲ |
|----------|--------|--------|--------|
- ۱- ۵- درآمد قابل تصرف، برابر است با:
- | | |
|----------|--|
| الف) ۴۷۳ | ج) ۴۱۶ |
| ب) ۵۰۲ | د) با اطلاعات داده شده، نمی‌توان محاسبه کرد. |
- ۲- تفاوت تولید ناخالص داخلی با تولید ناخالص ملی، کدام یک از موارد زیر می‌باشد؟
- | | |
|-----------------------------------|-------------------------|
| الف) استهلاک | ج) مالیاتهای غیر مستقیم |
| ب) خالص درآمد عوامل تولید از خارج | د) مالیاتهای مستقیم |
- ۳- صنعت A، ۱۰۰ تومان از تولیدات دیگر صنایع را می‌خرد و کالاهای تولیدی خود را ۳۰۰ تومان می‌فروشد، ارزش افزوده صنعت A، برابر است با:
- | | |
|----------------|--------------|
| الف) ۴۰۰ تومان | ج) ۲۰۰ تومان |
| ب) ۳۰۰ تومان | د) ۰ |
- ۴- اگر درآمد ملی اسمی ایران در سال ۱۳۷۰ برابر با ۵۰۰ میلیارد تومان باشد و شاخص قیمت‌ها در همین سال ۲۰۰ باشد، درآمد ملی به قیمت ثابت، برابر است با:
- | | |
|-------------------------|----------------------|
| الف) ۲۵ میلیارد تومان | ج) ۲۵۰ میلیارد تومان |
| ب) ۱۰۰۰۰۰ میلیارد تومان | د) ۲/۵ میلیارد تومان |
- ۵- عاملی که سرمایه‌گذاری واقعی را با سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده، برابر می‌کند، عبارت است از:
- | |
|---|
| الف) سرمایه‌گذاری در موجودی انبار |
| ب) سرمایه‌گذاری پیش‌بینی نشده در موجودی انبار |
| ج) پس‌انداز واقعی |
| د) پس‌انداز پیش‌بینی شده |
- ۶- تقاضای کل در اقتصاد سه‌بخشی، برابر است با:
- | | |
|----------|----------|
| الف) C+I | ج) C+I+T |
| ب) C+I+G | د) C+I+S |
- ۷- پس‌انداز شخصی (بخش خصوصی)،
- | |
|---|
| الف) آن قسمت از درآمد قابل تصرف شخصی است که بعد از مخارج مصرفی، باقی می‌ماند. |
| ب) درآمد ملی، منهای مالیات مستقیم است. |
| ج) GNP، منهای مالیات مستقیم است. |
| د) درآمد شخصی، منهای مالیات است. |



۸- در چه سطحی از درآمد ملی، مصرف با درآمد ملی برابر است؟

- الف) OC (ب) OB-DG (ج) OD (د) OA

۹- مقدار تعادلی مصرف، برابر خواهد بود با:

- الف) $OC-FC$ (ب) $OD-DG$ (ج) $FC+OC$ (د) $OB+FC$

۱۰- شیب تابع پس انداز،

- الف) همراه با افزایش NNP، زیاد می شود.
ب) برابر است با ضریب تکاثر.
ج) با افزایش NNP، ثابت می ماند.
د) با افزایش NNP، کاهش می یابد.

۱۱- MPS، برابر است با:

- الف) FC/AC (ب) FC/OC (ج) GH/HD (د) AC/FC

۱۲- در سطح درآمد ملی OD،

- الف) سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده، برابر است با HD.
ب) پس انداز برنامه ریزی نشده، برابر است با سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده.
ج) سرمایه گذاری برنامه ریزی نشده، برابر است با GH.
د) سرمایه گذاری برنامه ریزی شده، برابر است با GH.

۱۳- اگر $MPC=0/6$ باشد، ضریب تکاثر مصرف مستقل، برابر است با:

- الف) $1/67$ (ب) $2/5$ (ج) 6 (د) 4

۱۴- عدم وجود برابری بین پس انداز برنامه ریزی شده و سرمایه گذاری برنامه ریزی شده،

- الف) برای اقتصاد پيامدی ندارد، زیرا پس انداز و سرمایه گذاری واقعی، همیشه با هم برابر هستند.
ب) برای اقتصاد پيامدی ندارد، زیرا نابرابری بین درآمد مالیاتی و مخارج دولت نیز وجود دارد.
ج) برای اقتصاد مهم است، زیرا باعث تغییرات در درآمد، اشتغال و سطح قیمت ها می شود.
د) به دلیل پایین بودن MPC، می باشد.

۱۵- افزایش یکسان پس انداز در همه سطوح درآمد، ضریب تکاثر را

- (الف) کاهش می دهد. (ج) تغییر نمی دهد.
 (ب) افزایش می دهد. (د) همه موارد بالا امکان پذیر می باشد.
- ۱۶ - اگر درآمد قابل تصرف آقای الف از ۱۲۰۰ تومان به ۱۷۰۰ تومان، افزایش یابد و سطح پس انداز او از (۱۰۰-) به (۱۰۰) افزایش یابد، می توان نتیجه گیری کرد که:
 (الف) میل نهایی به مصرف برابر با $\frac{1}{4}$ است. (ج) میل نهایی به مصرف برابر $\frac{1}{4}$ است.
 (ب) میل نهایی به مصرف برابر $\frac{3}{5}$ است. (د) میل نهایی به پس انداز برابر $\frac{3}{5}$ است.
- ۱۷ - شکاف تورمی،
 (الف) مازاد NNP از $C+I_n+G$ در سطح تولید اشتغال کامل می باشد.
 (ب) عدم کارایی تقاضای کل در NNP اشتغال کامل می باشد.
 (ج) مازاد $S+T$ از I_n+G در سطح اشتغال کامل می باشد.
 (د) مازاد $C+I_n+G$ از NNP در سطح اشتغال کامل می باشد.
- ۱۸ - اگر دولت به منظور کمک به انتقال وضعیت اقتصاد، از رکود به رونق، مخارج خود را افزایش دهد، کدام یک از راههای تأمین مالی افزایش مخارج دولت، اثر بیش تری بر بهبود اقتصاد دارد؟
 (الف) افزایش مالیات بر سود شرکتها (ج) چاپ پول جدید
 (ب) فرض گرفتن از بانکهای تجاری (د) افزایش مالیات بر درآمد اشخاص
- ۱۹ - پروژه ای برای احداث، نیاز به ۲۰۰ واحد سرمایه گذاری دارد. طول عمر پروژه یک سال و درآمد خالص حاصل از آن نیز ۲۰۰ واحد می باشد. در پایان دوره نیز ارزش ماشین آلات و ابزارهای اسقاطی پروژه ۵۰ واحد است؛ اگر نرخ بهره بازار ۲۰ درصد باشد، از دید اقتصادی، این پروژه
 (الف) باید احداث شود. (ج) احداث آن بی تفاوت است.
 (ب) نباید احداث شود. (د) با اطلاعات موجود نمی توان تصمیم گرفت.
- ۲۰ - اگر ضریب تکاثری مالیاتهای مستقل (۴-) باشد، افزایش ۵۰ واحد در مالیاتهای مستقل، باعث تغییر درآمد ملی به اندازه می شود.
 (الف) ۵۰ واحد (ج) ۲۰۰ واحد
 (ب) ۴۰- واحد (د) ۲۰۰- واحد
- ۲۱ - در یک اقتصاد چهاربخشی (با وجود تجارت خارجی)، اگر هدف ما فقط داشتن درآمد ملی بالاتر باشد، کدام یک از توابع واردات زیر، این هدف را تأمین می کنند؟
 (الف) $M=M_0+mY$ (ج) $M=mY$
 (ب) $M=\bar{M}$ (د) $M=0$

۲۲ - ضریب تکاثری پول چه خواهد بود اگر داشته باشیم:

کل ذخایر بانکها = ۱۰۰۰۰ میلیارد ریال

نقدینه (اسکناس و مسکوک) در دست مردم = ۳۵۰۰ میلیارد ریال

نرخ ذخایر احتیاطی = ۲ درصد

نرخ ذخایر قانونی بانکها = ۸ درصد

الف) ۱۰ ب) ۵ ج) ۳ د) ۲

۲۳ - تقاضای معاملاتی و احتیاطی پول از نظر کینز، بستگی به،

الف) درآمد قابل تصرف دارد. ج) درآمد ملی و نرخ بهره دارد.

ب) نرخ بهره و نرخ مالیات دارد. د) نرخ بهره اسمی دارد.

۲۴ - موضوعی که از اعتبار ثوری درآمد مطلق کینز کاست و اقتصاددانان را به فکر ارائه تئوریهای جدید مصرف انداخت، چه بود؟

الف) افزایش مصرف در زمان جنگ جهانی دوم

ب) معمایی که فریدمن در مورد مصرف دائمی، مطرح کرد.

ج) معمایی که کوزنتس در مورد مصرف متوسط، مطرح کرد.

د) معمایی که مودیلیانی در مورد مصرف در طول زندگی، مطرح کرد.

۲۵ - در تئوریهای اقتصاد کلان جدید (ثوری انتظارات عقلایی)،

الف) آنچه باعث افزایش تولید می شود، تورم پیش بینی نشده است.

ب) تورم پیش بینی شده، باعث افزایش تولید می شود.

ج) سطح قیمت ها نرخ طبیعی بیکاری را تعیین می کند.

د) عرضه کل به تنهایی، مهم ترین مسأله اقتصاد است.

۲۶ - اگر یک اقتصاد باز با وجود دولت، در حالت تعادل باشد و واردات آن، بیش تر از صادراتش باشد، کدام یک از گزینه های زیر درست است؟

الف) پس اندازها بیش تر از سرمایه گذاری است.

ب) سرمایه گذاری بعلاوه مخارج دولت بیش از پس اندازها بعلاوه مالیاتها است.

ج) مالیاتها بیش از مخارج دولت است.

د) سرمایه گذاری بعلاوه مخارج دولت، کم تر از پس اندازها بعلاوه مالیاتها است.

۲۷ - دولت با کدام یک از سیاست های زیر، می تواند تقاضای کل را افزایش دهد؟

الف) تشویق پس انداز ج) افزایش نرخ بهره

ب) مازاد بودجه د) تشویق سرمایه گذاری خصوصی

۲۸ - براساس برداشت پیروان اصل شتاب از منحنی فیلیس، نرخ بیکاری از نرخ طبیعی بیکاری کم تر خواهد شد هر گاه،

- (الف) تورم واقعی، بیش تر از تورم انتظاری باشد. (ج) تورم واقعی، برابر با تورم انتظاری باشد.
 (ب) تورم واقعی، کم تر از تورم انتظاری باشد. (د) تورم واقعی، صفر باشد.

۲۹- براساس نظریه مصرف کینز،

- (الف) ادوار تجاری، بر میل نهایی به مصرف اثری ندارد، اما ضریب تکاثری را تغییر می دهد.
 (ب) میل نهایی به مصرف در رکود، کاهش و در رونق، افزایش می یابد.
 (ج) ادوار تجاری بر MPC و ضریب تکاثری اثری ندارد.
 (د) MPC و ضریب تکاثری افزایش می یابند.

۳۰- اگر یک طرح سرمایه گذاری دارای عمر یک سال و خالص منافع آن ۱۰۹۰ واحد باشد. همچنین اگر هزینه سرمایه گذاری ۱۰۰۰ واحد و ارزش اسقاطی طرح صفر باشد؛ آنگاه کارایی نهایی سرمایه برای این طرح برابر است با:

- (الف) ۱/۹ درصد (ج) ۹ درصد
 (ب) ۱۹ درصد (د) ۰/۹ درصد

۳۱- هرچه حساسیت تقاضای سفته بازی پول، نسبت به نرخ بهره بیش تر باشد،

- (الف) کشش تابع تقاضای پول کم تر خواهد بود.
 (ب) شیب منحنی تقاضای پول کم تر خواهد بود.
 (ج) منحنی تقاضای پول بیش تر به بالا جابه جا می شود.
 (د) منحنی تقاضای پول عمودی تر خواهد بود.

۳۲- معادله $M^d = K.P.Y$ ،

(الف) تقاضای پول را از دیدگاه کمبریج نشان می دهد که ضریب K ماهیت $\frac{1}{V}$ در تقاضای پول از دیدگاه فیش را دارد.

- (ب) تقاضای پول از دیدگاه کمبریج است اما K ماهیتاً با $\frac{1}{V}$ متفاوت است.
 (ج) همان تئوری مقداری پول است که K به جای $\frac{1}{V}$ آمده است.
 (د) تابع تقاضای پول از دیدگاه کینز است.

۳۳- در یک اقتصاد دویبخشی، وقتی $S > I$ است،

- (الف) اقتصاد در موقعیتی بر روی منحنی IS قرار دارد.
 (ب) اقتصاد در موقعیتی در بالای منحنی IS قرار دارد.
 (ج) اقتصاد در موقعیتی در سمت چپ منحنی IS قرار دارد.
 (د) موقعیت اقتصاد، قابل تعیین نیست.

۳۴- سیاست مالی کاملاً بدون اثر ایست هر گاه،

- (الف) اقتصاد در دام نقدینگی باشد. (ج) اقتصاد در دامنه کلاسیکی LM باشد.
 (ب) منحنی IS عمودی باشد. (د) LM دارای شیب مثبت باشد.

۳۵ - منحنی لافر (Laffer) نشان‌دهنده این ایده است که،

- الف) افزایش نرخ مالیات، فقط تا حدی می‌تواند درآمد کل مالیاتی را بالا ببرد.
 ب) افزایش نرخ بیکاری به کاهش نرخ تورم می‌انجامد.
 ج) افزایش نرخ مالیات به افزایش بیکاری می‌انجامد.
 د) همه موارد بالا صحیح است.

۳۶ - منحنی تقاضای کل در کدام یک از شرایط زیر، کاملاً عمودی است؟

- الف) LM افقی باشد.
 ب) IS افقی باشد.
 ج) LM عمودی باشد.
 د) IS شیب منفی داشته باشد.

۳۷ - در کدام یک از شرایط زیر، منحنی تقاضای کل به سمت راست انتقال پیدا می‌کند؟

- الف) مخارج دولتی افزایش یابد.
 ب) صادرات افزایش یابد.
 ج) مالیاتها کاهش یابد.
 د) در همه موارد بالا

۳۸ - پولیون یا پول‌گرایان،

- الف) به طرفداران نظریات فریدمن اطلاق می‌شود.
 ب) به کسانی که طرفدار عدم به کارگیری سیاست پولی فعال هستند، اطلاق می‌شود.
 ج) معتقد به این هستند که فقط با سیاست پولی فعال، می‌توان اقتصاد را سامان داد.
 د) الف و ب صحیح است.

۳۹ - این گفته که: "کشورهایی که دستمزد نیروی کار در آنها بالاست از تجارت جهانی زیان می‌بینند،

زیرا عملاً نمی‌توانند با کشورهای دارای دستمزد پایین رقابت کنند"، صرفاً از دیدگاه اقتصادی،

الف) صحیح است.

ب) غلط است.

ج) فقط وقتی کشور دارای دستمزد بالا، پس از تجارت آزاد به صورت واردکننده درآید، غلط است.

د) فقط در باره کالاهای کاربر، صادق است.

۴۰ - منشأ تورم ناشی از فشار تقاضا، کدام یک از موارد زیر است؟

- الف) افزایش دستمزدها و افزایش قیمت مواد اولیه
 ب) افزایش حجم پول و مخارج دولتی
 ج) افزایش واردات
 د) افزایش قیمت‌ها

پاسخنامه کنکور آزمایشی ۳

ب-۳۳	ج-۲۴	ج-۱۵	ب-۶	ب-۱-۱
ج-۳۴	الف-۲۵	ب-۱۶	الف-۷	ج-۱-۲
الف-۳۵	ب-۲۶	د-۱۷	د-۸	الف-۱-۳
الف-۳۶	د-۲۷	ج-۱۸	الف-۹	ج-۱-۴
د-۳۷	الف-۲۸	الف-۱۹	ج-۱۰	د-۱-۵
د-۳۸	ج-۲۹	د-۲۰	الف-۱۱	ب-۲
ب-۳۹	ج-۳۰	د-۲۱	ج-۱۲	ج-۳
ب-۴۰	ب-۳۱	ج-۲۲	ب-۱۳	ج-۴
	ب-۳۲	الف-۲۳	ج-۱۴	ب-۵

کنکور آزمایشی

ع

- ۱ - تفاوت درآمد شخصی با درآمد قابل تصرف در،
الف) کمک‌های مربوط به بیمه اجتماعی از طرف کارفرمایان است.
ب) مالیات بر درآمد اشخاص است.
ج) سود توزیع نشده شرکت‌ها است.
د) مالیات بر سود شرکت‌ها است.

○ با توجه به اطلاعات داده شده، به ۳ سؤال بعد پاسخ دهید (ارقام به میلیارد ریال):

۱۰۰۰	درآمد ملی
۱۰۰	پرداخت‌های مربوط به بیمه‌های اجتماعی
۲۰۰	مالیات بر سود شرکت‌ها
۵۰	سود توزیع نشده شرکت‌ها
۲۰۰	پرداخت‌های انتقالی
۱۰	مالیات شخصی (مالیات بر درآمد اشخاص)

۲ - درآمد شخصی، برابر است با:

۹۵۰(د)	۹۰۰ (ج)	۸۵۰ (ب)	۶۵۰ (الف)
--------	---------	---------	-----------

۳ - درآمد قابل تصرف، برابر است با:

۸۶۰(د)	۸۴۰ (ج)	۹۱۰ (ب)	۶۵۰ (الف)
--------	---------	---------	-----------

۴ - NNP به قیمت عوامل، برابر است با:

۱۰۱۰(د)	۱۰۵۰ (ج)	۱۲۰۰ (ب)	۱۰۰۰ (الف)
---------	----------	----------	------------

- ۵ - GNP، کدام یک از موارد زیر را شامل نمی‌شود؟
الف) ارزش تولیدات خانگی مصرف شده در خانواده
ب) کالاها و خدمات غیرقانونی

ج) کالاها و خدمات غیربازاری و ارزش فراغت
د) همه موارد بالا

۶- اگر درآمد شخصی، ۵۵۰ تومان، مالیات بر درآمد اشخاص ۷۰ تومان، مصرف ۴۳۰ تومان، بهره پرداختی مصرف کنندگان ۱۰ تومان، و پس انداز شخصی ۴۰ تومان باشد، درآمد قابل تصرف برابر است با:

الف) ۵۰۰ تومان (ب) ۴۸۰ تومان (ج) ۴۷۰ تومان (د) ۴۴۰ تومان

۷- اگر مقدار استهلاک از سرمایه گذاری ناخالص داخلی، بیش تر شود، می توان نتیجه گیری کرد که:

الف) اقتصاد در حال پیشرفت است.
ب) صادرات بیش تر از واردات است.
ج) سرمایه گذاری خالص، منفی است.
د) GNP اسمی زیاد می شود ولی GNP حقیقی کاهش می یابد.

۸- اگر مخارج برنامه ریزی شده ۵ میلیارد ریال، تغییر کند و باعث ۲۰ میلیارد ریال تغییر در درآمد ملی شود، ضریب تکاثر برابر است با:

الف) ۵ (ب) ۴ (ج) ۳ (د) ۲

۹- شکاف رکودی هنگامی رخ می دهد که،

الف) تقاضای کل کم تر از عرضه کل اشتغال کامل باشد.
ب) تقاضای کل بیش تر از عرضه کل اشتغال کامل باشد.
ج) نقطه تعادلی واقعی اقتصاد (تقاطع خط مخارج کل با خط ۴۵ درجه) در سمت چپ تعادل اشتغال کامل باشد.
د) موارد الف و ج صحیح است.

۱۰- در مدل دویخشی پس انداز واقعی، همیشه برابر است با:

الف) سرمایه گذاری واقعی (ب) سرمایه گذاری پیش بینی شده
ج) سرمایه گذاری پیش بینی نشده (د) تغییر در موجودی انبار

۱۱- مقدار تقاضای کل، در بخش خصوصی اقتصاد به وسیله تعیین می شود.

الف) تقاطع تابع مصرف و پس انداز (ب) برابری MPC و MPS
ج) تقاطع تابع پس انداز با خط ۴۵ درجه (د) مجموع مخارج خانوارها و بنگاهها

۱۲- در یک اقتصاد دویخشی، اگر $MPC = \frac{2}{3}$ باشد و مخارج سرمایه گذاری، ۲ میلیارد ریال افزایش یابد، NNP چند میلیارد ریال، افزایش می یابد؟

الف) ۲ (ب) ۴ (ج) ۶ (د) ۳

۱۳- فرض کنید GNP به قیمت های جاری در سال ۱۳۶۴، ۳۶۰ میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۲،

۴۵۰ میلیارد ریال باشد. همچنین شاخص قیمت‌ها در سال ۱۳۶۴ برابر با ۱۲۰ و در سال ۱۳۷۲ برابر با ۱۲۵ بوده است. سال پایه نیز سال ۱۳۵۹ است. با توجه به اطلاعات فوق، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که GNP حقیقی در فاصله سالهای ۱۳۶۴ الی ۱۳۷۲،

- الف) ۹۴ میلیارد ریال، افزایش یافته است. (ج) ۳۲ میلیارد ریال، کاهش یافته است.
 ب) ۱۱۷ میلیارد ریال، افزایش یافته است. (د) ۶۰ میلیارد ریال، افزایش یافته است.

۱۴ - موقعی که مخارج دولت و مالیاتها به مدل کینزی افزوده می‌شود،

- الف) تابع مصرف به سمت بالا منتقل می‌شود.
 ب) شرط تعادل به صورت $S+G=I+T$ در می‌آید.
 ج) شرط تعادل به صورت $S+T=I+G$ در می‌آید.
 د) همه موارد بالا صحیح است.

۱۵ - اگر ۱۰۰ واحد افزایش در درآمد ملی، موجب ۳۰ واحد افزایش در پس‌انداز شود، MPC برابر خواهد بود با:

- الف) ۰/۳ (ب) ۱/۳ (ج) ۰/۷ (د) ۱/۷

۱۶ - از نظر تئوری کینز، کدام یک از موارد زیر صحیح نیست؟

- الف) $C+I+G=Y$
 ب) سرمایه‌گذاری، تابعی از نرخ بهره است.
 ج) نرخ بهره، تابعی از حجم پس‌انداز و حجم سرمایه‌گذاری است.
 د) تقاضا برای پول، تابعی از نرخ بهره است.

۱۷ - اگر مالیات از حالت مالیات مستقل به صورت مالیات تابع درآمد درآید، درآمد ملی تعادلی،

- الف) افزایش می‌یابد. (ج) تغییری نمی‌کند.
 ب) کاهش می‌یابد. (د) نامعلوم است.

۱۸ - اگر میل نهایی به پس‌انداز ۰/۲ باشد و نرخ مالیات بر درآمد ۰/۵ باشد، ضریب تکاثر بوده متوازن دولت (افزایش یکسان در مخارج دولتی و مالیات ثابت) برابر است با:

- الف) یک (ج) ۱/۳
 ب) صفر (د) نمی‌توان تعیین کرد.

۱۹ - در یک اقتصاد دویخشی (شامل خانوارها و بنگاهها) اگر $I=I_0$ و $C=a+bY$ باشد و شرط $0 < b < 1$ برقرار باشد، ضریب تکاثری سرمایه‌گذاری مستقل $(\frac{dY}{dI_0})$ در چه دامنه‌ای قرار می‌گیرد؟

- الف) $0 < \frac{dY}{dI_0} < 1$ (ج) $-\infty < \frac{dY}{dI_0} < \infty$

- ب) $1 < \frac{dY}{dI_0} < 2$ (د) $1 < \frac{dY}{dI_0} < \infty$

۲۰- در یک اقتصاد چهاربخشی (با وجود تجارت خارجی)، وقتی واردات تابع درآمد ملی است، ضریب تکاثر بودجه متوازن،

- (الف) با میل نهایی به واردات رابطه مستقیم دارد.
 (ب) با میل نهایی به واردات رابطه معکوس دارد.
 (ج) با میل نهایی به واردات رابطه‌ای ندارد.
 (د) برابر با یک است.

۲۱- در تئوری چرخه زندگی (تئوری مصرف مودیلیانی)،

- (الف) ساختار سنی جمعیت، عامل تعیین‌کننده رفتار مصرف و پس‌انداز ملی است.
 (ب) میل نهایی به مصرف از درآمد و میل نهایی به مصرف از ثروت، تابع موقعیت سنی افراد می‌باشد.
 (ج) افراد، ثروت و درآمد طول عمر خود را برای داشتن مصرف یکنواخت برنامه‌ریزی می‌کنند.
 (د) همه موارد بالا صحیح است.

۲۲- اگر نرخ ذخیره قانونی، ۱۰ درصد باشد و بانک‌ها نیز ۱۰ درصد، ذخیره احتیاطی (اضافی) نگاه‌داری کنند؛ همچنین مجموع ذخایر بانک‌ها ۲۰۰۰ تومان و اسکناس و مسکوک در دست مردم ۲۵۰۰ تومان باشد؛ حداکثر حجم پول برابر است با:

- (الف) ۲۵۰۰ تومان
 (ب) ۴۵۰۰ تومان
 (ج) ۱۰۰۰۰ تومان
 (د) ۱۲۵۰۰ تومان

۲۳- از نظر کینز، تقاضای سفته‌بازی پول، تابعی است از:

- (الف) درآمد
 (ب) نرخ بهره
 (ج) سطح قیمت‌ها
 (د) نرخ بهره و درآمد

۲۴- اگر سطح قیمت‌ها افزایش یابد، تقاضای نیروی کار،

- (الف) به سمت راست، انتقال پیدا می‌کند.
 (ب) به سمت چپ، انتقال پیدا می‌کند.
 (ج) دارای شیب بیش‌تر می‌شود.
 (د) دارای شیب کم‌تر می‌شود.

۲۵- یک شوک عرضه‌ای، معمولاً،

- (الف) منحنی عرضه کل کوتاه‌مدت را به چپ می‌برد و قیمت‌ها و درآمد را افزایش می‌دهد.
 (ب) منحنی عرضه کل کوتاه‌مدت را به چپ می‌برد و قیمت‌ها را افزایش و GNP را کاهش می‌دهد.
 (ج) منحنی عرضه را به راست، انتقال می‌دهد.
 (د) موارد الف و ج صحیح است.

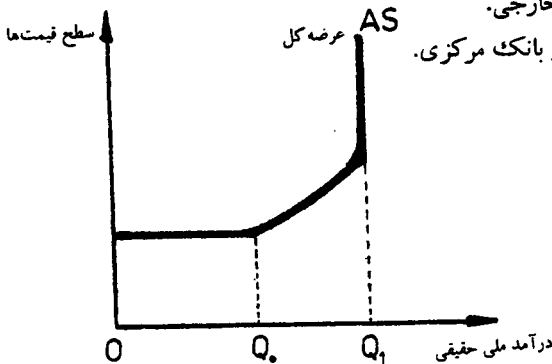
۲۶- یک مدل IS-LM را در نظر بگیرید، اگر اقتصاد در نقطه‌ای، درست در بالای تقاطع IS و LM قرار داشته باشد،

- (الف) $M^s > M^d$ و $Y^s > Y^d$ است.
 (ج) $M^s > M^d$ و $Y^s < Y^d$ است.

(ب) $M^s < M^d$ و $Y^s < Y^d$ است. (د) $M^s < M^d$ و $Y^s > Y^d$ است.

- ۲۷ - ضریب تکاثر سرمایه‌گذاری در یک اقتصاد دارای بخش پولی،
 الف) بزرگ‌تر از یک اقتصاد بدون بخش پولی است.
 ب) کوچک‌تر از یک اقتصاد بدون بخش پولی است.
 ج) با در نظر گرفتن اثرات برون‌رانی (جایگزینی)، تعدیل می‌شود.
 د) موارد ب و ج صحیح است.

- ۲۸ - کدام یک از سیاست‌های زیر، اثر انبساطی بیش‌تری بر درآمد ملی دارد؟
 الف) افزایش هزینه‌های دولتی از طریق افزایش مالیاتها.
 ب) افزایش هزینه‌های دولتی از طریق فروش اوراق قرضه به مردم.
 ج) افزایش هزینه‌های دولتی از طریق استقراض خارجی.
 د) افزایش هزینه‌های دولتی از طریق استقراض از بانک مرکزی.



○ با توجه به منحنی عرضه کل
 به دو سؤال بعد پاسخ دهید:

- ۲۹ - در کدام دامنه، ظرفیت بدون استفاده و بیکاری چشمگیر عوامل تولید در سراسر اقتصاد، وجود دارد؟

الف) $0Q_0$ ج) $0Q_1$
 ب) $0Q_1$ د) هیچ‌کدام از موارد بالا

- ۳۰ - در کدام دامنه، تنها برخی از بخش‌های اقتصاد، ظرفیت مازاد دارند، یا به عبارت دیگر در برخی از بخش‌ها عوامل تولید بیکار، وجود دارد؟

الف) $0Q_0$ ج) $0Q_1$
 ب) $0Q_1$ د) هیچ‌کدام از موارد بالا

- ۳۱ - اگر در رکود اقتصادی، APC (میل متوسط به مصرف) جامعه افزایش یابد، ولی در رونق اقتصادی، APC فقط تا سطح حداکثر قبلی خود، کاهش یابد، رفتار مصرفی جامعه با کدام یک از نظریه‌های زیر، سازگاری دارد؟

الف) نظریه درآمد مطلق کینز
 ب) نظریه درآمد نسبی دوزنبری
 ج) نظریه درآمد دائمی فریدمن
 د) نظریه چرخه زندگی مودیلیانی

- ۳۲ - هنگامی که موجودی واقعی سرمایه هر بنگاه، بزرگ‌تر از حجم مطلوب سرمایه آن باشد،

الف) سرمایه‌گذاری ناخالص بنگاه، منفی خواهد بود.

ب) استهلاک بنگاه، منفی خواهد بود.

ج) سرمایه‌گذاری خالص، مثبت و سرمایه‌گذاری ناخالص، منفی خواهد بود.

د) سرمایه‌گذاری خالص، منفی خواهد بود.

۳۳- اگر در اقتصادی، همواره اضافه عرضه پول برابر با اضافه تقاضای اوراق بهادار باشد، می‌توان نتیجه گرفت که در آن اقتصاد،

الف) به اندازه حجم پول، اوراق بهادار وجود دارد.

ب) تمام دارایی‌های غیرپولی به شکل اوراق بهادار هستند.

ج) نرخ بهره وجود ندارد.

د) نرخ بهره بازار پول، همواره برابر نرخ بهره اوراق بهادار است.

۳۴- نظریه تقاضای پول کمبریج،

الف) بر نقش پول به عنوان وسیله معامله، تأکید دارد.

ب) بر نقش پول به عنوان وسیله ذخیره ثروت، تأکید دارد.

ج) بر سرعت گردش پول و نه مقدار آن، تأکید دارد.

د) همان نظریه تقاضای پول فیشر است.

۳۵- اگر عرضه نیروی کار، تابعی از دستمزد حقیقی باشد و انعطاف‌پذیری دستمزدها و قیمت‌ها نیز وجود داشته باشد،

الف) منحنی عرضه کل، عمودی است.

ج) منحنی عرضه کل، شیب مثبت دارد.

ب) منحنی عرضه کل، افقی است.

د) منحنی عرضه کل، شیب منفی دارد.

۳۶- هر چه میل نهایی به مصرف، بزرگ‌تر باشد، منحنی تقاضای کل،

الف) عمودی‌تر می‌شود.

ب) افقی‌تر می‌شود.

ج) شیب مثبت پیدا می‌کند.

د) شیب منحنی تقاضای کل، ارتباطی به میل نهایی به مصرف ندارد.

۳۷- از نظر کلاسیک‌ها، برای تغییر متغیرهای حقیقی اقتصاد (مثل GNP حقیقی، اشتغال و ...) باید،

الف) حجم پول، تغییر کند.

ج) مالیاتها، تغییر یابد.

ب) مخارج دولتی، تغییر کند.

د) تکنولوژی یا حجم فیزیکی سرمایه، تغییر کند.

۳۸- منحنی اولیه‌ای که فیلیپس (Philips) استخراج کرد، بیانگر رابطه منفی میان،

الف) نرخ بیکاری و نرخ تورم بود.

ج) نرخ بیکاری و نرخ دستمزدها بود.

ب) نرخ بیکاری و نرخ تغییر دستمزدها بود.

د) نرخ اشتغال و نرخ دستمزدها بود.

- ۳۹- ضریب تکاثری هزینه‌های دولت با وجود بخش پول در اقتصاد، وقتی بیشترین مقدار است که،
 الف) LM، عمودی باشد.
 ج) IS، افقی باشد.
 ب) اقتصاد در دام نقدینگی باشد.
 د) اقتصاد در دامنه کلاسیکی LM قرار داشته باشد.
- ۴۰- موقعی که سطح واقعی قیمت‌ها با سطح قیمت‌های مورد انتظار برابر است،
 الف) تعادل اقتصاد کلان در کوتاه‌مدت و بلندمدت وجود دارد.
 ب) شکاف تورمی وجود ندارد.
 ج) شکاف رکودی وجود ندارد و نرخ بیکاری با نرخ طبیعی بیکاری برابر است.
 د) همه موارد فوق، صحیح است.

پاسخنامه کنکور آزمایشی ۸

ب- ۳۳	ب- ۲۵	ب- ۱۷	د- ۹	ب- ۱
ب- ۳۴	الف- ۲۶	ج- ۱۸	الف- ۱۰	ب- ۲
الف- ۳۵	د- ۲۷	د- ۱۹	د- ۱۱	ج- ۳
ب- ۳۶	د- ۲۸	ب- ۲۰	ج- ۱۲	الف- ۴
د- ۳۷	الف- ۲۹	د- ۲۱	د- ۱۳	د- ۵
ب- ۳۸	ج- ۳۰	د- ۲۲	ج- ۱۴	ب- ۶
ب- ۳۹	ب- ۳۱	ب- ۲۳	ج- ۱۵	ج- ۷
د- ۴۰	د- ۳۲	الف- ۲۴	ج- ۱۶	ب- ۸

سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت

سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰*

۱- اگر درآمد ملی را چنین تعریف نمائیم: مجموع ارزش کالاها و خدمات اقتصادی که در طول یک دوره (یا یک سال محاسباتی) به طور خالص در یک اقتصاد ملی حاصل می شود است. [کدام یک از فرمولهای زیر بیانگر این تعریف می باشد؟]

$$\text{GNP} = C + I + G + (X - M) + D \quad (1)$$

$$Y = C + I + G + (X - M) \quad (2)$$

$$Y = C + G + I_n + (X - M) - T \quad (3) \quad (T \text{ مالیاتهای غیر مستقیم})$$

$$Y = \text{GNP} - D \quad (4)$$

۲- در صورتی که سرمایه گذاری، تابعی از نرخ بهره باشد،

(۱) کاهش نرخ بهره، منجر به افزایش سرمایه گذاری و کاهش سطح درآمد ملی می شود.

(۲) افزایش نرخ بهره، منجر به کاهش سرمایه گذاری و افزایش پس انداز می شود.

(۳) کاهش نرخ بهره، منجر به افزایش سرمایه گذاری و افزایش درآمد ملی می شود.

(۴) هیچ کدام از اینها

۳- معادله $C = 50 + 0.8Y_d$ پیش بینی می کند که میزان مصرف، برابر باشد با:

(۱) ۳۵۰، وقتی درآمد قابل تصرف برابر ۲۵۰ است.

(۲) ۲۵۰، وقتی درآمد قابل تصرف برابر ۳۰۰ است.

(۳) ۲۰۰، وقتی درآمد قابل تصرف برابر ۱۵۰ است.

(۴) ۲۵۰، وقتی درآمد قابل تصرف برابر ۲۵۰ است.

۴- تعادل در اشتغال کامل، یعنی:

(۱) تساوی عرضه کل و تقاضای کل

(۲) تساوی عرضه کل نیروی انسانی و تقاضای کل نیروی انسانی

(۳) تساوی عرضه کل و تقاضای کل در وضع اشتغال کامل

(۴) هر سه جواب بالا صحیح است.

۵ - به نظر طرفداران مکتب کینز،

- (۱) کاهش نرخ دستمزد، موجب افزایش تولید می شود.
- (۲) کاهش نرخ دستمزد، موجب افزایش تولید نمی شود.
- (۳) تغییر نرخ دستمزد، موجب انتقال تعادل خواهد شد.
- (۴) افزایش نرخ دستمزد، موجب بیکاری عوامل تولید خواهد شد.

۶ - در صورتی که MPC برابر b فرض شود، ضریب افزایش (ضریب تکاثری)، برابر خواهد بود با:

$$K = \frac{1}{1-b} \quad (۳) \qquad K = \frac{1}{b-1} \quad (۱)$$

$$K = \frac{1}{b} \quad (۴) \qquad K = \frac{1}{b+1} \quad (۲)$$

۷ - کدام یک از جملات زیر، صحیح است؟

- (۱) اگر $S > I$ باشد، درآمد ملی، افزایش می یابد.
- (۲) اگر درآمد ملی، کاهش یابد، میزان پس انداز کم شده و میل به مصرف نسبت به میزان درآمد، افزایش پیدا می کند.
- (۳) تأثیر نهایی افزایش میل به مصرف، موجب کاهش سرمایه گذاری خواهد شد.
- (۴) افزایش میل به نقدینگی، موجب افزایش سرمایه گذاری می شود.

۸ - در شرایط بحران بیکاری عوامل، توصیه می شود،

- (۱) هزینه های عمومی با حفظ تعادل بودجه، افزایش یابد.
- (۲) هزینه های عمومی با استفاده از استقراض شبکه بانکی، افزایش یابد.
- (۳) پس انداز، تشویق گردد.
- (۴) نرخ بهره، افزایش یابد.

۹ - در محاسبه تولید ناخالص ملی، کدام یک از اقلام زیر نباید منظور شود؟

- (۱) درآمد سالیانه استفاده از یک ماشین دست دوم (۳) تولید کالاهای مصرفی
- (۲) حقوق دریافتی بازنشستگان (۴) تولید کالاهای سرمایه ای

۱۰ - در معادله $Mr = Y$ ،

- (۱) M، نماینده نقدینگی جامعه و r، تعداد متوسط دفعاتی [است] که این نقدینگی به کار می رود.
- (۲) M، نماینده حجم پول جامعه و r، تعداد متوسط دفعاتی است که حجم پول برای خرید کالاها و خدمات به کار می رود.
- (۳) M، نماینده مجموع اسکناس منتشره از طرف دولت در دست مردم است.
- (۴) r، نماینده سرعت گردش کالاهای مصرفی [است].

۱۱ - برای از بین بردن شکاف انقباضی، دولت باید باندازه تأثیر [میزان] شکاف،

- (۱) بر میزان مالیات دریافتی بیفزاید. (۳) از میزان سرمایه‌گذاری بکاهد.
 (۲) از سیاست ضد تورمی، استفاده نماید. (۴) بر حجم مخارج دولت بیفزاید.

۱۲ - در صورتی که مزد پولی نیروی انسانی (کار) افزایش یابد، بدون تغییر در سطح قیمت‌ها،

- (۱) مزد حقیقی افزایش یافته، ولی سطح اشتغال کاهش می‌یابد.
 (۲) مزد حقیقی و سطح اشتغال، هر دو افزایش می‌یابد.
 (۳) مزد حقیقی و سطح اشتغال، هر دو کاهش می‌یابد.
 (۴) مزد حقیقی کاهش و سطح اشتغال افزایش می‌یابد.

۱۳ - در صورتی که جامعه‌ای معادل ۲۵٪ تولید ناخالص ملی ویژه خود را پس انداز نماید و بفرض این که ضریب سرمایه در آن کشور، برابر ۵ و رشد جمعیت برابر ۲ درصد باشد، رشد تولید ناخالص ملی آن جامعه برابر خواهد بود با:

- (۱) ۸ درصد (۲) ۳ درصد (۳) ۴ درصد (۴) ۶ درصد

۱۴ - کاهش ذخایر قانونی سپرده‌های بانک‌ها، منجر به

- (۱) کاهش ذخایر نقدی بانک‌ها و نهایتاً موجب افزایش حجم سپرده‌ها می‌شود.
 (۲) افزایش ذخایر نقدی بانک‌ها و نهایتاً موجب افزایش حجم سپرده‌ها می‌شود.
 (۳) کاهش ذخایر نقدی بانک‌ها و نهایتاً موجب کاهش حجم سپرده‌ها می‌شود.
 (۴) افزایش ذخایر نقدی بانک‌ها و نهایتاً موجب کاهش حجم سپرده‌ها می‌شود.

۱۵ - به منظور ایجاد تعادل در ترازپرداخت‌ها، دولت‌ها می‌توانند، [با این فرض که کسری تراز پرداخت‌ها وجود دارد].

- (۱) نرخ رسمی پول خویش را در برابر ارزهای خارجی، کاهش دهند.
 (۲) سود اوراق قرضه را افزایش دهند.
 (۳) نرخ رسمی پول خویش را در برابر ارزهای خارجی، افزایش دهند.
 (۴) مالیات بر تولید را کاهش دهند.

باسنخامه سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت

سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰

- | | | | | |
|----------|----------|---------|---------|---------|
| (۲) - ۱۳ | (۲) - ۱۰ | (۲) - ۷ | (۳) - ۴ | (۳) - ۱ |
| (۲) - ۱۴ | (۴) - ۱۱ | (۲) - ۸ | (۴) - ۵ | (۳) - ۲ |
| (۱) - ۱۵ | (۱) - ۱۲ | (۲) - ۹ | (۳) - ۶ | (۴) - ۳ |

سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت

سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱

۱- فرض کنید درآمد ملی سال ۱۳۷۰ به قیمت جاری ۳۰۰ می‌باشد، اگر شاخص قیمت‌ها در سال جاری ۱۵۰ باشد، درآمد ملی سال ۱۳۷۰ به قیمت سال پایه (درآمد ملی حقیقی) [عبارت است از:]

(۱) ۲۰۰ (۲) ۱۵۰ (۳) ۱۷۵ (۴) ۲۲۰

۲- تفاوت بین تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص ملی،

(۱) استهلاک می‌باشد.

(۲) پرداخت‌های انتقالی است.

(۳) خالص درآمد عوامل تولید از خارج می‌باشد.

(۴) همه موارد بالا

۳- فرض کنید دولت می‌خواهد مصرف، ۴۰ واحد افزایش یابد، اگر میل‌نهایی به مصرف ۰/۵ باشد و ضریب تکاثر مخارج دولت ۴ باشد، افزایش در مخارج دولت به منظور افزایش مصرف به میزان ۴۰ واحد، می‌باید به اندازه،

(۱) ۲۰ واحد باشد.

(۲) ۳۰ واحد باشد.

(۳) ۴۰ واحد باشد.

(۴) ۸۰ واحد باشد.

۴- در اقتصاد سه‌بخشی؛ شامل خانوارها، دولت و بنگاه‌ها که مالیات تابعی از درآمد می‌باشد، ضریب تکاثر سرمایه‌گذاری، عبارت است از:

$$\frac{1}{1-b} \quad (۱)$$

$$\frac{1}{1-b+bt} \quad (۳)$$

$$\frac{1}{1+b} \quad (۲)$$

$$\frac{1}{1+b-bt} \quad (۴)$$

که b میل‌نهایی به مصرف و t نرخ مالیات می‌باشد.

۵- فرمول شاخص پاشه، برای محاسبه شاخص قیمت‌ها کدام یک می‌باشد؟

$$P_t = \frac{\sum P_i^t \cdot Q_i^0}{\sum P_i^0 \cdot Q_i^0} \quad (۳)$$

$$P_t = \frac{\sum P_i^t \cdot Q_i^t}{\sum P_i^0 \cdot Q_i^t} \quad (۱)$$

$$P_t = \frac{\sum P_i^t \cdot Q_i^t}{\sum P_i^0 \cdot Q_i^0} \quad (۴)$$

$$P_t = \frac{\sum P_i^0 \cdot Q_i^t}{\sum P_i^t \cdot Q_i^t} \quad (۲)$$

P_i^t قیمت کالای i در سال t
 P_i^0 قیمت کالای i در سال پایه
 Q_i^t مقدار کالای i در سال t
 Q_i^0 مقدار کالای i در سال پایه
 P_t شاخص پاشه در سال t

۶- در مدل دویبخشی تعادل درآمد ملی، شرط تعادل عبارت است از:

$$Y=C+I \quad (۱)$$

$$I=S \quad (۳)$$

$$(۴) \quad ۱ \text{ و } ۳$$

$$Y=C+S \quad (۲)$$

۷- در صورتی که نسبت ذخایر اضافی بانکها به سپرده‌های مردم نزد بانکها، افزایش یابد،

(۱) ضریب تکاثری پول (M_1) افزایش می‌یابد.

(۲) ضریب تکاثری پول (M_1) کاهش می‌یابد.

(۳) ضریب تکاثری پول (M_1) کاهش و ضریب تکاثری نقدینگی (M_2) افزایش می‌یابد.

(۴) ضریب تکاثری پول (M_1) افزایش و ضریب تکاثری نقدینگی (M_2) کاهش می‌یابد.

۸- اگر عرضه پول برابر ۱۰۰ میلیارد ریال و سطح قیمت‌ها برابر ۲ و مقدار تولید برابر ۵۰۰ میلیارد واحد باشد، در آن صورت، سرعت گردش پول، برابر است با:

$$(۱) \quad ۲/۵ \quad (۲) \quad ۵ \quad (۳) \quad ۴ \quad (۴) \quad ۱۰$$

۹- کدام یک از موارد ذیل، جزء ابزارهای سیاست پولی در ایران نمی‌باشد؟

(۱) نسبت سپرده قانونی

(۳) سقف‌های اعتباری

(۲) نرخ بازده سهام

(۴) نرخ تنزیل مجدد

۱۰- اگر حجم پایه پولی، نصف و ضریب تکاثری پول، دو برابر گردد، در آن صورت:

(۱) حجم پول، نصف می‌شود.

(۲) حجم پول، بلا تغییر باقی می‌ماند

(۲) حجم پول، دو برابر می‌شود.

(۴) حجم پول، چهار برابر می‌شود.

۱۱- مهم‌ترین منبع پایه پولی در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چه بوده است؟

(۱) خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی

(۳) بدهی بانکها به بانک مرکزی

(۲) خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی

(۴) بدهی دولت به بانکها

۱۲- در شرایط دام نقدینگی، منحنی LM

(۱) شیب نزولی دارد.

(۳) عمودی است.

(۲) افقی است.

(۴) شیب صعودی است.

۱۳- در یک نظام مالیاتی متشکل از مالیاتهای تناسبی،

(۱) نرخ مالیاتها با افزایش مآخذ مالیاتها افزایش می‌یابد.

(۲) نرخ مالیاتها با افزایش مآخذ مالیاتها تغییر نمی‌کند.

- (۳) مبلغ مالیاتها با افزایش نرخها تغییر می‌کند.
 (۴) نرخ مالیاتها با افزایش مأخذ مالیاتها کاهش می‌یابد.

۱۴ - در صورتی که دولت با حفظ تعادل بودجه، هزینه‌های خود را افزایش دهد،

- (۱) درآمد ملی آن دوره، ثابت خواهد ماند.
 (۲) درآمد ملی در آن دوره، افزایش خواهد یافت.
 (۳) فقط منجر به افزایش سطح اشتغال خواهد شد.
 (۴) فقط منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها خواهد شد.

۱۵ - در شرایط کم‌تر از اشتغال کامل، افزایش هزینه‌های عمومی در بخش کالاها و خدمات به شرط کاهش هزینه‌های انتقالی به همان میزان،

- (۱) منجر به افزایش درآمد ملی خواهد شد.
 (۲) منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها خواهد شد.
 (۳) منجر به توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت خواهد شد.
 (۴) در درآمد ملی، بی‌اثر خواهد بود.

پاسخنامه سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت

سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱

(۲) - ۱۳	(۳) - ۱۰	(۲) - ۷	(۳) - ۴	(۱) - ۱
(۲) - ۱۴	(۲) - ۱۱	(۴) - ۸	(۱) - ۵	(۳) - ۲
(۱) - ۱۵	(۲) - ۱۲	(۲) - ۹	(۴) - ۶	(۱) - ۳

سوالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت

سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳

۱ - محصول ناخالص ملی؛ ارزش بازاری

- (۱) کلیه کالاها و خدماتی است که در یک اقتصاد، در طول یک دوره یک ساله مبادله می‌شود.
- (۲) کلیه معاملاتی است که در یک اقتصاد، در طول یک دوره یک ساله انجام می‌شود.
- (۳) کلیه کالاها و خدمات نهایی است که در یک اقتصاد، در طول یک دوره یک ساله مبادله می‌شود.
- (۴) کلیه کالاها و خدمات نهایی است که در یک اقتصاد، در طول یک دوره یک ساله تولید می‌شود.

۲ - منظور از سرمایه‌گذاری مستقل؛

- (۱) سرمایه‌گذاری‌هایی است که با تغییر درآمد ملی، ثابت است.
- (۲) سرمایه‌گذاری‌هایی است که با تغییر درآمد ملی، تغییر می‌نماید.
- (۳) سرمایه‌گذاری‌هایی است که برابر تغییر سیاست‌های اقتصادی، تغییر می‌نماید.
- (۴) سرمایه‌گذاری‌هایی است که برابر تغییر سیاست‌های اقتصادی، ثابت است.

۳ - فرض کنید درآمد ملی به قیمت جاری در یک سال، برابر ۵۰۰۰ باشد و شاخص قیمت‌ها، افزایشی برابر ۲۵ درصد را نسبت به سال پایه نشان دهد. درآمد ملی به قیمت ثابت، برابر خواهد بود با:

(۱) ۳۷۵۰ (۲) ۴۰۰۰ (۳) ۶۰۰۰ (۴) ۴۷۵۰

۴ - در یک اقتصاد دویخشی، در صورتی که متوسط مصرف (APC) برابر $\frac{3}{4}$ و تمایل نهایی به مصرف (MPC) برابر $\frac{9}{10}$ و متوسط پس‌انداز (APS) برابر $\frac{1}{4}$ و تمایل نهایی به پس‌انداز برابر $\frac{1}{10}$ باشد*،

- (۱) ضریب فزاینده مالی (ضریب تکاثری) برابر ۴ خواهد بود.
- (۲) ضریب فزاینده مالی (ضریب تکاثری) برابر ۶ خواهد بود.
- (۳) ضریب فزاینده مالی (ضریب تکاثری) برابر ۸ خواهد بود.
- (۴) ضریب فزاینده مالی (ضریب تکاثری) برابر ۱۰ خواهد بود.

۵ - در یک اقتصاد دویخشی، اگر میزان مصرف برنامه‌ریزی شده برابر $Y = 80\% + 50\%$ و سرمایه‌گذاری برابر ۲۵۰ واحد باشد،

(۱) درآمد ملی [تعادلی] برابر ۴۰۰۰ خواهد بود.

خواننده باید توجه کند که در هیچ کدام از توابع مصرف معرفی شده توسط اقتصاددانان، MPC بزرگ‌تر از APC نیست. با این حال، با این فرض، به سؤال مذکور پاسخ داده شود.

- (۲) درآمد ملی [تعادلی] برابر ۳۰۰۰ خواهد بود.
 (۳) درآمد ملی [تعادلی] برابر ۲۰۰۰ خواهد بود.
 (۴) درآمد ملی [تعادلی] برابر ۱۵۰۰ خواهد بود.

۶- تفاوت بین تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی،

- (۱) مالیاتهای غیر مستقیم بخش تولید، پرداختی به دولت است.
 (۲) هزینه استهلاک سرمایه‌ها است.
 (۳) مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بخش خصوصی، پرداختی به دولت است.
 (۴) خالص درآمد عوامل از خارج است.

۷- در صورتی که دولت به استقراض از بانک مرکزی مبادرت نماید،

- (۱) پایه پولی، تضعیف می‌شود. (۳) در پایه پولی، بی‌تأثیر است.
 (۲) پایه پولی، افزایش می‌یابد. (۴) منجر به کاهش حجم پول می‌شود.

۸- در صورتی که نرخ ذخایر قانونی سپرده‌های بانکی، افزایش یابد،

- (۱) مستقیماً منجر به افزایش ذخایر نقدی بانک‌ها و نهایتاً افزایش قدرت وام‌دهی بانک‌ها می‌شود.
 (۲) مستقیماً منجر به کاهش ذخایر نقدی بانک‌ها و نهایتاً افزایش قدرت وام‌دهی بانک‌ها می‌شود.
 (۳) مستقیماً منجر به کاهش ذخایر نقدی بانک‌ها و نهایتاً کاهش قدرت وام‌دهی بانک‌ها می‌شود.
 (۴) نهایتاً منجر به افزایش حجم نقدینگی جامعه خواهد شد.

۹- در معادله $MV=GNP$ ،

- (۱) M ، مین تغییرات در حجم پول است.
 (۲) M ، مبین مجموع حجم پول و شبه پول است.
 (۳) V ، نمایشگر تعداد دفعاتی است که حجم پول برای خرید کالاها و خدمات (GNP) به کار رفته است.
 (۴) V ، نمایشگر کلیه وسایل پرداخت در مبادلات (GNP) است.

۱۰- در صورتی که جامعه‌ای معادل ۲۵ درصد تولید ملی خود را پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نماید و به فرض این که ضریب سرمایه‌گذاری برابر ۵ و رشد جمعیت برابر ۲ درصد باشد، میزان رشد اقتصادی آن جامعه برابر خواهد بود با:

- (۱) ۸ (۲) ۶ (۳) ۳ (۴) ۴

۱۱- شیب کوچک‌تر از یک در تابع مصرف، به این مفهوم است که:

- (۱) میل نهایی به مصرف، کوچک‌تر از یک است.
 (۲) تمامی [افزایش] درآمد قابل تصرف به مصرف نمی‌رسد.
 (۳) درآمد وقتی افزایش می‌یابد، مصرف نیز افزایش می‌یابد ولی نه به اندازه افزایش درآمد.
 (۴) همهٔ موارد فوق.

۱۲ - اگر میل نهایی به پس انداز، برابر $\frac{1}{2}$ باشد و سطح تعادل درآمد ملی، برابر 120 ، افزایش 20 واحد سرمایه گذاری موجب

- (۱) افزایش 100 واحد درآمد ملی خواهد شد. (۳) کاهش 100 واحد درآمد ملی خواهد شد.
(۲) افزایش 200 واحد درآمد ملی خواهد شد. (۴) افزایش 50 واحد درآمد ملی خواهد شد.

۱۳ - منحنی IS، کدام یک از روابط زیر را نشان می دهد؟

- (۱) رابطه مثبت بین نرخ بهره و سطح درآمد ملی.
(۲) رابطه مثبت بین نرخ بهره و سطح سرمایه گذاری.
(۳) رابطه منفی بین نرخ بهره و سطح درآمد ملی.
(۴) رابطه منفی بین نرخ بهره و سطح سرمایه گذاری.

۱۴ - در شرایط دام نقدینگی، منحنی LM،

- (۱) عمودی است. (۲) شیب نزولی دارد. (۳) افقی است. (۴) محدب است.

۱۵ - افزایش برابر مالیاتها و هزینه های عمومی دولت،

- (۱) هیچ تأثیری بر منحنی IS نخواهد داشت. (۳) منحنی IS را به طرف چپ، انتقال می دهد.
(۲) منحنی IS را به طرف راست، انتقال می دهد. (۴) منحنی LM را به طرف چپ، انتقال می دهد.

۱۶ - بانک مرکزی از کدام یک از طرق زیر می تواند امکان افزایش سپرده های دیداری را به وجود آورد؟

- (۱) کاهش حجم ذخایر نقدی بانک ها و یا افزایش ذخایر قانونی سپرده ها.
(۲) افزایش حجم ذخایر نقدی بانک ها و کاهش ذخایر قانونی سپرده ها.
(۳) افزایش حجم ذخایر نقدی بانک ها و یا افزایش ذخایر قانونی سپرده ها.
(۴) کاهش حجم ذخایر نقدی بانک ها و یا کاهش ذخایر قانونی سپرده ها.

۱۷ - در یک مدل اقتصاد چهاربخشی، افزایش صادرات،

- (۱) منجر به کاهش درآمد ملی کشور صادرکننده، خواهد شد.
(۲) منجر به افزایش درآمد ملی کشور صادرکننده، خواهد شد.
(۳) منجر به افزایش درآمد ملی کشور واردکننده، خواهد شد.
(۴) در درآمد ملی کشور صادرکننده، بی تأثیر خواهد بود.

۱۸ - کدام یک از مفاهیم زیر، برای تعریف M_1 (حجم پول) مصداق دارد؟

- (۱) اسکناس و مسکوک منتشره به وسیله دولت و سپرده های دیداری نزد بانک ها.
(۲) اسکناس و مسکوک در جریان (نزد مردم) و سپرده های دیداری نزد بانک ها.
(۳) اسکناس و مسکوک در جریان (نزد مردم) و سپرده های دیداری بخش خصوصی نزد بانک ها.
(۴) اسکناس و مسکوک در جریان (نزد مردم) و سپرده های دیداری و غیر دیداری نزد بانک ها.

۱۹ - افزایش نرخ تنزیل به وسیله بانک مرکزی، مبین کدام یک از حالات زیر است؟

- (۱) پیروی بانک مرکزی از یک سیاست پولی انقباضی (سخت).
- (۲) پیروی بانک مرکزی از یک سیاست پولی انبساطی (آسان).
- (۳) عدم پرداخت وام از سوی بانک مرکزی به بانک‌های تجاری.
- (۴) کاهش نرخ تنزیل در بازار.

۲۰ - تورمی که علت بروز آن افزایش دستمزدها یا فشار مزد باشد، در حقیقت،

- (۱) تورم ناشی از افزایش تقاضا است.
- (۲) تورم ناشی از افزایش پول در گردش است.
- (۳) تورم ناشی از فشار هزینه است.
- (۴) نظریه طرفداران مکتب پولی، در باره تورم است.

پاسخنامه سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت

سال تحصیلی ۷۴ - ۱۳۷۳

(۲) - ۱۷	(۳) - ۱۳	(۳) - ۹	(۴) - ۵	(۴) - ۱
(۳) - ۱۸	(۳) - ۱۴	(۳) - ۱۰	(۴) - ۶	(۱) - ۲
(۱) - ۱۹	(۲) - ۱۵	(۴) - ۱۱	(۲) - ۷	(۲) - ۳
(۳) - ۲۰	(۲) - ۱۶	(۱) - ۱۲	(۳) - ۸	(۴) - ۴

سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت

سال تحصیلی ۷۳ - ۱۳۷۲

۱ - تفاوت بین تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص ملی،

- (۱) خالص مالیاتهای غیرمستقیم است. (۳) خالص درآمد عوامل تولید از خارج است.
(۲) استهلاك سرمایه‌های ثابت است. (۴) ۱ و ۳

۲ - ضریب فزاینده هزینه‌های عمومی،

- (۱) بزرگ‌تر از ضریب فزاینده مالیاتها است. (۳) برابر ضریب فزاینده مالیاتها است.
(۲) کوچک‌تر از ضریب فزاینده مالیاتها است. (۴) برابر ضریب هزینه‌های انتقالی است.

۳ - در صورتی که در جامعه‌ای تمایل نهایی به پس انداز (MPS) برابر تمایل نهایی به مصرف (MPC) باشد ضریب فزاینده مالی در آن جامعه، برابر خواهد بود با:

- (۱) ∞ (۲) ۰ (۳) ۲ (۴) ۴

۴ - در یک مدل چهاربخشی، افزایش صادرات منجر به،

- (۱) کاهش درآمد ملی کشور صادرکننده، خواهد شد.
(۲) افزایش درآمد ملی کشور صادرکننده، خواهد شد.
(۳) افزایش درآمد ملی کشور واردکننده، خواهد شد.
(۴) تأثیر در درآمد ملی کشور صادرکننده، نخواهد داشت.

۵ - در صورتی که افزایش هزینه‌ها در بودجه کشور، منحصرأ از محل افزایش مالیاتها تأمین شود صرفنظر از میزان ضریب فزاینده مالی،

- (۱) سطح درآمد ملی، معادل افزایش مالیاتها کاهش خواهد یافت.
(۲) سطح درآمد ملی، معادل افزایش مالیاتها افزایش خواهد یافت.
(۳) سطح درآمد ملی، معادل مجموع مالیاتها و هزینه‌ها افزایش خواهد یافت.
(۴) در سطح درآمد ملی، تغییری حاصل نخواهد شد.

۶ - در معادله سرمایه‌گذاری $I = I_0 + aY$ ؛

- (۱) با افزایش درآمد، I_0 افزایش می‌یابد.
(۲) با افزایش درآمد، هزینه‌ها کاهش می‌یابد.
(۳) با کاهش درآمد، I_0 افزایش می‌یابد.

(۴) با افزایش درآمد، سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد.

۷- در کدام یک از روشهای زیر، از محاسبه مضاعف پرهیز می‌شود؟

- (۱) با در نظر نگرفتن پرداخت‌های انتقالی
- (۲) با استفاده از روش ارزش افزوده در اندازه‌گیری GNP
- (۳) با عدم محاسبه ارزش کالاهای ساخته شده در دوره‌های قبل
- (۴) با حذف کالاهایی که در بازار مبادله نمی‌شود.

۸- GNP به قیمت ثابت و GNP به قیمت جاری در سال پایه کدام یک از روابط زیر را با هم دارند؟

- (۱) GNP به قیمت ثابت از GNP به قیمت جاری بیش تر است.
- (۲) GNP به قیمت ثابت از [با] GNP به قیمت جاری برابر است.
- (۳) GNP به قیمت ثابت از GNP به قیمت جاری کم تر است.
- (۴) GNP به قیمت ثابت ارتباطی با GNP به قیمت جاری ندارد.

۹- نظریه سرمایه‌گذاری، بر اساس اصل شتاب، دو عامل زیر را به یکدیگر ارتباط می‌دهد:

- (۱) نرخ سرمایه‌گذاری جاری را با نرخ بهره درازمدت.
- (۲) نرخ سرمایه‌گذاری جاری را با فراهم ساختن وجوه قابل سرمایه‌گذاری برای بنگاه.
- (۳) سطح سرمایه‌گذاری جدید را با سطح جاری تولید.
- (۴) سطح جاری سرمایه‌گذاری را با تغییرات در سطح تولید.

۱۰- زمانی که معادله LM به صورت $i = 2000 + Y = 750$ باشد، تعادل بین عرضه و تقاضا برای پول، در یکی از وضعیت‌های زیر، وجود دارد:

- (۱) نرخ بهره ۰/۰۶ و سطح درآمد ۷۵۰ ریال باشد.
- (۲) نرخ بهره ۰/۱۰ و سطح درآمد ۸۰۰ ریال باشد.
- (۳) نرخ بهره ۰/۱۰ و سطح درآمد ۹۵۰ ریال باشد.
- (۴) نرخ بهره ۰/۱۰ و سطح درآمد ۹۰۰ ریال باشد.

۱۱- منحنی فیلیپس، نشان‌دهنده کدام یک از حالات زیر است؟

- (۱) نرخهای بالای بیکاری همراه با نرخهای پایین تورم.
- (۲) نرخهای بالای بیکاری همراه با نرخهای بالای تورم.
- (۳) نرخهای بالای بیکاری همراه با افزایش بسیار در نرخهای دستمزد پولی.
- (۴) نرخهای بالای تورم همراه با افزایش کمی در نرخهای دستمزد پولی.

۱۲- نقدینگی بخش خصوصی عبارت است از:

- (۱) حجم پول + سپرده‌های دولتی.
- (۲) حجم پول + سپرده‌های غیردیداری بخش خصوصی.
- (۳) اسکناس و مسکوک در دست مردم + سپرده‌های دیداری.

(۴) اسکناس و مسکوک منتشره + سپرده‌های غیردیداری بخش خصوصی.

۱۳ - سرمایه‌گذاری القایی، بر اثر کدام یک از حالات زیر، ایجاد می‌شود؟

- (۱) افزایش در واردات
(۲) افزایش در صادرات
(۳) افزایش در هزینه‌های مصرفی
(۴) افزایش در سرمایه‌گذاری مستقل

۱۴ - در صورتی که افزایش هزینه‌های خرید کالاها و خدمات به وسیله کاهش هزینه‌های انتقالی، جبران شود،

- (۱) درآمد ملی، افزایش خواهد یافت.
(۲) درآمد ملی، کاهش خواهد یافت.
(۳) درآمد ملی، تغییری نخواهد کرد.
(۴) درآمد قابل تصرف افراد، کاهش خواهد یافت.

۱۵ - برای سیاست‌های پولی و مالی، ابزارهای اجرایی مجزایی مورد استفاده است. کدام یک از ابزارهای زیر، مربوط به سیاست‌های پولی نیست؟

- (۱) تغییرات ذخایر قانونی سپرده‌ها
(۲) انتشار و توزیع اوراق قرضه دولتی [توسط بانک مرکزی]
(۳) جیره‌بندی اعتبارات بانکی
(۴) مقررات مربوط به فروشهای اقساطی

۱۶ - تورم‌زاترین نوع کسر بودجه، موقعی است که،

- (۱) از طریق استفاده از ذخایر مالی [دولت] تأمین مالی شوند.
(۲) از طریق انتشار اسکناس، تأمین مالی شوند.
(۳) از طریق فروش اوراق قرضه [به مردم] تأمین مالی شوند.
(۴) از طریق فروش سهام کارخانجات دولتی، تأمین مالی شوند.

**پاسخنامه سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت
سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲**

(۳) - ۱	(۲) - ۵	(۴) - ۹	۱۳ - (هیچ کدام*)
(۱) - ۲	(۴) - ۶	(۳) - ۱۰	(۱) - ۱۴
(۳) - ۳	(۲) - ۷	(۱) - ۱۱	(۴) - ۱۵
(۲) - ۴	(۲) - ۸	(۲) - ۱۲	(۲) - ۱۶

* در طرح سؤال مذکور، معلوم نیست منظور طراح محترم از «سرمایه گذاری القایی» چه بوده است. معمولاً در اقتصاد کلان، آن بخش از سرمایه گذاری را که تابع درآمد ملی است، «سرمایه گذاری القایی» و آن بخش که مستقل از درآمد ملی است را «سرمایه گذاری مستقل» می گویند.

(۴) در کوتاه‌مدت با افزایش درآمد، میل متوسط به مصرف افزایش می‌یابد.

۲۵ - پول، M_1 ، عبارت است از:

- (۱) مسکوکات و اسکناس
- (۲) مسکوکات و اسکناس و سرمایه‌های [حسابهای] جاری مردم نزد بانک.
- (۳) پولی که نزد بانک مرکزی است.
- (۴) پولی که نزد همه بانک‌ها است.

**پاسخنامه سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد
سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹**

(۲) - ۲۱	(۲) - ۱۶	(۴) - ۱۱	(۴ و ۳) - ۶	(۱) - ۱
(۲) - ۲۲	(۲) - ۱۷	(۳) - ۱۲	(۲) - ۷	(۱) - ۲
(۲) - ۲۳	(۳) - ۱۸	(۱) - ۱۳	(۳) - ۸	(۲) - ۳
(۲) - ۲۴	(۲) - ۱۹	(۱) - ۱۴	(۱) - ۹	(۳) - ۴
(۲) - ۲۵	(۱) - ۲۰	(۲) - ۱۵	(۴) - ۱۰	(۳) - ۵

سوالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد

سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰

۱- در محاسبه تولید ناخالص داخلی، تغییرات موجودی انبارها می‌بایست،

- (۱) در روش تولید منظور شود. (۳) در روش درآمد منظور شود.
- (۲) در روش هزینه منظور شود. (۴) در روش ارزش افزوده منظور شود.

۲- مصرف کل، عبارت است از:

- (۱) ارزش کالاها و خدمات مصرفی تولید شده طی یک دوره.
- (۲) ارزش کل کالاها و خدمات مصرفی در یک لحظه از زمان.
- (۳) بخشی از درآمدهای جامعه که صرف خرید کالاها و خدمات می‌شود.
- (۴) ارزش کل کالاها و خدماتی که طی یک دوره، مورد استفاده مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد.

۳- در نمودار تعیین درآمد کینز در کدام یک از حالات زیر، تعادل ناپایدار وجود دارد؟

- (۱) شیب منحنی تقاضای کل، بیش از یک باشد.
- (۲) شیب منحنی تقاضای کل، کم‌تر از یک باشد.
- (۳) شیب منحنی تقاضای کل، کم‌تر از شیب منحنی عرضه کل باشد.
- (۴) شیب منحنی تقاضای کل، کم‌تر از شیب خط ۴۵ درجه باشد.

۴- شرط تعادل در اقتصاد سه‌بخشی، عبارت است از:

$$I=S \quad (۳) \quad S+T=G+I \quad (۱)$$

$$M+S+T=G+I+X \quad (۴) \quad Y=C+S+T \quad (۲)$$

۵- افزایش میل نهایی به واردات، موجب

- (۱) افزایش شیب منحنی تقاضای کل می‌شود. (۳) بر شیب منحنی تقاضای کل تأثیری ندارد.
- (۲) کاهش شیب منحنی تقاضای کل می‌شود. (۴) موجب افزایش شیب منحنی عرضه کل می‌شود.

۶- توزیع درآمد به نفع خانوارهای کم درآمد، موجب می‌گردد،

- (۱) مصرف کل در طول منحنی مصرف، افزایش یابد.
- (۲) مصرف کل از طریق جابه‌جایی (انتقال) رو به بالای منحنی مصرف، افزایش یابد.
- (۳) پس‌انداز کل در طول منحنی پس‌انداز، تقلیل یابد.

(۴) مصرف کل، تغییر نمی‌نماید.

۷- مزد اسمی و [یا] مزد حقیقی،

- (۱) رابطه مستقیم دارد.
- (۲) رابطه غیرمستقیم دارد.
- (۳) ابتدا رابطه مستقیم داشته و سپس رابطه غیرمستقیم دارد.
- (۴) ارتباطی ندارد.

۸- سیاست انبساطی مالی، در درجه اول،

- (۱) موجب انتقال رو به بالای منحنی عرضه کل می‌شود.
- (۲) موجب انتقال رو به بالای منحنی تقاضای کل می‌شود.
- (۳) [موجب] افزایش درآمد ملی در طول منحنی تقاضای کل می‌شود.
- (۴) موجب انتقال رو به پایین منحنی تقاضای کل می‌شود.

۹- تفاوت میان حجم نقدینگی بخش خصوصی (M_2) و شبه پول عبارت است از:

- (۱) نقدینگی، همان شبه پول است.
- (۲) نقدینگی، بخشی از شبه پول است.
- (۳) شبه پول به اضافه پول بانکی، معادل نقدینگی می‌باشد.
- (۴) شبه پول، بخشی از نقدینگی است.

۱۰- اگر قیمت اوراق قرضه، افزایش یابد به معنی این است که:

- (۱) نرخ بهره، زیاد شده است. (۳) ارتباطی به نرخ بهره ندارد.
- (۲) نرخ بهره، کم شده است. (۴) حجم پول، کم شده است.

۱۱- سیاست مالی انقباضی، باعث زیاد شدن

- (۱) مازاد حسابهای جاری می‌شود.
- (۲) مازاد حسابهای سرمایه می‌شود.
- (۳) هر دو مازاد را افزایش می‌دهد.
- (۴) بنا به مورد، باعث فقط کسری یا مازاد حسابهای جاری می‌شود.

۱۲- سیاست انبساطی مالی، همراه با سیاست انقباضی پولی، باعث می‌شود که؛

- (۱) GNP زیاد شود ولی نرخ بهره ممکن است بالا یا پایین رود.
- (۲) GNP کم شود ولی نرخ بهره ممکن است بالا یا پایین رود.
- (۳) نرخ بهره زیاد شود و GNP ممکن است بالا و یا پایین رود.
- (۴) نرخ بهره کم شود و GNP ممکن است بالا و یا پایین رود.

۱۳- هنگامی که سطح قیمت، در حال افزایش است و ما تورم داریم، انتظار می‌رود:

- (۱) تولید ناخالص ملی حقیقی، بیش تر از تولید ناخالص ملی اسمی باشد.
- (۲) تولید ناخالص ملی حقیقی، کم تر از تولید ناخالص ملی اسمی باشد.
- (۳) تولید ناخالص ملی حقیقی، برابر با تولید ناخالص ملی اسمی باشد.
- (۴) اصولاً قیمت‌ها با تولید ناخالص ملی ارتباطی ندارد، چه اسمی و چه حقیقی.

۱۴ - اگر در کشوری نسبت سرمایه به بازده (محصول) به مرور زمان افزایش یابد، این افزایش به این معنی است که،

- (۱) سهم سرمایه‌داران از درآمد ملی، افزایش یافته است.
- (۲) مرحله بازده نزولی نسبت به سرمایه، هنوز وارد عمل نشده است.
- (۳) پیشرفت تکنولوژی، قطعاً منجر به افزایش بهره‌وری سرمایه شده است.
- (۴) قانون بازده نزولی، نسبت به سرمایه حتماً در آن کشور وارد عمل شده است.

۱۵ - در دورانی که نرخ تورم ۱۰ درصد است و شرکت‌های بیمه عمر در قبال نقدینگی حاصل از فروش حق بیمه، به اشخاص با نرخ بهره ۶ درصد وام داده‌اند، نرخ بهره حقیقی که این شرکت‌ها دریافت می‌کنند برابر است با:

- | | |
|-----------------|-----------------|
| (۳) (۴ + درصد) | (۱) (۱۶ + درصد) |
| (۴) (۱۰ + درصد) | (۲) (۴ - درصد) |

۱۶ - هرگاه در اقتصاد، تمامی منابع در اشتغال کامل باشد و مخارج دولت افزایش یابد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

- (۱) بانک مرکزی، پول چاپ خواهد کرد. (۳) ارزش حقیقی پول، کاهش خواهد یافت.
- (۲) سرمایه‌گذاری، افزایش خواهد یافت. (۴) بیکاری، زیاد خواهد شد.

۱۷ - در اقتصاد کینزی، افزایش عرضه پول در چه شرایطی روی تولیدات حقیقی و اشتغال تأثیر خواهد گذاشت و آنها را افزایش خواهد داد؟

- (۱) اقتصاد در بیکاری نباشد.
- (۲) بازار پول در دام نقدینگی باشد.
- (۳) بازار عوامل تولید با تنگنای اقتصاد روبرو نباشد.
- (۴) منحنی IS، کاملاً عمودی باشد.

۱۸ - فرض کنید که قیمت خرید یک دستگاه ویدئو ۸۰۰۰۰ تومان است. هرگاه اجاره این ویدئو درآمد سالانه‌ای برابر با ۲۰۰۰۰ تومان عاید کند، در شرایطی که نرخ تورم ۵ درصد است و نرخ استهلاک ۱۵ درصد است، نرخ بازدهی حقیقی یا سودآوری خالص این ویدئو چقدر است؟

- | | |
|-----------------|------------------------|
| (۳) (۲۰ + درصد) | (۱) (۵ + درصد) |
| (۴) (۱۰ - درصد) | (۲) ۲۰۰۰۰ تومان در سال |

۱۹ - با توجه به مفاد سؤال فوق، هرگاه بازگایی، تحلیلی به خرید این ویدئو و اجاره آن داشته باشید،

سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد

سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹

- ۱- براساس نظریه درآمد مطلق، کدام یک از شرایط زیر، صحیح است؟
- (۱) میل متوسط به مصرف با افزایش درآمد، کاهش می‌یابد.
 - (۲) میل متوسط به مصرف، ثابت است.
 - (۳) درآمد جاری و گذشته، مصرف جاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
 - (۴) مصرف در بلندمدت متناسب با افزایش درآمد قابل تصرف، افزایش می‌یابد.
- ۲- براساس نظریه درآمد نسبی دوزنبیری، کدام یک از شرایط زیر، صحیح است؟
- (۱) در سالهای رونق، میل متوسط به مصرف کوتاهمدت و بلندمدت با هم برابر می‌شوند.
 - (۲) در سالهای رونق، میل متوسط به مصرف بلندمدت با میل نهایی به پس‌انداز بلندمدت برابر می‌شوند.
 - (۳) در سالهای رکود، میل متوسط به مصرف بلندمدت از میل متوسط به مصرف کوتاهمدت، بیش‌تر است.
 - (۴) دوزنبیری معتقد است که در سالهای رکود، درآمد جاری، تنها عاملی است که روی مصرف جاری تأثیر می‌گذارد.
- ۳- با نرخ تورم ۲۰ درصد در سال، صد (۱۰۰) تومان پول، پس از پنج (۵) سال چقدر قدرت خرید حقیقی دارد؟
- (۱) ۳۰ تومان (۲) ۴۰ تومان (۳) ۵۰ تومان (۴) ۲۰ تومان
- ۴- براساس معادله مبادله فیشر و تحلیل نظریه مقداری پول، سرعت گردش پول (V) کدام یک از شرایط زیر، صحیح است؟
- (۱) برابر با k در معادله کمبریج مارشال می‌باشد.
 - (۲) در کوتاهمدت و بلندمدت، ثابت است.
 - (۳) در کوتاهمدت، قابلیت انعطاف دارد ولی فرض می‌شود که ثابت است.
 - (۴) هیچ ارتباطی (چه ظاهری و چه باطنی) با تقاضای پول ندارد.
- ۵- در الگوی هندسی IS-LM، کاهش در سطح قیمت، به فرض این که سایر شرایط ثابت بماند، چه تغییراتی روی تعادل درآمد ملی (Y) و نرخ بهره (i) خواهد گذاشت؟
- (۱) افزایش در نرخ بهره (i) و کاهش در درآمد ملی (Y).

- (۲) کاهش در نرخ بهره (i) و درآمد ملی (Y).
 (۳) کاهش در نرخ بهره (i) و افزایش در درآمد ملی (Y).
 (۴) افزایش در نرخ بهره (i) و درآمد ملی (Y).

۶- کدام یک از اقلام زیر، در درآمد ملی (NY) شامل نمی‌شود؟

- (۱) درآمد افراد از محل اجاره
 (۲) حقوق کارمندان پیمانی
 (۳) پرداخت‌های انتقالی بنگاهها
 (۴) کمک‌های خالص به واحدهای دولتی

۷- در یک اقتصاد بسته و بدون دولت، درآمد وقتی در تعادل است که،

- (۱) موجودی انبار، صفر باشد.
 (۲) تغییر در موجودی انبار [برنامه‌ریزی نشده]، صفر باشد.
 (۳) سرمایه‌گذاری واقعی از سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده کم‌تر باشد.
 (۴) موجودی انبار، بیش‌تر از صفر باشد.

۸- ارزش تنزیل شده فعلی (PDV) درآمدهای آینده از سرمایه‌گذاری،

- (۱) استفاده کاربردی ندارد.
 (۲) با هزینه‌های اولیه سرمایه‌گذاری، رابطه مستقیم دارد.
 (۳) با نرخ کارمزد وامها، رابطه معکوس دارد.
 (۴) با نرخ کارمزد وامها، رابطه مستقیم دارد.

۹- از نظر اقتصاددانان کلاسیک، منحنی عرضه کل،

- (۱) نسبت به محور قیمت، عمودی است.
 (۲) نسبت به محور قیمت، افقی است.
 (۳) ارتباطی با تابع تولید کل ندارد.
 (۴) از جمع عرضه افراد، حاصل می‌شود.

۱۰- در کدام یک از حالات زیر، تورم حاصل می‌شود؟

- (۱) انتقال منحنی عرضه کل بطرف چپ و بالا
 (۲) انتقال منحنی تقاضای کل بطرف راست و بالا
 (۳) انتقال منحنی عرضه کل بطرف چپ و تقاضای کل [به طرف راست]
 (۴) کلیه حالات فوق

۱۱- اگر کاهش در مخارج دولت با افزایش در پرداخت‌های انتقالی، جبران شود،

- (۱) سطح درآمد ملی، تغییری نخواهد کرد.
 (۲) درآمد ملی، افزایش می‌یابد.
 (۳) کسر بودجه، تقلیل می‌یابد.
 (۴) درآمد ملی، کاهش می‌یابد.

۱۲- کدام یک از عبارات زیر، ناصحیح است؟

- (۱) در بلندمدت، هیچ رابطه متقابلی بین تورم و بیکاری وجود ندارد.
 (۲) در کوتاه‌مدت، رابطه معکوس بین نرخ بیکاری و نرخ تورم وجود دارد.

(۳) در بلندمدت با کاهش نرخ تورم، نرخ بیکاری افزایش می‌یابد.

(۴) در کوتاه‌مدت با کاهش نرخ بیکاری، نرخ تورم افزایش می‌یابد.

۱۳ - براساس منحنی فیلیپس،

(۱) هرچه نرخ بیکاری پایین‌تر باشد، نرخ افزایش دستمزد، بیش‌تر خواهد بود.

(۲) هرچه نرخ بیکاری پایین‌تر باشد، نرخ افزایش قیمت‌ها پایین‌تر خواهد بود.

(۳) هرچه نرخ بیکاری بالاتر باشد، نرخ تورم بالاتر خواهد بود.

(۴) هرچه نرخ بیکاری پایین‌تر باشد، نرخ افزایش دستمزد پایین‌تر خواهد بود.

۱۴ - در شرایط توهم پولی و حداقل دستمزدها،

(۱) کاهش قیمت‌ها، باعث پیدایش بیکاری غیرارادی می‌گردد.

(۲) کاهش قیمت‌ها، موجب افزایش دستمزدهای حقیقی و سطح اشتغال می‌گردد.

(۳) افزایش قیمت‌ها، باعث کاهش اشتغال و تولید می‌گردد.

(۴) با کاهش قیمت‌ها، اشتغال کاهش می‌یابد اما بیکاری غیرارادی به وجود نمی‌آید.

۱۵ - در کدام یک از موارد ذیل، سیاست مالی هیچ تأثیری بر سطح درآمد ملی نخواهد داشت؟

(۱) منحنی LM دارای شیب صفر باشد.

(۲) منحنی LM دارای شیب بی‌نهایت باشد.

(۳) منحنی LM دارای شیبی بزرگ‌تر از صفر، اما کوچک‌تر از بی‌نهایت باشد.

(۴) منحنی IS عمودی باشد.

۱۶ - قیمت اوراق قرضه با نرخ بهره،

(۱) رابطه مستقیم دارد.

(۲) رابطه عکس دارد.

(۳) در سطوح پایین نرخ بهره رابطه‌ای ندارد و در سطوح بالای نرخ بهره، رابطه مستقیم دارد.

(۴) پاسخ‌های ۱ و ۳

۱۷ - پیشرفت تکنولوژی در مبحث IS و LM، در مرحله اول، موجب

(۱) افزایش تقاضای پول و جابه‌جایی منحنی LM می‌شود.

(۲) افزایش سرمایه‌گذاری و جابه‌جایی IS می‌شود.

(۳) کاهش سرمایه‌گذاری و جابه‌جایی IS می‌شود.

(۴) افزایش مصرف و جابه‌جایی IS می‌شود.

۱۸ - براساس فرضیه درآمد دائمی،

(۱) یک خانوار، مصرفش را به نسبت افزایش در درآمد جاری (قابل اندازه‌گیری) افزایش می‌دهد.

(۲) یک خانوار، هرگز پس‌انداز منفی نخواهد داشت.

(۳) یک خانوار، متوسط درآمد انتظاری‌اش را در بلندمدت محاسبه می‌کند و براساس آن مصرف می‌کند.

(۴) مصرف خانوار، با تغییرات در درآمد انتظاری تغییر نمی‌کند، بلکه با تغییرات در درآمد زودگذر تغییر می‌کند.

۱۹ - منحنی تقاضای کل، نزولی است چون :

- (۱) با مصرف بیش تر یک کالا، مطلوبیت نهایی کاهش می‌یابد، لذا حاضریم قیمت کم تری بپردازیم.
- (۲) در قیمت‌های پایین تر، حجم حقیقی پول، بیش تر می‌شود؛ نرخ بهره پایین می‌آید و سرمایه گذاری را افزایش می‌دهد و تولید بالا می‌رود.
- (۳) در قیمت‌های پایین تر، مردم میل دارند مقدار بیش تر مصرف کنند.
- (۴) در قیمت‌های پایین تر، تولیدکنندگان، کم تر تولید می‌کنند.

۲۰ - نرخ بیکاری طبیعی،

- (۱) آن نرخ بیکاری است که در اشتغال کامل، وجود دارد.
- (۲) آن نرخ بیکاری است که بعثت پایین بودن سطح تقاضای کل، به وجود آمده است.
- (۳) آن نرخ بیکاری است که بعثت چسبندگی دستمزدها به وجود آمده است.
- (۴) آن مقدار بیکاری است که در سطح اشتغال کم تر از اشتغال کامل به وجود آمده است.

○ با استفاده از فرض ثابت بودن سایر شرایط و یکی از کلمات چهارگانه زیر، جملات سؤالات زیر را تکمیل کنید:

۲۱ - کاهش درآمد ملی، موجب _____ نرخ بهره می‌گردد.

- (۱) افزایش (۲) کاهش (۳) عدم تغییر (۴) عدم تعیین

۲۲ - کاهش مصرف مستقل در شرایط دام نقدینگی، موجب _____ تابع IS می‌شود.

- (۱) افزایش (۲) کاهش (۳) عدم تغییر (۴) عدم تعیین

۲۳ - در اقتصادی در شرایط تعادل، تزریقات (injections) به سیستم گردش درآمد و تولید، بزرگ تر از تراوشات (Leakages)، دولت مواجه با مازاد بودجه و تراز تجاری دارای کسری در یک سال معین است، در آن سال، پس انداز _____ سرمایه گذاری بوده است.

(۱) بزرگ تر [از]

(۲) کوچک تر [از]

(۳) مساوی است با

(۴) در کوتاه مدت با افزایش درآمد، میل متوسط به مصرف افزایش می‌یابد.

۲۴ - کدام یک از موارد زیر، جزء ویژگی‌های تابع مصرف کینز به شمار می‌رود؟

- (۱) در بلندمدت، میل متوسط و نهایی به مصرف برابرند.
- (۲) در کوتاه مدت، میل متوسط به مصرف از میل نهایی به مصرف بزرگ تر است.
- (۳) در کوتاه مدت، میل متوسط و نهایی به مصرف برابرند.

در چه شرایطی، مبلغ ۸۰۰۰۰ تومان از بانک، قرض خواهد کرد؟

- (۱) اگر نرخ بهره بانکی، کم تر از ۵ درصد باشد.
- (۲) اگر نرخ بهره بانکی، بیش تر از ۵ درصد باشد.
- (۳) اگر نرخ بهره در حدی باشد که هزینه بهره از ۲۰۰۰۰ تومان کم تر باشد.
- (۴) اگر نرخ بهره بانکی، از ۲۰ درصد کم تر باشد.

۲۰- در الگوی کلاسیک ها و در نظریه اشتغال (یعنی از نقطه عملکرد بازار نیروی انسانی)، کدام یک از شرایط زیر، صحیح است؟

- (۱) ابعاد پولی و واقعی اقتصاد با هم تحلیل می شوند.
- (۲) سطح اشتغال، خود به خود به وسیله نوسانات عرضه پول تعیین می گردد.
- (۳) سطح متعادل اشتغال، تولید و دستمزد حقیقی باهم تعیین می شود.
- (۴) فرض می شود که دستمزد پولی، انعطاف انبساطی دارد ولی انعطاف انقباضی ندارد.

۲۱- فرض کنید که ارزش عددی ضریب افزایش پول، برابر با ۴ است. در این وضعیت، هرگاه قدرت بالقوه وام دهی با میزان خلق پول تمامی بانک های تجاری، برابر با ۴۰۰۰۰۰۰۰ واحد پولی باشد، ضریب ذخیره قانونی و مقدار ذخیره اضافی به ترتیب عبارتند از:

- (۱) ۴۰ درصد و ۴۰۰۰۰۰۰۰ واحد پولی. (۳) ۲۵ درصد و ۱۰۰۰۰۰۰۰ واحد پولی.
- (۲) ۴۰ درصد و ۱۰۰۰۰۰۰۰ واحد پولی. (۴) ۲۵ درصد و ۲۵۰۰۰۰۰۰ واحد پولی.

۲۲- در اقتصاد کلاسیک، بازار پول، تئوری تعیین

- (۱) سطح قیمت است. (۳) سطح اشتغال است.
- (۲) نرخ بهره است. (۴) سطح قیمت و نرخ بهره است.

۲۳- در مباحث تعادل طرف تقاضا، تغییر متغیرهای سیاست (مالی و پولی)،

- (۱) لزوماً تولید تعادلی را در سطوح قیمت داده شده، تغییر می دهد.
- (۲) در هیچ شرایطی، ترکیب تولید را بدون تغییر در وضعیت تعادل آن تغییر نخواهد داد.
- (۳) در صورتی که درست انتخاب شود می تواند بدون ایجاد اختلال در وضعیت تولید تعادلی، ترکیب آن را تغییر دهد.
- (۴) به هر صورتی که انتخاب شود، تولید و قیمت را با هم افزایش می دهد.

۲۴- بنا بر نظریه کینز (Keynes) در کوتاه مدت،

- (۱) $MPC=APC$
- (۲) $MPC>APC$
- (۳) $MPC<APC$
- (۴) در سطوح پایین درآمد، $MPC<APC$ و در سطوح بالا $MPC=APC$

۲۵- یک افزایش قابل ملاحظه در قیمت نفت در شرایط مشخص،

- (۱) منحنی عرضه کل، در کشورهای واردکننده عمده نفت را بطرف چپ و بالا انتقال می‌دهد.
- (۲) بر روی منحنی عرضه کل، در کشورهای واردکننده نفت، هیچ گونه تأثیری ندارد.
- (۳) منحنی تقاضای کل را بطرف چپ و پایین انتقال می‌دهد.
- (۴) منحنی‌های عرضه و تقاضا را به گونه‌ای انتقال می‌دهد که بر روی سطح تولید و قیمت، هیچ گونه تأثیری ندارد.

۲۶- منحنی عرضه کل از نقطه نظر کینزیها (Keynesians) و پولی‌ها (Monetarists) کدام یک از حالات زیر را بخود می‌گیرد؟

- (۱) در مورد کینزیها دارای شیب بیش تر و در مورد پولی‌ها دارای شیب کم تر است.
- (۲) در مورد کینزیها دارای شیب کم تر و در مورد پولی‌ها دارای شیب بیش تر است.
- (۳) شیب منحنی عرضه کل، موضوع بحث کینزیها و کلاسیک‌ها نمی‌باشد.
- (۴) هم کینزیها و هم پولی‌ها شیب منحنی عرضه را یکسان می‌بینند.

۲۷- اگر کشوری مستمراً با کسری در موازنه پرداخت‌های بین‌المللی مواجه باشد، در آن صورت، پول آن کشور در شرایط نرخ ارز ثابت،

- (۱) کم تر از حد، ارزشیابی می‌شود (undervalued).
- (۲) بیش تر از حد، ارزشیابی می‌شود (overvalued).
- (۳) نه کم تر از حد، و نه بیش تر از حد ارزشیابی می‌شود.
- (۴) احتمالاً در شرایط نرخ ارز شناور، ارزش پول آن کشور، افزایش می‌یابد.

۲۸- اگر $M=200$ ، $V=4$ ، $P=2$ و $Q=200$ باشند، در قالب معادله مبادله می‌توان استدلال کرد که،

- (۱) P کاهش خواهد یافت.
- (۲) سرعت واقعی پول، با سرعت مطلوب پول برابر است.
- (۳) تقاضای کل بر عرضه کل، فزونی خواهد داشت.
- (۴) درآمد کل در وضعیت تعادل خواهد بود.

۲۹- تقاضای کل براساس نظریه مقداری پول، پیوسته برابر با

- (۱) MV است. (۳) KPQ است.
- (۲) $C+S+X$ است. (۴) $C+G+T$ است.

۳۰- در محاسبه تولید ناخالص ملی، به منظور جلوگیری از احتساب مضاعف، می‌توان یکی از اعمال زیر را انجام داد:

- (۱) فقط ارزش کالاهای واسطه‌ای را به حساب آورد.
- (۲) فقط کالاهای نهایی را به حساب آورد.
- (۳) کالاهای واسطه‌ای و نهایی را به حساب آورد.
- (۴) تمامی معاملات و مبادلات را به حساب آورد.

۳۱- سیاست‌های مدیریت تقاضا یکی از تغییرات زیر را شامل نمی‌شود:

- (۱) تغییرات در مخارج و مالیات دولت (۳) انتقال منحنی تقاضای کل
(۲) تغییرات در عرضه پول (۴) انتقال منحنی عرضه کل

۳۲- با افزایش میل نهایی به مصرف، میزان ضریب فزاینده،

- (۱) افزایش خواهد یافت. (۳) تفاوتی نخواهد کرد.
(۲) کاهش خواهد یافت. (۴) ابتدا کاهش و آنگاه افزایش می‌یابد.

۳۳- چنانچه میل نهایی به مصرف برابر با $0/8$ و سطح درآمد در حالت تعادل اولیه برابر با ۱۰۰ باشد، در این صورت با افزایش ۱۰ واحد در سرمایه‌گذاری، سطح درآمد در حالت تعادل جدید، برابر خواهد بود با:

- (۱) ۱۱۰ (۲) ۱۵۰ (۳) ۱۸۰ (۴) ۱۰۸

۳۴- براساس "فرضیه درآمد دوران زندگی"، مصرف بستگی به،

- (۱) درآمد جاری دارد.
(۲) درآمد و ثروت در طول عمر دارد.
(۳) درآمد نسبی در مقایسه با حداکثر درآمد گذشته دارد.
(۴) فقط به ثروت دارد.

۳۵- در مدل اقتصاد کلان، با فرض انعطاف‌پذیری دستمزدها و قیمت‌ها (فرضیه کلاسیک‌ها)،

- (۱) منحنی تقاضای کل به شکل عمودی خواهد بود.
(۲) منحنی تقاضای کل به شکل افقی خواهد بود.
(۳) منحنی عرضه کل به شکل عمودی خواهد بود.
(۴) منحنی عرضه کل به شکل افقی خواهد بود.

۳۶- براساس "فرضیه بودجه متوازن"، در نتیجه افزایش مساوی در مخارج و مالیاتهای دولت، منحنی

IS

- (۱) به سمت چپ، انتقال خواهد یافت.
(۲) به سمت راست، انتقال خواهد یافت.
(۳) ثابت خواهد ماند.
(۴) به سمت راست، چرخش پیدا خواهد کرد.

۳۷- مدل اقتصاد کلان اقتصاددانان کلاسیک، بر این فرض استوار است که،

- (۱) مزد پولی و سطح قیمت‌ها در جهت افزایش و کاهش، کاملاً انعطاف‌پذیر هستند.
(۲) منحنی عرضه کل، در درازمدت دارای شیب مثبت خواهد بود.
(۳) مزد پولی را نمی‌توان کاهش داد.
(۴) قیمت‌ها را نمی‌توان کاهش داد.

۳۸- تورم ناشی از "فشار دستمزدها" در حقیقت

- (۱) تورم ناشی از انبساط تقاضا است.
 (۲) تورم ناشی از افزایش پول در گردش است.
 (۳) نظریه طرفداران مکتب پولی، در باره تورم است.
 (۴) همان تورم ناشی از "فشار هزینه" است.

۳۹- اگر تقاضا برای پول به نرخ بهره بستگی نداشته باشد، در این صورت،

- (۱) سیاست پولی، کاملاً بی‌اثر است.
 (۲) سیاست مالی، کاملاً بی‌اثر است.
 (۳) سیاست پولی و مالی، کاملاً بی‌اثر هستند.
 (۴) سیاست پولی و مالی، دارای کارایی بالایی خواهند بود.

۴۰- بنا بر اعتقاد اقلیتی از اقتصاددانان جنجال برانگیز در مورد انتظارات عقلایی،

- (۱) هر نوع تورمی که در حد معقول باشد، منجر به افزایش تولید خواهد شد.
 (۲) تنها نوع تورم پیش‌بینی نشده، منجر به افزایش تولید خواهد شد.
 (۳) تنها نوع تورم پیش‌بینی شده، منجر به افزایش تولید خواهد شد.
 (۴) اصولاً تورم، مورد بحث طرفداران دکترین انتظارات عقلایی نیست.

پاسخنامه سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد
سال تحصیلی ۷۱-۱۳۷۰

(۲)- ۳۳	(۱)- ۲۵	(۳)- ۱۷	(۴)- ۹	(۲)- ۱
(۲)- ۳۴	(۲)- ۲۶	(۱)- ۱۸	(۲)- ۱۰	(۴)- ۲
(۳)- ۳۵	(۲)- ۲۷	(۱)- ۱۹	(۳)- ۱۱	(۱)- ۳
(۲)- ۳۶	(۳)- ۲۸	(۳)- ۲۰	(۳)- ۱۲	(۱)- ۴
(۱)- ۳۷	(۱)- ۲۹	(۳)- ۲۱	(۲)- ۱۳	(۱)- ۵
(۴)- ۳۸	(۲)- ۳۰	(۱)- ۲۲	(۴ و ۱)- ۱۴	(۲)- ۶
(۲)- ۳۹	(۴)- ۳۱	(۳)- ۲۳	(۲)- ۱۵	(۱)- ۷
(۲)- ۴۰	(۱)- ۳۲	(۳)- ۲۴	(۳)- ۱۶	(۲)- ۸

سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد

سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱

۱- منحنی فیلیپس،

(۱) رابطه بین سطح عمومی قیمت‌ها و اشتغال را نشان دهید [می‌دهد].

(۲) رابطه بین سطح عمومی قیمت‌ها و بیکاری را نشان دهید [می‌دهد].

(۳) رابطه بین تورم و اشتغال را نشان دهید [می‌دهد].

(۴) رابطه بین تورم و بیکاری را نشان دهید [می‌دهد].

۲- با توجه به منحنی‌های معمولی IS و LM، در این صورت با افزایش مخارج دولت می‌توان گفت:

(۱) سطح درآمد در حالت تعادل در دو بازار پول و کالا افزایش خواهد یافت ولی نرخ [بهره] ممکن است کاهش و افزایش [یابد] و یا ثابت بماند.

(۲) سطح درآمد و نرخ بهره در حالت تعادل در دو بازار پول و کالا افزایش خواهد یافت.

(۳) سطح درآمد ممکن است افزایش، کاهش [یابد] و یا ثابت بماند ولی نرخ بهره در حالت تعادل در دو بازار پول و کالا، افزایش خواهد یافت.

(۴) سطح درآمد و نرخ بهره در حالت تعادل در دو بازار پول و کالا کاهش خواهد یافت.

۳- کدام یک از ضرایب فزاینده زیر، با تغییر درآمد، فرقی نمی‌کند؟

(۱) ضریب فزاینده میل نهایی به مصرف

(۲) ضریب فزاینده مصرف مستقل

(۳) ضریب فزاینده میل نهایی به مالیات

(۴) ضریب فزاینده میل نهایی به واردات

۴- کدام یک از نظریه‌های مصرف زیر، معتقد است که میل نهایی به مصرف در کوتاه‌مدت و بلندمدت با یکدیگر متفاوت است؟

(۱) فرضیه درآمد نسبی (۳) فرضیه درآمد در دوران زندگی

(۲) فرضیه درآمد دائمی (۴) تمامی موارد فوق، صحیح است.

۵- چنانچه میل متوسط به مصرف، برابر با $\frac{5}{8}$ باشد در این صورت، ضریب فزاینده سرمایه‌گذاری در اقتصاد دو بخشی، برابر است با:

(۱) $\frac{2}{5}$ (۲) ۵ (۳) $\frac{1}{25}$ (۴) هیچ‌کدام

۶ - شیب منحنی IS، بستگی دارد به:

- (۱) کشش پذیری تقاضا برای پول، نسبت به نرخ بهره
- (۲) کشش پذیری تقاضا برای سرمایه گذاری، نسبت به نرخ بهره
- (۳) کشش پذیری مصرف، نسبت به نرخ بهره
- (۴) کشش پذیری پس انداز، نسبت به نرخ بهره

۷ - هنگامی منحنی IS به موازات خود به طرف راست انتقال می یابد، که

- (۱) سرمایه گذاری مستقل بخش خصوصی، کاهش یابد.
- (۲) مخارج دولت، افزایش یابد.
- (۳) مالیاتها، افزایش یابد.
- (۴) مخارج دولت و مالیاتها هر دو به میزان مساوی، کاهش یابند.

۸ - یکی از تفاوت‌های بین کارایی نهایی سرمایه و کارایی نهایی سرمایه گذاری، این است که

- (۱) کارایی نهایی سرمایه از کارایی نهایی سرمایه گذاری، کوچک تر است.
- (۲) کارایی نهایی سرمایه از کارایی نهایی سرمایه گذاری، بزرگ تر است.
- (۳) کارایی نهایی سرمایه گذاری، یک مفهوم پویا نمی باشد.
- (۴) در کارایی نهایی سرمایه، نرخ بهره موجود در بازار تأثیر می گذارد.

۹ - شرط ایجاد تعادل در یک الگوی سه بخشی اقتصاد کلان، این است که:

- (۱) مالیاتها با خریدهای دولت برابر باشد.
- (۲) پس انداز با سرمایه گذاری برابر باشد.
- (۳) مجموع پس انداز و مالیاتها با مجموع خریدهای دولت و سرمایه گذاری خصوصی، برابر باشد.
- (۴) تمامی موارد فوق، می تواند صحیح باشند.

۱۰ - منحنی IS در حقیقت،

- (۱) منحنی تعادل در بازار کالا را نشان می دهد.
- (۲) رابطه بین نرخ بهره و سطح درآمد، در شرایطی که پس انداز با سرمایه گذاری برنامه ریزی شده، برابر باشد را نشان می دهد و شیب آن مثبت می باشند.
- (۳) منحنی تعادل در اقتصاد کلان را نشان می دهد.
- (۴) رابطه بین پس انداز و سرمایه گذاری برنامه ریزی شده را نشان می دهد.

۱۱ - براساس "فرضیه درآمد دایمی"،

- (۱) درآمد جاری = درآمد موقتی + درآمد دایمی
- (۲) درآمد دایمی = درآمد جاری + درآمد باد آورده
- (۳) درآمد موقتی = درآمد دایمی + درآمد جاری

(۴) درآمد جاری = درآمد مطلق + درآمد دائمی

۱۲ - براساس "فرضیه درآمد در دوران زندگی"،

- (۱) درآمد افراد در طول دوران زندگی آنها نسبتاً باثبات است.
- (۲) درآمد افراد در طول دوران زندگی آنها با نوسان زیادی مواجه می‌شود.
- (۳) ثروت افراد در طول دوران زندگی آنها نسبتاً باثبات است.
- (۴) تمامی موارد فوق، می‌تواند صحیح باشند [باشد].

۱۳ - براساس نظریه کینز، علت عمده بیکاری،

- (۱) کمبود عرضه کل است.
- (۲) مازاد تقاضای کل است.
- (۳) کمبود تقاضای کل است.
- (۴) انعطاف‌پذیری مزد و قیمت است.

۱۴ - در تله نقدینگی، منحنی LM،

- (۱) شکل عمودی خواهد داشت.
- (۲) شکل افقی خواهد داشت.
- (۳) شیب مثبت خواهد داشت.
- (۴) شیب منفی خواهد داشت.

۱۵ - تفاوت مکتب اقتصاد طرفدار عرضه با مکتب کینز، این است که

- (۱) کینز، تأکید زیادی بر عرضه دارد.
- (۲) کینز، تأکید زیادی بر تقاضا دارد.
- (۳) اقتصاد طرفدار عرضه، تأکید زیادی بر تقاضا دارد.
- (۴) هیچ‌کدام

۱۶ - راه حل مکتب اقتصاد طرفدار عرضه، برای از بین بردن تورم همراه با رکود، این است که

- (۱) انگیزه کار را افزایش دهد.
- (۲) انگیزه پس‌انداز را افزایش دهد.
- (۳) انگیزه سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.
- (۴) تمامی آنچه که در بالا آمده است.

۱۷ - چنانچه با افزایش تورم، نرخ بیکاری نیز افزایش یابد، در این صورت منحنی فیلیپس،

- (۱) عمودی خواهد بود.
- (۲) نزولی خواهد بود.
- (۳) شیب مثبت خواهد داشت.
- (۴) وجود نخواهد داشت.

۱۸ - در ترسیم نمودار LM، فرض می‌شود که،

- (۱) عرضه پول، ثابت است.
- (۲) عرضه پول، بستگی به نرخ بهره دارد.
- (۳) عرضه پول، بستگی به چندین متغیر دارد.
- (۴) هیچ‌کدام

۱۹ - در وضعیت تله نقدینگی، منحنی تقاضای کل، شکلی

- (۱) افقی خواهد داشت.
- (۳) عمودی خواهد داشت.

(۲) باککش خواهد بود. (۴) نسبتاً بدون ککش خواهد بود.

۲۰- تورم ناشی از "فشار مزد" در حقیقت،

(۱) تورم ناشی از انبساط تقاضا است.

(۲) تورم ناشی از افزایش پول در گردش است.

(۳) نظریه طرفداران مکتب پولی، در باره تورم است.

(۴) همان تورم ناشی از فشار هزینه است.

۲۱- بر اساس نظریه فریدمن (فرضیه نرخ طبیعی)، در درازمدت، منحنی فیلیپس شکلی

(۱) نزولی خواهد داشت. (۳) عمودی خواهد داشت.

(۲) صعودی خواهد داشت. (۴) افقی خواهد داشت.

۲۲- چنانچه "اثر ثروت" در تابع مصرف وجود داشته باشد، در این صورت در نتیجه کاهش عرضه پول،

(۱) منحنی‌های IS و LM به طرف راست، انتقال می‌یابند.

(۲) فقط منحنی IM [LM] به طرف چپ، انتقال می‌یابد.

(۳) فقط منحنی IS به طرف چپ، انتقال می‌یابد.

(۴) منحنی‌های IS و LM به طرف چپ، انتقال می‌یابند.

۲۳- بر طبق "فرضیه بودجه متوازن" در نتیجه افزایش مساوی در مخارج و مالیاتهای دولت، منحنی IS،

(۱) به طرف چپ، انتقال خواهد یافت. (۳) ثابت خواهد ماند.

(۲) به طرف راست، انتقال خواهد یافت. (۴) هیچ‌کدام

۲۴- بر اساس فرضیه "نرخ طبیعی بیکاری" اثرات درازمدت ناشی از افزایش تقاضای کل، باعث خواهد شد که،

(۱) تولید ملی حقیقی و سطح قیمت‌ها هر دو بالا رود.

(۲) تولید ملی حقیقی بالا رفته و سطح قیمت‌ها ثابت بماند.

(۳) تولید ملی حقیقی ثابت مانده و سطح قیمت‌ها بالا رود.

(۴) تولید ملی حقیقی ثابت مانده و سطح قیمت‌ها پایین بیاید.

۲۵- بر اساس نظریه فریدمن، در درازمدت، نرخ طبیعی بیکاری،

(۱) را می‌توان کاهش داد. (۳) برابر است با صفر.

(۲) را نمی‌توان تقلیل داد. (۴) برابر است با نرخ تورم.

۲۶- نظریه کینز در رابطه با سرمایه‌گذاری با:

(۱) نرخ بازده داخلی، ارتباط دارد. (۳) به نرخ بهره موجود در انبار، توجهی ندارد.

(۲) کارایی نهایی سرمایه‌گذاری، ارتباط دارد. (۴) اصل شتاب، یکسان است.

۲۷- تورم ناشی از "فشار عرضه"، موقعی اتفاق می‌افتد که،

(۱) منحنی تقاضای کل به سرعت به طرف راست، انتقال یابد.

(۲) منحنی عرضه کل به سرعت به طرف راست، انتقال یابد.

(۳) منحنی عرضه کل به سرعت به طرف بالا و طرف چپ، انتقال یابد.

(۴) هیچ کدام

۲۸- در زمان تورم، درآمدهای دولت، گرایش به

(۱) افزایش دارد، زیرا که در موقع تورم، مؤدیان مالیاتی به گروههای درآمدی بالاتری حرکت می‌کنند که مشمول نرخ متوسط مالیاتی بالاتری می‌شوند.

(۲) کاهش دارد، زیرا که مجلس، نرخ مالیاتها را به منظور جبران اثرات تورمی، کاهش می‌دهد.

(۳) افزایش دارد، چون که درآمد بیش‌تری، نیاز است تا هزینه‌های (نرخ) بهره‌ای متعلق به بدهی‌های دولت، پرداخت گردد.

(۴) ثابت ماندن دارد.

۲۹- اقتصاددانان پیرو مکتب "بخش عرضه (supply-side)" اقتصاد، معتقدند که منحنی عرضه کل

می‌تواند از طریق کدام سیاست زیر به سمت راست، انتقال یابد؟

(۱) افزایش (نرخ) مالیات بر درآمد

(۳) افزایش نرخ تورم

(۲) دخالت و نظارت بیش‌تر در بخش صنعت

(۴) کاهش (نرخ) مالیات بر درآمد

۳۰- افزایش در مقدار (حجم) پول بر نرخ بهره، اثر نخواهد داشت، اگر

(۱) تابع تقاضای پول دارای شیب صعودی است [باشد].

(۲) تابع تقاضای پول دارای شیب نزولی است [باشد].

(۳) تابع تقاضای پول دارای شیب صاف است [باشد].

(۴) تابع تقاضای پول کاملاً عمودی است [باشد].

۳۱- اگر حجم پول، بیش‌تر از مقدار تقاضای پول باشد،

(۱) نرخ بهره، افزایش خواهد یافت.

(۲) نرخ بهره، کاهش و NNP افزایش می‌یابند.

(۳) نرخ بهره، کاهش خواهد یافت.

(۴) تابع تقاضای پول به سمت پایین و چپ انتقال خواهد یافت.

۳۲- اقتصاددانان کینزی، نسبت به اقتصاددانان پولی‌گرا [پول‌گرا] بر این باورند که،

(۱) تابع تقاضای پول، نسبت به نرخ بهره، از حساسیت بیش‌تری برخوردار است.

(۲) تابع عرضه پول، نسبت به نرخ بهره، حساس نیست.

(۳) تابع سرمایه‌گذاری، نسبت به نرخ بهره، خیلی حساس است.

(۴) منحنی IS، نسبت به نرخ بهره، از شیب کم تری برخوردار است.

۳۳- تحقق کدام یک از شرایط زیر، می تواند موجب انتقال تابع مصرف کینز به سمت پایین شود؟

- (۱) کاهش در درآمد
(۲) افزایش در ثروت
(۳) کاهش در ثروت
(۴) افزایش در درآمد

۳۴- برای این که فرضیه درآمد مطلق کینز با اطلاعات سری زمانی، سازگار باشد،

- (۱) تابع مصرف باید در طول زمان به سمت بالا، انتقال یابد.
(۲) تابع مصرف باید در طول زمان به سمت پایین، انتقال یابد.
(۳) میل نهایی به مصرف باید در طول زمان، کاهش یابد.
(۴) میل متوسط به مصرف باید در طول زمان، کاهش یابد.

۳۵- فرضیه درآمد دائمی، بیان می دارد که افراد با گروه درآمدی بالاتر،

- (۱) دارای میل متوسط به مصرف بیش تری هستند. (۳) دارای میل نهایی به مصرف بیش تری هستند.
(۲) دارای درآمد اتفاقی کم تر هستند. (۴) دارای رفتار مصرف باثباتی هستند.

۳۶- منحنی نسبتاً خوابیده (کم شیب) سرمایه گذاری،

- (۱) دلالت بر این دارد که تغییر در حجم پول، منجر به تغییرات وسیعی در نرخ بهره می گردد.
(۲) بیش تر با دیدگاه اقتصاددانان پولی گرا [پول گرا] هماهنگ است تا دیدگاه اقتصاددانان غیر پول گرا.
(۳) دلالت بر این دارد که نرخ بهره، یک عامل مهمی در تعیین سرمایه گذاری نیست.

(۴) دلالت می کند که هر مقدار تغییر در نرخ بهره، منجر به تغییرات وسیعی در سرمایه گذاری خواهد شد.

۳۷- انتقال منحنی LM به سمت چپ، ممکن است به علت زیر باشد،

- (۱) افزایش در حجم پول
(۲) افزایش در حجم پول و کاهش در سطح قیمت ها
(۳) افزایش در حجم پول و افزایش در سطح قیمت ها
(۴) کاهش در حجم پول و افزایش در سطح قیمت ها

۳۸- کدام یک از عبارات زیر، صحیح نیست؟

(۱) اقتصاددانان پولی گرا [پول گرا] معتقدند که حجم پول، عامل تعیین کننده بسیار مهمی در GNP پولی است.

(۲) اقتصاددانان پولی گرا [پول گرا] استدلال می کنند، بعید نیست که در اثر افزایش حجم پول، نرخ بهره افزایش یابد.

(۳) اقتصاددانان پولی گرا [پول گرا] معتقدند که منحنی IS دارای وضعیتی نزدیک به حالت افقی است زیرا که تقاضای کل به تغییرات نرخ بهره، بسیار حساس است.

(۴) منحنی LM به حالت عمودی نزدیک است، زیرا که منحنی تقاضای پول نسبت به نرخ بهره، حساس است.

۳۹- کدام یک از عبارات زیر، صحیح نیست؟

- (۱) هنگامی که انگیزه خرید خارجیان به سوی کالاها و خدمات کشور A تغییر نماید.*
 (۲) تحت شرایط سیستم نرخ ارز کاملاً شناور، نرخ ارز، صرفاً بر اساس عرضه و تقاضای در بازار ارز تعیین می‌گردد.
 (۳) تحت شرایط سیستم نرخ ارز کاملاً شناور، کشورهایی که با مازاد موازنه پرداخت‌های بین‌المللی مواجه می‌شوند، ارزش پول آنها افزایش یافته و نتیجتاً ارزش کالاهای خارجی، برای مردم آن کشورها تقلیل می‌یابد.
 (۴) تحت شرایط سیستم نرخ ارز کاملاً شناور، مسؤولیت دولت در کنترل بازار ارز بیش تر می‌شود.

۴۰- اجرای سیاست کنترل قیمت، انتظار می‌رود که،

- (۱) اشتغال را افزایش دهد.
 (۲) بیکاری را افزایش دهد.
 (۳) اشتغال را در بلندمدت، افزایش دهد.
 (۴) اشتغال را در کوتاه‌مدت، کاهش دهد.

پاسخنامه سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد

سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱

(۴) - ۳۷	(۱) - ۲۸	(۳) - ۱۹	(۱) - ۱۰	(۴) - ۱
(۴) - ۳۸	(۴) - ۲۹	(۴) - ۲۰	(۱) - ۱۱	(۲) - ۲
(۳) - ۳۹	(۳) - ۳۰	(۳) - ۲۱	(۲) - ۱۲	(۲) - ۳
(۴ و ۲) - ۴۰	(۲) - ۳۱	(۴) - ۲۲	(۳) - ۱۳	(۴) - ۴
	(۱) - ۳۲	(۲) - ۲۳	(۲) - ۱۴	(۴) - ۵
	(۳) - ۳۳	(۳) - ۲۴	(۲) - ۱۵	(۲) - ۶
	(۱) - ۳۴	(۲) - ۲۵	(۴) - ۱۶	(۲) - ۷
	(۴) - ۳۵	(۲ و ۱) - ۲۶	(۱) - ۱۷	(۲) - ۸
	(۴) - ۳۶	(۳) - ۲۷	(۱) - ۱۸	(۳) - ۹

سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد

سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲

۱- فعالیت کدام یک از بازارهای زیر در چارچوب محاسبه تولید ناخالص ملی، منظور می‌گردد؟

(۱) بازار اوراق قرضه (۳) بازار کالاهای تسلیحاتی دولت

(۲) بازار مواد مخدر (۴) بازار خرید و فروش ارز

۲- کدام یک از موارد ذیل در چارچوب حسابهای ملی سرمایه‌گذاری، محسوب می‌گردد؟

(۱) خرید سرقفلی یک مغازه

(۲) خرید یک اتومبیل جدید [قدیمی] برای کسب و کار

(۳) افزایش در موجودی انبار

(۴) خرید زمین

۳- با فرض یک تابع مصرف خطی، در این صورت می‌توان گفت،

(۱) این امکان وجود دارد که در کوتاه‌مدت، میل متوسط به مصرف بزرگ‌تر از یک باشد.

(۲) این امکان وجود ندارد که در کوتاه‌مدت، میل متوسط به مصرف بزرگ‌تر از یک باشد.

(۳) این امکان وجود دارد که در بلندمدت، میل متوسط به مصرف بزرگ‌تر از یک باشد.

(۴) این امکان وجود دارد که در کوتاه‌مدت، میل متوسط به مصرف کوچک‌تر از صفر باشد.

۴- در تئوری درآمد نسبی به هنگام کاهش درآمد، میل نهایی به پس‌انداز،

(۱) افزایش می‌یابد. (۳) ثابت می‌ماند.

(۲) کاهش می‌یابد. (۴) ابتدا افزایش و سپس کاهش می‌یابد.

۵- اگر نسبت سرمایه به محصول در اقتصاد کشوری، ۵، سطح محصول جاری ۱۰۰۰ و سطح

مطلوب محصول ۲۰۰۰ ریال باشد و اگر در سال اول، تنها نیمی از محصول به دست آید، در این

صورت در سال اول چه مقدار سرمایه‌گذاری جدید لازم است؟

(۱) ۲۵۰۰ (۲) ۵۰۰ (۳) ۱۰۰۰ (۴) ۲۰۰۰

۶- چنانچه فرض شود سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تابعی از درآمد ملی است؛ در این صورت

ضریب فزاینده،

(۱) افزایش خواهد یافت.

(۲) کاهش خواهد یافت.

- (۳) تغییر نمی‌کند زیرا مخارج دولت با سرمایه‌گذاری خصوصی ارتباطی ندارد.
 (۴) ممکن است افزایش و یا کاهش یابد که این بستگی به میل نهایی به مصرف دارد.

۷- بهبود در دانش فنی و سطح تکنولوژی، منجر به

- (۱) کاهش سرمایه‌گذاری کل می‌شود.
 (۲) انتقال منحنی MEI (بازدهی نهایی سرمایه‌گذاری) به سمت چپ و پایین می‌شود.
 (۳) انتقال منحنی MEI به سمت راست و بالا می‌شود.
 (۴) تغییرات در سرمایه‌گذاری کل و منحنی MEI نمی‌شود.

۸- فرض کنید سطح درآمد فعلی برابر با ۱۵۰۰، سطح درآمد اشتغال کامل برابر با ۲۰۰۰ و میل نهایی به مصرف برابر با $0/9$ باشد، در این صورت با فرض این که دولت می‌خواهد تعادل در بودجه خود را حفظ نماید، برای رسیدن به اشتغال [کامل] باید،

- (۱) خریدهای خود را به اندازه ۵۰ واحد، افزایش دهد.
 (۲) مالیاتهای خود را به اندازه ۴۰ واحد، افزایش دهد.
 (۳) خریدهای خود را به اندازه ۵۰۰ واحد، افزایش دهد.
 (۴) مالیاتهای خود را به اندازه ۴۰۰ واحد، کاهش دهد.

۹- فرض کنید که تابع خالص صادرات، نسبت به تغییر در نرخ بهره شدیداً حساس باشد*، در این صورت،

- (۱) منحنی LM با شیب تندتر ترسیم می‌شود.
 (۲) منحنی LM با شیب کم‌تر ترسیم می‌شود.
 (۳) منحنی IS با شیب تندتر ترسیم می‌شود.
 (۴) منحنی IS با شیب کم‌تر ترسیم می‌شود.

۱۰- سیاست پولی انبساطی به همراه سیاست مالی انقباضی،

- (۱) نرخ بهره را کاهش داده و سطح درآمدها را افزایش می‌دهد.
 (۲) تغییرات نرخ بهره، مشخص نیست ولی سطح درآمد، افزایش می‌یابد.
 (۳) نرخ بهره، کاهش می‌یابد ولی تغییرات سطح درآمد مشخص نیست.
 (۴) نرخ بهره، کاهش یافته و سطح درآمدها نیز کاهش می‌یابد.

۱۱- اگر کشش تابع سرمایه‌گذاری، نسبت به نرخ بهره، صفر باشد،

- (۱) با اعمال سیاست‌های پولی، می‌توان سطح درآمد (تولید) حقیقی را تغییر داد.
 (۲) ضریب زاویه منحنی IS به سمت صفر میل می‌کند.
 (۳) ضریب زاویه منحنی LM به سمت بی‌نهایت میل می‌کند.
 (۴) تنها از طریق اعمال سیاست‌های مالی می‌توان سطح درآمد (تولید) حقیقی را تغییر داد.

۱۲- اگر میل نهایی به مصرف $0/75$ ، تابع مالیات $T=0/27$ ، تابع سرمایه‌گذاری $i=50-100$ ، تابع تقاضای پول برای امور جاری $M_y=20+0/27$ و تقاضای سفته‌بازی پول $M_i=50-50i$ باشند، در آن صورت ضرائب افزایش بخش کالا و پول در وضعیت تعادلی به ترتیب عبارت خواهد بود از:

(۱) $1/25$ و $2/5$ (۲) $2/5$ و $1/52$ (۳) 3 و $1/5$ (۴) 3 و $1/5$

۱۳- هنگامی سیاست پولی، دارای بیش‌ترین تأثیرپذیری می‌باشد که مخارج سرمایه‌گذاری،

(۱) نسبت به نرخ بهره، کشش‌پذیر بوده و تقاضا برای پول نیز کشش‌پذیر باشد.

(۲) نسبت به نرخ بهره، کشش‌ناپذیر بوده و تقاضا برای پول نیز کشش‌ناپذیر باشد.

(۳) نسبت به نرخ بهره، کشش‌ناپذیر بوده و تقاضا برای پول کشش‌پذیر باشد.

(۴) نسبت به نرخ بهره، کشش‌پذیر بوده و تقاضا برای پول کشش‌ناپذیر باشد.

۱۴- در یک اقتصاد بسته، افزایش سطح قیمت‌ها در شرایط معمول؛ بدون اثر ثروت موجب می‌گردد

(۱) منحنی IS به سمت راست و بالا و منحنی LM به سمت چپ و بالا حرکت نمایند.

(۲) بر منحنی IS اثری نگذاشته و منحنی LM به طرف بالا و چپ حرکت نماید.

(۳) منحنی IS بطرف راست و بالا حرکت کرده و منحنی LM تغییر نمی‌نماید.

(۴) هیچ تغییری در موقعیت منحنی‌های IS و LM رخ نمی‌دهد.

۱۵- در چه شرایطی منحنی LM نسبت به نرخ بهره، دارای شیب کم‌تر و کشش بیش‌تری است؟

(۱) در شرایطی که عرضه پول، ثابت باشد.

(۲) در شرایطی که عرضه پول، تابع مستقیمی از نرخ بهره باشد.

(۳) در شرایطی که عرضه پول، تابع غیرمستقیمی از نرخ بهره باشد.

(۴) در شرایطی که منحنی عرضه پول، عمودی باشد.

۱۶- هر نقطه در سمت راست و پایین منحنی LM، معرف ترکیبی از درآمد حقیقی و نرخ بهره است که،

(۱) در آن، مازاد عرضه پول وجود دارد. (۲) در آن، مازاد عرضه کالا وجود دارد.

(۳) در آن، مازاد تقاضای پول وجود دارد. (۴) در آن، مازاد تقاضای کالا وجود دارد.

۱۷- افزایش در نرخ ذخیره قانونی در مقابل سپرده‌های دیداری و غیردیداری، منجر به

(۱) کاهش عرضه پول می‌شود. (۲) افزایش در "پایه پولی" می‌شود.

(۳) افزایش عرضه پول می‌شود. (۴) تغییر در ضریب تکاثری پول نمی‌شود.

۱۸- سیاست خرید اوراق بهادار دولتی از مردم، توسط بانک مرکزی،

(۱) "پایه پولی" را افزایش می‌دهد. (۲) در "پایه پولی" اثری ندارد.

(۳) "پایه پولی" را کاهش می‌دهد. (۴) عرضه پول را کاهش می‌دهد.

۱۹- افزایش قروض عمومی به سیستم بانک‌های تجاری،

- (۱) باعث رکود می‌شود زیرا میزان اعتبارات بخش خصوصی را کاهش می‌دهد.
- (۲) باعث تورم می‌شود زیرا اعتبارات بخش دولتی را زیاد می‌کند.
- (۳) می‌تواند باعث تورم شود، اگر از محل ذخایر بیکار پرداخت شود.
- (۴) می‌تواند باعث رکود شود، اگر از محل ذخایر فعال پرداخت شود.

۲۰- نقدینگی در یک جامعه، بیش تر تورم‌زا است؛

- (۱) اگر نسبت سپرده‌های مدت‌دار به کل نقدینگی، زیاد باشد.
- (۲) اگر نسبت سپرده‌های مدت‌دار به کل نقدینگی، کم باشد.
- (۳) اگر نسبت سپرده‌های دیداری به کل نقدینگی، کم باشد.
- (۴) اگر نسبت سپرده‌های مدت‌دار به کل نقدینگی، برابر نسبت سپرده‌های دیداری به کل نقدینگی باشد.

۲۱- فرض کنید در طی یک سال معین تعداد کل معاملات انجام شده برابر با ۴۰۰۰۰۰ و قیمت متوسط هر معامله ۲۰ دلار و حجم پول معادل ۱۰۰۰۰۰۰* میلیون دلار باشد، در این صورت، سرعت گردش پول برابر خواهد بود، [با:]

- (۱) ۲ (۲) ۸ (۳) ۲۵ (۴) ۵۰

۲۲- فرض کنید که سرعت گردش پول (V) با نرخ ۲ درصد، عرضه پول (M) با نرخ ثابت ۱۰ درصد و محصول حقیقی (Y) با نرخ ثابت ۲ درصد [رشد] کنند، نرخ تورم بلندمدت با توجه به این داده‌ها چقدر است؟

- (۱) صفر (۲) ۵ (۳) ۸ (۴) ۱۰

۲۳- نظریه پولی کینز با معادله کمبریج مارشال متفاوت است؛ به این مفهوم که اولی این امکان را در نظر می‌گیرد که تقاضای حقیقی پول به یک عامل دیگر نیز وابسته باشد. این عامل کدام یک از عوامل زیر می‌باشد؟

- (۱) عرضه پول
- (۲) نرخ بیکاری
- (۳) نرخ بهره
- (۴) سطح درآمد ملی

۲۴- در وضعیت "دام نقدینگی" منحنی تقاضای کل، شکلی

- (۱) افقی خواهد داشت.
- (۲) عمودی خواهد داشت.
- (۳) معمولی خواهد داشت.
- (۴) نامعین خواهد داشت.

۲۵- منحنی عرضه کل کلاسیک‌ها انتقال می‌یابد،

- (۱) به طرف راست، اگر افزایش در سطح قیمت‌ها پدید آید.

- (۲) به طرف چپ، اگر افزایش در تقاضای کل صورت پذیرد.
 (۳) به طرف راست، اگر افزایش در بهره‌وری به وجود آید.
 (۴) به طرف چپ، اگر افزایش در عرضه کار پدید آید.

۲۶- اگر مزد پولی افزایش یابد و هیچ‌گونه تغییری [در سطح قیمت‌ها موجود] به وجود نیاید، در این صورت، مزد حقیقی؟

- (۱) افزایش یافته و کاهش در اشتغال نیروی کار به وجود می‌آید.
 (۲) افزایش یافته و افزایش در اشتغال نیروی کار به وجود می‌آید.
 (۳) کاهش یافته و کاهش در اشتغال نیروی کار به وجود می‌آید.
 (۴) کاهش یافته و افزایش در اشتغال نیروی کار به وجود می‌آید.

۲۷- کدام یک از انتظارات زیر، منجر به کاهش تقاضای سفته‌بازی (نقدینگی) پول می‌شود؟

- (۱) مردم انتظار داشته باشند که در آینده نزدیک نرخ بهره، افزایش می‌یابد.
 (۲) مردم انتظار داشته باشند که در آینده نزدیک نرخ بهره، کاهش می‌یابد.
 (۳) مردم انتظار داشته باشند که در آینده درآمد و مصرف، افزایش می‌یابد.
 (۴) مردم انتظار داشته باشند که در آینده نرخ بیکاری، کاهش می‌یابد.

۲۸- در چارچوب بحث منحنی فیلیپس، یک ضربه عرضه منفی (برای مثال افزایش قیمت نفت) موجب می‌شود که اقتصاد کشورهای غربی در کوتاه‌مدت، با

- (۱) تورم بیش‌تر روبه‌رو شود.
 (۲) بیکاری بیش‌تر روبه‌رو شود.
 (۳) هزینه تولید بیش‌تر روبه‌رو شود.
 (۴) تورم و بیکاری بیش‌تر روبه‌رو شود.

۲۹- منحنی فیلیپس کوتاه‌مدتی که عامل انتظارات تورمی را در بر دارد در اثر افزایش نرخ انتظاری تورم (در شرایط یکسان)،

- (۱) به سمت راست و بالا انتقال خواهد یافت.
 (۲) به سمت چپ و پایین، انتقال خواهد یافت.
 (۳) تغییر نخواهد کرد.
 (۴) تغییر شیب از حالت نزولی به حالت صعودی خواهد داد.

۳۰- برای ترسیم منحنی فیلیپس، روی محور افقی و محور عمودی به ترتیب چه متغیرهایی را قرار می‌دهیم؟

- (۱) نرخ بیکاری و نرخ افزایش مزدهای اسمی
 (۲) نرخ بیکاری و نرخ تورم قیمت‌ها
 (۳) نرخ بیکاری و نرخ افزایش مزدهای اسمی و یا نرخ تورم قیمت‌ها [؟]
 (۴) نرخ بیکاری و نرخ افزایش هزینه تولید

۳۱- انتقادات فریدمن از منحنی فیلیپس، کدام یک از موارد زیر را شامل نمی‌شود؟

- (۱) منحنی فیلیپس در طول زمان، حرکت می‌کند و به طور مشخص به طرف بالا صعود می‌کند.
- (۲) در بلندمدت و حتی در دوره‌ای نه چندان دراز، معاوضه یا تقابلی میان بیکاری و تورم، وجود ندارد.
- (۳) در شرایط تورمی نیز می‌توان شاهد گسترش بیکاری بود و با وجود بیکاری فزاینده هم می‌توان تورم شدیدی را تجربه کرد.
- (۴) در طول زمان، انتخاب نرخ بیکاری موجود در اقتصاد در ید قدرت ما هست. فقط ما نمی‌توانیم تصمیم بگیریم که "در نرخ بیکاری طبیعی" که به وسیله نیروهای بازار تعیین می‌شود، چه نرخ تورمی داشته باشیم.

۳۲- مسأله اساسی مطرح شده در منحنی فیلیپس، این است که،

- (۱) بالا رفتن قیمت‌ها، با افزایش بیکاری همراه است.
- (۲) بالا رفتن قیمت‌ها موجب کاهش بیکاری، می‌شود.
- (۳) سطح تقاضای کلی که بتواند اشتغال کامل ایجاد کند، تورم‌زا نیز می‌باشد.
- (۴) فشار اتحادیه‌های کارگری، بسیار زیاد است.
- ۳۳- اگر شاخص قیمت در کشوری در یک سال معین، برابر با ۱۲۰۰ باشد، در این صورت چه نتیجه‌ای در مورد تورم در این سال می‌توان گرفت؟

- (۱) نرخ تورم، بسیار شدید بوده است.
- (۲) تورم نسبتاً بالایی وجود داشته است.
- (۳) تورم ناشی از فشار دستمزد، وجود داشته است.
- (۴) هیچ‌گونه نتیجه‌ای در مورد تورم در این کشور نمی‌توان گرفت.

۳۴- تورم ناشی از فشار عرضه، موقعی به وجود می‌آید که،

- (۱) منحنی تقاضای کل به چپ جابه‌جا شود. (۳) منحنی عرضه کل به چپ جابه‌جا شود.
- (۲) منحنی تقاضای کل به راست جابه‌جا شود. (۴) منحنی عرضه کل به راست جابه‌جا شود.

۳۵- سیاست‌های لازم برای کنترل تورم ناشی از فشار هزینه، یکی از عوامل زیر را شامل نمی‌شود:

- (۱) کنترل مستقیم قیمت‌ها
- (۲) کنترل مستقیم دستمزدها
- (۳) تغییرات در مخارج و مالیات دولت
- (۴) کنترل اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی و مؤسسات تولیدی

۳۶- هنگامی که شاخص قیمت از ۱۲۵ به ۱۵۰ افزایش می‌یابد، در این صورت، ارزش پول،

- (۱) ۲۵ درصد، افزایش می‌یابد. (۳) ۲۰ درصد، افزایش می‌یابد.
- (۲) ۲۵ درصد، کاهش می‌یابد. (۴) ۱۷ درصد، کاهش می‌یابد.

۳۷- به نظر شما کدام یک از دو هدفی که در هریک از موارد زیر، برای اقتصاد ملی، ذکر شده با هم هماهنگ هستند؟

- (۱) ثبات قیمت‌ها و اشتغال کامل
 (۲) اشتغال کامل و رشد اقتصادی
 (۳) رشد زیاد تولید ناخالص ملی و عدم آلودگی محیط زیست
 (۴) آزادی کامل فعالیت اقتصادی بخش خصوصی و عدم تأثیرات جانبی منفی
- ۳۸- اگر ارزش خارجی پول یک کشور بالاتر از نرخ واقعی آن، ارزیابی شود، در آن صورت،
- (۱) صادرات کاهش می‌یابد.
 (۲) واردات کاهش می‌یابد.
 (۳) صادرات افزایش و واردات کاهش می‌یابد.
 (۴) صادرات کاهش و واردات افزایش می‌یابد.

۳۹- نرخ ارز، عبارت است از:

- (۱) قیمت هر واحد از پول خارجی بر حسب پول داخلی.
 (۲) قیمت هر واحد از پول داخلی بر حسب متوسط سطح قیمت کالاهای خارجی.
 (۳) قیمت هر واحد از پول داخلی بر حسب طلا.
 (۴) قیمت هر گرم طلا بر حسب پول خارجی.

۴۰- حال که GNP در کشور ما براساس عملکرد برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی اول به میزان تقریباً ۷/۵ درصد افزایش یافته است، در حالی که وزارت بهداشت و درمان معتقد است که نرخ رشد جمعیت برابر با ۲/۷ درصد [می‌باشد]، نرخ رشد GNP سرانه چقدر است؟

(۱) ۷/۵ درصد (۲) ۲/۷ درصد (۳) ۱/۲۵ درصد (۴) ۴/۸ درصد

**پاسخنامه سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد
سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲**

(۴) - ۳۳	(۳) - ۲۵	(۱) - ۱۷	(۴) - ۹	(۳) - ۱
(۳) - ۳۴	(۱) - ۲۶	(۱) - ۱۸	(۳) - ۱۰	(۳) - ۲
(۳) - ۳۵	(۲) - ۲۷	(۳) - ۱۹	(۴) - ۱۱	(۱) - ۳
(۴) - ۳۶	(۴) - ۲۸	(۲) - ۲۰	(۱) - ۱۲	(۱) - ۴
(۲) - ۳۷	(۱) - ۲۹	(۲) - ۲۱	(۴) - ۱۳	(۱) - ۵
(۴) - ۳۸	(۳) - ۳۰	(۴) - ۲۲	(۲) - ۱۴	(۱) - ۶
(۱) - ۳۹	(۴) - ۳۱	(۳) - ۲۳	(۲) - ۱۵	(۳) - ۷
(۴) - ۴۰	(۲) - ۳۲	(۲) - ۲۴	(۲) - ۱۶	(۳) - ۸

سوالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد

سال تحصیلی ۷۴ - ۱۳۷۳

۱- آلودگی هوا چگونه در محاسبه GNP (تولید ناخالص ملی) وارد می‌شود؟

- (۱) اصلاً وارد نمی‌شود.
- (۲) هر نوع هزینه پاکسازی محیط از GNP کسر می‌شود.
- (۳) آثار نامطلوب آلودگی از GNP کسر می‌شود.
- (۴) هر نوع هزینه پاکسازی محیط به GNP اضافه می‌شود.

۲- اگر سرمایه‌گذاری ناخالص ۱۵٪ GDP بوده و در سال جاری، این نسبت به صفر، کاهش یافته باشد، در این سال،

- (۱) میزان استهلاک و سرمایه‌گذاری خالص، برابرند.
- (۲) میزان استهلاک و سرمایه‌گذاری ناخالص، برابرند.
- (۳) سرمایه‌گذاری خالص برابر صفر است.
- (۴) سرمایه‌گذاری خالص منفی است.

۳- از یک سطح قیمت ثابت در سال پایه، کدام یک از نتایج زیر، استنباط می‌گردد؟

- (۱) سطح درآمد، ثابت است.
- (۲) ارزش تولید ناخالص ملی حقیقی، بیش‌تر از ارزش تولید ناخالص ملی پولی است.
- (۳) ارزش تولید ناخالص ملی پولی، بیش‌تر از ارزش تولید ناخالص ملی حقیقی است.
- (۴) ارزش تولید ناخالص ملی حقیقی، برابر با ارزش تولید ناخالص ملی پولی است.

۴- تئوری درآمد دائمی فریدمن، بر این نکته تأکید دارد که،

- (۱) میل به مصرف ناشی از درآمد دائمی، بیش از میل به مصرف ناشی از درآمد گذرا است.
- (۲) میل به مصرف ناشی از درآمد دائمی، برابر میل به مصرف ناشی از درآمد گذرا است.
- (۳) میل به مصرف ناشی از درآمد دائمی، کم‌تر از میل به مصرف ناشی از درآمد گذرا است.
- (۴) میل به مصرف ناشی از درآمد دائمی، در سالهای جوانی، مساوی میل به مصرف ناشی از درآمد گذرا است.

۵- در نظریه درآمد نسبی دوزنبری (Relative Income Hypotesis)،

(۳) در دوران رکود $MPC=APC$

(۱) در بلندمدت $APC < MPC$

(۴) در دوران رونق $APC=MPC=1$ (۲) در بلندمدت $APC > MPC < 1$

۶- بر اساس فرضیه دوران زندگی مصرف مودیگلیانی [مودیلیانی]، دو نفر با همان سن و سلیقه مصرفی و ضمناً ترکیب خانوادگی و درآمدی، [یکسان]

- (۱) به یک میزان، مصرف خواهند کرد.
- (۲) هرکدام کم تر مصرف خواهند کرد، هر قدر ثروت انباشته آنها بیش تر باشد.
- (۳) هرکدام میزان پس انداز مثبتی خواهند داشت.
- (۴) به میزان مختلف مصرف خواهند کرد، هرگاه ثروت آنها متفاوت باشد.

۷- جابه جایی در منحنی کارایی نهایی سرمایه (MEC)، رخ نمی دهد، مگر آن که؟

- (۱) دولت، نرخ مالیات بر درآمد را کاهش دهد. (۳) هزینه عرضه سرمایه جدید، افزایش یابد.
- (۲) رشد جمعیت، افزایش یابد. (۴) کاهش در نرخ بهره به وجود آید.

۸- کدام یک از عوامل زیر، سرمایه گذاری را افزایش نمی دهد؟

- (۱) افزایش در تولید انتظاری
- (۲) کاهش در نرخ بهره
- (۳) کاهش هزینه تولید از طریق پیشرفت تکنولوژی
- (۴) کاهش کوتاه مدت در مدت معافیت مالیاتی، که از جانب دولت برای تشویق سرمایه گذاری در بخش خصوصی در نظر گرفته می شود.

۹- در صورت منظور کردن نرخ مالیات بر درآمد، ضریب افزایش بودجه متعادل،

- (۱) در هر حال، مساوی یک خواهد بود.
- (۲) در هر حال، کم تر از یک خواهد بود.
- (۳) بیش تر از یک خواهد بود.
- (۴) با در نظر نگرفتن آثار القایی، کم تر از یک و با در نظر گرفتن آن، مساوی یک خواهد بود.

۱۰- اختلاف میان ضریب فزاینده مالیات و ضریب فزاینده درآمدهای انتقالی، چه می باشد؟

- (۱) ضریب فزاینده مالیات، کمی بیش تر از ضریب فزاینده پرداخت های انتقالی می باشد.
- (۲) ضریب فزاینده مالیات، کم تر از ضریب فزاینده پرداخت های انتقالی می باشد.
- (۳) ضریب فزاینده مالیات، بر درآمد قابل تصرف اثر می گذارد، در حالی که ضریب فزاینده پرداخت های انتقالی، بر MPC اثر می گذارد.
- (۴) میزان قدر سطلق آنها مساوی است اما علائم مختلف دارند.

۱۱- در صورتی که تابع مصرف $C=100+0.75Y$ و تابع سرمایه گذاری $I=800-4r$ و تقاضای کل

پول $L=0.2Y-1/2r$ و عرضه پول، برابر ۱۰۰ میلیون ریال باشد، ضریب افزایش پولی و نرخ بهره به

ترتیب [عبارتنداز]:

- (۱) ۱۰ و ۳/۶۳ (۲) ۱۰ و ۴/۵ (۳) ۱۱ و ۵ (۴) ۱۲ و ۴

۱۲ - در کدام یک از حالات زیر، سیاست مالی، اثر بیش تری دارد؟

(۱) معادله IS، $IS = 160 - 800r$ و معادله LM، $LM = 1000 + 1000r$ و $Y = 2500$

(۲) معادله IS، $IS = 160 - 3200r$ و معادله LM، $LM = 400 + 400r$

(۳) معادله IS، $IS = 160 - 500r$ و معادله LM، $LM = 400 + 4000r$

(۴) معادله IS، $IS = 160 - 500r$ و معادله LM، $LM = 125 + 1000r$

۱۳ - سیاست مالی، هیچ تأثیری بر سطح درآمد نخواهد داشت اگر،

(۱) منحنی LM دارای شیبی برابر صفر باشد.

(۲) منحنی LM شیبی بی نهایت داشته باشد.

(۳) تقاضا برای پول با نرخ بهره، رابطه داشته باشد.

(۴) شیب منحنی LM کم تر از بی نهایت ولی بزرگ تر از صفر باشد.

۱۴ - در صورتی احتمال مثبت شدن شیب منحنی IS، وجود دارد که،

(۱) سرمایه گذاری را تابعی از تغییرات درآمد ملی بدانیم.

(۲) سرمایه گذاری را تابعی منفی از نرخ بهره و تابعی مثبت از درآمد ملی بدانیم.

(۳) سرمایه گذاری کشش خود را در مقابل نرخ بهره از دست بدهد.

(۴) نسبت سرمایه به محصول، بسیار کم باشد.

۱۵ - یک افزایش در حجم حقیقی پول، موجب یک افزایش نسبتاً زیاد در درآمد تعادلی می شود، هر قدر،

(۱) حساسیت تقاضا برای پول نسبت به بهره کم تر و حساسیت تقاضا برای سرمایه گذاری نسبت به بهره زیاد تر باشد.

(۲) حساسیت تقاضا برای پول نسبت به بهره زیاد تر و حساسیت تقاضا برای سرمایه گذاری نسبت به بهره کم تر باشد.

(۳) حساسیت تقاضا برای پول نسبت به بهره و حساسیت تقاضا برای سرمایه گذاری نسبت به بهره کم تر باشد.

(۴) حساسیت تقاضا برای پول نسبت به بهره نزدیک تر به حساسیت تقاضا برای سرمایه گذاری نسبت به بهره باشد.

۱۶ - فرض کنید دارای اقتصادی هستیم که در آن، تولید حقیقی سالانه ۴ درصد و حجم اسمی پول سالانه ۶ درصد رشد می یابند. کشش درآمدی تقاضا برای پول، ۵/۰ و سرعت گردش پول، ثابت می باشد. در این صورت نرخ تورم و رشد درآمد اسمی در تعادل بلندمدت (و براساس نظریه مقداری پول) چقدر خواهد بود؟

(۳) ۶ درصد و ۱۰ درصد

(۱) ۲ درصد و ۶ درصد

(۴) ۱ درصد و ۴ درصد

(۲) ۴ درصد و ۸ درصد

۱۷ - افزایش در نرخ بهره، موجب

- (۱) افزایش ذخایر بیکار بانکها و افزایش حجم پول می شود.
- (۲) افزایش ذخایر بیکار بانکها و کاهش حجم پول می شود.
- (۳) ذخایر بیکار بانکها را افزایش می دهد ولی تأثیر در حجم پول ندارد.
- (۴) ذخایر بیکار بانکها را کاهش و حجم پول را افزایش می دهد.

۱۸ - با افزایش تولید و درآمد ملی،

- (۱) تقاضا برای مانده های پولی حقیقی (یا وجوه پولی حقیقی)، کاهش و نرخ بهره کاهش خواهد یافت.
- (۲) تقاضا برای مانده های پولی حقیقی (یا وجوه پولی حقیقی)، افزایش و نرخ بهره افزایش خواهد یافت.
- (۳) تقاضا برای مانده های پولی حقیقی (یا وجوه پولی حقیقی)، کاهش و نرخ بهره افزایش خواهد یافت.
- (۴) تقاضا برای مانده های پولی حقیقی (یا وجوه پولی حقیقی)، افزایش و نرخ بهره کاهش خواهد یافت.

۱۹ - هزینه فرصتی نگه داری پول، عبارت است از:

- (۱) نرخ بهره حقیقی
- (۲) نرخ بهره اسمی، منهای نرخ تورم انتظاری
- (۳) نرخ تورم انتظاری
- (۴) نرخ بهره اسمی

۲۰ - اگر تولید نهایی نیروی کار، برابر با $4N - 99 = MP_N$ و سطح قیمت ها برابر با ۳ و سطح دستمزدها برابر با ۹ واحد پولی باشند، در این صورت مقدار نیروی کاری که استخدام می شود، برابر است با:

- (۱) ۹۹ نفر (۲) ۸۰ نفر (۳) ۳۳ نفر (۴) ۲۴ نفر

۲۱ - هر قدر، اثر تغییرات تولید و اشتغال بر دستمزدهای جاری، بیش تر باشد،

- (۱) شیب منحنی عرضه کل، کم تر خواهد بود.
- (۲) شیب منحنی عرضه کل، بزرگ تر خواهد بود.
- (۳) شیب منحنی عرضه کل، کم تر و شیب منحنی تقاضای کل بزرگ تر خواهد بود.
- (۴) شیب منحنی تقاضای کل، بزرگ تر خواهد بود.

۲۲ - در مدلی با قیمت ها و دستمزدهای انعطاف پذیر و اطلاعات کامل، افزایش مخارج دولت،

- (۱) سطح دستمزد تعادلی حقیقی را کاهش می دهد.
- (۲) سطح دستمزد تعادلی اسمی را کاهش می دهد.
- (۳) سطح دستمزد تعادلی را افزایش [می دهد] ولی دستمزدهای حقیقی، بدون تغییر می ماند.
- (۴) سطح دستمزد اسمی تعادلی را کاهش [می دهد] ولی دستمزدهای حقیقی، بدون تغییر می ماند.

۲۳ - هنگامی که نسبت تولید $(\frac{Y_p}{Y})$ یا نسبت تولید ناخالص ملی حقیقی بالفعل به تولید ناخالص ملی حقیقی بالقوه، بیش تر از ۱۰۰ درصد (ارزش همین نسبت در حد نرخ بیکاری طبیعی) باشد، ما انتظار داریم که

- (۱) نرخ بیکاری بالا و نرخ تورم نیز بالا باشد.
- (۲) نرخ بیکاری پایین و نرخ تورم، بالا باشد.
- (۳) نرخ بیکاری پایین و نرخ تورم نیز پایین باشد.
- (۴) نرخ بیکاری بالا و نرخ تورم، پایین باشد.

۲۴- در چارچوب منحنی فیلیپس، افزایش دستمزدهای اسمی در بلندمدت، موجب می شود؟

- (۱) قیمت‌ها به همان میزان، افزایش یابند.
- (۲) قیمت‌ها بیش از دستمزدهای اسمی، افزایش یابند.
- (۳) قیمت‌ها کم‌تر از دستمزدهای اسمی، افزایش یابند.
- (۴) قیمت‌ها به اندازه تفاضل نرخ افزایش دستمزدها و نرخ افزایش بهره‌وری نیروی کار افزایش یابند.

۲۵- مطابق با فرضیه نرخ طبیعی بیکاری،

- (۱) میان تورم و بیکاری در کوتاه‌مدت، رابطه‌ای وجود ندارد.
- (۲) میان تغییرات دستمزد اسمی و نرخ بیکاری در کوتاه‌مدت، رابطه‌ای وجود ندارد.
- (۳) میان تورم و نرخ بیکاری در بلندمدت، رابطه‌ای وجود ندارد.
- (۴) میان تغییرات دستمزد اسمی و نرخ بیکاری در بلندمدت، رابطه‌ای وجود ندارد.

۲۶- مارپیچ مزد - قیمت (wage - price spiral)، وضعیتی است که در اثر

- (۱) افزایش مخارج سرمایه‌گذاری در اشتغال کامل پدید می‌آید.
- (۲) افزایش قدرت انحصاری تولیدکنندگان پدید می‌آید.
- (۳) افزایش دستمزدهای اسمی کارگران پدید می‌آید.
- (۴) افزایش حجم پول در شرایط اشتغال کامل پدید می‌آید.

۲۷- در چه شرایطی نرخ تورم، مثبت است؟

- (۱) زمانی که نرخ رشد دستمزدهای اسمی، بیش‌تر از نرخ رشد کارایی تولید باشد.
- (۲) زمانی که نرخ رشد کارایی تولید، بیش‌تر از نرخ رشد دستمزدهای اسمی باشد.
- (۳) زمانی که نرخ رشد کارایی تولید، برابر با نرخ رشد دستمزدهای اسمی باشد.
- (۴) زمانی که نرخ رشد کارایی تولید، برابر با صفر و نرخ رشد دستمزدهای اسمی تنزلی باشد.

۲۸- کدام یک از عبارات زیر، مخالف قانون سی می‌باشد؟

- (۱) در هر سطحی از عرضه، تقاضای کل همیشه برابر است با عرضه کل.
- (۲) فقط در حالتی خاص، عرضه کل برابر است با تقاضای کل.
- (۳) هر فروش کالایی منتهی به درآمدی می‌شود که برای خرید بیش‌تر به کار می‌رود.
- (۴) محال است که مازاد عرضه کل وجود داشته باشد.

۲۹- شیب منحنی تقاضای کل، کم‌تر خواهد بود، هر قدر،

- (۱) حساسیت تقاضا برای پول، نسبت به درآمد، کم‌تر و ضریب افزایش (تکاثر) درآمدی بزرگ‌تر باشد.

(۲) حساسیت تقاضا برای پول، نسبت به درآمد، زیادتیر و ضریب افزایش (تکثیر) درآمدی بزرگتر باشد.

(۳) حساسیت تقاضا برای پول، نسبت به بهره، بزرگتر و ضریب افزایش (تکثیر) درآمدی بزرگتر باشد.

(۴) حساسیت تقاضا برای پول، نسبت به بهره، کمتر و ضریب افزایش (تکثیر) درآمدی بزرگتر باشد.

۳۰- کدام یک از موارد زیر، می تواند موجب افزایش تقاضا برای صادرات ایران شود؟

(۱) افزایش ارزش ریال نسبت به ارزهای خارجی

(۲) افزایش GDP در ایران

(۳) افزایش GDP در بقیه نقاط جهان

(۴) کند شدن رشد پیشرفت فنی در سایر نقاط جهان

پاسخنامه سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد

سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳

(۳)- ۲۵	(۴)- ۱۹	(۲)- ۱۳	(۱، ۲، ۳)- ۷	(۴)- ۱
(۳)- ۲۶	(۴)- ۲۰	(۲)- ۱۴	(۴)- ۸	(۴)- ۲
(۱)- ۲۷	(۲)- ۲۱	(۱)- ۱۵	(۲)- ۹	(۴)- ۳
(۲)- ۲۸	(۳)- ۲۲	(۱)- ۱۶	(۴)- ۱۰	(۱)- ۴
(۱ و ۴)- ۲۹	(۲)- ۲۳	(۴)- ۱۷	(۱)- ۱۱	(۱)- ۵
(۳)- ۳۰	(۴)- ۲۴	(۲)- ۱۸	(۴)- ۱۲	(۴)- ۶

سوالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد

سال تحصیلی ۷۵ - ۱۳۷۴

۱ - در شرایطی که میل نهایی به مصرف $1/3$ و نرخ نهایی مالیات نیز $1/3$ باشند، و دولت بخواهد کسری بودجه خود را به میزان ۱۰۰ واحد کاهش دهد، میزان تغییر در مخارج عمومی برای این منظور عبارت است از:

(۱) ۱۰۰ واحد (۲) ۱۷۵ واحد (۳) ۱۲۵ واحد (۴) ۲۰۰ واحد

۲ - اگر یک مرد مجرد با خدمتکار زن خانه خود ازدواج کند، در آن صورت،

(۱) NNP کاهش می‌یابد

(۲) NNP افزایش می‌یابد.

(۳) NNP ثابت می‌ماند.

(۴) به نوع خدماتی بستگی دارد که انجام می‌دهند.

۳ - تغییر موجودی سرمایه در حقیقت همان:

(۱) سرمایه‌گذاری ناخالص [است]

(۲) بازده نهایی سرمایه‌گذاری [است]

(۳) سرمایه‌گذاری خالص [است].

(۴) بازده نهایی سرمایه [است].

۴ - میزان فروش یک شرکت در یک سال معین ۲۵۰۰ میلیون ریال می‌باشد. اگر مخارج این شرکت ۱۱۰۰ میلیون ریال به قرار: ۱۵۰ میلیون ریال دستمزد، ۱۲۰ میلیون ریال مالیات، ۳۰۰ میلیون ریال استهلاک، و ۷۵۰ میلیون ریال مواد خام باشد، ارزش افزوده ناخالص و خالص این شرکت برابر [است با]:

(۱) ۱۷۵۰ میلیون ریال و ۱۴۵۰ میلیون ریال

(۲) ۳۸۰ میلیون ریال و ۸۰ میلیون ریال

(۳) ۲۵۰۰ میلیون ریال و ۲۲۰۰ میلیون ریال

(۴) ۲۴۲۰ میلیون ریال و ۲۱۲۰ میلیون ریال

۵ - هر چه حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره بیشتر باشد:

(۱) شیب منحنی عرضه کل کم‌تر خواهد بود.

(۲) شیب منحنی عرضه کل بیش‌تر خواهد بود.

(۳) شیب منحنی تقاضای کل کم‌تر خواهد بود.

(۴) شیب منحنی تقاضای کل بیش تر خواهد بود.

۶- بر اساس تئوری درآمد دائمی:

- (۱) ضریب فراینده کوتاه مدت کم تر از ضریب فراینده بلندمدت است.
- (۲) ضریب فراینده کوتاه مدت بزرگ تر از ضریب فراینده بلندمدت است.
- (۳) ضریب فراینده کوتاه مدت و بلندمدت یکسان می باشند.
- (۴) رابطه ای ندارند.

۷- اگر تابع سرمایه گذاری به صورت $I = 100 - 56i$ (نرخ بهره) و تابع تقاضای کل پول به صورت $L = 100i - 0.2Y + 70$ (درآمد ملی) باشند در آن صورت در وضعیت تعادل:

- (۱) ضریب فراینده بخش پولی بیش تر از ضریب فراینده بخش مالی است.
- (۲) ضریب فراینده بخش پولی کم تر از ضریب فراینده بخش مالی است.
- (۳) هر دو مساوی می باشند.
- (۴) با توابع داده شده قابل بررسی نیست.

۸- کاهش میل نهایی به واردات و افزایش حساسیت سرمایه گذاران در مقابل نرخ بهره:

- (۱) در یک جهت قدر مطلق شیب منحنی IS را کاهش می دهند.
- (۲) در یک جهت قدر مطلق شیب منحنی IS را افزایش می دهند.
- (۳) امکان دارد یکدیگر را خنثی کرده و شیب ثابت بماند.
- (۴) ارتباطی ندارند.

۹- کدام یک از عبارات زیر درست تر است؟

- (۱) کاهش سریع ارزش خارجی ریال نتیجه تورم داخلی است.
- (۲) تورم داخلی نتیجه کاهش سریع ارزش خارجی ریال است.
- (۳) ارتباط مستقیمی با یکدیگر ندارند.
- (۴) بین آنها یک تأثیر متقابل وجود دارد.

۱۰- فرض کنید که مالیاتها و مخارج دولت هر دو به یک میزان کاهش یابند، اگر نرخ مالیات بر درآمد صفر باشد، بنابراین:

- (۱) درآمد ملی و کسری بودجه تغییری نمی کند.
- (۲) کسری بودجه تغییری نمی کند ولی درآمد ملی کاهش می یابد.
- (۳) کسری بودجه تغییری نمی کند، ولی درآمد ملی افزایش می یابد.
- (۴) مصرف و مخارج دولتی هر دو به یک میزان کاهش می یابند.

۱۱- مفهوم نرخ بهره حداقل، با کدام یک از موارد زیر سازگاری دارد؟

- | | |
|-------------------------|------------------------|
| (۱) قسمت عمودی منحنی IS | (۳) قسمت افقی منحنی LM |
| (۲) قسمت عمودی منحنی LM | (۴) قسمت افقی منحنی IS |

۱۲ - اگر اقتصاد در دام نقدینگی باشد، بنابراین:

- (۱) منحنی عرضه کل (Aggregate Supply) عمودی است.
- (۲) منحنی تقاضای کل (Aggregate Demand) عمودی است.
- (۳) منحنی تقاضای کل (Aggregate Demand) افقی است.
- (۴) سیاست‌های پولی در تغییر در تقاضای کل تولید خیلی مؤثر است.

۱۳ - کدام یک از موارد زیر هزینه اجاره سرمایه را افزایش نمی‌دهد؟

- (۱) افزایش در نرخ استهلاک
- (۲) افزایش در نرخ بهره اسمی
- (۳) افزایش در نرخ بهره حقیقی
- (۴) افزایش در نرخ تورم انتظاری

۱۴ - در دوران تورم:

- (۱) تولید ناخالص ملی اسمی و تولید ناخالص ملی حقیقی هر دو با یک نرخ افزایش می‌یابند.
- (۲) تولید ناخالص ملی اسمی با نرخی سریع‌تر از تولید ناخالص ملی حقیقی افزایش می‌یابد.
- (۳) تولید ناخالص ملی اسمی آهسته‌تر از تولید ناخالص ملی حقیقی افزایش می‌یابد.
- (۴) ما نمی‌توانیم در مورد نرخ رشد این دو کمیت اقتصادی چیزی بگوئیم.

۱۵ - شاخص ضمنی تعدیل‌کننده GNP به صورت زیر می‌باشد،

- (۱) تولید ناخالص ملی اسمی تقسیم بر تولید ناخالص ملی حقیقی
- (۲) تولید ناخالص ملی اسمی ضربدر تولید ناخالص ملی حقیقی
- (۳) تولید ناخالص ملی اسمی منهای تولید ناخالص ملی حقیقی
- (۴) تولید ناخالص ملی اسمی به اضافه تولید ناخالص ملی حقیقی

۱۶ - فرض کنید که تابع مصرف به صورت $C = 150 + 0.85(Y - T)$ معلوم است و ضمناً تابع مالیات به صورت $T = T_0 + tY$ معین است. هر گاه T_0 در تابع مالیات به میزان یک واحد افزایش یابد، ابتدائاً مصرف:

- (۱) به میزان 0.85 واحد کاهش می‌یابد.
- (۲) به میزان 0.15 واحد افزایش می‌یابد.
- (۳) به میزان 0.15 واحد کاهش می‌یابد.
- (۴) به میزان 0.85 واحد افزایش می‌یابد.

۱۷ - بر اساس "فرضیه درآمد دوران زندگی" مودیگلیانی [مودیلیانی]، مصرف بستگی به:

- (۱) درآمد جاری دارد.
- (۲) درآمد و ثروت در طول عمر دارد.
- (۳) درآمد نسبی در مقایسه با حداکثر درآمد گذشته دارد.
- (۴) فقط به ثروت بستگی دارد.

۱۸ - اگر تابع مصرف به صورت $C = 100 + 0.8y$ باشد، کدام یک از عبارات زیر درست می‌باشد؟

- (۱) میل متوسط به مصرف ثابت است.

- (۲) با افزایش درآمد میل متوسط به مصرف کاهش می‌یابد.
- (۳) میل متوسط به مصرف همواره مساوی با میل نهایی به مصرف می‌باشد.
- (۴) میل متوسط به مصرف همواره کم‌تر از میل نهایی به مصرف است.
- ۱۹- اگر تابع تقاضای سفته‌بازی برای پول وجود نداشته باشد، در این صورت:
- (۱) سیاست پولی کاملاً بی‌اثر است.
- (۲) سیاست مالی کاملاً بی‌اثر است.
- (۳) سیاست‌های پولی و مالی کاملاً بی‌اثر هستند.
- (۴) سیاست‌های پولی و مالی دارای کارایی زیاد هستند.
- ۲۰- هر چقدر دستمزدها و قیمت‌ها از انعطاف‌پذیری بیش‌تری برخوردار باشند،
- (۱) منحنی فیلپس و عرضه کل دارای شیب کم‌تر خواهند بود.
- (۲) منحنی فیلپس و عرضه کل عمودی‌تر خواهند بود.
- (۳) منحنی فیلپس شیب کم‌تر و عرضه کل عمودی‌تر خواهد بود.
- (۴) منحنی فیلپس عمودی‌تر و عرضه کل شیب کم‌تر خواهد داشت.
- ۲۱- وقتی بانک مرکزی بخواهد عرضه پول را از طریق عملیات بازار باز افزایش دهد،
- (۱) اوراق قرضه دولتی را به بانک می‌فروشد.
- (۲) اوراق قرضه دولتی را از بانک‌ها می‌خرد.
- (۳) نرخ ذخایر قانونی بانک‌ها را افزایش می‌دهد.
- (۴) نرخ ذخایر قانونی بانک‌ها را کاهش می‌دهد.
- ۲۲- [در نتیجه] افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها، با توجه به اثر پیگو و در یک اقتصاد بسته،
- (۱) منحنی‌های IS و LM به طرف راست انتقال پیدا می‌کنند.
- (۲) منحنی IS به طرف چپ و پایین و منحنی LM به طرف چپ و بالا منتقل می‌شود.
- (۳) منحنی LM به طرف چپ و منحنی IS به طرف راست منتقل می‌شود.
- (۴) منحنی LM به طرف راست و منحنی IS به طرف چپ منتقل می‌شود.
- ۲۳- بر اساس تئوری درآمد و اشتغال کینز:
- (۱) اقتصاد نمی‌تواند در هر سطحی از اشتغال در تعادل باشد.
- (۲) اقتصاد می‌تواند به طور اتوماتیک به سمت سطح اشتغال کامل تعادلی حرکت کند.
- (۳) اقتصاد می‌تواند در هر سطحی از اشتغال در تعادل باشد.
- (۴) اقتصاد می‌تواند سطح اشتغال کامل تعادلی را حفظ نماید.
- ۲۴- اگر نرخ تورم ۱۸ درصد در سال باشد، سطح عمومی قیمت‌ها بعد از چند سال دو برابر خواهد شد؟

۲۵- در یک مدل اقتصادی،

- (۱) متغیرهای درونزا و برونزا هر دو در مدل ثابت هستند.
- (۲) متغیرهای درونزای متغیرهای برونزا اثر می‌گذارند.
- (۳) متغیرهای درونزا و برونزا در درون مدل محاسبه می‌شوند.
- (۴) متغیرهای برونزای متغیرهای درونزا اثر می‌گذارند.

۲۶- اگر عرضه پول به اندازه ۱۲ درصد افزایش یابد، سرعت گردش پول به اندازه ۴ درصد کاهش یابد، و سطح عمومی قیمت‌ها ۵ درصد افزایش یابد، در این صورت تغییر در GNP حقیقی به اندازه چند درصد باید باشد؟

- (۱) ۳ درصد (۲) ۴ درصد (۳) ۹ درصد (۴) ۱۱ درصد

۲۷- کدام یک از عبارات زیر صحیح است؟

- (۱) مجموع ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی منهای کارمزد احتسابی مساوی تولید خالص داخلی به قیمت عوامل تولید است.
- (۲) تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل تولید بعلاوه خالص درآمد عوامل تولید از خارج مساوی تولید خالص ملی به قیمت عوامل تولید [است].
- (۳) تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل تولید بعلاوه خالص مالیات غیرمستقیم مساوی تولید خالص ملی به قیمت بازار است.
- (۴) تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل تولید منهای استهلاک سرمایه مساوی درآمد ملی (تولید خالص ملی به قیمت عوامل تولید) است.

۲۸- فرض کنید که تابع مصرف $C = 200 + 0.7(Y - T)$ باشد، تابع مالیات $T = 100 + 0.2Y$ و Y به وسیله $Y = 50K^{0.5}L^{0.5}$ نمایش داده شود، همچنین $K = 100$ باشد. اگر L از ۱۰۰ واحد به ۱۴۴ واحد افزایش یابد، در این صورت مصرف افزایش پیدا خواهد کرد به اندازه،

- (۱) ۵۶۰ (۲) ۸۴۰ (۳) ۱۱۲۰ (۴) ۲۱۲۰

۲۹- با توجه به اطلاعات زیر، معادله IS و LM و درآمد ملی در تعادل عمومی چیست؟

$$C = 500 + 0.6Y_d \quad G = 500 \quad L_1 = 0.2Y \quad M^s = 500$$

$$T = 100 \quad I = 400 - 3i \quad L_2 = 20 - 2i$$

$$Y = 2942/86, \quad LM: Y = 2800 + 10i, \quad IS: Y = 3360 - 8i \quad (1)$$

$$Y = 2842/86, \quad LM: Y = 2400 + 20i, \quad IS: Y = 3400 - 7/5i \quad (2)$$

$$Y = 2952/86, \quad LM: Y = 2400 + 15i, \quad IS: Y = 3500 - 7/5i \quad (3)$$

$$Y = 2942/86, \quad LM: Y = 2400 + 10i, \quad IS: Y = 3250 - 7/5i \quad (4)$$

۳۰- تورم توام با رکود در کدام یک از حالات زیر قابل توضیح است؟

- (۱) حرکت بر روی منحنی فیلیس کوتاه مدت
- (۲) انتقال منحنی فیلیس کوتاه مدت
- (۳) تنها با منحنی فیلیس بلندمدت قابل توضیح است.
- (۴) از روی منحنی فیلیس نمی توان این نوع تورم را توضیح داد.

۳۱- اگر GNP تعادلی ۱۰۰ میلیون کم تر از GNP اشتغال کامل باشد و $MPC = \frac{4}{5}$ (میل نهایی به مصرف) باشد، سیاست مالی مناسب سیاستی است که:

- (۱) خریدهای دولت را ۲۵ میلیون افزایش دهد. (۳) مالیاتها را ۲۵ میلیون کاهش دهد.
- (۲) خریدهای دولت را ۲۰ میلیون کاهش دهد. (۴) مالیاتها را ۲۰ میلیون کاهش دهد.

۳۲- بر اساس قانون اوکان، دو درصد افزایش بیکاری، همراه با:

- (۱) کاهش ۲ درصد در محصول حقیقی است.
- (۲) کاهش محصول حقیقی کم تر از ۲ درصد است.
- (۳) کاهش محصول حقیقی بیش از ۲ درصد و کم تر از ۴ درصد است.
- (۴) کاهش محصول حقیقی تقریباً برابر ۶ درصد است.

۳۳- در مدلی با قیمت ها و دستمزدهای انعطاف پذیر و با اطلاعات کامل، افزایش مخارج دولت باعث،

- (۱) کاهش سطح دستمزدهای حقیقی می شود.
- (۲) کاهش دستمزدهای اسمی می شود.
- (۳) افزایش دستمزدهای اسمی تعادلی شده ولی دستمزدهای حقیقی بدون تغییر می ماند.
- (۴) هم دستمزد اسمی و هم دستمزد حقیقی افزایش می یابد.

۳۴- کدام یک از جملات زیر نادرست است؟

- (۱) از جمع پس اندازهای گذشته می توان به ثروت در هر نقطه ای از زمان رسید.
- (۲) پس انداز تغییر ثروت در طول زمان است.
- (۳) ثروت در حقیقت تشکیل سرمایه است.
- (۴) تشکیل سرمایه در حقیقت سرمایه گذاری است.

۳۵- مهم ترین فرض اساسی در نظریه شتاب ساده در مورد سرمایه گذاری این است که:

- (۱) نسبت سرمایه به کار ثابت است.
- (۲) نسبت سرمایه به تولید ثابت است.
- (۳) نسبت سرمایه به سرمایه گذاری ثابت است.
- (۴) نسبت تغییر سرمایه گذاری به تغییر تولید ثابت است.

۳۶- چنانچه ارزش فعلی خالص یک طرح سرمایه گذاری در نرخ تنزیل ۷ درصد برابر صفر باشد، در این صورت:

- (۱) نرخ بازده داخلی این طرح برابر با صفر درصد است.
 (۲) نرخ بازده داخلی این طرح برابر با ۷ درصد است.
 (۳) نرخ بازده داخلی این طرح بین صفر تا ۷ درصد است.
 (۴) نرخ بازده داخلی این طرح یک عدد منفی است.

۳۷- بر اساس فرضیه درآمد دائمی:

- (۱) درآمد جاری = درآمد موقتی + درآمد دائمی
 (۲) درآمد دائمی = درآمد جاری + درآمد بادآورده
 (۳) درآمد موقتی = درآمد دائمی + درآمد جاری
 (۴) درآمد جاری = درآمد مطلق + درآمد دائمی

۳۸- در کدام یک از معادلات IS زیر، سیاست پولی کاملاً بی‌اثر است؟

- (۱) $Y = 640 - 2000i$
 (۲) $Y = 640 - 1000i$
 (۳) $Y = 640$
 (۴) $Y = 640 - 500i$

۳۹- فرض کنید اشتغال کامل وجود داشته و نمودار عرضه کل عمودی باشد. کاهش مالیاتها،

- (۱) سطح قیمت و تولید حقیقی را افزایش می‌دهد.
 (۲) سطح قیمت را افزایش داده ولی هیچ تأثیری بر تولید حقیقی ندارد.
 (۳) تولید حقیقی را افزایش داده ولی هیچ تأثیری بر سطح قیمت ندارد.
 (۴) هیچ تأثیری بر سطح قیمت یا تولید ندارد.

۴۰- هنگامی اثر جایگزینی* (Crowding - out effect) ایجاد می‌شود که:

- (۱) کاهش عرضه پول موجب افزایش نرخ بهره شده و باعث جایگزین شدن آن قسمت از مخارج بخش خصوصی که نسبت به نرخ بهره حساسیت دارند، شود.
 (۲) افزایش مالیاتها در بخش خصوصی موجب کاهش درآمد قابل تصرف و مخارج بخش خصوصی شود.
 (۳) کاهش مالیات بر درآمد، نرخ بهره را افزایش داده و موجب جایگزین شدن مخارج بخش خصوصی حساس نسبت به نرخ بهره می‌شود.
 (۴) کاهش مخارج دولت موجب کاهش مخارج مصرف خصوصی می‌شود.

* برای این اصطلاح در فارسی، برابره‌های دیگری نیز از جمله "اثر برون‌رانی"، نهاده شده است.

**پاسخنامه سؤالات اقتصاد کلان، آزمون ورودی کارشناسی ارشد اقتصاد
سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴**

(۳)- ۳۳	(۴)- ۲۵	(۲)- ۱۷	(۴)- ۹	(۲)- ۱
(۳)- ۳۴	(۱)- ۲۶	(۲)- ۱۸	(۲)- ۱۰	(۱)- ۲
(۲)- ۳۵	(۴)- ۲۷	(۲)- ۱۹	(۳)- ۱۱	(۲)- ۳
(۲)- ۳۶	(۱)- ۲۸	(۲)- ۲۰	(۲)- ۱۲	(۱)- ۴
(۱)- ۳۷	(۴)- ۲۹	(۲)- ۲۱	(۴)- ۱۳	(۳)- ۵
(۳)- ۳۸	(۲)- ۳۰	(۲)- ۲۲	(۲)- ۱۴	(۱)- ۶
(۲)- ۳۹	(۳)- ۳۱	(۳)- ۲۳	(۱)- ۱۵	(۴)- ۷
(۳)- ۴۰	(۴)- ۳۲	(۳)- ۲۴	(۱)- ۱۶	(۱)- ۸

منابع اصلی مورد استفاده در طراحی این مجموعه:

- ۱ - تفضلی، فریدون؛ اقتصاد کلان؛ نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی؛ نشر نی، تهران، ۱۳۶۶.
- ۲ - جونز، هایول؛ درآمدی به نظریه‌های جدید رشد اقتصادی؛ ترجمه صالح لطفی؛ مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۳ - دورنبوش، رودریگر و فیشر، استانی؛ اقتصاد کلان؛ ترجمه دکتر محمدحسین تیزهوش تابان؛ انتشارات سروش؛ تهران، ۱۳۷۱.
- ۴ - روزبهان، محمود؛ یک کتاب درسی در تئوری اقتصاد کلان؛ ناشر (؟)؛ تهران، ۱۳۶۶.
- ۵ - زندگی حقیقی، منوچهر؛ تعادل و عدم تعادل اقتصادی؛ پیام؛ تهران، ۱۳۵۴.
- ۶ - سالواتوره، دومینیک؛ تئوری و مسائل اقتصاد بین‌الملل؛ ترجمه هدایت ایران‌پرور و حسن گلریز؛ نشر نی؛ تهران، ۱۳۶۸.
- ۷ - قدیری اصلی، باقر؛ پول؛ انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۴.
- ۸ - قدیری اصلی، باقر؛ پول؛ سیاست‌های پولی؛ کتابخانه فروردین، تهران، ۱۳۶۴.
- ۹ - کووک، پُل و پاتریک، کالین کرک؛ اقتصاد کلان در کشورهای در حال توسعه؛ ترجمه دکتر مرتضی ایمانی‌راد؛ انتشارات کالج؛ اراک، ۱۳۷۱.
- ۱۰ - گلیهی، فرد؛ نظریه و سیاست اقتصاد کلان؛ ترجمه دکتر مهدی تقوی؛ کتابخانه فروردین، تهران، ۱۳۶۶.
- ۱۱ - بروکس، جان و ایوانز، رابرت؛ سیاست‌های اقتصادی کلان؛ ترجمه دکتر عبدا... جیروند؛ انتشارات پایروس، تهران، ۱۳۶۷.
- 12- Branson, William H. ; Macroeconomic Theory and Policy; 2nd Edition, Harper & Row, New York, 1988.
- 13- Crouch, Robert L. ; Macroeconomics, Harcourt Brace Jovanovich, New York , 1972.
- 14- Dewett, K. K. , Modern Economic Theory, Shyam Lab Charitable Trust, New Delhi, 1992.
- 15- Edgmand, Michael R. ; Macroeconomics, Theory and Policy ; 2nd Edition, Prentice-Hall, Inc.; New Jersey, 1983.
- 16- Ethier, Wilfred J.; Modern International Economics, 2nd Edition, W. W. Norton & Company, Inc.; New York, 1988.

- 17- Jhingan, M. L.; *Advanced Economic Theory*; 8th Edition , Konark Publishers PVT LTD; Delhi, 1989.
- 18- Lindauer, John; *Macroeconomics*; John Wiley & Sons, Inc.; New York, 1971.
- 19- Vane, H. R. & Thompson, J. L. ; *An Intorduction to Macroeconomic Policy*, 4th Edition; Harvester Wheatsheaf, New York, 1993.
- 20- Wonnacott, Paul & Wonnacott, Ronald; *Economics*, 4th Edition; John Wiley & Sons, Inc., New York, 1990.



برخی از کتابهای منتشره از سوی انتشارات فلاح ت ایران:

□ نسخه‌های درمان با گیاهان داروئی از باغ خدا

"دکتر ابوالقاسم متین"

□ علم اقتصاد: پیشرفت، رکود یا انحطاط؟

"ج. س. گلاس ، و. جانسون (درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد)"

"ترجمه: محسن رنانی"

□ اقتصاد کار و نیروی انسانی

"دان بلانت ، مارک جکسون"

(انتخاب در بازارهای کار)

"ترجمه: محسن رنانی"

□ فرمولهای ساخت مواد آرایشی و بهداشتی در منزل

"دکتر ابوالقاسم متین"

□ کاربرد هواشناسی در کشاورزی

"مهندس غلامحسین نصوحی"

□ کشت خیار بکرزا در گلخانه‌ها و تونل‌های پلاستیکی

"دکتر محمود دامادزاده - مهندس علی تحویلی"

Macroeconomics

Testbook with the solutions

MOHSEN NAZARI (ph.D) - MOHSEN RENANI (ph.D)

